

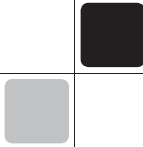
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس

نمینیران

سال دهم □ شماره سی و نهم □ زمستان ۱۳۹۰

صاحب امتیاز	مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران
مدیر مسئول	سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری
سر دبیر	دکتر حسین اردستانی
هیأت تحریریه	دکتر غلامعلی رشید - دانشگاه امام حسین (ع)؛ دکتر حسین علایی - دانشگاه امام حسین (ع)؛ دکتر محمود یزدان فام - پژوهشکده مطالعات راهبردی؛ سردار سرتیپ پاسدار حمید اصلانی
مدیر اجرایی	حسن دری
صفحه آرایی	سیدهادی خاوشی
ویراستار	هانیه مرشدی
ناظر چاپ	محمد بهروزی
نشانی	تهران، خیابان شریعتی، خیابان شهید وحید دستگردی (ظفر)، پلاک ۷۷
تلفن	۲۲۹۰۹۵۲۲
دورنگار	۲۲۹۰۹۵۳۸
پست الکترونیکی	neginiran@gmail.com
مرکز فروش	تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، مجتمع ناشران فخررازی
تلفن	انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس ۶۶۴۹۷۲۲۷ - ۶۶۴۹۵۵۷۲
قیمت	۱۵۰۰ تومان

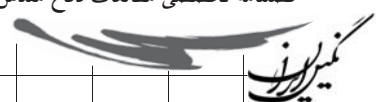


مشاوران علمی

- دکتر محسن رضایی دانشگاه امام حسین^(ع)
- دکتر رحیم صفوی دانشگاه امام حسین^(ع)
- امیر دریابان علی شمعخانی مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی
- سردار سرتیپ پاسدار حسین سلامی
- دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر علی اکبر کجباف (دانشگاه اصفهان)
- سردار سرتیپ پاسدار جمال آبرومند
- سردار سرتیپ پاسدار محمد پاکپور
- سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفاری
- محمد درودیان
- محسن رخصت طلب

مقاله‌ها و مطالب درج شده در فصلنامه نگین ایران بیانگر دیدگاه نویسندگان آنهاست.

استفاده از مطالب این فصلنامه با ذکر مأخذ آزاد است.



مقالات

- خلاقیت + طراحی و برنامه‌ریزی در عملیات والفجر ۸ ۵ دکتر حسین اردستانی
- تردید و ابهام درباره عملیات والفجر ۸ (جلسه فرماندهان عالی سپاه در آبان ۶۴) ۱۹ تنظیم: سعید سرمدی
- انهدام لشکر گارد جمهوری روی جاده‌ی فاو - بصره ۴۵ یحیی نیازی
- فرازی از تاریخ جنگ در عملیات والفجر ۸ ۷۱ دکتر حسین اردستانی
- بررسی وضعیت دشمن در عملیات والفجر ۸ ۸۳ مهدی خداوردی‌خان

همایش

- نقش لشکر ویژه ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸ ۱۰۳ احسان حسینی‌نسب

اسناد

- عملیات والفجر ۸ به روایت اسناد ۱۱۵ حسن دری

معرفی کتاب

مریم حاج محمدی

- شهادت مهدی باکری ۱۳۱
- شهادت حسن باقری ۱۳۳
- درس‌هایی از جنگ مدرن - جلد دوم ۱۳۴

بررسی و نقد کتاب

- ارتش در فاو ۱۳۷ حسن دری



خلاقیت + طراحی و برنامه‌ریزی در عملیات والفجر ۸

دکتر حسین اردستانی*

چکیده	عملیات والفجر ۸، در مثلث عملیات‌های مهم راهبردی جنگ تحمیلی قرار دارد: "عملیات بیت‌المقدس، عملیات کربلای ۵ و عملیات والفجر ۸". این عملیات، اوج خلاقیت، طراحی و برنامه‌ریزی فرماندهان در اندیشه‌ی دفاعی و نظامی برآمده از انقلاب به شمار می‌رود. در نوشته‌ی پیش رو، سه مؤلفه‌ی مذکور، به اجمال بررسی شده‌اند. همچنین درباره‌ی این موضوع بحث شده است که شکست‌ها و پیروزی‌ها امری نسبی و شکست‌ها زمینه‌ساز و یک عامل تأثیرگذار بر پیروزی‌ها بوده‌اند.		

طرح مسئله

در دوران هشت‌ساله‌ی جنگ تحمیلی، رویدادها و عملیات‌های گوناگونی رخ داده است از جمله: تجاوز عراق، مخالفت امام خمینی با مذاکره و برقراری آتش‌بس، مقاومت ملی در برابر متجاوز، شکست در مرحله‌ی اول آزادسازی، عملیات محدود، آزادسازی مناطق اشغالی، قرار گرفتن عراق در آستانه‌ی فروپاشی پس از فتح خرمشهر، ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق، توقف ماشین نظامی ایران در عملیات رمضان (تیر ۱۳۶۱)، ناکامی ایران در عملیات والفجر مقدماتی، جنگ در تپه ماهورهای جبال‌حمرین (فروردین ۱۳۶۲) با استراتژی پیروزی خون بر شمشیر، اجرای عملیات شناسایی در هورالهویزه،

ابتکار جدید ایران، تصرف جزایر مجنون، شکست ایران در عملیات بدر، حماسه‌ی اروندرود و فاو، حمله‌ی شیمیایی عراق، جنگ شهرها، حمله‌ی عراق به جزیره‌ی نفتی خارک، جنگ نفت‌کش‌ها، ماجرایی مک‌فارلین، تشکیل نیروهای زمینی، هوایی و دریایی سپاه، ناکارآمدی میراژها و جنگنده‌ها در نبرد هوایی فاو و سقوط ۴۳ فروند از آن‌ها، دفاع متحرک ارتش عراق، حملات سازمان منافقین به خط‌های دفاعی ارتش، تلافی امریکا در عملیات کربلای ۴ به جبران رسوایی در ماجرایی مک‌فارلین، عملیات کربلای ۵ و شکست راهبردی عراق در شلمچه، جنگ در شمال غرب کشور (عملیات‌های کربلای ۱۰، نصر ۴ و ۵،

* مسئول مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و راوی مرکز در قرارگاه خاتم‌الانبیا در دوران دفاع مقدس.

سال دهم □ شماره سی و نهم □ زمستان ۱۳۹۰



ایستاده از راست: غلامرضا صالحی، اصغر کاظمی، ... مهدی مبلغ، ... سیدرحیم صفوی، ... عبدالحمید رئوفی
نشسته از راست: غلامرضا محرابی، محمد باقری، ... محمدباقر قالیباف، نورعلی شوشتری

نصر ۸ و بیت المقدس ۲) اقدام اروپا و امریکا به محاصره‌ی اقتصادی و تحریم تسلیحاتی ایران به منظور تسلیم شدن این کشور، تصویب قطع‌نامه‌ی ۵۹۸ و تشدید فشار به ایران، درگیری نظامی ایران و امریکا در خلیج فارس، برخورد نفت‌کش تحت اسکورت بریجتون با مین، کاهش شدید قیمت نفت تا مرز هر بشکه ۵/۵ دلار در سال ۱۳۶۵، راه‌پیمایی روز قدس در سال ۱۳۶۵ با وجود اقدام

سرنوشت‌ساز ایران مانند ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، خیبر، والفجر ۸، کربلای ۵ و ده‌ها رویداد و موضوع دیگر.

در میان رویدادها و عملیات‌های دوران دفاع مقدس که به برخی سرفصل‌های آن اشاره شد، عملیات والفجر ۸ جایگاه مهم و برجسته‌ی دارد و اقدامات قبل و بعد خود را معنا و جهت بخشیده است. این عملیات را به لحاظ تأثیرگذاری، تنها با عملیات بیت‌المقدس می‌توان مقایسه کرد. اگرچه عملیات بیت‌المقدس، به مراتب دارای اهمیت بیش‌تری است. با در نظر گرفتن عملیات کربلای ۵ در شلمچه شاید بتوان گفت، جنگ عراق و ایران در بخش نظامی و عملیاتی، با این سه عملیات در اوج قرار گرفته است. این سه عملیات از نظر خلاقیت، طراحی و برنامه‌ریزی و دستاوردها، تأثیر کلیدی و مهمی داشته‌اند. با این حال به زعم نگارنده، عملیات والفجر ۸ را به لحاظ پیچیدگی، تفکر و اندیشه‌ی راهبردی، با هیچ یک از عملیات‌های جمهوری اسلامی ایران و عراق در دوران جنگ تحمیلی نمی‌توان مقایسه کرد.

عراق به موشک‌باران و بمب‌باران‌های شهرها، سقوط هلی‌کوپتر امریکا در خلیج فارس، اصابت موشک به بندر الاحمدی کویت، عملیات والفجر ۱۰ تراژدی در شمال غرب، نیامدن عراق از جنوب به شمال در سال ۱۳۶۶ و در جریان عملیات والفجر ۱۰، تراژدی بشری در قرن بیستم (پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم) در بمب‌باران شیمیایی حلبچه به دستور صدام حسین، حمله‌ی عراق به فاو و بازپس‌گیری آن (۲۸ فروردین ۱۳۶۷) هم‌زمان با حمله‌ی نظامی امریکا به چاه‌های نفت ایران و ناوهای ارتش در خلیج فارس، کاربرد عامل سیانور در حمله‌ی شیمیایی عراق به فاو، حمله‌ی عراق و تصرف شلمچه و جزایر مجنون، عقب‌نشینی ایران از مناطق تصرف شده در خاک عراق، ورود مجدد عراق به خاک ایران تا نزدیکی غرب دزفول، شلمچه و خرمشهر، عملیات منافقین در جبهه‌ی غرب به طرف کرمانشاه با هدف تصرف تهران (۳ مرداد ۱۳۶۷)، انهدام منافقین در تنگه‌ی چهارزبر در عملیات مرصاد، عقب راندن ارتش عراق از جبهه‌های جنوب و عملیات‌های بزرگ و

عملیات کربلای ۳ در شمال خلیج فارس روی اسکله‌های البکر و العمیه داشته‌اند. با این دیدگاه، در تحلیل عملیات‌های دفاع مقدس می‌توان گفت نه عملیات‌های خیبر و بدر ناموفق بوده‌اند و نه عملیات والفجر ۸ بدون وابستگی به این دو عملیات، به چنین پیروزی بزرگی دست می‌یافت. بنابراین، ریشه و پیشینه‌ی فتح فاو به همت نیروهای سپاه پاسداران را باید در دستاوردهای تجربی، روشی، سازمانی و اندیشه‌ی خیبر و بدر جست و جو کرد. قبل از عملیات خیبر و بدر، سپاه تجربه‌ی عملیات آبی - خاکی نداشت و پس از ورود سپاه به هورالهویزه و

نگارنده در این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که چه ویژگی‌هایی، عملیات والفجر ۸ را از سایر عملیات‌ها متمایز کرده است؟ پاسخ و فرضیه‌ی مقاله معطوف است به عامل ریسک‌پذیری و خلاقیت و طراحی و برنامه‌ریزی که توانست ریاضی‌گونه عملیات را طراحی و به اجرا گذارد و بزرگ‌ترین پیروزی دوران جنگ تحمیلی را به ارمغان آورد. در این جا ابتدا پیشینه‌ی عملیاتی، سپس متغیرهای مورد نظر بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شوند.

پیشینه: پیوستگی عملیات‌ها

پیوستگی عملیات‌ها از نظر ماهیت، روش و نتایج، موضوع مهمی در تحلیل‌های دفاع مقدس به شمار می‌رود که در بررسی عملیات‌های دوران جنگ از آن غفلت شده است. بنابراین، برخی عملیات‌ها پیروز و برخی دیگر با مفهوم شکست، ناکامی یا عدم‌الفتح تفسیر و تحلیل می‌شوند. با وجود مستقل بودن هر عملیات به منزله‌ی یک واحد جدا از سایر عملیات‌ها، پیوستگی عملیات‌ها نیز موضوع بسیار مهمی است که پیروزی‌ها یا شکست‌ها را امری نسبی نشان دهد. از ابتدای تجاوز عراق تا پایان جنگ، پیروزی‌ها از دل شکست‌ها بیرون آمده و مانند یک چرخه، تحولات دوران دفاع مقدس را پوشش داده است.

برای مثال، شکست ارتش در عملیات‌های آزادسازی، پیروزی ایران در چهار عملیات بزرگ ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس را در پی داشت که مبتنی بر تحول در راهبرد، روش و سازمان بود. در واقع این موفقیت‌ها ریشه در تجربه‌ی آن ناکامی‌ها و نیز تفکر جدید و خلاق داشت. همچنین ناکامی در عملیات‌های رمضان و والفجر مقدماتی سبب ایجاد تحول جدیدی در جنگ و ورود رزمندگان به آب‌های هورالهویزه شد. موفق نبودن عملیات‌های خیبر و بدر در هور نیز، نقش کلیدی و مهمی در پیروزی والفجر ۸ و

عملیات والفجر ۸ اوج خلاقیت، طراحی و برنامه‌ریزی فرماندهان در اندیشه‌ی دفاعی و نظامی برآمده از انقلاب به شمار می‌رود

حدود ۲۷ ماه فعالیت درون آب‌های راکد هور و هوا تست عملی و ذهنی فرماندهان با قایق و غواص و آب و نیز آموزش و عادت و انطباق‌پذیری فرماندهان و رزمندگان با زندگی و جنگ در آب سبب شد که در سیر تکاملی این راهبرد عملیاتی، عبور از اروندرود از ذهن فرماندهی عالی سپاه جا باز کند. تجربه‌ی

استفاده از قایق و آشنایی با ابزارهای غواصی به فرماندهان سطوح مختلف و رزمندگان این امکان را داد که پرریسک‌ترین اقدام دوران جنگ را رقم بزنند. با حذف عملیات‌های خیبر و بدر و تجربه‌ی هور، ورود اروندرود به ذهن فرماندهی سپاه برای عملیات ناشدنی بود و در صورت توجه به آن نیز امکان موفقیت آن بسیار کم بود، همان‌گونه که عملیات خیبر به دلیل نداشتن چنین تجربه‌ی، به موفقیت کامل دست نیافت و تنها به تصرف جزایر مجنون محدود شد. بنابراین نتایج عملیات‌های خیبر و بدر را باید در فاو مشاهده کرد و پیروزی فاو

عملیات فاو در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۴ کلید خورد و حدود ۹ ماه بعد در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ آغاز شد. در واقع طراحی، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی این عملیات به زمان زیادی نیاز داشت و فرماندهان سطوح مختلف حدود ۲۷۰ روز وقت صرف کردند تا دقیق‌ترین عملیات نظامی دفاع مقدس انجام شود. یک عامل مهم در چنین دقت و ورود به جزئیات از طرف فرماندهان و مدیران واحدها

نگارنده در این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که چه ویژگی‌هایی، عملیات والفجر ۸ را از سایر عملیات‌ها متمایز کرده است؟ پاسخ و فرضیه‌ی مقاله معطوف است به عامل ریسک‌پذیری و خلاقیت و طراحی و برنامه‌ریزی که توانست ریاضی‌گونه عملیات را طراحی و به اجرا گذارد و بزرگ‌ترین پیروزی دوران جنگ تحمیلی را به ارمان آورد

موفقیت عملیات والفجر ۸ که در پی طراحی و برنامه‌ریزی مناسب حاصل شد، افق جدیدی در جنگ گشود که در روند آتی جنگ در ابعاد گوناگون مؤثر بود.

آغاز شناسایی در هورالهویزه و اجرای عملیات خیر
ابتکاری جدید پس از فتح خرمشهر بود که تنها به
تصرف جزایر منجر به انجامید و هدف‌های راهبردی



حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) هنگام صحبت با غواص‌ها؛ ۱۳۶۴/۱۰/۲۰

پیچیدگی‌هایش موجب شکل‌گیری این ذهنیت در فرماندهان عراقی شده بود که عبور چند لشکر نظامی از رودخانه‌ی اروند به منظور اجرای عملیات امکان‌ناپذیر است. نتیجه‌ی چنین دیدگاهی، غافل‌گیری عراق بود که برای اجرای عملیات و موفقیت آن یک ضرورت مبرم به شمار می‌رفت. آنچه به این غافل‌گیری عمق بخشید دو ابتکار کارساز فرماندهان سپاه

نبرد بود. گزینش منطقه‌ی رأس‌البیشه و فاو تا کارخانه‌ی نمک برای اجرای عملیات، مبتنی بر اندیشه و انطباق توان با زمین و هدف بود. توان نظامی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ تسلیحات، تجهیزات، قدرت آتش و... در برابر عراق توازن نداشت. بنابراین، نیروهای ایران می‌بایست در منطقه‌ی با دشمن می‌جنگیدند که دارای آسیب‌پذیری و ضعف کم‌تر بودند و از سوی دیگر قدرت نظامی و توانایی ارتش عراق محدود می‌شد. این ویژگی در منطقه‌ی مورد نظر وجود داشت و فرمانده سپاه با تأمل در این خصوص، به این نتیجه رسید که با وجود ریسک و خطر، این منطقه می‌تواند موجب بروز توانایی‌های ایران و محدودیت‌های عراق شود. منطقه‌ی عملیاتی فاو از سه طرف در آب محصور شده بود: خورعبدا... در غرب، رودخانه‌ی اروند در شرق و خلیج فارس در جنوب. عراق فقط از سمت شمال می‌توانست حمله‌ی نظامی کند که در این سمت نیز وجود کارخانه‌ی نمک مانعی جدی به شمار می‌رفت و ارتش عراق می‌بایست در محدوده‌ی

بود: اول مبادرت به عملیات فریب در منطقه‌ی هورالهویزه، یعنی جایی که در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ دو عملیات بزرگ خیبر و بدر انجام گرفته بود. بر اثر تجمع، ستون‌کشی و... در این منطقه، ارتش عراق پنداشت احتمالاً عملیات امسال ایران نیز در هورالهویزه انجام خواهد شد. دوم، اجرای تک پشتیبانی در جزیره‌ی ام‌الرصاص. اجرای عملیات در این محور به دلیل داشتن موقعیتی استراتژیک ذهن فرماندهان عراقی را به عملیات جدید ایران در منطقه‌ی فاو به کلی منحرف کرد و آن‌ها را به این جمع‌بندی رساند که عملیات ایران یا در هورالهویزه است یا در ام‌الرصاص نزدیک بصره و چون حمله‌ی ایران در ام‌الرصاص آغاز شده بود، آنان اجرای عملیات ایران در این منطقه را قطعی دانستند، به خصوص که سپاه پاسداران، عزیز جعفری فرمانده قرارگاه نجف را که یکی از قابل‌ترین فرماندهان به شمار می‌رفت، برای فرماندهی این عملیات برگزیده بود.

عامل دیگری که سبب شد عملیات والفجر ۸ ابتکاری بدیع محسوب شود، انتخاب زمین عرصه‌ی



از چپ: محسن رضایی، حسن آقایی، حسین خرازی؛ منطقه عملیاتی فاو؛ ۱۳۶۴/۱۲/۲۰

به عرض حدود ۷ کیلومتر از جاده‌ی بصره - فاو (جاده‌ی استراتژیک) تا جاده‌ی البحار واقع در کنار ساحل اروند وارد می‌شد. در این محدوده عراق بیش‌تر می‌بایست به جاده‌های مذکور اتکا می‌کرد. این موضوع بر آسیب‌پذیری دشمن می‌افزود، زیرا در زمستان زمین منطقه به گونه‌ی بود که امکان مانور تانک را دشوار می‌کرد. بنابراین، انتخاب منطقه‌ی که سه

طرف آن برای حمله‌ی

دشمن قابل استفاده نباشد، یک خلاقیت به شمار می‌رفت و نشان می‌داد که فرماندهان سپاه در انتخاب زمین مناسب، هدف استراتژیک و منطبق بر توان نظامی ایران، دارای مهارت هستند.

طراحی عملیات

صعوبت عملیات در فاو بیش از هر امر دیگری طراحی و لحاظ کردن جنبه‌های اساسی عملیات را ضرورت می‌بخشید تا خطرهای متصور، عملیات را تحت تأثیر قرار ندهد و امکان موفقیت و مقابله با دشمن در موقعیت‌های سخت افزایش یابد. مهم‌ترین موضوعات مندرج در طراحی عملیات عبارت بودند از:

۱. آماده‌سازی زمین بدون استقرار سلاح و تجهیزات.
۲. تغییر در فرماندهی سطوح میانی و یگان.
۳. به کارگیری یگان‌های توانمند در مرحله‌ی دوم.
۴. پیش‌بینی اجرای آتش روی دشمن از مبدأ حرکت تا ورود به عرصه‌ی درگیری.

۵. چگونگی شکستن خط.
۶. وارد نشدن به شهر فاو.
۷. پیش‌بینی خط‌های دفاعی با تأکید بر خط عاشورا در جلو شهر فاو.
۸. دفاع ضد هوایی.
۹. آوردن امکانات دولت پای کار.
۱۰. وحدت فرماندهی.
۱. یکی از مشکلات اساسی در طراحی عملیات، آماده‌سازی زمین برای اجرای عملیات و مقابله با دشمن همراه با رعایت اصل غافل‌گیری بود. بی‌تردید فرماندهان می‌بایست آمادگی را فدای غافل‌گیری می‌کردند، اما عقب‌ماندگی بیش از حد در آمادگی نیز روی دیگر سکه بود که باید برای آن تدبیری اندیشیده می‌شد. مذاقه و بحث و گفت‌وگو فرماندهان سپاه را به این مهم رهنمون کرد که اقدامات محدودی در جهت ایجاد زیرساخت‌ها و آماده‌سازی زمین برای استقرار تانک، توپ، دفاع ضد هوایی و... انجام شود و هیچ‌گونه سلاحی تا روز عملیات وارد منطقه نشود. علاوه بر این، برای این که

عراق که روی جاده از بصره به طرف فاو حرکت می کردند به خصوص پس از خسروآباد در تیررس کامل آتش سبک ایران و در برخی موقعیت ها در تیررس آتش خمپاره قرار داشتند. فرماندهان سپاه در طراحی عملیات با زیرکی این نکته را در نظر گرفته بودند و از این طریق تلفات و ضربه های عمده یی بر ارتش عراق وارد کردند.

۵. چگونگی شکستن خط موضوعی مهم و دغدغه ی فرماندهان در همه ی عملیات ها به شمار می رفت. این موضوع در عملیات والفجر ۸ به اندازه ی سایر ابعاد عملیات اهمیت داشت و اساساً طی کردن دیگر مراحل و تحقق اهداف مورد نظر در

گرو عبور از رودخانه ی اروند و شکستن خط عراق در حاشیه ی ساحل غربی این رودخانه بود. در طراحی عملیات مسئولیت شکستن خط، به غواص ها واگذار شد، با این حال، سه فرض در شکستن خط مورد توجه قرار گرفت:

۱. شکستن خط با تلاش غواص ها هم راه با غافل گیری انجام گیرد.

۲. شکستن خط با غافل گیری

شروع شود، اما طرح لو برو و به جای غواص ها از آتش استفاده و بدین ترتیب خط شکسته شود.

۳. در صورت غافل گیری نشدن دشمن، با به کارگیری آتش تانک، خمپاره و تیربار خط شکسته شود.^۳

۶. مهم ترین هدف عملیات والفجر ۸، تصرف شهر فاو بود. با این که جمعیت کمی در شهر وجود داشت و اکثر مردم از قبل شهر را ترک کرده بودند، اما در طراحی عملیات، ورود به شهر متفی و تصمیم گرفته شد که لشکرهای ۲۵ کربلا و ۴۱ ثارالله^(ع) از شمال و جنوب شهر، آن را دور بزنند و خود را به پایگاه

دشمن پی نبرد که ایران مواضع توپخانه و تانک احداث کرده است، مهندسی اقدام به ایجاد مواضع به صورت جاده و در طول کرد و از ایجاد زیرساخت نقطه یی پرهیز نمود. از این رو در طراحی نیز ابتکار عمل مشهود بود. بنابراین، صبح روز عملیات (۲۰ بهمن ۱۳۶۴) به تدریج توپخانه ی زرهی و ... وارد منطقه شدند و به دلیل عقب ماندگی که ناشی از تأخیر در ورود بود، دو سه روز پس از عملیات به طور کامل استقرار یافتند و اتفاقاً دشمن هم در این سه روز به دلیل غافل گیری و فریب برای مقابله با رزمندگان وارد منطقه ی فاو نشد و عملیات ایران را فریب پنداشت.

۲. عملیات فاو جزو محدود عملیاتی هایی بود که میان فرماندهان سپاه اختلاف نظر جدی به وجود آمد و سبب حذف و جا به جایی برخی آنان گردید و در شکستن خط نیز بعضاً از یگان های درجه دو استفاده شد.

۳. در عملیات فاو، فرمانده سپاه همه ی توان لشکرهای خود را برای مرحله ی اول و شکستن خط، توسعه ی سرپل، الحاق و گسترش به کار نگرفت، بلکه چند یگان توانمند مانند لشکر ۸ نجف، لشکر ۲۷ حضرت رسول^(ص) و لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب^(ع) را برای مرحله ی دوم و رفتن به عمق و تشکیل خط در محور کارخانه ی نمک تا اروند و در محور جاده ی ام القصر در نظر گرفت. چنین تدبیری در طراحی عملیات، از روز دوم و سوم به بعد بسیار کارساز واقع شد و قدرت دفاع و تثبیت خط را بسیار افزایش داد.

۴. ساختار جغرافیایی منطقه ی بصره - فاو در عراق و آبادان - اروندکنار در ایران با مانع حائل رودخانه ی اروند و به خصوص جاده های ارتباطی در سمت عراق، موقعیت کم نظیری را برای ایران به وجود آورده بود که بتواند از ده ها کیلومتر قبل از میدان درگیری، بر تحرک ارتش عراق اشراف آتش داشته باشد و برعکس، بدترین وضعیت ممکن را برای دشمن پدید آورد. بنابراین، یگان های ارتش

ریشه و پیشینه ی فتح فاو به همت نیروهای سپاه پاسداران را باید در دستاوردهای تجربی، روشی، سازمانی و اندیشه یی خیبر و بدر جست و جو کرد

و فعال شدن در معرض حمله‌ی گروهی هواپیماهای عراقی و انهدام قرار می‌گرفت. برای مصون ماندن سایت از حملات احتمالی، افسران نیروی هوایی ارتش تصمیم گرفتند سایت را خاموش کنند و فعال شدن آن را منوط به اعلام سایت مستقر در امیدیه بدانند و با اعلام آن سایت، سایت مستقر در منطقه را روشن کنند تا به شلیک مبادرت ورزد. این تاکتیک و ابتکار عمل مؤثر افتاد و ۴۳ هواپیمای عراقی در آسمان عملیاتی فاو سرنگون شد.^۴

موشکی، جاده‌ی ام‌القصر و جاده‌ی استراتژیک برسانند و از آن‌جا به تدریج وارد شهر شوند و در صورت مقاومت احتمالی به پاک‌سازی آن بپردازند. با این حال، همان روز اول رزمندگان وارد شهر و مسجد آن شدند، زیرا مردم در شهر حضور نداشتند.

۷. با توجه به پیچیدگی‌های ارون‌دود و دشواری پشتیبانی از میدان نبرد، فرماندهی سه خط دفاعی را روی کالک و نقشه ترسیم کرد: خط اول، حدود ۲۰ کیلومتر جلو شهر. خط دوم، حد فاصل این خط و

کارخانه‌ی نمک و خط سوم، از کارخانه‌ی نمک به سمت رودخانه‌ی ارون‌د. خط سوم هدف نهایی عملیات انتخاب و خط اول آخرین خط مقاومت در نظر گرفته شد. از همه‌ی فرماندهان سطوح میانی و یگان‌ها نیز خواسته شد که در خط اول مقاومت را تا مرز شهادت ادامه دهند و به هیچ وجه عقب‌نشینی نکنند. به همین دلیل، اسم خط اول، عاشورا گذاشته شد.

۸. دفاع ضد هوایی یکی از شروط موفقیت عملیات و حفظ پیروزی محسوب می‌شد. به همین دلیل، از نیروی هوایی ارتش خواسته شد که سایت هاوک را در منطقه ایجاد کند. اما سایت در صورت روشن



جمهوری اسلامی در آن می‌جنگید مستلزم توجه به ابعاد و جزئیات امور کم اهمیت و پر اهمیت بود، زیرا در اتصال زنجیره‌ی رویدادها و مسائل به یک‌دیگر، حتی برخی امور عادی نیز می‌توانست بر سرنوشت عملیات یا وضعیت بخشی از آن تأثیرگذار باشد. در برنامه‌ریزی فرماندهان و مدیران ستادی و معاونت‌های رزمی قرارگاه‌ها و یگان‌ها به صدها متغیر توجه شد که همه‌ی آن‌ها بررسی شدند.

چند عامل مهم که بدون کار جدی و گسترده روی آن‌ها موفقیت عملیات در معرض ابهام قرار می‌گرفت، عبارت بودند از:

۱. شناسایی کامل.

۲. مانور و آمادگی یگان‌ها

به طور جزئی.

۳. مطالعه و شناخت علمی

و تجربی درباره‌ی وضعیت‌های

گوناگون رودخانه‌ی اروند.

۴. حفاظت و اطلاعات.

۵. پشتیبانی نیروها بدون

پل و جاده.

۶. انتقال وسایل مهندسی،

توپ و تانک.

۷. نصب پل روی رودخانه.

۸. هماهنگی‌ها.

۱. سرنوشت عملیات بیش از هر عامل دیگری، در گرو عبور از اروندرود و شکستن خط دشمن بود. برای دست یافتن به این مهم، می‌بایست در جهت شناسایی ساحل، توانایی و استعداد دشمن، موانع احتمالی و وضعیت آب در ساعات مختلف شب تلاش می‌شد. همچنین لازم بود همه‌ی یگان‌هایی که می‌بایست در شب اول عملیات خط را می‌شکستند شناسایی دقیق و گسترده‌ی در خصوص چگونگی اتصال غواصان به یک‌دیگر بدون برهم خوردن سازمان آن‌ها و این که چه نقاطی برای ورود به

۹. از نظر فرماندهان حضور دولت در پشتیبانی و رفع نیازهای عملیات والفجر ۸، متغیری مستقل و مهم در سرنوشت عملیات به شمار می‌آمد. به همین دلیل، از دولت خواسته شد در زمینه‌ی ترابری، مهندسی، ورود صنایع کشور برای ساخت پل و نصب آن روی رودخانه‌ی اروند و دیگر امور وارد عمل شود و مسئولیت بپذیرد. بدین منظور، آقای حسن فیروزآبادی معاون دفاعی نخست‌وزیر وارد منطقه شد و هماهنگی‌های لازم جهت رفع نیازهای عملیات را آغاز کرد. علاوه بر این، وزارت صنایع و جهاد و سپاه و... نیز با حضور در منطقه به اجرای هر چه بهتر عملیات فاو کمک کردند و پشتیبانی‌های لازم را تا حدودی انجام دادند.

۱۰. در این عملیات فرماندهی واحد و اجرای عملیات توسط یک سازمان، جای‌گزین روش مرسوم در عملیات‌های گذشته شد و سپاه و فرمانده آن به طراحی و برنامه‌ریزی عملیات پرداختند و ارتش با پشتیبانی هوایی، دفاع ضد هوایی و به کارگیری هوانیروز و توپخانه به عملیات کمک کرد. آقای رضایی می‌گوید: «مدت‌ها بود با دوستان ارتش نمی‌توانستیم در چارچوب فرماندهی مشترک مانند عملیات بیت‌المقدس عمل کنیم و پیروز شویم. عملیات بدر آخرین عملیات سپاه و ارتش با فرماندهی مشترک بود. در عملیات والفجر ۸ و پس از آن، نوعی فرماندهی مستقل طراحی شد. در طراحی جدید هم مناطق مستقل بود و هم برنامه‌ریزی و فرماندهی عملیات و از توپخانه، نیروی هوایی و پدافند ارتش در عملیات والفجر ۸ استفاده کردیم.»^۹

برنامه‌ریزی

ابتکار و خلاقیت فرماندهی و طراحی عملیات نیازمند برنامه‌ریزی اجرایی بود. با توجه به پیچیدگی عملیات، مانور، رودخانه، پشتیبانی از رزمندگان و تشکیل خط دفاعی، در سخت‌ترین زمینی که تا کنون

انتخاب رودخانه‌ی اروند برای عبور و تصرف شهر فاو واقع در جنوبی‌ترین نقطه‌ی عراق و در شمال خلیج فارس، نوعی ابتکار و خلاقیت اندیشه‌ی نظامی فرماندهان سپاه در سال ۶۴ به شمار می‌رفت، بنابراین، مهم‌ترین متغیر ابتکار و خلاقیت در این عملیات را می‌توان در اروندرود جست‌وجو کرد

مشاهده کرده بودند. این حضور موجب افزایش روحیه و دل‌گرمی بیش‌تر آنان و توجه به اهمیت کاری که باید انجام دهند نیز شد.

۳. معضل و مانع بزرگ عملیات، رودخانه‌ی اروند بود. اروند که ابتکار و خلاقیت عملیات محسوب می‌شد، کانون دلهره و نگرانی هم بود. به همین دلیل، فعالیت وسیع و دقیقی به منظور شناسایی و بررسی آن انجام شد و اطلاعات و عملیات، مهندسی، فرماندهان و... هرکدام با توجه به مأموریت خود روی اروند تمرکز کردند. همچنین اطلاعات علمی موجود درباره‌ی جهت‌های آب، سابقه‌ی رودخانه و عمق آن، شدت آب و بارندگی‌های منطقه از استان و تهران کسب شد، با این حال، روش فرماندهان و مدیران سپاه علاوه بر رویکرد علمی به برنامه‌ریزی جنگ، بر تجربه و مشاهده‌ی عینی نیز استوار بود. بنابراین، در سطح قرارگاه مرکزی و یگان‌ها، مسئولان مربوطه کوشیدند با مشاهده و سنجش دقیق موضوعات و جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای برنامه‌ریزی، درباره‌ی رودخانه‌ی اروند آگاهی پیدا کنند. برای مثال برادر طوسی (شهید) مسئول اطلاعات لشکر ۲۵ کربلا درباره‌ی عبور و شناسایی نقطه‌یی از رودخانه چنین گفت: «برای حل این مشکل دو حالت بود که ما می‌توانستیم از آن استفاده کنیم. یکی در زمانی که آب در حالت مدّ راکد بود، این زمانی است که مدّ تمام شده و می‌خواهد به جزر تبدیل شود. در این فاصله به اندازه‌ی نیم تا یک ساعت آب به صورت راکد می‌ماند. در این فاصله زمان خوبی است که غواص به راحتی می‌تواند عبور از اروند را انجام دهد. معمولاً شناسایی ما در زمان مدّ راکد بود. وی در خصوص مشاهدات عینی خود و تیمی که روی حالت‌ها و وضعیت آب اروند در محدوده‌ی لشکر ۲۵ کربلا کار می‌کردند، افزود: «مدّ راکد در ماه چهار دوره دارد. دو دوره در شب و دو دوره در روز و هر دوره چند روز ادامه دارد. در مرحله‌ی اول که مدّ در شب می‌افتاد

ساحل آسان‌تر هستند و... انجام می‌دادند. کمابیش همه‌ی یگان‌ها از جمله لشکرهای ۵ نصر، ۲۵ کربلا، ۷ ولی عصر (عج)، ۴۱ ثارالله، ۳۱ عاشورا، ۱۴ امام حسین (ع)، ۳۳ المهدی (عج) و تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم (ع) شناسایی خوب و کاملی از دشمن انجام دادند و ده‌ها بار هم نیروهای اطلاعات و عملیات آن‌ها، به شناسایی موارد مذکور پرداختند. چنین اقداماتی، فرماندهان یگان‌ها، به خصوص فرماندهان گردان‌ها را بسیار مطمئن و امیدوار کرد که خواهند توانست با عبور از اروند و شکستن خط عراق و عبور از موانع به منطقه‌ی دشمن وارد شوند.

با این همه، به دلیل حرکت در میان آب خروشان اروند و عدم ثبات و احتمال وقوع اتفاق‌های پیش‌بینی نشده، همه‌ی فرماندهان دچار دلهره و نگرانی بودند.

۲. یگان‌ها برای اجرای موفقیت‌آمیز مأموریت خود چه در شکستن خط و چه در درگیری با دشمن در اطراف فاو، بارها مانور گردانی،

گروهانی و دسته‌های خود را مرور کردند و به اجرای مانور مشابه در عقبه‌های خود پرداختند. همچنین مانور مشابهی در رودخانه‌ی بهمن‌شیر برای عبور از رودخانه انجام دادند. مانور یگان‌ها و دقت در جزئیات آن به قدری اهمیت داشت که آقای محسن رضایی فرمانده کل سپاه با حضور در جمع فرمانده گردان‌های دو سه لشکر، مانور تک تک گردان‌ها را شنید و نکات مؤثر را به آن‌ها گوشزد کرد. ایشان به خصوص بر نحوه‌ی شکستن خط و عبور از اروند در شب اول تأکید داشتند. سؤال‌های متعدد و جزئی فرمانده کل سپاه برای رده‌های پایین تازگی داشت و آن‌ها کم‌تر ورود وی را تا این حد به سطوح پایین

عامل دیگری که سبب شد عملیات والفجر ۸ ابتکاری بدیع محسوب شود، انتخاب زمین عرصه‌ی نبرد بود. گزینش منطقه‌ی رأس‌البیشه و فاو تا کارخانه‌ی نمک برای اجرای عملیات، مبتنی بر اندیشه و انطباق توان با زمین و هدف بود



غواصان در روز اول عملیات؛ ساحل اروند؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۱

حدوداً از ۷ و ۸ هر ماه قمری شروع می‌شد تا ۱۰ الی ۱۵، در این فاصله به دلیل وجود ماه نمی‌توانستیم استفاده کنیم. مرحله دوم نیز از ۲۲ هر ماه تا ۳۰ ادامه داشت. در این زمان به دلیل عدم وجود ماه، بهترین زمان بود برای شناسایی. این ۸ روز هم همه‌اش قابل استفاده نبود و از تاریخ ۲۲ تا ۲۵ بهترین زمان بود و فاصله ۲۶ تا ۳۰ ماه ریسک بود که بعضی اوقات انجام می‌دادیم.^۶ طوسی (شهید)

۴. غافل‌گیری دشمن در عملیات والفجر ۸، شرط اجرای عملیات و موفقیت آن به شمار می‌رفت و عاملی قطعی و مطلق تلقی می‌شد. بدون وجود این عامل، اجرای عملیات و موفقیت آن ممکن نبود. اما برای تحقق غافل‌گیری، با توجه به حضور نیروهای مردمی و پاسداران در سطوح مختلف سازمان رزم سپاه و حاکم نبودن نظم و قانون و در نتیجه عدم تبعیت کامل از دستورالعمل‌ها، لازم بود برنامه‌یی طراحی شود تا با ایجاد محدودیت و کنترل و نیز با فشار، ورود نیروها به منطقه کنترل و از شلوغی منطقه‌ی مقابل فاو، حضور عناصر نفوذی در آن جا و انتقال انواع تجهیزات به وسیله‌ی تیپ‌ها و لشکرها جلوگیری گردد. به همین دلیل، فرماندهان عالی سپاه نیز مصر بودند که حفاظت عملیات باید رعایت شود. آقای رحیم صفوی از فرماندهان عالی و باتجربه‌ی عملیاتی سپاه در این باره گفت: «اگر اصول حفاظت را رعایت نکنیم، تمام تلاش‌مان از بین می‌رود. منطقه جوری است که اگر دشمن پی ببرد، حداقل آن است که با یک تلفات سنگین مواجه خواهیم شد.»^۸

به جزئیات جالب‌تری از شناخت واحد اطلاعات لشکر از وضعیت آب اشاره کرد که نشان از تلاش و مشاهده‌ی مکرر آن‌ها از رودخانه داشت: «در جریان آب، بین نهرها، کنار رودخانه و وسط آن اختلاف وجود داشت. به عنوان مثال، زمانی که آب نهر در حال مد راکد بود، آب کنار اروند مد جریان‌دار بود، و وقتی آب کنار اروند [نزدیک به ساحل رودخانه‌ی اروند] مد راکد می‌شد، آب وسط اروند، مد جریان‌دار می‌گردید؛ یا هر وقت در کنار اروند جزر شروع می‌شد، آب وسط اروند تبدیل به مد راکد می‌گشت.» طوسی ادامه داد: «این‌ها یک‌سری نکات ظریف بود که قرارگاه به این شکل وارد جزئیات نشده بود، زیرا به شناسایی نقطه‌یی نیاز نداشت [...] ولی ما مجبور بودیم شناسایی نقطه‌یی کنیم [...] با وجود اطلاعات زیاد، باز برادران دستخوش جریان آب قرار گرفته و از انحراف مسیر محفوظ نبودند.»^۷ این جزئی‌نگری در سایر یگان‌ها و در سطوح گوناگون وجود داشت و یکی از عوامل اصلی موفقیت عملیات والفجر ۸ محسوب می‌شود.



نشسته از آخر: علی فضلی (فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهداء)؛ احتمالاً کلهر (جانشین لشکر ۱۰ سیدالشهداء)؛ داود ریاحی (راوی مرکز)، سنگر فرماندهی؛ منطقه عملیاتی فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

به همین منظور، از حفاظت و اطلاعات قرارگاه خاتم خواسته شد طرح حفاظت عملیات را تدوین و ارائه کند و پس از تصویب فرماندهی آن را به اجرا بگذارد. طرح ارائه شده ۱۱ محور داشت: ۱. مقابله با فعالیت‌های جاسوسی دشمن. ۲. تخلیه‌ی مردم. ۳. تخلیه‌ی ژاندارمری. ۴. استقرار یگان‌های پوششی در منطقه. ۵. حفاظت پرسنل. ۶. تردد در منطقه.

۵. یکی از موضوعات مهم در طراحی هر عملیاتی، پشتیبانی از رزمندگان در میدان درگیری است. در عملیات فاو نیز پشتیبانی از رزمندگان در غرب اروندرود موضوع مهمی به شمار می‌رفت. از صبح روز اول عملیات که تیپ‌ها و لشکرها با شکستن خط دشمن و تصرف اهداف مورد نظر در منطقه مستقر می‌شوند، صدها موضوع در ذهن مدیران واحدها و فرماندهان، به خصوص ستادهای یگان‌ها و قرارگاه‌ها لحظه به لحظه عبور می‌کند، تا این که خطوط دفاعی و استقرار در درون آن‌ها تثبیت شود. این دغدغه برای پشتیبانی رزمندگان در عملیات فاو به دلیل وجود مانعی بزرگ به نام رودخانه‌ی اروند، به مراتب بیش‌تر بود: رساندن نیروهای موج بعد، تخلیه‌ی مجروحان و درمان آن‌ها، به عقب آوردن شهیدان، رساندن مهمات و قبضه‌های آرپی.جی. به رزمندگان، انتقال انواع خمپاره‌ها، مقابله با هلی‌کوپترهای دشمن که روی خط خودی اجرای آتش می‌کردند، رساندن غذا، میوه، آب، دارو و وسائل مقابله با حمله‌ی شیمیایی عراق، انتقال نیروهای پشتیبانی، رساندن لوازم مورد

۷. مهندسی. ۸. استتار و اختفا. ۹. نقل و انتقالات. ۱۰. مخابرات. ۱۱. بهداری و تبلیغات. ۹. هریک از این محورها، موضوعات و مسایل گوناگونی را مطرح نظر قرار می‌داد و در ابعاد وسیع به کنترل مسایل می‌پرداخت. با اجرای این طرح، عبور و مرور فرماندهان عالی و فرماندهان قرارگاه‌ها و یگان‌ها، فعالیت‌های ضروری برای آماده‌سازی منطقه و اموری چون ممنوعیت تحرک در روز، دست نخوردن نخلستان‌ها، استقرار در خانه‌های روستایی داخل نخلستان‌ها به جای سنگر، ممانعت از ورود خودرو و استیشن به منطقه و ... تحت کنترل قرار گرفت. محدودیت و کنترل آن‌قدر شدید بود که ده‌ها بار دعوا و زد و خورد شد، زیرا یگان‌ها حاضر نبودند این همه محدودیت را تحمل کنند، به خصوص یکی دو ماه مانده به آغاز عملیات که آن‌ها می‌بایست آمادگی نسبی برای عملیات کسب می‌کردند اما حفاظت مانع دست خوردن منطقه بود. به هر حال، طرح حفاظت به غافل‌گیری دشمن و موفقیت عملیات کمک شایانی کرد.

انتقال به شناسایی نیاز بود. علاوه بر این، برای اتخاذ روش مناسب به منظور حمله و هجوم به دشمن، به شناسایی پشتیبانی هم نیاز بود.^{۱۰} به هر حال، با شناسایی مسیر ماهشهر به اروندرود و انتخاب نقطه‌یی مناسب به عنوان ساحل برای پیاده کردن دستگاه‌ها و نیز پذیرش ریسک خطر بمباران هوایی دوبه‌ها و بارج‌ها در خلیج فارس، این اقدام بزرگ انجام شد. تا حدود دو ماه پس از شروع عملیات - که هنوز روی رودخانه‌ی اروند پل نصب

نشده بود - به همین سختی و با همین وسعت، پشتیبانی‌های سنگین و سبک از منطقه‌ی عملیاتی انجام شد.

۷. نصب پل روی رودخانه از روز اول عملیات به طور جدی پی‌گیری شد. بدین منظور، برخی وزیران دولت مانند آقایان زنگنه و ب - ن، معاون دفاعی نخست‌وزیر و بسیاری از معاونان صنعتی وزارتخانه‌ها به کمک فرماندهان جهاد سازندگی و

مهندسی سپاه به منطقه‌ی عملیاتی آمدند. طرح‌های گوناگونی برای احداث پل پیشنهاد شد: الگوی پل خیبری، پل لوله‌یی، پل ثابت و... الگوی پل خیبری که در عملیات خیبر و در اسفند سال ۱۳۶۲ به طول ۱۳ کیلومتر روی آب‌های ساکن هورالهویزه طراحی و نصب شد، این جا جواب نمی‌داد، زیرا در برابر شدت آب دوام نمی‌آورد و تکه تکه می‌شد. برای نصب پل لوله‌یی نیز اقداماتی انجام شد اما چندبار آن را آب برد. سرانجام پس از روزها شمع‌کوبی درون رودخانه، پل بعثت روی رودخانه‌ی اروند نصب شد. نصب پل با امکانات محدود آن زمان، توانایی‌های محدود علمی و تجربی و در زمانی کوتاه، اقدامی خارق‌العاده و بزرگ به شمار می‌رفت.

نیاز به نیروهای خودی برای احداث سنگر و صدها مورد دیگر که برای مقاومت در برابر حملات دشمن ضروری بود. ستادهای یگان‌ها از قبل برنامه‌ریزی جزئی و وسیعی برای انتقال اقلام و تجهیزات و امکانات مورد نظر، انجام دادند. با این همه، نزدیک ظهر روز اول و دوم وقتی آب رودخانه در حالت جزر کامل قرار گرفت و حدود ۶ متر آب از سطح رودخانه پایین رفت و امکان انتقال حتی یک چوب کبریت هم وجود نداشت، بسیاری از نیروها دچار دلهره و اضطراب شدند. چراکه چنین صحنه‌یی را کم‌تر دیده بودند. نگارنده، ظهر روز اول عملیات از نزدیک حالت جزر کامل را مشاهده کرد. صدها قایق و فرمانده جزء، دل‌نگران، منتظر بالا آمدن آب و شروع مد در رودخانه بودند تا مایحتاج و تجهیزات خود را به غرب اروند منتقل کنند. حتی قایق‌ها نیز درون نه‌های منشعب از اروند به گل نشسته بودند. با این همه، در همان روز اول به بسیاری از رزمندگان مستقر در خط، غذای گرم داده شد و با اندکی کاستی نسبت به برنامه‌ریزی قبلی، پشتیبانی نیروها به خوبی انجام شد، در حالی که جاده و پلی برای عبور خودرو و وجود نداشت و همه‌ی امکانات و حتی خودروها می‌بایست از روی آب به آن طرف برده می‌شد. به دلیل این محدودیت‌ها، فرماندهان و رزمندگان به این نکته توجه داشتند که امکانات دشمن در غرب اروند حتی المقدور نباید منهدم شود و باید از آن‌ها استفاده گردد.

۶. برای فرماندهان و مدیران ستادی مبهم بود که چگونه وسایل سنگین مهندسی شامل لودر، بلدوزر، گریدر، کمپرسی و... و تجهیزاتی چون توپ و تانک و خودرو، جیپ ۱۰۶، جیپ تاو و سایر نیازهایی از این دست را به آن طرف رودخانه منتقل کنند. در برنامه‌ریزی چنین فرض شد که از صبح روز عملیات، دستگاه‌های مهندسی، لودر و بلدوزر و دستگاه‌های پشتیبانی، با قرار گرفتن روی دوبه و بارج ولندیکرافت از ماهشهر و از داخل خلیج فارس به اروندرود برود و در فلو تخلیه شود. برای این

فرمانده سپاه با تأمل در منطقه نبرد، به این نتیجه رسید که با وجود ریسک و خطر، این منطقه می‌تواند موجب بروز توانایی‌های ایران و محدودیت‌های عراق شود

۸. برای اجرای عملیاتی به این بزرگی و پیچیدگی که با ریسک بسیاری همراه بود، نیاز بود حد و حدود و مرزها روشن شود تا تداخل کم‌تری میان یگان‌ها و قرارگاه‌ها به وجود آید. برای این منظور، چه در سطح قرارگاه مرکزی و چه در سطح قرارگاه‌های میانی و نیز میان یگان‌ها با یکدیگر، جلسات هماهنگی برگزار شد. مهم‌ترین بخش هماهنگی، مربوط به شکستن خط دشمن در شب اول، تعیین حدود عبور از رودخانه و نیز ورود یگان‌های مرحله‌ی دوم در هماهنگی با یگان‌های مرحله‌ی اول بود. اما هماهنگی به این موارد محدود نبود و مفهوم هماهنگی به هم‌کاری نیز نیاز داشت که بارها در میدان نبرد اتفاق افتاد و نتایج آن مثبت یا منفی بود.

همچنین ۳۹ هواپیما، ۵ بالگرد، ۵۴۰ تانک و نفربر و ۱۵ توپ آنان منهدم شد. علاوه بر این، حدود ۶۰۰ کیلومترمربع^{۱۱} از سرزمین عراق تصرف شد، شهر فاو سقوط کرد، جمهوری اسلامی ایران با کویت هم‌مرز شد و توانست راه عراق را از خورعبدا... به خلیج فارس مسدود کند و اشراف موشکی آن را از بندرهای ایران در خلیج فارس بردارد.

مهم‌تر از همه این که، در پی شکست عراق در این عملیات و پیروزی ایران، موازنه‌ی قوا به ضرر عراق به هم خورد و عراق به این نتیجه رسید که دفاع مطلق بزرگ‌ترین اشتباهی بود که در ۶ سال گذشته استراتژی عملیاتی خود را براساس آن شکل داده بود.

نتیجه‌گیری

عملیات والفجر ۸ از بسیاری از عملیات‌ها متمایز می‌شود چرا که ویژگی‌های منحصر به فردی دارد و تأثیرات مهمی در روند جنگ عراق و ایران به جا گذاشته است. در پاسخ به سؤال اصلی، بیان شد که با سه مؤلفه‌ی کلیدی می‌توان وجه تمایز این عملیات را نشان داد: خلاقیت و ابتکار عمل، طراحی و برنامه‌ریزی. درون هریک از این مؤلفه‌ها، ده‌ها متغیر رفتاری، برنامه‌ی و ابتکاری وجود دارد که برای شرح و بسط آن‌ها باید مطالب جداگانه‌یی نگاشت. با توجه به این سه مؤلفه، تلفات ارتش عراق و دستاوردهای عملیات نیز قابل اعتناست. در این عملیات ۱۴۰ گردان نیروی رزمنده و ۱۶ گردان توپخانه‌ی خودی شرکت داشت و عملیات با کمک نیروی هوایی پشتیبانی می‌شد. از ارتش عراق نیز ۱۲۶ گردان پیاده، ۳۳ گردان زرهی، ۲۳ گردان مکانیزه، ۲۹ گردان کماندو و ۲۰ گردان گارد جمهوری وارد عملیات شدند، که ۵۰/۰۰۰ نفر از آنان کشته یا زخمی و ۲/۱۰۵ نفر اسیر شدند.

پاورقی‌ها

۱. سایت تابناک، ۱۳۹۱/۲/۱. کد خبر ۲۳۹۳۶۵.
۲. محسن رضایی، همان.
۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مباحث اساسی طرح مانور عملیات به نقل از نوار پیاده شده جلسه شماره ۳۰۲ و ۳۰۳، ۱۳۶۴/۱۰/۶، ص ۱۴.
۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات قرارگاه خاتم، (راوی: حسین اردستانی) ۱۳۶۵، فصل نتایج عملیات.
۵. خبرگزاری فارس، روایت محسن رضایی از والفجر ۸، ۱۳۹۰/۱۱/۲۶.
۶. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات لشکر ۲۵ کربلا (راوی: داود رنجبر)، ص ۴۹-۴۸، به نقل از نوار شماره‌ی ۳ مصاحبه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲.
۷. همان، ص ۴۹.
۸. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، نوار شماره ۱ جلسه قرارگاه خاتم، مورخ ۱۳۶۴/۳/۱۵.
۹. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، حفاظت، فریب، غافلگیری، ۱۳۶۷، ص ۱۱.
۱۰. حسین علایی، عوامل و ملاحظات اساسی در فتح فاو، فصل‌نامه‌ی نگین شماره ۱۵، سال چهارم، زمستان ۱۳۸۶، ص ۱۴۰.
۱۱. شناسنامه عملیات والفجر ۸، فصل‌نامه نگین، شماره ۱۵، سال چهارم، زمستان ۱۳۸۴، ص ۵۲.

تردید و ابهام درباره عملیات والفجر ۸ (جلسه فرماندهان عالی سپاه در آبان ۶۴)

تنظیم: سعید سرمدی*

فرمانده و مسئولین نیروی زمینی سپاه و مسئولین و فرماندهان قرارگاه‌های اصلی این نیرو که اجرای عملیات فاو را با نیرو و امکانات محدود موجود، نشدنی می‌دانستند درخواست کردند جلسه‌ای با حضور برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه برگزار شود تا آنها نظرات و دیدگاه‌های خود را در مورد این عملیات ارائه دهند و در مورد انجام شدن یا نشدن آن تصمیم‌گیری نهایی شود.	چکیده			
در ابتدا برادر رحیم صفوی فرمانده نیروی زمینی سپاه جمع‌بندی دیدگاه نیروی زمینی در مورد عملیات فاو را تشریح کرد.				
پس از آن برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه که از این جلسه به عنوان تلخ‌ترین جلسه تاریخ عمر خود یاد می‌کند، به پاسخ‌گویی پرداخت و تلاش نمود که نظر افراد را به انجام این عملیات جلب نماید.				
سپس برادر غلامعلی رشید معاونت عملیات ستاد کل سپاه به تشریح دیدگاه خود در مورد عملیات پرداخت. پس از صحبت برادر عباس محتاج فرمانده قرارگاه سلمان، در مورد محاسن و معایب انجام عملیات‌های محدود و عملیات فاو صحبت شد.				
در نهایت فرمانده کل سپاه سه پیشنهاد اجرایی مطرح کرد و قرار شد نیروی زمینی سپاه آنها را بررسی کرده و نظر خود را در هر سه مورد اعلام کند.				
فضای صریح و چالشی و در عین حال صمیمانه و دوستانه و ارائه متن کامل گفت‌وگوها سبب آشنایی هرچه بیش‌تر افراد با نحوه تصمیم‌گیری و فرماندهی این عملیات خواهد شد.				

مقدمه

سه ماه و چهار روز قبل از شروع عملیات سرنوشت‌ساز و اعجاب‌انگیز فاو، تردیدها و ابهام‌های بسیار شدیدی در میان فرماندهان نیروی زمینی سپاه که مسئولیت انجام این عملیات را برعهده داشتند وجود داشت. مخالفت‌ها و نقدهای فرماندهان رده‌های پایین‌تر در مقابل فرمانده کل سپاه نشان‌دهنده ماهیت ساختار و سازمان سپاه است که در آن، برخلاف سازمان کلاسیک، صرف دستور برای انجام کاری، مساله را تمام نمی‌کند بلکه اقناع

ذهنی و استدلال و توجیه، یک رکن اساسی و جزو امکان‌پذیر شدن فرمان‌ها و دستورات فرماندهان سپاه در کلیه سطوح بوده است. از سوی دیگر ریسک بالای عملیات در فاو و عبور از اروندرود و نیز پیشینه عملیات‌های از رمضان تا بدر، فرماندهان را نگران کرده است که با امکانات محدودی که از کشور وارد جنگ شده، اقتضاء نمی‌کند که کارهای بزرگی با احتمال زیاد شکست انجام شود و زروبال آن دامن سپاه را بگیرد. این فعالیت‌ها با حذف یکی

* پژوهشگر و راوی مرکز در دفاع مقدس

سطح قرارگاه خاتم‌الانبیا^(ص) در انتشار عمومی مطرح می‌شود، روی دیگر صحنه و اسرار مکتوم و طرح نشده آن می‌باشد.

دقت در مطالب گفته شده و یادآوری حساسیت‌های سال ۶۴ باعث فهم دقیق‌تر آنها خواهد شد. شماره آرشیو نوارهای ضبط شده ۱۶۸۳۹ و ۱۶۸۴۰ می‌باشد و مدت جلسه ۸۰ دقیقه می‌باشد. صحبت‌های افراد بدون دخل و تصرف و به صورت گفتاری پیاده شده و حضورتان تقدیم می‌گردد.

مشکلات اساسی عملیات والفجر ۸

نوار ۱۶۸۳۹: برادر رحیم صفوی: برادرانی که حاضر در این جلسه هستند، برادرانی‌اند که از ابتدای جنگ در این جنگ بودند و فلسفه وجودیشان همه در جنگ، یک فلسفه محکم و زیربنایی عقیدتی است؛ و با یک عقیده و ایمان و براساس یک پایبندی به مقام ولایت آمدند به جنگ؛ و از مسئله جنگ و مسئله عملیات و اعتقاد به اینکه این جنگ یک جنگ بین حق و باطل است. و اینکه نه تنها عملیات‌های ما یک عملیات‌هایی است که براساس مبانی عقیدتی و براساس مبانی جبهه‌های حسین علیه یزید و اینکه هر زمانی هم امام و رهبر این امت این را تکلیف بکند یک نفر هم برای ادامه جنگ به صورت عملیات‌هایی که در صحنه کربلا بوده هر یک از آنها حاضرند و حاضر به ریختن خون‌شان به پای درخت ایمان و عقیده‌شان هستند.

برادرانی که در جلسه هستند اکثراً برادرانی هستند که از تجارب جنگ‌ها و عملیات‌های گذشته هم خوشی‌ها و سربلندی‌ها و سرافرازی‌های گذشته در پیش چشم‌شان مجسم است و هم عدم موفقیت‌ها و مصیبت‌هایی که چند سال گذشته بعد از خرمشهر به طور مداوم بر آنها وارد شده. و شاید دور از ذهن نباشد که بگوییم اگرچه برادران در یک سن زیر ۳۵ سال، ۴۰ سال هستند، ولی با یک دید واقع‌بینانه

دو نفر و جابجایی یکی دو نفر دیگر و جابجایی یکی دو یگان دیگر توسط محسن رضایی فرمانده سپاه مدیریت شد و پیچیده‌ترین و برجسته‌ترین عملیات جنگ اتفاق افتاد که شکست راهبردی به دشمن تحمیل نمود. با این همه، کلیه فرماندهان مخالف و موافق که کم بودند و مخالفت خود را مطرح نمی‌کردند در این عملیات وارد شدند و در این پیروزی بزرگ ملی شریک شدند.

برادر محسن رضایی فرماندهی کل سپاه در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۶۴ برای بررسی میزان پیشرفت عملیات و اطلاع از طراحی مانور، جلسه‌ای را با

حضور برادران رحیم صفوی (فرمانده نیروی زمینی سپاه)، غلامعلی رشید (جانشین فرماندهی نیروی زمینی سپاه)، سیدعلی حسینی‌تاش (رئیس ستاد نیروی زمینی سپاه)، عزیز جعفری (فرمانده قرارگاه قدس)، احمد غلامپور (فرمانده قرارگاه کربلا)، عباس محتاج (فرمانده قرارگاه سلمان)، مهدی مبلغ (جانشین رئیس ستاد نیروی زمینی) و ابراهیم سنجقی تشکیل

رحیم صفوی:

ما قبل از رسیدن زمان
عملیات فاو، عملیات محدود
انجام بدهیم؟ چون زمان
داریم

می‌دهد.

مطالب و موضوعات ذکر شده در جلسه بسیار خواندنی و تاریخی می‌باشد.

دغدغه‌ها و حساسیت‌های فرماندهان برای انجام عملیات موفق و پیروز و پرهیز از شکست و ناکامی، علت اصلی بیان این صحبت‌ها در جلسه می‌باشد.

آنچه تاکنون شنیده شده روی پیروزی‌ها و موفقیت‌های مطرح شده در این عملیات سرنوشت‌ساز می‌باشد و آنچه برای اولین بار از میان ۸۰۰ نوار مربوط به طراحی و اجرای این عملیات در

الآن ما چشم‌مان را روی هم بگذاریم. فرماندهان مناطق ما می‌گویند که این نیرو فراهم نمی‌شود. شورای عالی سپاه که به این مناطق رفته و برگشته می‌گوید: این نیرو حاصل نمی‌شود. و می‌دانیم هم ما الآن آمار داریم، از این ۷۶ هزار بسیجی که باید ما برای این عملیات داشته باشیم الآن حدود ۲۶ هزار نفر آمدند، یعنی یک سوم آمدند. این دو سوم نیروی دیگری که باید به صورت بسیجی برای این عملیات بیاید، با این مسائلی که الآن هست و می‌شود گفت که این دو سوم به این صورت و به این زمان و با توجه به این زمان که باید آماده شوند برای عملیات،

آموزش ببینند برای عملیات، خُب ما حداقل این قدر زور زدیم، فشار آوردیم، می‌بینیم وقتی نیروها همه کامل هستند ۵۵ روز دیگر [می‌شود]، یعنی دو ماه دیگر لازم است که برای عملیات آماده شوند.

می‌گوییم تجهیزات. الآن ما آمار مهمات‌های ادوات‌مان در یک وضع بسیار بدی است. حتی ما حدود یک چهارم، یک پنجم مهمات

داریم و این مهمات چیزی نیست که ظرف یک ماه آینده، دو ماه آینده آماده شود، بعضی رقب‌هایش یک دهم است، بعضی رقب‌هایش یک ششم موجودی است، خُب اگر بخواهیم این‌ها را نادیده بگیریم که همان عملیات خیر می‌شود، همان عملیات بدر می‌شود. یعنی نه تنها آن تجهیزاتی که برآورد شده بود در منطقه برای عملیات، نه الآن حاضر می‌شود، نه در آن زمان که پیش‌بینی شده یعنی امکان فراهم شدن این‌ها بعضاً تا شش ماه دیگر، بعضاً تا یک سال دیگر قابل تهیه شدن نیست. از طرف دیگر ما می‌بینیم که این عملیات به این گستردگی، هم‌زمان با این

نسبت به جنگ فکر می‌کنند و با یک دید واقع‌بینانه می‌خواهند روی مسئله جنگ کار کنند. ما این دید واقع‌بینانه را از این نظر می‌گوییم که اگر بخواهیم روی چیزهایی که می‌دانیم آماده نمی‌شود و می‌دانیم که این‌ها فراهم نمی‌شود و می‌دانیم که تا زمان لازم، امکان فراهم شدن این‌ها نیست توجه نکنیم این یک دید غیرواقع‌بینانه است. و یا اینکه بخواهیم با یک حالت یأس و ناامیدی و یا تردید، این‌ها عامل تردید را عامل اساس عدم واقع‌بینی مسائل می‌دانند. اگر کسی بر مبنای یک واقعیت و مبنای واقع‌بینانه وارد یک صحنه و یک عملی بشود در او هیچ تردیدی نیست.

ما تجاربی که بعد از عملیات‌های رمضان گرفته تا والفجرها گرفته و حتی تا خیبر و بدر، به این نتیجه قطعی رسیدیم که ما با این مقدورات و امکانات که [در حال] حاضر داریم نمی‌توانیم عملیات گسترده‌ای داشته باشیم؛ و این عملیات گسترده در توان جمهوری اسلامی هست، ولی در توان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیست. و اگر ما باز بخواهیم با توجه به مسائلی که الآن در منطقه موجود است یعنی مسائلی که می‌گوییم اگر که ما، نه ما، اگر خود شما در چند ماه پیش شرایط انجام عملیات را برای آقای هاشمی* می‌نویسید و الآن هیچ‌کدام از آن شرایط حاصل نیست.

شما انجام شرایط عملیات را می‌گویید: «حفظ غافلگیری». خُب ما چشم‌مان را روی هم بگذاریم بگوییم که ژاندارمری نفهمیده که سپاه آمده اینجا، نیروی دریایی نفهمیده، نیروی هوایی نفهمیده، دشمن نفهمیده. این همه اقدامات مهندسی شده، این همه ژاندارمری در جریان قرار گرفته، این همه همین جاسوس‌های دشمن در منطقه [هستند]، ما چشم‌مان را بگذاریم روی همدیگر و بگوییم نه، غافلگیری حفظ شده؟

اگر شما آنجا گفته بودید شرایط انجام عملیات این است که ما ۱۵۰ گردان نیرو داشته باشیم. خُب

* به عنوان فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص).

عزیز جعفری:

جریانی که ما می‌خواستیم
برای القرنه هم‌زمان با فاو
آماده بکنیم که اگر فاو نشد،
آن را انجام دهیم، حالا
می‌گویند عملیات محدود
را آماده بکنید اگر فاو نشد
عملیات محدود انجام بشود

تردید و ابهام درباره عملیات والفجر ۸

(جلسه فرماندهان عالی سپاه در آبان ۶۴)

با این شرایط انجام بشود؟ یعنی یک اعتراضی را ما از فرماندهان خوب مان می بینیم، نه آن فرماندهانی که مسئله دار هستند. از آقای قربانی گرفته که دیروز و پریروز پیش من آمده، یک دفعه پیش آقای رشید رفته، یک دفعه پیش آقای غلامپور رفته.

و باز هم آن شرایطی که خود شما برای انجام عملیات نوشته بودید الآن می بینیم که مثلاً یکی از آنها این بوده که در جزیره مینو عملیات تک پشتیبانی باشد که ۵۰ درصد موفقیت عملیات در آن است. خُب این شرایط انجام عملیات را می بینیم که آماده نیست. ما آن نتیجه گیری که می خواهیم عرض بکنیم به عنوان یک پیشنهاد مطرح می کنیم که برای جلوگیری از عدم شکست که ما می دانیم حاصل نشدن این شرایط، مواجه با شکست است و این شکست هم دیگر شکست بدر و خیبر نیست، شکستی است که هم فرماندهان ما روحیه هایشان خرد و شکسته می شود هم نسبت به رده های بالاتر بی اعتماد می شوند. الآن این بسیجی های کاظمی به فرمانده لشکرشان ایراد ندارند، به مسئولین جنگ و به مسئولین مملکت اعتراض دارند و می گویند این ها چه مسئولین جنگی هستند، چه مسئولین چیزی هستند که نمی آیند ببینند این عملیات قادر*** چی شده؟ یعنی ما یک اعتراض عمومی را بعد می بینیم، فرمانده لشکر نسبت به قرارگاه بی اعتمادست. این بی اعتمادی که از فرمانده لشکر به فرمانده قرارگاه هست و این بی اعتمادی که از بسیجی نسبت به فرمانده لشکر و مسئولین مملکت است این اوج می گیرد.

پیشنهاد نیروی زمینی سپاه برای انجام عملیات در شمال غرب

برادر رحیم صفوی: ما پیشنهادی که داریم این است که تا این نیروهای بی که دارند می آیند ما تا حدود

تغییرات سپاه شده است.* این تغییرات سپاه مثل یک سمی است که هر موقع در جریان آب سپاه پخش می شود یک عده ای را مسموم می کند، یک عده ای را متزلزل می کند، یک عده ای را ناامید می کند، یک عده ای را بی تفاوت و خنثی می کند و یک عده ای را فراری می کند. آنهایی که فراری می شوند به آن طرف می روند،** این ها تلفات اند. یعنی خود این تغییرات و این به هم خوردن شکل تشکیلاتی سپاه یک سم مهلکی برای خود عملیات است. و اینکه این نیروی زمینی که شما می خواهید راه بیفتد، شما می فرمایید نیروی زمینی، هر موقع که می آید اینجا یک فشار به ما می آورید.

برادر محسن رضایی: شما در مورد نیروی زمینی اصلاً صحبت نکنید، همان عملیات را ادامه بدهید.

برادر رحیم صفوی: بله.

برادر محسن رضایی: که بحث ها قاطی نشوند، عملیات را ادامه بدهید.

نظر فرماندهان نسبت به انجام عملیات در فاو

برادر رحیم صفوی: برای این عملیات ها ما قرارگاه هایمان هنوز هیچ شکلی نگرفته، ما لشکرهایمان الآن هیچ شکلی نگرفته. اصلاً هیچ برخوردی با لشکرها نبوده. ما مسئله مان در

رابطه با ما مثلاً همین عملیات گسترده آینده است، بیش تر این فرماندهان می آیند به ما اعتراض می کنند. از آقای مرتضی قربانی که بهترین شان بوده، از آقای احمد کاظمی گرفته و دیگر برادرها یا مستقیم می آیند به ما می گویند: بابا جان اینجا [فاو] نمی توانیم عمل کنیم. این چه عملیاتی است که اینجا [فاو] می خواهد

برادر رحیم صفوی:

الآن این بسیجی های کاظمی

به فرمانده لشکرشان ایراد

ندارند، به مسئولین جنگ و به

مسئولین مملکت اعتراض دارند

و می گویند این ها چه مسئولین

جنگی هستند، چه مسئولین چیزی

هستند که نمی آیند ببینند این

عملیات قادر چی شده؟

* شکل گیری سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی سپاه.

** افرادی که از سپاه استعفا می دهند و یا به نهادها و ارگان های دیگر مأمور می شوند یا به ادامه تحصیل می پردازند.

*** که توسط ارتش از تاریخ ۴/۲۴ تا ۶۴/۶/۱۸ در ارتفاعات سیدکان انجام شد و لشکر ۸ نجف سپاه در کنترل عملیاتی ارتش قرار گرفت.

سال دهم □ شماره سی و نهم □ زمستان ۱۳۹۰



۱. محرابی ۲. غلامرضا جعفری ۳. سیدرحیم صفوی ۴. علی فدوی ۵. حسین علایی ۶. غلامعلی رشید ۷. حسین بیات ۸. احمد غلامپور ۹. نبی رودکی ۱۰. یزدان مؤیدنیا ۱۱. شهید غلامرضا صالحی ۱۲. شهید حمید سلیمی ۱۳. احمدی ۱۴. همدانی ۱۵. مرتضی قربانی ۱۶. سرخیلی ۱۷. شهید علی هاشمی ۱۸. قاسم سلیمانی ۱۹. مهدی مبلغ

اوایل سال آینده ۱۰ تا ۱۲ تا، ۱۵ تا عملیات محدود و موفقیت آمیز با این نیروها انجام بدهیم و همزمان با این عملیات‌هایی که انجام می‌دهیم عملیات‌های محدود، خودمان را آماده کنیم برای حدود اوایل سال آینده که در منطقه

شمال غرب بجنگیم

و همزمان با آنها کار

بتوانیم با این سری عملیات‌ها یک نیروی بیش‌تر و یک نیروی آماده‌تری را برای عملیات فراهم کنیم.

به این خاطر این مجموعه را حالا به صورت نوشته شده هم تنظیم می‌کنیم و خدمت شما می‌دهیم که جهت جلوگیری از اینکه خدای نکرده یک مصیبت دیگر وارد بشود بر مردم ما، بر مسئولین ما و بر همین فرماندهان تپ‌ها و لشکرها. شما این را به صورت واقع‌بینانه ببینید که ما شرایط خودمان را با خیبر بسنجیم، با بدر بسنجیم، همه این شرایطی که عرض کردیم و ببینیم با این شرایط آیا ما موفقیتی در عملیات می‌بینیم؟ و اگر نمی‌بینیم نیاییم دست به یک عملی بزنیم که بعداً باعث ناراحتی بشود. برویم و محکم با مسئولین بگوییم نه، ما عملیات‌های محدود را ادامه می‌دهیم تا چندین ماه دیگر، بعد هم در شمال غرب می‌جنگیم بعد از شمال غرب هم در منطقه جنوب می‌جنگیم. این خلاصه عرایض بنده بود که با برادرها صحبت کرده بودیم و من به صورت خلاصه خدمت شما عرض کردم.

- مقداری سکوت بر جلسه حاکم می‌شود -

در منطقه فدک* و حیدر** و حتی آن منطقه بالاتر را، یعنی منطقه حد فاصل شمال بدر را عملیات قسمت شمالی عملیات بدر و عملیات سلمان روی تپه ابوالخصاب را [آماده کنیم]. این سه منطقه را آماده کنیم، یعنی تمام کارهایش آماده بشود و این عملیات‌ها در این سه منطقه برای زمان بعد از عملیات شمال غرب باشد.

ما نمی‌گوییم که برای عملیات شمال غرب ۱۵۰ گردان نیرو آماده بکنیم. آن عملیات‌ها را با یک عملیات‌های حدود مثلاً ۶۰ - ۷۰ گردان عمل بکنیم و این عملیات‌های منطقه پایین را که ارزش و اهمیتش کاملاً روشن است و دسترسی به آنها هم یک کار مشکلی هست و احتیاج به این دارد که هم مسائل غافلگیری‌اش رعایت بشود و هم آماده کردن منطقه، خُب این منطقه اگر آماده نشود و ما برویم، یعنی آماده کردن منطقه جزء شرایط این عملیات است، یا آمادگی آن تجهیزات و وسایل و امکاناتی که می‌خواهیم جزء شرایط انجام عملیات است که این‌ها باید آماده بشود تا عملیات را جلو ببریم. و یک مقدار زیادی هم شاید

* نام حفاظتی عملیات «فاو».

** نام حفاظتی منطقه عملیاتی هور.

پاسخ محسن رضایی به انتقادات طرح شده

برادر محسن رضایی: ... الآن هم متأسفانه این جلسه برای من تلخ‌ترین جلسه‌ای است که در تاریخ عمر جنگام دارم. تازه می‌فهمم که عمق ترمزی را که الآن در آن پایین و عمق سدی که در بالای ما ایجاد شده. از پایین داریم ترمز می‌کنیم و از بالا هم مسئولین یک سدی شده‌اند. هم آن سد و هم ترمز شما درست این بن‌بستی است که در جنگ پیدا شده، الآن پیدا شده. شما در بدر به من گفتید که بیا بید برویم عملیات شماره ۲ را اول انجام بدهیم، گفتیم برادرها این حرف را ننزید. اگر به شما یک ماه فرصت دادیم و رفتید در رابطه با عملیات شماره ۲ کار کردید شاید وسط

محسن رضایی:

این چه حرفی است که شما می‌زنید! خاک بر سر ما که زنده بمانیم و ننگ تسلیم و ننگ این را ببینیم. آن موقع بچه‌ها ما را در خیابان می‌بینند، به ما می‌خندند و نیش‌خند می‌زنند. این بچه مدرسه‌ای‌ها می‌گویند رفقای‌تان رفتند ولی شما ماندید و این روز ننگین را دیدید

کار دوباره گفتید که نبایستی انجام بدهیم. خود شما [خطاب به برادر رحیم صفوی] داخل ماشین طوری با من تند برخورد کردید که محافظین‌ام احساس می‌کردند؛ گرچه که آخرش گفتید می‌بخشید من تند صحبت کردم، من منظورم این نبود، من می‌خواستم بگویم که خُب چرا شتاب‌زدگی می‌کنید؟ عملیات شماره ۲ بهتر است، چطور است، فلان است، اینجا می‌توانیم کار کنیم. چه قدر شما

و برادر رشید استدلال آوردید که چرا نرویم عملیات شماره ۲ را انجام بدهیم؟ اول اینجا برویم. بدر تمام شد گفتیم روی عملیات شماره ۲ بروید، گفتید نه باید از فاو عبور کرد و الآن تنها راه ما فاو است، باید از فاو عبور کرد، فاو مهم است. فلان و بهمان. حالا می‌گوییم فاو [را عمل کنید] اول می‌گویید القرنه و بعد از القرنه می‌آید می‌گویید نخیر شمال‌غرب. شما خدا و کیلی همه‌تان می‌توانید بنزید روی قرآن که اگر یک ماه دیگر رفتید روی شمال‌غرب فکر کردید، دوباره نیاید آنجا بگویید آقا! این نمی‌شود و فلان بشود؟ این فرارها و

چپ و راست زدن‌ها و این هیجانات و این اضطراب‌ها و این چیزهایی که این طوری دارد تبلور پیدا می‌کند، این همه چیز را دارد مستأصل می‌کند.

خُب این یکی از ضعف‌هایی است که من الآن دیگر به وضوح با این بحث‌های شما می‌فهمم و می‌بینم یک ضعفی است که اگر تا دیروز می‌گفتم این را ول‌اش کنیم و از آن بگذریم من دیگر از امروز به بعد نمی‌توانم از این ضعف بگذرم یا بایستی این ضعف حل شود یا نمی‌توانیم بگذریم. ... پس این یک مسئله است که ما نمی‌دانیم این نظرات مختلف، این نظرات متنوع، این پراکنده‌گویی‌ها، این‌ها سر و ته آن کجاست؟ چی را دنبال می‌کنید؟ و چطور می‌شود؟ این‌ها قابل گذشت نیست. باید یک تصمیمی گرفته بشود و به هر حال نتیجه‌اش روشن بشود.

مسئله دومی که هست این است که شما اعتمادتان را به فرماندهی از دست دادید و این را نمی‌آید صادقانه بگویید که ما اعتمادی نداریم. و من الآن می‌فهمم که ما از شما کار خواستیم. مواضع توپخانه دیشب دارد تنظیم می‌شود. هر کدام ما داریم مسئله را به گردن دیگری می‌اندازیم. مواضع توپخانه ما که الآن نبایستی بحث بشود. قرارگاه رده جلویی شما هنوز زده نشده، بحث‌های پاکسازی را شما هنوز انجام ندادید چرا صحبت از تهیه نشدن امکانات می‌کنید؟ این ضعف را باید حل کرد. شما باید خودتان ده قدم جلوتر رفته باشید، پنج قدم جلوتر رفته باشید. جلسه پیش همین بحث‌ها را کردیم. گفتیم آقا! به شما چه به این مسائل دخالت می‌کنید؟ حالا احترام‌تان را برقرار کردیم، از شما نظرخواهی کردیم، علاوه بر فرماندهی و این مسائل به‌عنوان مشاور هم از شما استفاده کردیم که دیگر نه این اندازه که وظیفه خودتان را از دست بدهید، نه این اندازه که در مأموریت خدا سستی ایجاد کنید، نه در اینکه یک ملتی را این‌طور معطل بکنیم ما. ما که نگفتیم دیگر این مشورت‌ها و نظرخواهی‌ها و

من مشورت نکردم شما نامه من را می‌آوردید و دارید به آن استناد می‌کنید، خُب شما چرا طبق نامه خودتان عمل نمی‌کنید؟ من که در نوشتن این نامه اصلاً با شما مشورت نکردم و عمد هم داشتم که با شما مشورت نکردم، چون می‌دانستم یک روزی این طوری می‌شود. خُب این نامه را ما نوشتیم، به آن اعتقاد هم داشتیم حالا هم ممکن است داشته باشیم. شاید هم به تعبیر شما نداشته باشیم. به این خاطر این طور حرف می‌زنم که می‌خواهم اول این مسئله را حل کنیم که ببینیم انتظار ما نسبت به همدیگر چه قدر باید باشد؟

همین الآن اگر یک بررسی بشود و یک صورتی بگیریم می‌بینیم ما این همه زمان دارد می‌گذرد ولی این دو ضعف، الآن دو ضعف اساسی است که مبنای ترمز را تشکیل داده. ما الآن داریم از پایین ترمز می‌کنیم از بالا هم که یک سد راه رشد توان رزمی و رشد قوه رزمی پیدا شده. خُب حالا این وسط چه کار باید کرد؟ ما بفهمیم

می‌خواهیم بجنگیم، ولو با دو نفر بجنگیم. همین تیپ امیرالمؤمنین که روی آن حساب نمی‌کردیم همین‌ها خدا شاهد است چند سال است دارم این حرف را می‌زنم. می‌گویم نگویند این‌ها نمی‌جنگند. کی به شما این حرف‌ها را زده؟ کی به شما یاد داده که لشکر فجر نمی‌تواند بجنگد؟ کی به شما یاد داده که این‌ها نمی‌توانند بجنگند؟ این‌ها می‌توانند بجنگند شما نمی‌خواهید. شما باید بخواید. اگر بخواید این‌ها از لشکر امام حسین هم فعال‌تر می‌شوند، از همه لشکرها فعال‌تر می‌شوند. این چیزهای جامدی که ما برای خودمان اصل کردیم، در یک محدوده زمانی کوتاه به تجربه رسیدیم این چیست؟ چرا

احترامات به اینجا کشیده بشود که امروز که می‌آیم می‌بینیم شما قرارگاه رده جلوی‌تان را نزدیک. فرماندهان لشکرها هنوز سرگردان هستند، خودتان سرگردان هستید، همه‌تان سرگردانید. بعد می‌آید مسائل اصلی را که مطرح می‌کنید این است که خُب ما از کجا بفهمیم مهمات تأمین می‌شود؟ و اگر این طور باشد که فایده ندارد، یعنی همه ما به عقب برگردیم. ما برویم دنبال مهمات، شما بروید دنبال مهمات، همه دنبال مهمات بیایند! سرگردانی که ما در یک هفته عملیات بدر داشتیم اگر از قبل راجع به آن بحث می‌کردید و پخته‌اش می‌کردید، جزییاتش را بررسی کرده بودید و کنار گذاشته بودید شاید این طور نمی‌شد که یک‌بار تصمیم بگیریم الآن قرارگاه کربلا کمک قرارگاه نجف بیاید، یک‌بار قرارگاه پایین بیاید. اگر ما در بدر این ... ابهام و تردیدهای شما که این عملیات را می‌گوییم یک عملیات دیگر پیشنهاد می‌کنید، تا می‌رسیم به آن عملیات، می‌گویید یک چیز دیگر. تا می‌آیم روی آن، یعنی ما یک قدم عقب‌تر از شما هستیم در پیشنهادهایی که می‌دهید. و این دویدها کجاست؟ نهایتش چیست؟ ما به دنبال چی می‌گردیم؟! چی را می‌خواهیم؟ شما اگر بخواید به اِعمال فرماندهی و تدبیر بی‌اعتماد باشید که اصلاً نمی‌شود کار کرد. شما کارهای خودتان را انجام نمی‌دهید. الآن تشکیلاتتان به هم پاشیده است، خُب حالا مهمات چی؟ تدارکات چی؟ این هم ضعف دومی است که الآن من از این بحث‌ها و این صحبت‌ها می‌بینم که این دو تا ضعف الآن وجود دارد و حمل کردن این دو ضعف بدون اینکه این دو را قاطعانه حل نکنیم و کنار نگذاریم از هر سعی بدتر است.

اگر آن نامه را ما نوشتیم که بدون مشورت شما نوشتیم. مگر این چیزی که شما این قدر استناد می‌کنید به این نامه، مگر در تنظیم این نامه از شما نظر خواستیم؟ من اتفاقاً عمد داشتم که در نوشتن این نامه با هیچ کدام از شما مشورت نکنم. با اینکه

غلامعلی رشید:

اولین و مهم‌ترین اصل شرط این عملیات را که غافلگیری است چه بکنیم؟

آنجا مثال زدم که نه آن روزی که شما مرتب می گفتید چرا دولت در جنگ نیست؟ نه اینکه حالا می خواهم بروم با مسئولین برخورد کنم، دعوا کنم، داد و بیداد کنم؟ امروزه می گوید که همه موارد را امام تأیید بکند که یک وقت اشکال ضعیفی پیش نیاید. این موضع شما را من گفتم؟ این از موضع ضعف است چرا این طوری می کنید؟ پس این از نظر اعتقاد ما به اینکه باید دولت بیاید؛ اما این انتظار که امروز شما دارید که یک امر بالقوه ای به بالفعل تبدیل شود بینیم کی باید این کار را بکنند؟ خُب معلوم است که این کار را باید امام بکند. مگر کسی غیر از امام و مسئولین می تواند؟ آیا امام و مسئولین نمی دانند که بایست این کار بشود؟ آیا بحث کافی، استدلال کافی با برادرها نشده؟ چرا خوب می دانند. پس چرا نمی شود؟ این به این دلیل است که جمهوری اسلامی نمی تواند. جمهوری اسلامی به این سادگی که شما تحلیل نظامی می کنید، می آید دو دو تا چهار تا می کنید، این طور نیست. جمهوری اسلامی توانی که شما می گوید ندارد. شما آن کشور ایران را می گوید. کشور ایران مجموعه ای از جمهوری اسلامی و رژیم طاغوتی است. وزرای شما معاون ندارند، وزیر شما معاون حزب الهی ندارد. شما مگر نمی گفتید که چرا مسئولین به جنگ نمی آیند؟ ... وقتی کسی را که تجربه ندارد به جنگ بیاورید چهار سال وقت می خواهد تا این بفهمد باید چه کار بکند. شما با این کارهایتان با ورود دیگران می خواهید*

طرف B: ** یک ماه دیگر، دو ماه دیگر، سه ماه دیگر، چهار ماه دیگر توان کشور ایران، نه توان جمهوری اسلامی، توان جمهوری اسلامی همین است. یک رشدی دارد، یک مراحل دارد، یک مسائلی دارد. توان کشور ایران یک مجموعه ای از رژیم شاه است که سرش رفته بدنه اش هست. الان آقای موسوی خوئینی ها وزیر دادگستری*** شما بنده خدا در دفترش محاصره است. از وکلای ۴۰ - ۵۰

این ها را باید سرایت بدهیم؟ ما اگر بخواهیم همه این ها فعال می شوند. ما بفهمیم که با یک گروهان می خواهیم بجنگیم، خُب با یک گروهان می شود رفت جنگید. با یک گروهان می شود رفت جنگید و هر روز از دشمن تلفات گرفت. حالا هر روز نه، حداقل هر ۱۵ روز به ۱۵ روز می شود تلفات گرفت. یک گروهان شهادت طلب پیدا بشوند که آقا هر دو هفته یک بار یک جا عملیات کنند، هر سه هفته یک بار عملیات بکنند، می توانیم عمل بکنیم. کی می گوید نمی شود با یک گروهان جنگید؟ خدا شاهد است با دو نفر هم می شود جنگید.

ضعف سومی که هست این است که شما مرتب می آید، می گوید می توان جمهوری اسلامی می رسد. این ترمز و آن سد، الان می فهمم که جنگ را به بن بست رساندند. کی می گوید می توان جمهوری اسلامی می رسد؟ جمهوری اسلامی که اسمش را ما جمهوری اسلامی گذاشتیم معجونی است از دستاورد انقلاب و رژیم سابق که دست ما مانده. شما صحبت از یک توان بالقوه ای می کنید که می گوید ما می توانیم این را بالفعل در بیاوریم. در زمانی هم که ما با شما صحبت کردیم گفتیم ما می خواهیم برویم برخورد کنیم خود شماها جزء افرادی بودید که می گفتید: بابا یک وقتی برخورد نکنید که سر و صدا بشود، شلوغ بشود. اول با امام نظرخواهی کنیم بینیم امام نظرش این هست که ما با مسئولین برخورد کنیم؟ یعنی ما با شما که مشورت می کردیم در برخورد با اینکه دولت را توی جنگ بکشانیم شماها یک مقدار وحشت می کردید. بعد من

محسن رضایی:

این جلسه برای من تلخ ترین جلسه ای است که در تاریخ عمر جنگ دارم

* قسمت اول نوار به پایان رسیده و متأسفانه قسمتی از صحبت ها ضبط نشده است.

** شروع قسمت دوم نوار که قسمتی از صحبت ها ضبط نشده است.

*** دادستان کل کشور صحیح است.

جمهوری اسلامی باید جلو بیاید. کدام توان؟ کدام کار؟ پس این هم ضعف سوم شما که می‌گویید، جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی یعنی چه؟ جمهوری اسلامی یعنی الآن در کل دولت ۱۰۰ نفر آدم است، ۱۰۰ نفر آدم همه‌اش هست و تازه این ۱۰۰ نفر آدمی که آدم‌های حزب‌اللهی انقلابی هستند، این ۱۰۰ نفر نمی‌دانند جنگ چیه. چهار سال دیگر می‌فهمند، پنج سال دیگر می‌فهمند. و ما نمی‌توانیم ما بایستی پیش برویم. ما بایستی جلو برویم و ما باید حرکت بکنیم. و این توان جمهوری اسلامی که شما می‌گویید این مسئله‌اش هست و این سدی که ما الآن از بالا داریم.

غلامعلی رشید:

ما می‌گوییم جمهوری اسلامی
بیاید به اندازه توانش بجنگد.
اصلاً این که حالا کی این توان
بالحق جمهوری اسلامی تبدیل
به بالفعل بشود، این را بحث
می‌کنیم

حالا من چون یک‌مرتبه
غافلگیر شدم از این برخورد
شما و فکر نکرده بودم.
حالا بعد فکر می‌کنم بینم
چه ضعف‌های دیگری ما
داریم. باید این ضعف‌ها را
ما الآن دقیق در بیاوریم و
این را در اذهان حل کنیم
و کنار بگذاریم. حالا که
ما مرتب از طریق اغنایی -
حالا خوشبختانه یا متأسفانه
- داریم پیش می‌رویم، یعنی
وضع‌مان طوری شده است

که تا نشینیم اغنا نکنیم و خود این اغنا یک حالت
کاذبانه و فریبی برای برادرهای ما ایجاد کرده که
احساس مشارکت در همه مسائل فرماندهی می‌کنند
و نتیجه این می‌شود که فرماندهی باید یک آدم دست
بسته تسلیمی است. ما قبلاً گفتیم عملیات محدود
انجام بدهید، الآن شما تازه به ضرورت عملیات
محدود می‌رسید. من چه قدر داد زدم، چه قدر حرص
و جوش خوردم، گفتم بابا بجنید، عملیات محدود
انجام بدهید. این کار را بکنید، چندبار پیگیری کردیم؟

ساله‌ای که این‌ها آن‌چنان دقیق گزارش می‌نویسند که
خود رئیس قوه قضاییه را زیر سؤال می‌برند. مگر ما
بلدیم با این‌ها برخورد بکنیم؟ ...

ما الآن بین نخست‌وزیر و رئیس‌جمهورمان
اختلاف است. ما امروزه نمایندگان مجلس‌مان
این قدر جرأت می‌کنند که در مقابل امام بایستند. امام
چه ضمانتی دارد فردا اگر به این‌ها فشار آورد این‌ها
وسط نبرند و همه چیزی که الآن به دست آوردیم را
هم از دست ندهیم؟

این چه صحبت‌هایی است که شما از توان
می‌کنید؟! مگر توان چیز ساده‌ای است که ما بنشینیم،
توان را باید اول فهمید. فهم توان پنج سال وقت
می‌خواهد. شما تا پنج سال دیگر نمی‌توانید بفهمانید
که الآن ۱۰۰۰ تا کمپرسی برای جنگ می‌خواهید.
نمی‌توانید بفهمانید همین الآن بگویید که فردا
۱۰۰۰ تا کمپرسی می‌خواهیم، گذشته که پیش‌کش
همه، ما فردا ۱۰۰۰ تا کمپرسی می‌خواهیم، این را
تا چهار سال دیگر کسی نمی‌فهمد، تا پنج سال
دیگر کسی نمی‌فهمد. همین الآن بگویید ۱۰۰۰
تا کمپرسی می‌خواهیم، می‌گویند ببینید این‌ها یک
بهانه آوردند و می‌خواهند نجنگند، گفتند هزار تا
کمپرسی می‌خواهیم. کی این را می‌گوید؟! افراد
بالای شما این را می‌گویند. چرا؟ با شما لج دارند؟
این‌ها غیرانقلابی‌اند؟ نه طبیعی است. ما هم جای
آنها بودیم همین حرف را می‌زدیم. ما هم اگر جای
آنها بودیم همین برداشت را داشتیم. برای این که در
جنگ نیستند. ما چه انتظاری داریم که این‌هایی که
نیستند، ما چهار سال است که خواستیم این‌ها را به
جنگ بیاوریم، اما ورود ناقص این‌ها در جنگ، کار
را بدتر کرد. پس این توانی که از جمهوری اسلامی
می‌گویید شما دارید خودتان را بازی می‌دهید. یک
ذهنیتی درست می‌کنید که عذاب وجدان‌تان را حل
کنید و بعد آن را می‌گذارید می‌گویید اگر ما این
حرف را می‌زنیم خُب دلیل داریم می‌گوییم توان



از چپ: عزیز جعفری؛ احمد غلامپور، غلامعلی رشید، کوسه‌چی، اصغر کاظمی؛ قرارگاه کربلا؛ ۱۳۶۴/۱۰/۲۰

چندبار تلفن زدیم؟
چندبار گفتیم این‌ها
را بخواهید؟ حتی
اگر احساسی هم
به ما دست بدهد یا
مسئله‌ای به ما دست
بدهد دیگر مثل
فتح‌المبین نیست
که اگر پشت تلفن
گفتید آقا! ما الآن
می‌بینیم این حالت
اغنایی این قدر بین
ماها حاکمیت و
ارزش و قداست
پیدا کرده که ما دیگر

ما ارائه ندادید. شما قرار بود مانورتان را بدهید از کجا
این حرف را می‌زنید؟ از کجا می‌گویید نمی‌توانیم؟
از کجا حساب کردید؟ همین الآن حساب کردید.
شما باید پای کار بروید و کارتان را انجام بدهید، بعد
با بحث و استدلال و منطق و تجربه به ما بگویید در
اینجا [فاو] اول ۱۵۰ گردان حساب کردیم ولی الآن
۲۰۰ گردان می‌خواهد یا ممکن است ثابت شود که
از ۱۵۰ گردان هم ۱۳۰ گردان کافی است.

ضعف توان انسانی، یکی از معضلات اساسی جنگ

برادر رحیم صفوی: تجارب خیبر و بدر نشان داد.
برادر محسن رضایی: تجارب خیبر و بدر یعنی
چه؟ شما از کجا محاسبه کردید؟ باید این مانورتان
را محاسبه کنید. با فرمانده لشکرهایتان کجا برخورد
کردید؟ کجا صحبت کردید؟ ما به شما گفتیم جواب
سؤال بیاورید، سؤال روشن از شما کردیم جواب
بدهید. مانورتان را که ارائه ندادید برای ما که بحث
مانور نکردید.

برادر رحیم صفوی: این‌ها بحث مانور نیست،
بحث مانور یک لشکر یا مانور یک قرارگاه نیست،

آن برخورد را هم نمی‌توانیم بکنیم. این‌ها را ما باید
حل بکنیم که به هر حال از طریق اغنا شده، از هر
طریقی شده ما باید حل کنیم و جلو برویم.
شما اگر پیشنهاد دارید که القرنه را عمل نمی‌کنید
خُب نکنید. بگویید آقا! ما برای راه‌کار دوم، برای
اینکه یک وقت غافلگیر نشویم پیشنهاد می‌کنیم که
اگر احیاناً مثلاً احتمال یک درصد بود که اینجا عمل
نکنیم، به عنوان آن احتمال یک درصد، ما یک سری
عملیات‌های محدود آماده کنیم و به جای القرنه
عمل کنیم. شما تا دیروز می‌گفتید القرنه. حالا القرنه
را نمی‌خواهید انجام بدهید، خیلی خُب به جایش
می‌گویید عملیات محدود انجام می‌دهیم. چرا
می‌آیید همه چیز را زیر سؤال می‌برید؟ اصلاً همه
چیز واژگون می‌شود، همه چیز به هم می‌خورد.
برادر رحیم صفوی: شما می‌فرمایید که توان
جمهوری اسلامی نمی‌کشد و نمی‌تواند، ما می‌گوییم
این توان ما نمی‌رسد برادر محسن که نه در القرنه
بجنگیم و نه در فاو. این توان نمی‌تواند، حالا شما مرتب
می‌خواهید فشار بیاورید.
برادر محسن رضایی: شما هیچ بحث استدلالی به

قدم‌هایمان را توی عملیات برداشتیم، یعنی این قرارگاه‌ها را رفتیم زدیم، شناسایی‌ها شده، بحث‌ها شده است. گردان چنین می‌شود، گروهان چنان می‌شود، این بحث‌ها هم در این عملیات خواهد شد. در این که هیچ شکی نیست، در خیبر هم همین کار را کردیم. در بدر هم همین کار را کردیم. همه گام‌هایمان را برداشتیم. ولی ما می‌بینیم

برادر محسن رضایی: نه در بدر خیلی دیر گام برداشتید زمان را از دست دادید. الآن هم دارید زمان از دست می‌دهید.

برادر غلامعلی رشید: ما می‌بینیم تنها و تنها اگر یک چیز ناقص در اینجا فراهم بشود، در محیط خوزستان و ما این را به وضوح می‌بینیم. آن هم یک

رحیم صفوی:

با این نیرو، نمی‌توانیم اینجا (فاو) بجنگیم. اینکه می‌فرمایید با دو نفر هم می‌شود جنگ را ادامه داد، بله همه اعتقاد دارند. ما از دارخوین با کلاش می‌جنگیدیم، حالا هم همان هستیم. فرمانده لشکرهایمان و فرمانده تیپ‌هایمان هم همین هستند

۵۰ - ۶۰ گردان نیروی بسیجی لخت باشد، دستور عملیات صادر می‌شود. چشم‌پوشی می‌شود از غافلگیری، چشم‌پوشی می‌شود از برآورد مهمات. بوده، شده، غیر از این نیست. ما می‌گوییم ما یک تاجر ورشکسته هستیم و نمی‌توانیم معامله بزرگ بکنیم. این یک مثال است. ما در فتح‌المبین یک تاجر خوب بودیم می‌توانستیم معامله بزرگ بکنیم، الآن

دیگر ما قادر نیستیم آن معامله‌های بزرگ را بکنیم. ما می‌گوییم با یک نفر هم می‌شود جنگید. این حربه را از ما نگیرید. دارید یک‌طوری بحث می‌کنید که ما می‌گوییم دیگر نمی‌شود جنگید. ما می‌گوییم با یک نفر هم می‌شود جنگید. اما یک نفر وقتی که بجنگد و سه نفر عراقی را بکشد و خودش هم شهید بشود این پیروزی است. اما بدر و خیبر، مجموع این‌ها شکست می‌شود، پیروزی نمی‌آورد. قضیه عاشورا پیروزی

بحث کل است. بحث کل تیپ‌ها و لشکرهای ماست. ... این توان ما در بدر منهای ارتش، این توان ما در بدر نکشید و ما شکست خوردیم. الآن می‌خواهیم با همین توان توی فاو برویم و بجنگیم، باز شکست می‌خوریم. با همین توان می‌خواهیم به القرنه و روطه برویم بجنگیم باز هم شکست می‌خوریم. ما نمی‌توانیم. اگر توان بیش‌تری هست، اگر شما می‌فرمایید که ما متناسب با توان‌مان منطقه را تعیین بکنیم، ما الآن تناسبی نداریم و نمی‌توانیم برادر محسن. اگر هم برویم شکست می‌خوریم. خُب چرا بیاییم این شکست را بخوریم؟ ما نمی‌توانیم اینجا [فاو] را بجنگیم، نمی‌توانیم. با این نیرو، با این‌ها نمی‌توانیم اینجا برویم بجنگیم. بله اینکه می‌فرمایید با دو نفر هم می‌شود جنگ را ادامه داد، بله همه اعتقاد دارند. ما از دارخوین با کلاش می‌جنگیدیم حالا هم همان هستیم. فرمانده لشکرهایمان و فرمانده تیپ‌هایمان هم همین هستند. الآن هم به آنها بگوییم یا علی! بیایید برویم با کلاش بجنگیم [می‌آیند]. بحث اینکه با یک لشکر عملیات انجام بدهیم، با دو لشکر عملیات انجام بدهیم بحث این‌ها نیست. ... بحث این بود که این سپاه با این توان فعلاً قادر به عملیات گسترده نیست. باید یک توان بالاتری را به‌دست بیاورد تا بتواند بجنگد.

برادر محسن رضایی: این که کلی است، کی از شما این را قبول می‌کند؟ شما با استدلال ثابت کنید که اینجا [فاو] چند گردان می‌خواهد و الآن چند گردان برای ما رسیده؟ هنوز که زمان این بحث نشده که شما این حرف را می‌زنید. این بحث‌هایی که نارس است و مربوط به الآن نیست، کار شما را الآن سد کرده. همین کار موجودی که باید پیش برود را سد کرده و وقتی که این کار سد بشود معلوم است که شما ضربه می‌خورید، معلوم است که نمی‌توانید آماده بشوید.

برادر عزیز جعفری: این‌ها بحث شده.
برادر غلامعلی رشید: برادر محسن! ما که همیشه

و عمل هم کردند، همه قدم‌ها را هم برداشتند، قرارگاه‌هایشان را زدند، بحث‌های خط را کردند، مانورچینی هم کردند، بعدش هم برگشتند. تمام شد و رفت. ما می‌گوییم برای یک‌بار دیگر از این کار جلوگیری کنیم. اگر پارسال شماره ۲ را پیشنهاد دادیم ما می‌دیدیم الآن این پذیرای این نیست که ما بگوییم نمی‌توانیم عملیات گسترده در جنوب انجام بدهیم. ولی الآن به این نتیجه رسیدیم که واقعیات را اگر بباییم بگذاریم و کلاه خودمان را قاضی کنیم می‌بینیم که در جنوب هدف‌های بسیار بزرگ و ارزشمندی هست که زیر زبان همه مزه می‌کند. تا گفتیم فاو می‌گویند به‌به چه چیز خوبی است. تا بگوییم شلمچه می‌گویند اینجا هدف‌های ارزشمند است و امکانات و نیرو می‌خواهد. ما سه سال است که داریم اینجا [جنوب] تقلا می‌کنیم، تلاش می‌کنیم نتوانستیم گام قوی برداریم. ما این را به عنوان یک پیشنهاد خدمت شما داریم عرض می‌کنیم.

پیشنهاد انجام عملیات‌های محدود در سال ۶۴

برادر غلامعلی رشید: می‌گوییم تا پایان این سال، تا فروردین ما بباییم عملیات محدود بکنیم. ۱۵ عملیات محدود انجام بدهیم بعد برویم شمال غرب، آنجا می‌شود با ۵۰ - ۶۰ گردان جنگ کرد. با ۵۰ - ۶۰ تا ۷۰ گردانی که در توان سپاه و جمهوری اسلامی و بسیج هست می‌شود آنجا جنگید، بعد به جنوب برگردیم و آن چنان کار مهندسی بکنیم که بشود غافلگیری را رعایت کرد. الآن تمام یگان‌های ما در سرزمین جنوب‌اند، توی جنوب هستند غافلگیری دیگر معنا و مفهوم ندارد، از بین رفته است. کار مهندسی که می‌کنیم فردایش می‌خواهیم عمل کنیم. شما کار مهندسی این جزیره آبادان را می‌توانستید مثلاً یک سال بعد عمل کنید، این غافلگیری معنای دیگری پیدا می‌کند، غافلگیری آب حیات ماست. من می‌دانم بعد از این عملیات، غافلگیری را همه کنار می‌گذارند و می‌گویند دیگر تمام شد. برویم که دیگر

است ۷۲ نفر به ۳۰ هزار نفر بودند. می‌شود جنگ را ادامه داد، می‌شود جنگید. اما ما می‌بینیم تا یک ماه دیگر، دو ماه دیگر تمام فشارها، این آمدن ۵۰ - ۶۰ گردان نیرو قوی‌ترین اهرم فشار علیه ما می‌شود.

برادر محسن رضایی: می‌گویم صحیح است که شما می‌خواهید از من دستور بگیرید، از من الآن اعتراف بگیرید که اگر همه توان فراهم نشد ننگیم؟ کجای مردانگی این‌طور است؟ کجای جوانمردی این‌طور است که شما بیاید جلوی ما از ما اعتراف بگیرید که شما یادت باشد؟ ما دیگر بی‌اعتماد شدیم، تا تمام این‌ها فراهم نشود ما نمی‌جنگیم و این اعتراف را بگیرید و بعد بروید شروع به کار کنید. برادر غلامعلی رشید: ما می‌گوییم اعتمادمان به

امکانات، وقتی شما می‌فرمایید تردید دارید؟ وقتی شما از اینجا به تهران تشریف بردید گفتیم ما به فرماندهی خودمان بی‌تردید نشدیم، اعتمادمان کم نشده، تردید نداریم، والله، بالله در غیاب شما برادر محسن، ما شما را، حلم شما را، عقل شما را، تدبیر شما را عالی‌ترین تدبیر برای خودمان می‌شناسیم. بارها گفتیم هرکس به جای برادر محسن بود، نمی‌دانم یک کسی مثل منصوری بود، فلان بود، امکان نداشت ما یک قدم درست و حسابی در جنگ برداریم، آن یک بحث دیگر است.

ما می‌گوییم بی‌اعتماد به این امکانات هستیم. این در بچه‌ها تردید به وجود می‌آورد. یکی از علت‌های تردیدها این است. به رسیدن این امکانات بی‌اعتماد هستند، به این نیرویی که باید فراهم بشود بی‌اعتماد هستند، به آماده شدن محیط عملیات بی‌اعتمادند. به این بی‌اعتمادند و دیدند هم که این‌ها فراهم نشده و نیرو پای کار می‌آید و می‌گویند عمل کنید

غلامعلی رشید:

ما می‌گوییم این توانی که هست
ما سه سال، چهار سال است
داریم این توان را سبک، سنگین
می‌کنیم. این توان دیگر قادر
نیست عملیات انجام بدهد

خودش می‌خواست بگوید من اینجا شهید می‌شوم ولی حرف نمی‌زد. من می‌خواستم یک حرفی بکشم که تو اینجا موفق می‌شوی؟ کل این عملیات موفق [خواهد شد؟] این با قلب و وجودش می‌دانست که موفق نمی‌شود، اما حرف نمی‌زد. خُب این بچه‌های ما این قدر هم کرامت دارند، حرف نمی‌زنند. اما این دیگر کافی است که ما حرف نزنیم. این بار هم حرف نزنیم و برویم آنجا؟ شما بیایید.

نقد و بررسی عملیات بدر

برادر محسن رضایی: آخر این حرف زدن شما که کار را شل می‌کند. همان بدر شل شد، بدر حداقل یک ماه دیگر بحث می‌خواست که روی آن بحث کنیم، این یک ماه را از قبل فرصت داشتیم.

برادر رحیم صفوی: یک ماه دیگر دو ماه دیگر هم بحث می‌کردیم باز هم ما شکست می‌خوردیم، چون توان نداشتیم.

برادر محسن رضایی: چه حرفی است می‌زنید؟
برادر رحیم صفوی: برادر محسن! چرا نیروهای ما به العزیر نرسیدند؟ بابا نمی‌کشیدند.

برادر محسن رضایی: همین بحثی که پیشنهاد می‌کنید می‌گویید بیایید اینجا الان خاکریز بزنیم، خُب از روطه تا بالا عمل می‌کردیم. ما روی العزیر عمل می‌کردیم.

برادر عزیز جعفری: ما پشتیبانی نداشتیم.
برادر رحیم صفوی: پشتیبانی آتش نداشتیم.
برادر محسن رضایی: پشتیبانی آتش نمی‌خواست، سه روز اول ما می‌رسیدیم پل‌ها را منفجر می‌کردیم و پشتش می‌ماندیم. مسئله‌ای نداشتیم. چرا می‌رفتیم؟

کربلا درست کنیم. کربلا درست کردن، تا الان هم ما درست کردیم، تا حالا هم غیر از این نبوده، این هم کربلا بوده که این‌ها درست کردند. ما می‌گوییم جمهوری اسلامی بیاید به اندازه توانش بجنگد. اصلاً این که حالا کی این توان بالقوه جمهوری اسلامی تبدیل به بالفعل بشود، ما بحث می‌کنیم. من بارها استدلال خود شما را هم خدمت برادرها گفتم، گفتم برادر محسن می‌گوید این حرف‌ها را بزنید اما منتظر نمانید. اگر ما منتظر نمانیم تاخیر و تردید در ما به وجود نمی‌آید. ما انتظاری الان نداریم که فردا بیایند اینجا آتش و مهمات و همه چیز بریزند تا ما بجنگیم. ما این بحث‌ها را می‌کنیم و می‌گوییم توان جمهوری اسلامی می‌تواند این‌طور بشود، آن‌طور بشود تا دستش در جنگ بیش‌تر باز بشود. ما می‌گوییم این توانی که هست ما سه سال، چهار سال است داریم این توان را سبک، سنگین می‌کنیم. این دیگر قادر نیست عملیات و معاملات بزرگ را انجام بدهد.

کوچک‌ترین مرحله‌ای که می‌شود گرفت، در شلمچه ما می‌رویم یک خطی می‌کشیم که عمق و عرضش ۵ کیلومتر نمی‌شود. می‌بینیم ۸۰ گردان نیرو می‌برد، آن هم تضمینی نیست که بمانیم. ای کاش این ۸۰ گردان همه شهید بشوند، ولی آنجا بمانیم. می‌بینیم نمی‌شود ماند. خُب یک اسبابی باید فراهم شود که ما یک تکه زمینی را که می‌خواهیم بگیریم بتوانیم آنجا بمانیم. ما می‌بینیم آن اسباب نیست دوباره باید برگردیم. چرا شما دستور نفرمودید که ما بدر را آنجا بمانیم؟ چرا عقب‌نشینی را قبول کردید؟ بابا! والله، بالله ۴۸ ساعت دیگر شما صبر می‌کردید همه چیز تمام می‌شد. آن وقت می‌شد بهتر حرف زد، آن وقت دلیل بسیار قوی هم داشتیم، زمینی را گرفته بودیم مانده بودیم، تمام شد. آنهایی که جنگیده بودند شهید شدند تردید که نداشتند. این آقای باکری را من هرچی می‌خواستم زیر زبانش را شل کنم یک حرفی از او بکشم سکوت می‌کرد. من می‌دانستم

غلامعلی رشید:

این آقای باکری را من هرچی می‌خواستم زیر زبانش را شل کنم یک حرفی از او بکشم سکوت می‌کرد. من می‌دانستم خودش می‌خواست بگوید من اینجا شهید می‌شوم ولی حرف نمی‌زد

برادر عزیز جعفری: آتش نبود، جلوی باتلاق بود و دیگر دشمن نیامد.

برادر غلامعلی رشید: برادر محسن! ما سمت چپ جزیره جنوبی خاکریز داشتیم سمت راست که نداشتیم، باتلاق بود. و این را هم می دانست. بقیه جزیره را هم اطلاع داشت، جزیره مال خودش بوده. برادر محسن رضایی: سه سیل بند محکم جلوی باتلاق بود، می انداخت جلو می آمد.

برادر غلامعلی رشید: بقیه جزیره هم باتلاق بود. وسط های جزیره جنوبی باتلاق بود، جزیره شمالی هم باتلاق بود.

برادر عزیز جعفری: درست تا جایی آمد که باتلاق بود.

برادر محسن رضایی: بچه ها محاصره شدند آنها را عقب زدند.

برادر غلامعلی رشید: می گویم باتلاق بود. برادر محسن رضایی: بچه ها آمدند از پشت محاصره شدند این ها را عقب زدند. چه حرفی است شما می زنید؟ سه تا سیل بند بود.

برادر غلامعلی رشید: برادر محسن این جزیره باتلاق بود.

برادر محسن رضایی: حالا همه اش باتلاق شد؟ برادر غلامعلی رشید: بله. باتلاق بود. حالا ببینیم تکه های باتلاقی اش را بکشیم؟ برادر محسن رضایی: خُب بکشید ببینیم. خُب به عنوان کسی که آنجا بوده

برادر غلامعلی رشید: بقیه آن فقط روی سیل بندها کار می کردند.

برادر محسن رضایی: بگو ببینم این باکری و احمد کاظمی تا کجای دشمن پیشروی کردند؟ برادر عزیز جعفری: برادر محسن، بلدوزرهایی که [لشکر] علی ابن ابیطالب در جناح راست می خواست خاکریز بزند خدا شاهد است جلوی آب را می خواستیم بگیریم یا نه؟

اصلاً از روطه به پایین ما نمی رفتیم همه را حذف می کردیم. چه حرفی می زنید؟

برادر عزیز جعفری: در قرارگاه نجف که تردید نبود، برادر محسن. قرارگاه نجف روحیه اش خیلی بهتر از قرارگاه کربلا بود. این [قرارگاه] کربلا بود که می گفت نمی شود، خط شکسته نمی شود. بدبختی همه اش پایین بود. ولی این که سه روزه اینجا تصرف بشود، شما می فرمایید در مورد پایین بحث نشده، ولی این بحث برآورد گردان یک چیزی است که دقیق انجام گرفته است. الآن لشکریایی که در خط چیده شدند براساس همین توان و عملیاتشان است که بگیرند با حدود ۵۰ گردان. می خواهید نقشه بیاورند تا ارائه بدهیم. با حدود ۵۰ گردان منطقه

خط ۵ [تا شهر فاو] تصرف می شود. ولی چون جلوی آن مانع طبیعی نیست و متکی به مانع طبیعی نیستیم اگر بشود با حداقل ۱۰۰ گردان و به اضافه پشتیبانی آتش با در نظر گرفتن پشتیبانی آتش [می توان موفق بود].

برادر محسن رضایی: در جزیره جنوبی مگر ما مانع طبیعی داشتیم؟ عقبه ما در

جزیره جنوبی چند کیلومتر بود؟ برادر عزیز جعفری: دیگر دشمن نمی توانست بیاید برادر محسن، نمی توانست مانور زرهی بدهد. باتلاق بود.

برادر محسن رضایی: چه حرفی می زنید شما؟ برادر عزیز جعفری: تا جایی آمد که زمین خشک بود. جلوتر از آن باتلاق بود.

برادر محسن رضایی: آتش، چه حرفی می زنید شما؟

غلامعلی رشید:

ما اگر متکی بر یک عارضه طبیعی مثل رودخانه و کانال و دژی که چهار متر بلند باشد و سه متر هم عرض داشته باشد و آن وقت ما توان داشته باشیم، ما می توانیم بجنگیم برادر محسن. ما هرجا برویم بیرونمان می کند، ما باید متکی بر یک رودخانه بجنگیم، ما می دانیم در فاو با ما می جنگد

برادر محسن رضایی: همان آدمش، ما در صفین این آدم‌هایش را هم نداشتیم ما توی صفین. برادر غلامعلی رشید: چرا نداشتید؟ برادر عزیز جعفری: تمام شده بود، برادر محسن. برادر محسن رضایی: برای اینکه مأموریت‌هایشان جای دیگر بود. برادر غلامعلی رشید: تمام شده بودند. ما ۶۸ گردان داشتیم، شما روز پنجم چیزی در دست‌تان نبود. برادر عزیز جعفری: تمام شد. برادر رحیم از [لشکر] عاشورا درخواست می‌کردند، از ما که در جزیره بودیم التماس می‌کردند، می‌گفتند: یک گروهان، می‌گفتیم تمام شد. عاشورا هیچی نماند.

عزیز جعفری: در قرارگاه نجف که تردید نبود، برادر محسن. قرارگاه نجف روحیه‌اش خیلی بهتر از قرارگاه کربلا بود. این [قرارگاه] کربلا بود که می‌گفت نمی‌شود، خط شکسته نمی‌شود

برادر محسن رضایی: دلیلش این بود که نمی‌بایست جنوب روطه عمل می‌کردیم. ما باید از روطه به بالا عمل می‌کردیم یا از روطه به پایین. کار حل بود، ما مسئله‌ای نداشتیم؟ برادر عزیز جعفری: پل که دیگر نمی‌توانستیم بزنیم آن وقت. برادر محسن رضایی: نمی‌خواست پل بزنیم. برادر عزیز جعفری: اگر

پل نمی‌زدیم همین ۱۰ هزار نفر هم که عقب‌نشینی کردند همه این‌ها می‌ماندند و می‌افتادند توی باتلاق‌ها و خفه می‌شدند.

مشکلات منطقه فاو برای انجام عملیات

برادر غلامعلی رشید: ما اگر متکی بر یک عارضه طبیعی مثل رودخانه و کانال و دژی که چهار متر بلند باشد و سه متر هم عرض داشته باشد و آن وقت ما توان داشته باشیم، ما می‌توانیم بجنگیم برادر محسن.

برادر محسن رضایی: برادر! می‌گویم روی سیل‌بند نمی‌آمد. آن که پنج کیلومتری عقب شما را با تانک بسته بود.

برادر عزیز جعفری: روی سیل‌بند نمی‌آید. برادر غلامعلی رشید: آتش نداشتیم برادر محسن. در بدر؟ جلوی صفین که ما پنج برابر جزیره مجنون آتش داشتیم. چطور شد به ما در بدر؟ برادر محسن رضایی: نیرو نبود. برادر غلامعلی رشید: خُب تمام شد دیگر، تمام می‌شود.

برادر محسن رضایی: اصلاً کسی آنجا نیرو نبود. لشکر ۸ نجف و امام حسین و چیزهای دیگر ما در که صفین نبودند.

برادر غلامعلی رشید: ما در بدر برادر محسن سرسخت‌تر از خیبر جنگیدیم.

برادر محسن رضایی: می‌گویم در صفین که نبودند. برادر عزیز جعفری: خُب همین، چون نیرو نداریم. برادر محسن رضایی: می‌گوید نیرو نداریم! برادر غلامعلی رشید: شما پرسش می‌کنید یک‌بار می‌آید بدر را مثال می‌زنید، یک‌بار خیبر را مثال می‌زنید. در بدر شرایطی مثل خیبر داشتیم پس چرا نماندیم؟ برادر محسن رضایی: می‌گویم که شما لشکرهای پدافندی‌تان را برای صفین برآورد می‌کردید آنجا می‌گذاشتید بعد می‌گفتید چرا نماندیم؟ چرا این حرف را می‌زنید؟

برادر غلامعلی رشید: آخر در جزیره مجنون که ما چیزی نداشتیم، ما نیرو نداشتیم. برادر محسن رضایی: چرا نداشتیم؟ برادر غلامعلی رشید: نداشتیم. برادر محسن رضایی: شما باکری را داشتید، کاظمی را داشتید.

برادر غلامعلی رشید: این‌ها آدم بودند، ما قدس‌ها را به‌کار گرفتیم. برادر عزیز جعفری: دیگر تمام شده بودند.

ما هر جا برویم بیرونمان می‌کند، ما باید متکی بر یک رودخانه بجنگیم، ما می‌دانیم در فاو با ما می‌جنگد، اینجا چیزی نیست که تمام بشود، جلوی دشمن آب بیندازیم بگوییم تمام شد. و اینجا یک رودخانه درست کند، این چرا نجنگد؟

برادر محسن رضایی: دشمن ما را از این نخل‌ها، از این خانه‌ها نمی‌تواند بیرون کند.

برادر غلامعلی رشید: نخل‌ها را که دارد پاک می‌کند.

برادر محسن رضایی: اگر این شرایطی را که می‌گوییم داشته باشیم دشمن نه ما را از این نخل‌ها می‌تواند بیرون کند، نه از این نهرهای پشت سر هم

می‌تواند بیرون کند و نه از این خانه‌ها می‌تواند بیرون کند. خود این خانه‌ها اثرش خیلی از این رودخانه قوی‌تر است، اصلاً حداقل دو کیلومتر در دو کیلومتر یک مانعی است که دشمن باید به‌صورت چریکی در این خانه‌ها با ما بجنگد.

برادر غلامعلی رشید: خانه را با یک روز آتش تهیه حل می‌کند.

برادر عزیز جعفری:

خانه‌ها را که دارد خاک می‌کند. فاو را دارد خراب می‌کند. نخلستان‌ها را دارد پاک می‌کند.

برادر غلامعلی رشید: خانه‌های فاو یک مشت خانه گلی است، فکر می‌کنید، شهر تهران است که آپارتمان باشد که مقاومت کند؟!

برادر عزیز جعفری: تازه خط پدافندی ما جلوی فاو است.

برادر احمد غلامپور: دارد خراب می‌کند.

برادر غلامعلی رشید: نه با یک روز آتش تهیه

سنگین داغون می‌شود.

برادر محسن رضایی: مثل خرمشهر نیست که حالا برود دور بزند، آنجا قابل دور زدن نیست هم نیست برایش.

برادر عزیز جعفری: برادر محسن! شما می‌فرمایید توان جمهوری اسلامی این‌طوری است الآن نمی‌رسد، مگر مسئول جنگ و ادامه جنگ سپاه است فقط؟ یعنی این‌که الآن

برادر محسن رضایی: بله سپاه است. امام از شما می‌خواهد.

برادر غلامعلی رشید: بله ما می‌جنگیم.

برادر عزیز جعفری: می‌جنگیم ولی نه

برادر غلامعلی رشید: ما می‌جنگیم ولی به اندازه توان‌مان می‌جنگیم.

برادر عزیز جعفری: شما می‌فرمایید عملیات بدر، برادر محسن اگر تیپ بدر یک ذره بیش‌تر از توان خودش عمل می‌کرد و یک طرح بزرگ‌تر به آن می‌دادی شکست می‌خورد. اگر لشکر ۱۹ فجر روی ارتفاع ۱۹۲ می‌ایستاد، عمل کرد ولی این توانش بود، لشکر فجر توانش این بود که برود دشمن را منهدم کند برگردد، اگر می‌ایستاد آنجا شکست می‌خورد.

برادر محسن رضایی: چهار سال است گذشته، پس چرا از این توان‌ها استفاده نمی‌کنید؟

برادر عزیز جعفری: در حد خودشان می‌توانیم استفاده کنیم.

برادر محسن رضایی: پس چرا استفاده نکردید؟ برادر عزیز جعفری: به لشکر فجر نمی‌شود مأموریت حفظ خط داد.

برادر محسن رضایی: می‌گویم چرا تا حالا استفاده نکردید؟

برادر عزیز جعفری: خُب موقعیت نبود.

برادر غلامعلی رشید: استفاده شده، در همه عملیات‌ها آمده جنگیده است. در همین خرمشهر شرکت داشتند.

عباس محتاج:

برادر محسن! بحث‌هایی که الآن دارد می‌شود صحبت‌هایی است که حدود سه چهار ماه پیش در تهران شد، بعد نتیجه‌ای که از این بحث‌ها گرفته شد به عقیده خود من یک نتیجه معقول و منطقی بود

محدود می‌شود. پس اشکال ما آن روز که می‌گفتیم فرماندهی جنگ، آقایان به جنگ بیایند این نبود که اینجا یک آقای هاشمی یا یک آقای خامنه‌ای کم داریم یا فرض کنیم آقای [حسن] روحانی کم داریم. این اشکال ما نبود. اشکال ما در این است که واقعاً همین فرمایشی که خود شما فرمودید ما از عملیات فتح‌المبین تا حالا توان ما روزبه‌روز در ارتباط با جنگ دارد تقلیل می‌رود. ما در عملیات فتح‌المبین ۱۳۰ - ۱۴۰ گردان نیرو وارد کردیم، الآن می‌آیم همه توان‌مان را که روی همدیگر می‌ریزیم ۶۰ - ۷۰ گردان می‌شود تازه نه به آن کیفیت که قبلاً داشتیم. کیفیت‌های فتح‌المبین فرق می‌کرد.

عباس محتاج:

اعتقاد ما این است که محدود است، ولی همین عملیات محدود دو برابر توان فعلی ما نیرو می‌خواهد. یعنی توان فعلی ما نصف عملیات محدود است، یعنی خیلی محدودتر از محدود می‌شود

به اهداف خودمان رسیدیم. ما رفتیم با بسیجی‌ها صحبت کردیم. بسیجی‌ها می‌گویند خُب جنگ، جنگ سیاسی است، ما جنگی نکردیم که به اهداف خودمان برسیم. شَمّ نظامی نیست واقعاً. با جنگ دارند به‌صورت سیاسی برخورد می‌کنند. هرکجا هم که می‌بینند به سیاست مملکت لطمه می‌خورد، به اقتصاد مملکت لطمه می‌خورد، جنگ را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند، جنگ را تحت فشار قرار می‌دهند. اینجا الآن صحبت سر این نیست که نجنگیم،

برادر عزیز جعفری: توانی که شما پذیرفتید و می‌فرمایید که توان جمهوری اسلامی نیست، پس نمی‌شود با این توان ضعیف در فاو عمل کرد. برادر غلامعلی رشید: نیروهای خط‌شکن کسان دیگری بودند.

برادر عباس محتاج: برادر محسن! بحث‌هایی که الآن دارد می‌شود صحبت‌هایی است که حدود سه چهار ماه پیش در تهران شد، بعد نتیجه‌ای که از این بحث‌ها گرفته شد به عقیده خود من یک نتیجه معقول و منطقی بود، هرچند که معقول و منطقی با نتیجه این جلسات برخورد نشد. خود شما در جلسه‌ای که خدمت آقای هاشمی و آقای خامنه‌ای تشکیل شد فرمودید که: ما با این توان دیگر قادر به برآورد اهداف و تأمین اهداف شما نیستیم، البته می‌جنگیم ولی با همین عملیات‌های محدود.

برادر محسن رضایی: نه ما آنجا گفتیم احتمالاً فاو [را انجام می‌دهیم] در صورتی که این شرایط ما حاصل شود ما گفتیم این را، ما همان موقع این حرف را زدیم.

برادر عباس محتاج: شما همان موقع صحبت کردید که ما ۶۰ گردان داریم، ۶۷ گردان داریم. الآن شما همین عملیات را عملیات محدود فرمودید، یعنی در چارچوب عملیات‌هایی که در تهران هم بحث می‌شد عملیات فاو جزو عملیات‌های محدود روی آن بحث می‌شد. اما این عملیات محدود الآن گفته می‌شود ۱۵۰ گردان نیرو می‌خواهد.

برادر محسن رضایی: خوب محدود است، هنوز هم محدود است.

کعبود شدید نیرو و وضعیت فرهنگی جامعه

برادر عباس محتاج: اعتقاد ما این است که محدود است، ولی همین عملیات محدود دو برابر توان فعلی ما نیرو می‌خواهد. یعنی توان فعلی ما نصف عملیات محدود است، یعنی خیلی محدودتر از

همدیگر می‌ایستند این‌ها مجموعاً وضع مملکت ما را طوری می‌کند که ما در یک ماه گذشته با همه تبلیغاتی که کردیم، با همه بدو بدوهای که کردیم در استان خراسان ۱۷۰۰ نیرو اعزام کردیم که از این ۱۷۰۰ نیرو ۸۰۰ نفر جنگی بودند و بقیه نیروی آشپز و خدماتی و کارگر و فعله بودند. خُب این‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که بعد از یک ماه کار وقتی ۱۷۰۰ نیرو جذب بشود. در صورتی که ما اگر بخواهیم یگان‌هایمان را در استان خراسان تکمیل کنیم، ۹ هزار بسیجی داریم از ۹ هزار بسیجی ما یک ماه کار کردیم ۱۷۰۰ نفر اعزام کردیم که این ۱۷۰۰ نفر، ۸۰۰ نفرش رزمی هستند.

برادر محسن رضایی: تمام نیروهایی که می‌خواهیم من اطمینان بسیار زیادی دارم که تا پایان ...**
برادر غلامعلی رشید: ...** این حرف منطقی نداشته باشیم.

برادر محسن رضایی: من این پیشنهاد را دارم، قادر نیستید که شما نمی‌توانید بگویید.

برادر غلامعلی رشید: ۷۰ گردان آماده می‌شود و قوی‌ترین اهرم فشار همین می‌شود، مردم آمدند، بسیجی‌ها هستند می‌خواهید چه کارشان کنید؟ دارند برمی‌گردند یا الله، فلان، تمام شد. از همه بقیه مسائل چشم‌پوشی می‌شود. این غافلگیری از بین رفته.

برادر مهدی مبلّغ: برادر محسن تدبیر فرماندهی چه هست؟ اگر تا آذر ماه نیرو تأمین نشد شما تدبیرتان را تغییر می‌دهید؟

برادر محسن رضایی: اگر آماده نشود؟

برادر مهدی مبلّغ: بله.

برادر محسن رضایی: خُب شما دارید می‌گویید پیشنهاد داریم. خُب عملیات محدود انجام می‌دهیم. برادر غلامعلی رشید: نه ما می‌گوییم با همین نیروها الآن بکنیم. ما می‌گوییم لشکر عاشورا را از خطش در بیاوریم و برویم عملیات انجام بدهیم. برادر رحیم صفوی: می‌گوییم شروع کنیم دیگر

صحبت سر این است که بجنگیم ولی چطوری بجنگیم؟ توان ما از چهار ماه قبل اصلاً افزایش پیدا نکرده. همان چهار ماه قبل است به اضافه اینکه یک تعداد از پاسدارهایمان استعفا دادند و رفتند، یک تعداد از بسیجی‌های ما مسئله‌دار شدند. صحبت سر این‌هاست که این‌ها باید واقعاً در جامعه ما اصلاح بشود. وگرنه امروز ما این عملیات را با ۶۰ گردان می‌کنیم، فردا مجبور هستیم اگر همین روال ادامه پیدا کند یک عملیات ۴۰ گردانی کنیم. بعد هم ۳۰ گردانی. خدا شاهد است من الآن به برادرها گفتم: بسیجی‌هایی که در عملیات عاشورای ۲ شهید شدند همان‌هایی بودند که چهار سال قبل می‌جنگیدند. الآن بسیجی‌های ما وقتی جبهه می‌آیند همان‌هایی هستند که چهار سال قبل توی جبهه بودند. یک عده بسیجی‌هایی هستند که این‌ها می‌آیند و می‌روند و یک عده از آنها شهید می‌روند، یک عده جانباز می‌شوند، یک عده هم می‌آیند. وقتی می‌گویند در یک استان ده هزار یا دوازده هزار تا سرباز فراری داریم که این‌ها در یک دهاتی مثلاً هشت تا نه سرباز هستند دو نفر هم بسیجی هستند که این سربازهای فراری‌اند به آنها طعنه می‌زنند، گوشه می‌زنند، کنایه می‌زنند که شما می‌روید جبهه کشته می‌شوید، جانباز می‌شوید در صورتی که ما اینجا برای خودمان عشق می‌کنیم. هنوز قوه قضائیه ما در این مملکت در این جهت اصلاح نشده که بیاید چیز کند. من خودم برای برادرها صحبت می‌کردم که به اعتقاد من بهترین نوع حکومت، حالا برای آن مردم روستایی یا مردم چیزی است که می‌گویند حکومت ولایتی است. ... آن نماینده مجلس به کاشان می‌رود صحبت می‌کند و هرچی چرت و پرت از دهانش می‌آید می‌گوید، اصفهان می‌رود صحبت می‌کند هرچی می‌خواهد می‌گوید. می‌رود توی تبریز صحبت می‌کند هرچی می‌خواهد می‌گوید. خُب این‌ها در مملکت ما تأثیر می‌گذارد. وقتی که خانواده شهدا و امام جمعه جلوی

معطل نشویم. ما را در خیابان می‌بینند، به ما می‌خندند و نیش‌خند

می‌زنند. این بچه مدرسه‌ای‌ها می‌گویند رفقایان

رفتند ولی شما ماندید و این روز ننگین را دیدید.

برادر غلامعلی رشید: قرآن می‌فرماید یک نفر،

۲۰ نفر را بکشد شما می‌فرمایید یک نفر ۱۰۰ نفر را

بکشد. ما می‌گوییم با این ۵۰ گردان می‌شود جنگید.

برادر رحیم صفوی: بعد قرآن درست می‌کند

می‌گوید چون این کار برای شما مشکل است یک

نفر، دو نفر را بکشد.*

راه کارهای موجود برای ادامه جنگ در جنوب

عباس محتاج:

ما این «کم من فئه قلیله» را که

می‌گوییم شما ببینید وضعیت

فرهنگی جامعه به کجا کشیده

میشود؟ این مسائل فرهنگی

جامعه در جهت جنگ دارد

رشد پیدا میکند یا نه؟ این است

که شما می‌بینید امروز با جنگ

سیاسی برخورد می‌شود

برادر محسن رضایی: از این

بحث‌ها ما باید به یک نتیجه

برسیم. اولاً باید این ۳ تا

ضعف را حل کنیم. من از

شما انتظار دارم روی این‌ها،

روی این سه تا مطلبی که

طرح کردم فکر کنید بدون

موضع‌گیری فکر کنید. روی

این سه تا مطلب فکر بکنید

من باید با تک‌تک شما روی

این سه مطلب باید بحث

بکنم وگرنه اصلاً دیگر دست

ما به پای کار نمی‌رود. چون

همین شناختن ضعف‌ها به ما ضربه بیش‌تری زده تا

اینکه خود این ضعف‌ها در عمل چه اثری داشته؟

شما روی این سه مطلبی که من گفتم فکر کنید باز

باید با تک‌تک شما بحث شود و مورد به مورد گفته

بشود. این یک مطلب.

مطلب دوم اینکه ما از این جلسه شما یک نتیجه

می‌گیریم و آن اینکه القرنه را ما حذف می‌کنیم و

شما به جای القرنه در کنار این عملیات [فاو]

برادر رحیم صفوی: این‌ها واقعیت بود ضعف

نمی‌شود بهش گفت.

برادر محسن رضایی: در کنار این عملیات شما

برادر محسن رضایی: ما سؤالی که از شما کردیم

که گفتید ما از القرنه عقب نمی‌مانیم، حالا نمی‌خواهیم

که شما یک روز ۱۵ عملیات محدود برای ما انجام

بدهید. ما این کار را که نمی‌خواهیم بکنیم.

برادر غلامعلی رشید: ما می‌گوییم هر شش ماه،

۱۵ عملیات محدود داشته باشیم و عملیات گسترده

انجام ندهیم، سال دیگر بیایم انجام بدهیم.

برادر محسن رضایی: ما که از شما ۱۵ عملیات را

با هم نمی‌خواهیم. همین نیرویی که شما برای القرنه

حساب کردید خُب دنبال این بفرستید. شما اصلاً

روی این عملیات محدود هیچ فکری نکردید. شما

با یک ذهنیتی آمدید پیش خودتان گفتید ۱۵ عملیات

و من می‌دانم می‌روید بحث می‌کنید بعد می‌گویید

خُب این نوسود را که نمی‌شود بالا رفت، آنجا هم

که هوا سرد است. نهایتاً در این شش ماه هیچ کاری

نخواهید کرد. نه شش ماه، تا اردیبهشت ماه شما هیچ

کاری نخواهید کرد.

برادر غلامعلی رشید: پس این ده عملیات را کی

کرد؟

برادر محسن رضایی: !! می‌گوییم نمی‌توانید.

برادر غلامعلی رشید: این ده تا عملیات را در این

۱۲۰ روز کی کرد؟

برادر محسن رضایی: این را با زور کردید.

برادر غلامعلی رشید: این آقا رحیم و آقای

شمخانی و همین برو بچه‌ها کردند پس کی کرد؟

برادر محسن رضایی: با زور.

برادر غلامعلی رشید: حالا با زور هم کردیم.

برادر محسن رضایی: با عدم اعتقاد، به [لشکر]

علی‌ابن‌ابی‌طالب می‌رسیدید خیلی بهتر می‌شد

علی‌ابن‌ابی‌طالب را انجام داد.

نوار ۱۶۸۴۰: برادر محسن رضایی: این چه حرفی

است که شما می‌زنید! خاک بر سر ما که زنده بمانیم

و ننگ تسلیم و ننگ این را ببینیم. آن‌موقع بچه‌ها

* اشاره به آیات ۶۵ و ۶۶ سوره انفال می‌باشد.

القرنه چه روزی است؟

برادر غلامعلی رشید: درست است.

برادر محسن رضایی: شما درآوردید ۲۰ روز و اینکه آن یگان‌ها را اینجا می‌گذاریم و این یگان‌ها را اینجا می‌گذاریم.

برادر رحیم صفوی: ۲۰ روز تا یک ماه.

برادر محسن رضایی: یک قرارگاه اینجا باشد، یک قرارگاه اینجا باشد. شما گفتید ۲۰ روز تا یک ماه، گفتید همه این کارها را می‌کنیم و می‌توانیم این کارها را بکنیم. این جواب‌ها را الآن باید بگویید ما این یک، دو، سه، چهار، پنج این پنج نقطه را می‌توانیم به جای ۱۵ نقطه که برای شش ماه در نظر گرفتید انجام بدهیم. لااقل مثلاً هر دو ماه پنج عملیات را انجام بدهید. که سه تا ۵ تا بشود ۱۵ تا عملیات. بگویید ما دو ماه اول که هم‌زمان با آماده شدن برای این [فاو] است ما این پنج تا را داریم، این‌ها را داریم.

برادر رحیم صفوی: یعنی عمل بکنیم یا بعد عمل بکنیم؟

برادر محسن رضایی: این یگان‌ها را داریم این آمادگی‌ها را داریم.

برادر رحیم صفوی: نکته‌اش این است که ما قبل از رسیدن زمان عملیات فاو، عملیات محدود انجام بدهیم؟ چون ما الآن زمان داریم تا برسیم به آنجا حدود مثلاً

برادر غلامعلی رشید: ایشان می‌فرماید مثلاً دو ماه دیگر که موعد عملیات بزرگ فراهم می‌شود، در این دو ماه چند تا می‌خواهید انجام بدهید؟

برادر مهدی مبلّغ: نه، می‌گوید به‌جای آن، به‌جای آن.

برادر محسن رضایی: به‌جای آن بله دیگر.

برادر مهدی مبلّغ: یعنی اگر آن را نتوانستیم.

برادر محسن رضایی: الآن که عملیات‌های محدود و کوچک.

برادر غلامعلی رشید: الآن پس لشکرها را ما ببریم انجام بدهیم. با همین نیروها، این‌ها نیروهایی

بباید چند تا عملیات محدود را در کنار این - با توجه به آن سوالاتی که طرح کردیم - یعنی طوری باشد که آن عملیات‌ها اولاً قابل عمل باشند. همان سوالاتی که باید برای این عملیات محدود که کجا می‌خواهید عمل کنید طرح بکنید.

برادر غلامعلی رشید: ما دیگر نمی‌توانیم عملیات محدود انجام بدهیم. ما اگر بخواهیم توی فاو بکنیم نمی‌توانیم عملیات [محدود بکنیم] قادر نیستیم.

برادر عزیز جعفری: نه می‌گویند القرنه حذف بشود بعد عملیات محدود انجام بشود.

برادر غلامعلی رشید: اگر حذف بشود آره، ایشان می‌گویند نه.

برادر عزیز جعفری: نه ایشان می‌فرمایند عملیات محدود را آماده بکنید که اگر آن شرایط تحقق پیدا نکرد بجای فاو عملیات محدود آماده بشود.

برادر رحیم صفوی: برادر محسن! این را مقداری روشن

عباس محتاج:

اینجا الآن صحبت سر این نیست که بکنیم، صحبت سر این است که بکنیم ولی چطوری بکنیم؟ توان ما از چهار ماه قبل اصلاً افزایش پیدا نکرده. همان چهار ماه قبل است

بفرمایید.

برادر احمد غلامپور: ما در القرنه عملیات محدود نمی‌خواستیم انجام بدهیم.

برادر محسن رضایی: می‌گویم این بحث‌هایی که شما کردید گفتید عملیات محدود انجام بدهیم، می‌گویم مگر قرار نبود در کنار فاو، القرنه را آماده کنید؟ برادر غلامعلی رشید: بله.

برادر محسن رضایی: چند تا سؤال از شما کردیم: یکی این بود که آیا توانی که ما توی القرنه به‌کار می‌گیریم این توان، مانعی در کار اینجا نمی‌شود؟ این توان هم این بود که یک چند روز قبل از این بایستی روی تبدیل این دو تا با همدیگر تصمیم بگیریم؟ یعنی روز کنترل ما برای تصمیم‌گیری فاو یا احیاناً



از راست: ۱. نصرالله فتحیان، ۲. احمد غلامپور ۳. مصطفی ربیعی ۴. داود رنجبر (راوی مرکز) ۵. غلامعلی رشید، ۶. علی شمخانی، ۷. عزیز جعفری

هستند که برای عملیات
بزرگشان آماده کردند.

برادر محسن رضایی:
من نمی فهمم والله یا ما
عربی حرف می زنیم یا ...
برادر عزیز جعفری:
نه بعضی هایشان حالا مثل
فجر و...

برادر غلامعلی رشید:
چرا فجر را می گوید؟
ما الآن امین شریعتی را
می خواهیم ببریم عملیات
با او انجام بدهیم. می شود؟
یا حسین خرازی.

برادر مهدی مبلّغ: آقا
رشید! آقا رشید! قرار بر این
نشد که.

برادر محسن رضایی: چرا باید این کار را بکنید؟
مگر به شما گفتند که فاو را عمل نکنید که این کار
را می کنید؟

برادر رحیم صفوی: خُب این زمان از دست دادن
است برادر محسن.

برادر محسن رضایی: پس شما چطور می خواستید
بروید القرنه و فاو را آماده کنید؟

برادر رحیم صفوی: آن هم زمان بود.
برادر محسن رضایی: خُب این را هم همزمان
آماده کنید.

برادر عزیز جعفری: من همین را می گویم. عین
جریانی که ما می خواستیم برای القرنه همزمان با فاو
آمادگی بکنیم که اگر آن نشد، آن را انجام دهیم، حالا
می گویند محدود را آماده بکنید اگر فاو نشد محدود
انجام بشود.

برادر ابراهیم سنجقی: آقا محسن قرار بر این بود که
برادر غلامعلی رشید: فرار می کردیم از بدر،

می خواستیم به شماره ۲ پناه ببریم. اگر هم شما قبول
می کردید شماره ۲ را ما فرار می کردیم می رفتیم
اروند. این فرار است. ما می بینیم که چه بکنیم آخر؟
ما می گوئیم باید راهی باز کنیم.
برادر رحیم صفوی: ما الآن به لشکرها بگوئیم که
دنبال آماده کردن این بروند؟ به همان لشکرها بی که
برای حیدر آماده کرده بودیم.

برادر عزیز جعفری: برای القرنه.
برادر محسن رضایی: مثلاً شما باید این را
طراحی کنید. ما الآن این تدبیر را می پذیریم که در
کنار آماده شدن فاو با اولویی که من مطمئن هستم
انشاءالله این امکانات می رسد و کاملاً نگرانم که
شما نمی رسید. مگر اینکه در عمل انشاءالله شما
تضمین به ما بدهید. در کنار این، شما بیاید در
مرحله اول این ۱۵ عملیات را آماده کنید. بعد ببینید
چند روز قبل وقت می خواهید؟ که اگر احیاناً دیدیم
فاو نمی شود، خدایی نکرده به این نتیجه رسیدیم که
فاو نمی شود، که این به هر حال یک نوع شکست
ما است یعنی شکست نیروهای انقلاب است در

که ۱۰ روز قبل‌اش که صددرصد این ... مسئله‌سازی کرده بود و گرنه ما هیچ مشکلی نداشتیم. برادر عزیز جعفری: الان هم نیروی دریایی و هوایی که توجیه شدند این‌ها مسئله‌دارش کردند. برادر رحیم صفوی: این‌ها چیه این کارها را می‌کنند و این‌ها را توجیه می‌کنند؟

برادر عزیز جعفری: نیروی دریایی و هوایی چند نفرشان می‌دانند؟

برادر محسن رضایی: الان روبروی چوئیده خیلی قوی‌تر است، این طرف [سمت فاو] هیچ کاری نکرده است اصلاً. اصلاً از فاو به پایین کاری نکرده است. برادر غلامعلی رشید: ما چه قدر روی این زمین کار کردیم؟

برادر محسن رضایی: ما هروقت کار کنیم اون خودش می‌آید یک آمادگی‌هایی درست می‌کند بعدش هم ول می‌کند.

برادر غلامعلی رشید: آخر سد می‌شود.

برادر محسن رضایی: این‌ها جزء بحث‌های یک هفته قبل از عملیات است شما با پیش کشاندن آن بحث‌ها زمان را از دست ندهید.

برادر عزیز جعفری: این درست است برادر رشید، تا یک ماه دیگر باز هم جلسه تشکیل می‌شود و می‌توان تصمیم‌گیری کرد.

تردیدهای اساسی در پشتیبانی از عملیات

برادر غلامعلی رشید: ما می‌بینیم که وقتی که نیرو فراهم شد آقای شمخانی هفته گذشته وقتی که رفتید وضو بگیرید می‌گوید ما از طرف فرماندهی کل به شما می‌گوییم ۷۰ گردان فقط در جنوب کافی است که آماده بشود، ما دستور عملیات می‌دهیم. ما می‌دانیم. برای ما مثل روز روشن است و همین‌طور هم شد هم در بدر شد و هم در خیبر. در خیبر امکانات فراهم شد؟ غافلگیری موجود بود؟! این دیگر بدبختی بیش‌تری است ما می‌گوییم توان ما در

مقابل نیروهای کلاسیک، این شکست را می‌پذیریم می‌گوییم چند روز قبل از این شکست شما وقت می‌خواهید که عملیات محدودتان را روی همان زمانی که فاو را می‌خواستیم شروع کنید به‌جایش در همان زمان، آن عملیات‌ها را شروع کنید؟

برادر عزیز جعفری: همان ۲۰ روز، یک ماه.

برادر ابراهیم سنجقی: آقا محسن! قرار این بود که دو قرارگاه زده بشود: قرارگاهی که روی فدک کار می‌کند نیروهای خط‌شکن خودش را تحت امر بگیرد و آن قرارگاهی که روی حیدر کار می‌کند یگان‌هایش عملاً احتیاط قرارگاه فدک باشند و اگر دیدیم فدک قابل اجرا نبود آن‌وقت نیروهای خط‌شکن حیدر که قبلاً کار می‌کردند.

برادر رحیم صفوی: ما می‌توانیم سازمان‌مان را برای این کار آماده کنیم.

برادر غلامعلی رشید: این اولین و مهم‌ترین اصل شرط این عملیات را که غافلگیری است چه بکنیم؟ این را چه بکنیم؟ وقتی که این از بین رفت دیگر حالا تو بیا مثلاً به‌جای

برادر رحیم صفوی: اگر آن از بین رفته دستور دیگر صادر می‌شود.

برادر غلامعلی رشید: پس علائم این چیه؟ ما گوشمان را کر کنیم؟

برادر محسن رضایی: آره هیچی نیست.

برادر غلامعلی رشید: آخر ما می‌بینیم برادر محسن. در بدر هم همین بود بمباران شروع شد، جاده را بست، فلان کنید. دشمن در رادیو گفت منافقین گفتند، همه گفتند.

برادر محسن رضایی: در بدر نخیر قسمت نجف

محسن رضایی:

شما نباید این احساس را داشته باشید بابا جان. شما از این احساس‌ها نداشته باشید. شما این بار با قدرت و با اعتماد و با یک قوت قلبی توی میدان بروید

برادر محسن رضایی: نه همراهی کامل بکنید.
برادر غلامعلی رشید: کار کردن با تردید می‌دانید
یعنی چه؟

برادر عزیز جعفری: برادر محسن! متأسفانه امکانات
مملکتی که شما می‌گویید دست شما نیست. دست
آنهاست که اعتقاد ندارند. من می‌گویم اصلاً شاید
این برادران و آقایان بخواهند آن حرفی را که قبلاً زدند
ثابت کنند یعنی یک‌بار دیگر بگویند سپاه برو آنجا
عمل کن و بعد که برگشتیم بگویند دیدی نتوانستی؟
چرا گفتی می‌توانی؟ این جور که دارد پیش می‌رود
این احساس وحشت است که
این‌ها بخواهند حرف خودشان
را ثابت کنند.

مهدی مبلّغ:

برادر محسن تدبیر فرماندهی
چه هست؟ اگر تا آذر ماه نیرو
تأمین نشد شما تدبیرتان را تغییر
میدهید؟

برادر محسن رضایی: شما
نباید این احساس را داشته
باشید بابا جان. شما از این
احساس‌ها نداشته باشید. شما
این بار با قدرت و با اعتماد
و با یک قوت قلبی شما توی
میدان بروید.

برادر عزیز جعفری: ما اصلاً
بسیج نیرویشان را بدتر دیدیم.
آقای هاشمی وقتی بسیج نیرو
داد مطمئناً به‌خاطر فریب نبود

یعنی چون فریب دادن نمی‌خواهد وقتی نیرو بیاید خُب
می‌خواهیم عملیات کنیم مگر ترس داریم که می‌خواهیم
عملیات کنیم؟ ولی این جور که ایشان گفتند اصلاً خیلی
سست بسیج نیرو دادند. این از این، فقط ...

برادر محسن رضایی: من می‌ترسم این بار این سد
را ما تا یک جایی حل بکنیم ولی باز شما حل نشوید.
برادر غلامعلی رشید: می‌گویم سه سال است
برادر محسن که در جنوب دچار تردید شدیم و این
تردید هم باقی است.

برادر محسن رضایی: سه سال خیلی فرق می‌کند.
الآن شرایط فرق می‌کند. ما داریم تردید را در بالا

جنوب کم است حتی اینکه در این عملیات بکنیم.
وقتی هم امکانات آماده نشود و غافلگیری هم از بین
برود این دیگر چطور می‌شود؟ خیلی بد می‌شود.

برادر محسن رضایی: شما کار را کاملاً پیش
برید، ابهام ایجاد نکنید، تردید ایجاد نکنید سست
نشوید، ول نکنید. شما کارتان را انجام بدهید، شما
دارید زمان را از دست می‌دهید.

برادر غلامعلی رشید: ما خط فاو الآن دست‌مان
هست در فاو هم

برادر محسن رضایی: شما مطمئن باشید اگر
این‌طور باشد آن روزها ما یا عمل نمی‌کنیم یا اگر
عمل بکنیم من خودم با دو، سه لشکر می‌روم عمل
می‌کنم شما را می‌گذاریم به‌عنوان عملیات‌های
محدود، این کار را بکنید.

برادر غلامعلی رشید: من می‌گویم الآن زمانش
رسیده ما این جور بکنیم، عملیات محدود در جنوب.
برادر محسن رضایی: نه این‌طور نیست، این‌طور
نیست، اگر ما به این نتیجه برسیم که همه شرایط ما
آماده است ولی شما یک ذهنیت اشتباهی توی ذهنتان
آمده و آن ذهنیت، شما را محدود کرده. شما مطمئن
باشید ما تدبیر و همه چیزمان را عوض می‌کنیم.

برادر غلامعلی رشید: شما اگر از اینجا تشریف
بردید این برادرها ...* تردیدهای مان می‌ماند.

برادر محسن رضایی: نبایستی بماند،
برادر غلامعلی رشید: آخر چه بکنیم؟

برادر محسن رضایی: نبایستی بماند. همین کافی
است همین یک جمله برای شما کافی هست که
نبایست بماند. ما اگر این قدر قدرت نداشته باشیم
که این‌ها را تمام نکنیم که خودمان تمام می‌شویم.

برادر غلامعلی رشید: سه سال هست که داریم
همین حرف‌ها را می‌زنیم.

برادر محسن رضایی: خُب نیست. همراهی بکنید
حالا توی این عملیات بیاید همراهی بکنید.

برادر غلامعلی رشید: مگر توی عملیات‌های
دیگر همراهی نکردیم؟

* عبارت نامفهوم است.

بیایید. بیرون آمدن تان هم این است که پیشنهاد بدهید. برادر غلامعلی رشید: باید چشم‌مان را ببندیم. برادر محسن رضایی: مگر شما پیشنهاد ندادید؟ شما پیشنهاد دادید که اگر اینجا [فاو] نشد ما بتوانیم عملیات محدود انجام بدهیم.

برادر غلامعلی رشید: نباید فکر بکنیم باید چشم‌مان را ببندیم و به واقعیت هم توجه نکنیم. مگر این جور بکنیم! یا ما نمی‌دانم ما بشویم مثل یک نیروی بسیجی و یک کس دیگر بیاید اینجا بنشیند. یعنی یک جور دیگر ما خودمان عوض بشویم، نباشیم ما اینجا. آن وقت دیگر تردید نیست.

برادر محسن رضایی: آقای رشید! شما چرا بحث را می‌پیچانید؟!

برادر غلامعلی رشید: برادر محسن من تا زمانی که اینجا هستم کنار این برادر رحیم و شب و روز این اطلاعات به من می‌رسد و بررسی می‌کنم و صحبت می‌کنم اصلاً این تردید من اضافه می‌شود. همین‌طور هی افزایش پیدا می‌کند. یعنی واقعیت را من می‌بینم. برادر محسن رضایی: می‌گویم این تدبیری که ما می‌گوییم اشکالش چیست؟ هان؟

برادر غلامعلی رشید: کدام تدبیر؟ برادر عباس محتاج: همین که در کنار عملیات فاو، عملیات محدود انجام شود.

برادر محسن رضایی: این چیزی که ما می‌گوییم شما می‌گویید که ما از همین الان می‌دانیم. خُب شما زودتر از همه ما همین الان می‌دانید حرفی نیست. شما زودتر از بقیه می‌دانید.

برادر غلامعلی رشید: عملیات فاو که ما باید بابا جان از فردا قرارگاهمان را بزنیم. مگر می‌شود؟

برادر عزیز جعفری: سازمانی که می‌دهیم یک قرارگاه می‌رود فاو را پیگیری می‌کند یک قرارگاه می‌رود محدود را را پیگیری می‌کند.

برادر محسن رضایی: همان کاری را که در مورد القرنه کرده بودید.

حل می‌کنیم. ولی فقط از شما می‌ترسیم. برادر غلامعلی رشید: آن تردید که اصلاً حل نمی‌شود. برادر محسن رضایی: برای این کار، برای کاری که توانایی‌اش را می‌توانیم فراهم کنیم. برادر غلامعلی رشید: اسمش است برادر محسن، این چه حرفی است می‌زنید؟

برادر رحیم صفوی: برادر محسن! تا آخر آذرماه این نیروها نمی‌آیند.

برادر غلامعلی رشید: بیایید تردید را برای ما هم حل کنید. چرا برای ما مانده این تردید؟ اگر بدر و خیبر موفق می‌بود شما می‌توانستید بگویید. اصلاً ما تردیدی نداشتیم خود به خود حل می‌شود این یعنی حل شدن تردید. عملیات موفق یعنی حل شدن تردید. ما می‌رویم بحث‌ها را می‌کنیم بعدش هم می‌رویم برمی‌گردیم! این تردید مرتب اضافه می‌شود الان این تردید اضافه‌تر شده است.

برادر عزیز جعفری: و کمبود نیروهای فعلی اثر بدر است، اثر خیبر است. یعنی اینکه می‌بینید نیرو نمی‌آید اثر همان عملیات ناموفق است.

برادر محسن رضایی: بابا جان! این‌طوری نیست. ما می‌گوییم نیرو می‌آید. من مطمئن‌ام این را قبلاً در بدر من این قدر مطمئن نبودم لذا وقتی مشورت می‌کردم، نظر تردیدآمیز به من گفته می‌شد، من خیلی حواسم نبود که این نظری را که الان به من داده شده اصلاً قابل توجه نیست. اگر همان موقع نظرات تردیدآمیز که به من داده می‌شد تأثیر روی من نمی‌گذاشت و این نظرات تردیدآمیز را کنار می‌گذاشتم، از زمان استفاده می‌کردم و یک فکری می‌کردم. منتهی آدم اعتماد می‌کند. من همین الان نگران شدم. شما باید به هر قیمتی هست از این تردید بیرون بیایید وگرنه به ضرر همه ما هست. به ضرر خودمان است، به ضرر اسلام است به ضرر همه‌مان است. باید یک فکری بکنیم تا ۴۸ ساعت دیگر، ۷۲ ساعت دیگر به هر طریقی هست از این تردید بیرون

هستند بیاورید اگر پیشنهادی دارید به ما بدهید. کسی می‌خواهد، ما از جایی می‌توانیم برایتان بیاوریم نیرو و امکانات هرچی داریم به شما بدهیم. این هم باید ظرف همین ۲۴ ساعت روشن بشود. که اگر بتوانید هم فاو را آماده کنید هم اینکه عملیات‌های محدود را همزمان با این فراهم کنید. اگر می‌بینید نمی‌توانید یعنی اینکه آقای رشید می‌گوید که الآن در فاو عقب‌ماندگی داریم و همه باید پای کار برویم و به آن عملیات‌های محدود نمی‌رسید چون برای ما به هر حال یک عملیات یدکی یک امر اجتناب‌ناپذیر

محسن رضایی:

ببینید در این تدبیر که قطعاً خدشه نیست متنها حالا برای اجرایش چند تا پیشنهاد شما بدهید به ما آقا رحیم

است؛ یعنی نمی‌توانیم نداشته باشیم. بیایید برای این کار دو تا راه‌کار را انجام بدهید: یا یک‌سری یگان به ما بدهید که ما برویم عملیات محدود انجام بدهیم و خودتان فاو را آماده کنید یا برعکس یکی از قرارگاه‌هایتان را تحت امر ما بگذارید و ما دنبال عملیات فاو برویم و شما بروید عملیات‌های محدود را انجام بدهید.

برادر رحیم صفوی: خُب این را می‌توانیم.

برادر محسن رضایی: یکی از این سه تا راه‌کار را انجام دهید: یکی اینکه خودتان دو تا را آماده کنید. یکی اینکه عملیات محدود دست ما باشد یا اینکه برعکس. شما یکی از این سه راه‌کار را الآن بحث بکنید. برادر مهدی مبلّغ: دو تا شد.

برادر محسن رضایی: سه تا: یکی اینکه یا شما فاو باشید ما محدود باشیم، یکی اینکه ما فاو باشیم شما محدود، یکی دیگر اینکه دو تا را خودتان انجام بدهید ما کادر را اگر چیزی می‌توانیم آزاد کنیم، آزاد کنیم و به شما بدهیم.

برادر مهدی مبلّغ: برادر محسن! می‌شد برای القرنه یک قرارگاهی زد و جمع و جور کرد ولی این، یعنی پراکندگی.

برادر غلامعلی رشید: آقای مبلّغ از فردا باید همه توی فاو بسیج بشویم. دیر است، دیگر تو نمی‌توانی جای دیگر فکر بکنی.

برادر ابراهیم سنجقی: آقای رشید خودتان پاسخ دادید که

برادر غلامعلی رشید: این پیشنهاد از درد بیچارگی بوده. ما پیش خودمان می‌گفتیم آره واقعاً، تمنان می‌لرزد که می‌توانیم این کار را بکنیم یا نمی‌توانیم؟ برادر ابراهیم سنجقی: البته در بدر هم آقا محسن بعضی از فرماندهان پیشنهاد داده بودند که اگر ما یک‌جوری عمل می‌کردیم که به‌جای اینکه دو قرارگاه زدیم برای دو منطقه مختلف، می‌آمدیم دو قرارگاه می‌زدیم یکی برای شکستن خط یکی هم برای تثبیت مواضع، بهتر بود.

برادر غلامعلی رشید: اگر دو توان ۱۰۰ گردانی باشد من معتقدم که سه توان، بله می‌شود کار کرد. دو توان ۱۰۰ گردانی، دو کادر قرارگاهی، دو تا عزیز جعفری، دو تا محتاج، دو تا غلامپور، دو تا فلان این می‌شود. دشمن را بالاخره یک‌جا فریب می‌دهیم. ۷۲ ساعت برویم آن هم پشت یک مانع طبیعی بایستیم و تمام کنیم نه اینکه منتظر بمانیم بلدوزر بیاید خاکریز بزند.

مدیریت و فرماندهی عملیات فاو

برادر محسن رضایی: ببینید در این تدبیر که قطعاً خدشه نیست متنها حالا برای اجرایش چند تا پیشنهاد شما بدهید به ما آقا رحیم. می‌خواهید یادداشت کنید یکی اینکه اگر نمی‌رسید از همین الآن این کار را بکنید و یکی از قرارگاه‌هایتان را تحت امر ما خود بگذارید اگر نمی‌رسید که دو تا را با هم پیش ببرید. اولاً که من می‌گویم شما بنشینید نیروهایتان را سازماندهی کنید ببینید اگر بچه‌های قدیمی جایی

برادر عزیز جعفری: تقویت کنید.

برادر محسن رضایی: تقویت کنیم. این برای اجرای این تدبیر یعنی چیزی که می‌تواند کمکتان بکند، این راهنمایی‌ها را هم ما کردیم.

برادر رحیم صفوی: پس تکلیف نیروهای منطقه هم روشن شود منطقه جنوب را به ما بدهید.

برادر محسن رضایی: منطقه جنوب و غرب و شمال‌شرق با تمام امکانات در اختیار شماست به جز یک عنصری که دیگر به درد کار شما نمی‌خورد مثلاً فقط برای اداره نواحی به درد می‌خورد. ما دیشب به آقای بشردوست گفتیم. گفت: من آپاندیس‌ام عود کرده و راست هم می‌گفت یعنی توجیه نمی‌کرد. می‌گفت به من قرص دادند، گفتند اگر از طریق قرص مداوا نشد وگرنه باید عمل کنی. تمام امکانات آقای بشردوست و آقای محتاج در اختیار نیروی زمینی است: پادگان‌ها، ساختمان‌ها همه محل‌هایشان یعنی همه نیروهایشان به جز اینکه ممکن است ۵۰، ۴۰ نفر خود ایشان و بشردوست احتیاج بدانند برای اداره نواحی بگذارند و کمک کنند به آقای شمشانی. ۲۰، ۳۰ نفر از افرادشان ممکن است لازم باشد و نخواهند آنها به جنگ بیایند.

برادر رحیم صفوی: این‌ها که ۲۰ نفر، ۳۰ نفر بیش‌تر آدم ندارند.

برادر محسن رضایی: چرا دو، سه هزار نفر نیرو دارند. رادر عباس محتاج: به من گفتند تا رده مسئول بخش را برای ستاد مرکز در نظر بگیریم.

برادر محسن رضایی: خیلی حُب این را هم برای همه مناطق گفتند برای شما دو تا که نگفته بودند.

برادر عباس محتاج: بله برای همه مناطق گفتند. برادر محسن رضایی: خیلی خوب این تصمیم جدید ما است یعنی این دو تا منطقه در اختیار نیروی زمینی است به جز.

برادر رحیم صفوی: آن دیگر مشکلی نیست. ما الآن آقای حجازی را می‌خواهیم بیاوریم مسئول

تحقیق و بازرسی بگذاریم.

برادر محسن رضایی: هیچ مشکلی نداریم. فعلاً تا این یک ماه آینده در اینجا موقتی هستند. ولی مأموریت اصلی‌شان با شما است. شما به آنها مأموریت بدهید. بگویید که سرکشی هم نکنند، تلفن هم بزنند. یعنی شما به آنها حکم بدهید این‌ها تا این یک ماه آینده با حفظ سمت هم آنجا هستند ولی بعد دیگر آزادند. برادر رحیم صفوی: پس این شمال‌غرب را حل بکنیم که ما دیگر.

برادر محسن رضایی: این شمال‌غرب را باید آقای ایزدی بیاید اینجا دیگر، بیاید بنشینیم بحث کنیم. برادر رحیم صفوی: شما خبر می‌دهید بیاید؟ برادر محسن رضایی: بگویید با شورایش بیاید و آقای شمس و هدایت بیایند اینجا.

برادر رحیم صفوی: پس این منطقه جنوب‌غرب و شمال‌شرق را شما یک چیزی بنویسید به ما بدهید. برادر محسن رضایی: آقای سنجقی! شما این را ان‌شاءالله تنظیم بکنید که با کلیه امکانات و افراد و این‌ها بیایند.

برادر ابراهیم سنجقی: یعنی این منطقه جنوب غرب و شمال‌شرق با تمامی امکانات در اختیار نیروی زمینی است. عناصری که مورد نیاز است با تأیید خود برادر رحیم.

برادر مهدی مبلّغ: اینکه احتیاجی به نوشتن ندارد که. برادر محسن رضایی: آن را از این‌ها درخواست می‌کنند.

برادر ابراهیم سنجقی: ننویسیم؟ برادر محسن رضایی: بنویسید افرادی که منطقه یک کشوری احتیاج دارد به فرمانده نیروی زمینی پیشنهاد کند و با توافق فرمانده نیروی زمینی در اختیارش گذاشته بشود. خودشان بر ندارند. به نیروی زمینی بدهند.

صلوات بفرستید.
حُضار: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

انهدام لشکر گارد جمهوری روی جادهی فاو - بصره

یحیی نیازی*

با پیروزی رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۸، ارتش عراق، در بعد از ظهر روز سوم عملیات والفجر ۸، لشکر زبده و مجهز گارد ریاست جمهوری را وارد نبرد فاو می کند تا فاو را از رزمندگان ایران پس بگیرد. غروب روز سوم، فرماندهان سپاه پاسداران به لشکرکشی صدام پی می برند و با طرح ریزی و اجرای حمله یی پیش دستانه و غافل گیرکننده، یکی از بزرگ ترین شکست ها را به لشکر گارد صدام تحمیل می کنند. انهدام وسیع لشکر گارد صدام در اطراف جادهی استراتژیک فاو، یکی از نبردهای ماندگار دفاع مقدس است. سه جاده، بندر فاو را به بصره پیوند می دهند. یکی از آن ها جادهی معروف "استراتژیک" است که اگر حماسه آفرینی های رزمندگان در شب چهارم عملیات والفجر ۸ در این محور گارد صدام را مقهور نمی کرد، شاید سرنوشت عملیات والفجر ۸ طوری دیگر رقم می خورد. این مقاله قصد دارد با نگاهی مستند و فشرده نبرد رزمندگان اسلام را در محدودهی جاده استراتژیک فاو - بصره با لشکر گارد ریاست جمهوری عراق به تصویر بکشد. کانون توجه این نوشته منابع آرشیو مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و استفاده از سایر کتب، نشریات، گفت و گو با فرماندهان، راپیان و رزمندگان این نبرد چارچوب و زمینه های بحث؛ تصمیم گیری، ماهیت و عملکرد یگان های سپاه پاسداران در انهدام لشکر گارد صدام، بخش های عمدهی مقاله را تشکیل می دهند. ایدهی نگارش کتاب جادهی استراتژیک فاو و مقاله ی حاضر را جناب آقای دکتر حسین اردستانی مطرح کرده اند.

چکیده

عملیات والفجر ۸

۱. قبل از فاو

تلاش برای رهایی از بن بست

با شروع سال سوم جنگ، عراق با روش جنگ و تاکتیک حملات ایران آشنا شده بود و از شیوه های دفاعی تازه یی استفاده می کرد. در این مقطع، جنگ از حالت تهاجمی به حالت فرسایشی درآمده بود؛ عراقی ها شیوه های دفاعی شان را عوض کرده بودند و بعد از عملیات بیت المقدس رزمندگان نتایج خوبی کسب کردند، اما هیچ حمله یی نتوانست فرماندهان جنگ را راضی کند. در این دوره، همه ی تلاش فرماندهان رده بالای جنگ یافتن راهی برای برون رفت از وضع موجود بود. آنان در جلسه های طولانی راه های گوناگون را بررسی کردند. ادامه ی

* مدیر گروه مطالعات جامعه محور در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال دهم □ شماره سی و نهم □ زمستان ۱۳۹۰



مرتضی قربانی، احمد غلامپور، احمد کاظمی، حسن آقایی، قاسم سلیمانی، غلامرضا محرابی، جعفر اسدی، وفایی، احمد صیافزاده؛ منطقه عملیاتی فاو؛ ۶۵/۱/۲۵

عملیات در مناطقی که امکان غافل‌گیری دشمن وجود داشته باشد، گزینه‌ی مناسب برای باز کردن گره کور جنگ بود. جزایر مجنون از جمله مناطقی بودند که احتمال غافل‌گیری دشمن در آن‌ها زیاد بود. به همین منظور، سپاه پاسداران با راه انداختن قرارگاه نصرت، کار شناسایی منطقه‌ی هور را شروع کرد.

عملیات خیبر

زمانی که شناسایی‌ها کامل و

زمین منطقه آماده شد، اولین عملیات آبی - خاکی ایران با نام عملیات خیبر در سوم اسفند ۱۳۶۲ شروع شد. عملیات خیبر یکی از حمله‌های موفق ایرانیان در دوران دفاع مقدس به حساب می‌آید، اما همه‌ی اهداف آن تحقق نیافت و نتوانست رضایت کامل طراحان را جلب کند.

شاید بزرگ‌ترین دستاورد عملیات خیبر، ایجاد توان نبرد آبی - خاکی در سازمان رزم سپاه پاسداران بود. از طرفی، عراقی‌ها دریافتند که در هیچ کجای جبهه در امان نیستند. با اجرای عملیات خیبر، سال ۱۳۶۲ با پیروزی نسبی رزمندگان در جبهه‌ها پایان یافت. ایران در سال ۱۳۶۳ با اجرای چند عملیات محدود در پی گرم نگه داشتن تنور جنگ بود تا زمان عملیات اصلی و گسترده فرابرسد.

عملیات بدر

یک سال بعد از عملیات خیبر، عملیات بدر از جزیره‌ی مجنون (شرق دجله) شروع شد. عوامل

بسیاری سبب شدند تا بار دیگر منطقه‌ی هور برای عملیات انتخاب شود. شاید مهم‌ترین دلیل، تطبیق زمین منطقه با توان رزمندگان و ضعف دشمن در هور بود. طراحان عملیات بدر وسعت منطقه‌ی عملیات را کم‌تر از خیبر انتخاب کردند و نیروهای سپاه در یک محور متمرکز شدند. عواملی که سبب شدند فرماندهان به پیروزی در عملیات بدر بسیار امیدوار باشند، عبارت‌اند از: نیاز به نیروی کم‌تر؛ ناکارآمدی یگان‌های زرهی دشمن؛ تسلط اطلاعاتی و شناخت منطقه.

عملیات بدر ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ آغاز شد. در ابتدا، چند لشکر از سپاه پیشروی خوبی داشتند و همه را به پیروزی امیدوار کردند، اما برخی یگان‌ها با مشکل مواجه شدند. عراقی‌ها نیز بعضی محورها را زیر آتش سنگین گرفتند. یگان‌های عملیاتی در محور قرارگاه نجف در پد خندق و محور الصخره هر چه تلاش کردند، نتیجه‌ی نگرفتند و بعد از چند شبانه‌روز جنگ سخت و گاهی تن به تن، مجبور شدند به عقب برگردند و عملیات بدر ناموفق پایان یافت.

فاو، انتخاب جدید

فرماندهان سپاه پاسداران بعد از بحث‌های طولانی، منطقه‌ی فاو را برای عملیات سال ۱۳۶۴ انتخاب کردند؛ منطقه‌ی در جنوبی‌ترین نقطه‌ی مرزی عراق؛ منطقه‌ی دست‌نخورده و بکر که از ابتدای جنگ تا آن زمان کسی سراغش نرفته بود. حمله به فاو پیچیده و ناشناخته بود و برخی فرماندهان یگان‌های سپاه پاسداران عبور از اروند و عملیات در فاو را با امکانات موجود، مطابق نمی‌دیدند در نهایت، با همه‌ی سختی‌ها و تردید برخی فرماندهان برای پایان دادن به نابسامانی جبهه‌های جنگ، راهی باقی‌نمانده بود جز حمله از نقطه‌ی که احتمال غافل‌گیر شدن دشمن در آن‌جا زیاد باشد و فاو با همه‌ی پیچیدگی‌هایش، بهترین منطقه برای عملیات بزرگ سال ۱۳۶۴ تشخیص داده شد.

۲. والفجر ۸، نگاهی اجمالی**طرح مانور**

در طراحی مانور عملیات فاو، دو موضوع برجسته بود: نخست، تجربه‌های عملیات بدر در جزیره‌ی مجنون؛ دیگر، پیچیدگی‌های منطقه‌ی فاو. به همین دلیل، دست‌اندرکاران جنگ روزها و ساعت‌های بسیاری وقت گذاشتند تا همه‌ی موضوعات مربوط به منطقه و موانع و مشکلات را دقیق و موشکافانه بررسی کنند. علاوه بر موضوعات مهمی که در طراحی عملیات و مانور به آن‌ها بسیار توجه شده بود، شناسایی جریان آب اروند و آموزش عبور غواص‌ها از رودخانه، از مدت‌ها پیش آغاز شده بود و تا زمان شروع عملیات ادامه داشت.

در آستانه‌ی عملیات

بعد از ماه‌ها تلاش و کار شبانه‌روزی، منطقه آماده و زمان عملیات نزدیک شد و نیروها با تجهیزات و امکانات در میان نخلستان‌های حاشیه‌ی اروندرود آماده‌ی حمله شدند. کم‌کم همه جای نخلستان،

روستاهای اطراف آبادان و خسروآباد و اروندکنار پر از نیرو و ادوات جنگی شد. بیستم بهمن ۱۳۶۴، تقریباً همه‌ی نیروها با همه‌ی امکانات، خودشان را به منطقه رسانده و آماده بودند. از صبح بیستم تا حدود ساعت ۱۰ شب، در اطراف نخلستان و مقرهای تاکتیکی، همه در حال تکاپو و رسیدگی به کارها بودند.

از لحظه‌ی ورود غواص‌ها به اروند تا رسیدن‌شان به ساحل آن طرف رودخانه، زمان به کندی می‌گذشت و خبرهای متفاوتی از غواص‌ها می‌رسید که گاه چراغ امید را روشن می‌کرد و گاه بذر ناامیدی در دل‌ها می‌کاشت. انتظار جانکاهی بود. عقربه‌ها ساعت ده شب را نشان می‌دادند که خبر رسید بیش‌تر گروه‌های غواصی به ساحل آن طرف رسیده و آماده‌ی حمله به خط مقدم دشمن هستند.

شروع عملیات

سرانجام در ساعت ۲۲:۱۰ بیستم بهمن ۱۳۶۴، رمز عملیات بدین ترتیب از طریق بی‌سیم به اطلاع فرماندهان و رزمندگان رسید: «بسم الله الرحمن الرحيم. و لاحول و لا قوه الا بالله

العلی العظیم. و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه. یا فاطمه الزهرا، یا فاطمه الزهرا(س)»^(۱)

پس از این‌که محسن رضایی رمز عملیات را اعلام کرد، توپخانه‌های ایران، حاشیه‌ی اروند را به لرزه درآوردند و آتش‌بارهای توپخانه و ادواتی که از دو سه روز گذشته، در میان نخلستان‌ها مخفی شده بودند، گلوله‌باران خط دشمن را آغاز کردند؛ گلوله‌بارانی که در طول جنگ بی‌سابقه بود. بعد از اجرای آتش تپه‌ی سنگین توپخانه، گردان‌های خط‌شکن یکی پس از دیگری به راه افتادند. کنترل

این مقاله قصد دارد با نگاهی مستند و فشرده نبرد رزمندگان اسلام را در محدوده‌ی جاده استراتژیک فاو - بصره با لشکر گارد ریاست جمهوری عراق به تصویر بکشد

روز اول، نیروهای عراقی در منطقه‌ی فاو سراسیمه و به هم ریخته بودند و بیش تر توجه‌شان به ام‌الرصاص بود. نیروهای قرارگاه قدس (نجف) که همزمان با حمله به فاو به جزیره‌ی ام‌الرصاص حمله کرده بودند، خط را شکسته بودند. عراقی‌ها گمان می‌کردند نیروهای عمل‌کننده در آن محور بعد از گرفتن ام‌الرصاص به سراغ بصره می‌روند، به همین دلیل، همه‌ی توان‌شان را به کار گرفته بودند تا آن

منطقه را پس بگیرند. صبح عملیات، عراقی‌ها به جای این‌که توجهی به فاو داشته باشند، پاتک سنگینی را در ام‌الرصاص آغاز کردند. نیروهای قرارگاه قدس، طبق قرار قبلی، از ام‌الرصاص عقب‌نشینی کردند. عراقی‌ها بسیار خوشحال بودند و گمان می‌کردند ایرانی‌ها را عقب زده‌اند و ام‌الرصاص را پس گرفته‌اند.

با گذشت زمان معلوم شد که عراقی‌ها دست‌کم در روز اول توان پاتک ندارند. بنابراین، سخت‌ترین کار نیروهای خودی در این روز، پشتیبانی از نیروهای عمل‌کننده بود. دست‌رسی به عقبه‌ی یگان‌ها سخت بود و رساندن تدارکات در دسر بسیاری داشت. هیچ پلی روی اروند نبود. لشکرهای عمل‌کننده با پل‌های کوثری، اسکله‌های کوچک و موقتی کنار آب درست کرده بودند که از آن‌جا به نیروها تدارکات برسانند، به همین دلیل، کنار اسکله و ساحل رفت و آمد زیاد بود. تلاش بسیاری می‌شد تا از همان ابتدا چند لودر، بلدوزر، آمبولانس، مهمات و آذوقه به آن طرف آب فرستاده شود. سکاندارهای قایق‌ها فرصت استراحت نداشتند. از شب قبل که حمله شروع شد، همه‌ی آنان در آمد و رفت بودند و نیرو، مهمات و تدارکات به آن طرف آب می‌رساندند و مجروح‌ها و شهیدان را به ساحل خودی باز می‌گرداندند.

کم‌کم تجهیزات، لودر، بلدوزر، موتور برق، آمبولانس، موتور سواری، مهمات، گونی سنگری، خوراک و دیگر لوازم مورد نیاز یگان‌ها با قایق، لنج و هلی‌کوپتر به سوی فاو سرازیر و مشکلات ساعات اولیه‌ی حمله تا حدودی حل شد.

و هدایت نیروها در روی آب، برای فرماندهان بسیار سخت بود. در عملیات والفجر ۸، زمانی که نیروها سوار قایق می‌شدند و به آب می‌زدند، تا زمانی که به آن سوی اروند برسند تقریباً رها بودند. با این وضعیت، گردان‌های خط‌شکن با سرعتی مناسب و به موقع به ساحل دشمن منتقل شدند و کار خط‌شکنی و پاک‌سازی منطقه از سه محور اصلی آغاز شد.

۳. غافلگیری

غافلگیری دشمن در گام اول

اولین شب عملیات در حالی سپری شد که در هر سه محور بیش تر هدف‌ها تصرف شده و در برخی مناطق نیروها پیشروی هم کرده بودند. قدم اول محکم و غافل‌گیرکننده بود و عراقی‌ها بسیار آشفته و سردرگم بودند.

با طلوع خورشید، فرماندهان و رزمندگان، خوشحال از شکسته شدن خطوط دفاعی دشمن و پیروزی‌های به دست آمده، سرگرم سر و سامان دادن به جبهه‌ی خودی شدند.

هیچ یگانی بی‌کار نبود. عده‌یی هنوز درگیر بودند و سنگرها و مقرهای باقی‌مانده را پاک‌سازی می‌کردند. در برخی محورها رزمندگان به پیشروی ادامه می‌دادند تا جا پای‌شان را محکم‌تر کنند. شماری نیز یا جان‌پناه می‌ساختند، یا به دنبال آذوقه و مهمات نیروهای مستقر در خط بودند. با این‌که نیروها خسته و بی‌رمق شده بودند، هیچ کس شکایتی نمی‌کرد. چاره‌یی نبود، هنوز لودر و بلدوزرها به ساحل آزادشده نرسیده بودند. نیروها با همه‌ی خستگی مجبور بودند با بیل و کلنگ و سرنیزه سنگر درست کنند تا بتوانند با پاتک‌های دشمن مقابله کنند.

در طراحی مانور عملیات فاو، دو موضوع برجسته بود: نخست، تجربه‌های عملیات بدر در جزیره‌ی مجنون؛ دیگر، پیچیدگی‌های منطقه‌ی فاو

شب و روز سوم

روز سوم عملیات، بیش تر یگان‌های عملیاتی از چند نقطه به حملات‌شان ادامه دادند. در این زمان نیروها بیش تر از گذشته، احساس خستگی می‌کردند، اما چاره‌ی نبود، چراکه این فرصت‌های ناب همیشه مهیا نبود و دشمن در غفلت به سر نمی‌برد. فرماندهان عملیات می‌دانستند سرانجام عراقی‌ها هشیار و از منطقه‌ی اصلی عملیات آگاه می‌شوند. گلوله‌باران صبح روز سوم، مشخص کرد که عراقی‌ها تازه فهمیده‌اند، منطقه‌ی اصلی کجاست. آنان از روز سوم مطمئن شدند که هدف اصلی فاو بوده است؛ به همین دلیل، به طور جدی دست به کار شدند، تا جلو پیشروی ایرانیان را بگیرند.

تا نزدیک ظهر خط آرام بود. درگیری‌های پراکنده و گاهی شدید هم در گوشه و کنار خط در جریان بود، اما عراقی‌ها تحرکات جدی و گسترده‌ی را آغاز نمی‌کردند.

روز دوم

صبح روز دوم، درگیری‌ها بیش تر شد. عراقی‌ها کم‌کم باورشان شده بود که فاو از دست‌شان رفته است. به همین دلیل، لشکر ۵ زرهی را راهی منطقه کردند و هواپیماهای‌شان بیش تر از روز قبل به بمباران مناطق پرداختند.

روز دوم، غیر از بمباران‌های پی در پی و گلوله‌باران منطقه، عراقی‌ها چند پاتک پراکنده و بدون سازمان هم انجام دادند. آنان در تلاش بودند دست‌کم گوشه‌ی از خط را بگیرند.



ایستاده از راست: سیدرحیم صفوی، سیدعلی بنی‌لوحی، ...؛ نشسته از راست: علی زاهدی، ...

منطقه عملیاتی فاو؛ ۱۳۶۵/۱/۲۵

نبرد سنگین در جاده‌ی استراتژیک

۱. بیداری از خواب

سرآغاز هوشیاری دشمن

صبح روز دوم، همه‌ی پاتک‌های دشمن دفع شد. ظهر، یکی دو ساعت خط دو طرف آرام تر بود، اما از ساعت ۲ بعد از ظهر پاتک‌ها شروع شد. برخی یگان‌ها در روز دوم، غیر از جواب دادن به پاتک‌های پی در پی دشمن، از بعضی نقاط به دشمن حمله کردند. نزدیک غروب، چند یگان از سمت چپ فاو به سراغ پایگاه موشکی اول رفتند و پس از درگیری سخت و نفس‌گیری، پایگاه را تصرف کردند. حمله‌ی غروب روز دوم کارساز بود. کار برای روزهای بعد آسان‌تر شد و جای مناسبی برای استقرار نیروها به دست آمد.

۲. آخرین تیر کمان

ورود نیروهای گارد ریاست‌جمهوری عراق به عرصه‌ی نبرد فاو

از بعد از ظهر روز سوم، لشکر گارد ریاست‌جمهوری عراق، نیروها و تجهیزاتش را به منطقه آورد و در امتداد جاده‌ی فاو-بصره که به آن جاده‌ی استراتژیک هم می‌گفتند، مستقر شد. این لشکر آمده بود تا صبح روز بعد با پاتکی سنگین شهر فاو را از ایرانیان بازپس بگیرد. حسین اردستانی راوی قرارگاه خاتم‌الانبیا در گزارش عملیات قرارگاه در خصوص عملیات والفجر ۸ نوشته است:

از لحظه‌ی ورود غواص‌ها به
اروند تا رسیدن‌شان به ساحل آن
طرف رودخانه، زمان به کندی
می‌گذشت و خبرهای متفاوتی از
غواص‌ها می‌رسید که گاه چراغ
امید را روشن می‌کرد و گاه بذر
ناامیدی در دل‌ها می‌کاشت. انتظار
جانگامی بود

تا روز سوم عملیات، تنها نیروهای لشکر ۵ زرهی عراق و باقی‌مانده‌ی نیروهای منطقه‌ی فاو به مقابله با رزمندگان اسلام پرداختند. عراقی‌ها به دلیل تصور این‌که حمله‌ی اصلی ایران از هور و ام‌الرصاص است، به طور جدی از آوردن نیرو به منطقه‌ی فاو خودداری می‌کردند، اما از بعد از ظهر روز سوم، به طور جدی وارد میدان نبرد فاو شدند. بعد از

کشف محل حمله‌ی اصلی، قرارگاه تاکتیکی ستاد مشترک ارتش عراق در شهر ناصریه به فرماندهی نیروهای گارد جمهوری اعلام کرد باید هر چه سریع‌تر با تمام امکانات برای سد حمله‌ی نیروهای ایرانی و باز پس گرفتن اهداف قبلی زیر امر سپاه هفتم وارد عمل شود. در این روز همراه با تصمیم عجولانه، ستاد عملیات جنوب عراق تیپ ۳ و ۴ نیروهای مخصوص گارد جمهوری را وارد عمل کرده و در بدترین مواضع دفاعی قرار داد. این دو تیپ در دو طرف امتداد جاده‌ی استراتژیک فاو - بصره گسترش پیدا کردند [...] نیروهای لشکر گارد

پس از ورود به منطقه شب را در پناه تانک‌ها و خاکریزهای پراکنده‌یی که به عنوان سنگر تانک مورد استفاده قرار می‌گرفت، مستقر شدند تا با روشنایی صبح حمله‌ی خود را شروع کنند.^(۲)

نگاهی اجمالی به گارد ریاست‌جمهوری عراق

گارد ریاست‌جمهوری عراق یکی از یگان‌های زبده و کارکشته‌ی ارتش و از هسته‌های اصلی نیروی نظامی عراق به حساب می‌آمد. اگرچه پیش از جنگ و در ابتدای آن، وظیفه‌ی اصلی این یگان محافظت از صدام حسین و دیگر شخصیت‌های مهم عراق بود، اما در طول جنگ ایران و عراق، این یگان با سرعت بسیاری گسترش یافت و به تدریج به نیروی نظامی مهمی در ارتش عراق تبدیل شد. گارد ریاست‌جمهوری عراق که در ابتدای جنگ استعداد یک تیپ را داشت، در پایان جنگ به یکی از سپاه‌های مجهز ارتش عراق تبدیل شد و تا زمانی که صدام حاکم عراق بود، روز به روز در حال توسعه‌ی سازمان رزم بود.

در طول جنگ تحمیلی نیز هر زمان ارتش عراق با مشکل مواجه می‌شد و کاری از بقیه‌ی یگان‌های ارتش عراق برنمی‌آمد، صدام، لشکر گاردش را وارد میدان می‌کرد تا کار را یک‌سره کند. این یگان در عملیات والفجر ۸ با عنوان "لشکر گارد ریاست‌جمهوری" و با استعداد بیش از ۷ تیپ گوناگون در ارتش عراق قدرت‌نمایی می‌کرد. صدام در شب چهارم عملیات فاو، تیپ‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و تیپ ۱۰ زرهی لشکر گارد را برای پاتک در جاده‌ی استراتژیک به فاو اعزام کرد.^(۳)

یگان‌های سپاه پاسداران قبل از شروع پاتک لشکر گارد صدام

همان‌گونه که اشاره شد، از بعد از ظهر روز سوم، نیروهای اطلاعات و شنود قرارگاه خبر



اسرای عراقی در حال انتقال توسط رزمندگان؛ فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

دادند که صدام لشکر گارد ریاست جمهوری را به منطقه‌ی درگیری فرستاده است تا با کمک سپاه هفتم در حمله‌ی قاطع فاو را پس بگیرد. فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بعد از بررسی خبرهای به دست آمده از شنود و نیروهای اطلاعاتی، به ماهیت حضور و حمله‌ی گارد ریاست جمهوری عراق پی بردند و خود را مهيای نبرد کردند. فرمانده

کل سپاه پاسداران از میان اطلاعات دریافت شده متوجه

شده بود که قرار است نیروهای لشکر گارد صدام شب را در پناه تانک‌ها و پشت خاکریزهای موجود منطقه، به صبح برسانند و صبح اول وقت با پاتکی سنگین فاو را پس بگیرند.

با آگاهی از تصمیمات عراقی‌ها، حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(ع)، مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف، غلامرضا جعفری فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب^(ع) و امین شریعتی فرمانده لشکر ۳۱ عاشورا، در جلسیه‌ی چگونگی مقابله با گارد صدام را بررسی کردند. آنان می‌دانستند اگر لحظه‌ی غفلت کنند، کار نگه‌داری فاو سخت خواهد شد. بنابراین، بعد از بررسی وضعیت موجود، قرار گذاشتند قبل از پاتک لشکر گارد صدام، با حمله‌ی پیش‌دستانه آنان را غافل گیر و منهدم کنند.

جاده‌ی استراتژیک فاو

سه جاده، فاو را به بصره پیوند می‌دادند. جاده‌ی فاو - البحار از سمت راست شهر و به موازات اروندرود؛

جاده‌ی فاو - ام‌القصر از سمت چپ شهر و از کنار خور عبدالله و جاده‌ی فاو - بصره که از وسط شهر تا بصره کشیده شده بود. به جاده‌ی فاو - بصره، جاده‌ی استراتژیک فاو می‌گفتند. این جاده مهم‌ترین و مطمئن‌ترین راه مواصلاتی فاو به بصره بود و قرار گرفتنش در وسط منطقه‌ی عملیاتی والفجر ۸ و چسبیده بودنش به کارخانه‌ی نمک اهمیت آن را چند برابر کرده بود. این جاده از دو جاده‌ی دیگری که فاو را به بصره متصل می‌کردند، عریض‌تر و صاف‌تر بود و کم‌تر تحت تأثیر بارندگی و باتلاق‌های منطقه قرار داشت. منطقه‌ی عملیاتی والفجر ۸ مانند یک مثلث بود که رأس‌البیشه در رأس آن و قاعده‌اش در کارخانه‌ی نمک قرار داشت. جاده‌ی استراتژیک فاو در وسط قاعده‌ی مثلث منطقه‌ی عملیاتی مانند قلب عمل می‌کرد و با از کار افتادنش عملیات خشی می‌شد. در شب چهارم عملیات، جاده‌ی استراتژیک، نقطه حیاتی و قلب تپنده‌ی عملیات والفجر ۸ بود؛ مهم‌ترین محل در زمین بازی شطرنج‌گونه‌ی فاو که هر دو حریف با تصرف آن به کیش و مات کردن طرف مقابل می‌اندیشید. یک طرف نیروهای قوی

جمهوری عراق آماده کند. حدود ساعت ۸ شب جلسه‌ی توجیهی فرماندهان گردان نیز برگزار شد. گردان امام حسین^(ع) و یک گروهان از گردان حمزه، رزمندگان بودند که باید شب چهارم به دشمن حمله می‌کردند. دقایقی پیش از حرکت نیروها، یک گلوله‌ی توپ دشمن در مقر گردان حمزه منفجر شد که بر اثر آن شماری از رزمندگان شهید و زخمی شدند. جنگ با نیروهای ورزیده‌ی گارد صدام ساده نبود. فرمانده گردان حمزه از مرتضی قربانی خواست که نیروهایش از عملیات شب چهارم معاف شوند. فرمانده لشکر اجازه داد نیروهای گردان حمزه یک شب استراحت کنند تا روحیه‌شان را باز یابند و برای مرحله‌های بعدی نبرد آماده شوند. وی سپس به فتحعلی رحیمیان فرمانده گردان امام حسین^(ع) گفت: «بروید نیروهای گردان را جمع و جور کنید که قبل از ساعت ۹ راه بیفتید. به امید خدا امشب کار لشکر گارد صدام تمام است. باید صدام و گاردش را به جهنم بفرستیم.»^(۴)

ساعت ۹ شب نیروهای گردان راهی شدند و قرار بود بعد از گذشتن از خاکریز خودی تا خط لوله‌ی نفت در سمت چپ جاده‌ی استراتژیک، پیش بروند، سپس آرام و بی‌سر و صدا پیشروی را تا محل درگیری ادامه دهند. همه در تکاپو بودند. کمیل کهنسال معاون فرمانده لشکر و محمدحسن طوسی فرمانده واحد اطلاعات لشکر، با گردان امام حسین^(ع) هم‌راه شدند. مقرر شده بود تا حد ممکن بدون درگیری پیش بروند. ساعت ۱۰ شب گذشته بود که نیروهای لشکر ۸ نجف اشرف در سمت چپ جاده‌ی استراتژیک با عراقی‌ها درگیر شدند. این درگیری زود هنگام کار گردان را سخت کرد. هوشیاری عراقی‌ها در آن جناح، برنامه‌ها را به هم ریخت، اما نیروهای گردان همچنان در تلاش بودند تا بدون درگیری خودشان را به محل تعیین شده برسانند. فتحعلی رحیمیان فرمانده گردان

و کارکشته‌ی گارد صدام با همی توان قرار گرفته بودند و یک طرف بسیجی‌های خسته از ماه‌ها آموزش فشرده، تمرین‌های سخت و نفس‌گیر و جنگی بی‌وقفه از آغاز عملیات تا کنون. نیروهای ایرانی زیر بمباران و حملات پی در پی شیمیایی و موشک باران‌های عراق بخش عمده‌ی از توان‌شان کاسته شده بود. در مقابل، لشکر گارد صدام کامل، مجهز، زنده و تازه نفس بود و تجهیزات و امکانات کامل و تانک، توپ و ادوات جنگی بی‌شماری در اختیار داشت. در چنین وضعیت و نبرد نابرابری، فقط با تفکر، ایمان، جسارت، امید و توکل می‌شد بر گارد صدام فائق آمد.

سرنوشت عملیات والفجر ۸ در این شب به جاده‌ی استراتژیک گره خورده بود. حفظ این جاده پیروزی ایرانیان را ضمانت می‌کرد و پس دادن آن آبروی صدام را می‌خرید. به همین دلیل، عراقی‌ها همه تلاش‌شان را به کار گرفته بودند تا با پس گرفتن این جاده‌ی مهم و حیاتی به منطقه‌ی عملیات نفوذ کنند و با گسترش یگان‌های‌شان نیروهای ایرانی را عقب بزنند و شهر فاو را پس بگیرند.

شب چهارم حمله‌ی پیش‌دستانه‌ی رزمندگان اسلام

۱. لشکر ۲۵ کربلا، حمله از وسط جاده

غروب روز سوم، جلسه‌ی هماهنگی فرماندهان پنج لشکری که قرار بود گارد ریاست جمهوری عراق را غافل گیر کنند به پایان رسید. مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا به سنگرش در اولین خاکریز خط مقدم برگشت تا نیروهایش را برای حمله به گارد

در طول جنگ تحمیلی هر
زمان ارتش عراق با مشکل
مواجه می‌شد و کاری از
بقیه‌ی یگان‌های ارتش عراق
برنمی‌آمد، صدام، لشکر گاردش
را وارد میدان می‌کرد تا کار را
یک‌سره کند

عراق خلاص شوید. ساعت از یازده شب گذشته بود که با زدن ۳ تانک عراقی‌ها، درگیری شروع شد. بچه‌ها، یکی از قرارگاه‌های گارد صدام در سمت راست جاده‌ی استراتژیک را محاصره کرده بودند.^(۵) ساعت ۱۱:۴۵ دقیقه نیروهای هر سه لشکر (۸، ۱۴ و ۲۵) به جاده‌ی استراتژیک رسیده بودند. فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، بی‌درنگ با فرماندهان لشکر ۱۴، ۱۷ و ۸ نجف اشرف از طریق بی‌سیم تماس گرفت تا هر چه زودتر الحاق نیروها انجام و محاصره‌ی لشکر گارد تنگ‌تر شود.

در این زمان، نیروهای گارد جمهوری عراق بین جاده‌ی استراتژیک و کارخانه‌ی نمک پراکنده شده بودند. کسی گمان نمی‌کرد آن همه نیروی عراقی آن‌جا باشد. پیش‌دستی یگان‌های عملیاتی کار ساز شد. لشکر گارد صدام به شدت غافل‌گیر شده بود. از ساعت ۱۲ به بعد، همه‌ی نیروهای عملیاتی و فرماندهان برای الحاق می‌کوشیدند. کار پاک‌سازی تا رسیدن به الحاقی اطمینان‌بخش همچنان ادامه داشت. در این دقایق سخت، پیشروی نیروهای

لشکر ۸ نجف‌کُند بود. آنان در ادامه‌ی پیشروی با مشکل مواجه شده بودند و اگر به موقع نمی‌رسیدند پیروزی به دست آمده متزلزل می‌گشت با لشکر گارد ریاست‌جمهوری عراق به شدت ادامه داشت. گاهی خبر می‌رسید الحاق دو لشکر ۱۴ و ۲۵ برقرار شده است. لحظه‌ی بعد، دوباره خبر می‌رسید الحاقی در کار نبوده است. پراکندگی و سردرگمی نیروهای دشمن برنامه‌ریزی‌ها را به هم ریخته بود. نیروهای گارد صدام برای رهایی و فرار از محاصره دست به هر کاری می‌زدند. نیروهای خودی هم در

امام حسین^(ع) این لحظات را این گونه توصیف می‌کند: من با فرمانده گروهان‌هایم رفتیم جلو. حدود دو کیلومتر رفتیم، ولی خطوط لوله را پیدا نکردیم. به ناچار برادر کمیل گفت: چاره‌ی نیست با استفاده از نورافکن تانک‌ها بروید جلو. "نمی‌دانستیم جلومان چه چیزهایی وجود دارد. فقط این را می‌دانستیم که دشمن ۳۰ تانک؛ ۲ قرارگاه و تعداد زیادی نیروهای گارد را به میدان، رو به روی ما آورده است. طبق برنامه راه افتادیم. گروهان یکم از وسط گروهان سوم سمت راست و گروهان دوم از سمت چپ حرکت می‌کردند. فلش‌های حمله به طرف جاده‌ی استراتژیک، رو به روی کارخانه‌ی نمک بود. حدود ۳۳۰۰ قدم شمردم و جلو رفتم. در همین زمان، فرمانده یکی از گروهان‌ها خبر داد که به لوله رسیده است. بلافاصله به بقیه‌ی گروهان‌ها گفتم که حرکت‌شان را طبق طرح مانور شروع کنند. گروهان یکم از خطوط لوله رد شد و به طرف دشمن ادامه‌ی مسیر داد، اما همین‌که گروهان دوم می‌خواست عبور کند، آتش سنگین دشمن شروع شد. نورافکن تانک‌های‌شان روشن بود و همه جای منطقه را روشن کرده بود، اما هنوز نمی‌دانستیم که عراقی‌ها ما را دیده‌اند یا نه؟ در همان اطراف خطوط لوله، پنج شش تا مجروح داریم. از آن‌جا به بعد، دیگر سینه‌خیز جلو می‌رفتیم. چون فاصله‌مان با نیروهای گارد عراق هنوز زیاد بود. اگر شلیک می‌کردیم تأثیری در انهدام آن‌ها نداشت. از خطوط لوله به آن طرف باید یک کیلومتر دیگر راه می‌رفتیم. بچه‌ها زیر آتش شدید دشمن به هر ترتیبی که بود خود را با سینه‌خیز به جلو کشیدند. بعد از گروهان اول، گروهان‌های دوم و سوم را هم به سختی و با سینه‌خیز از زیر لوله‌ها رد کردیم. حوالی خطوط لوله بودیم که دشمن از شیمیایی استفاده کرد. به برادرها گفتیم زودتر خودتان را به تانک‌هایشان نزدیک کنید و با به آتش کشیدن آن‌ها از تبعات حمله‌ی شیمیایی

پس از این که محسن رضایی رمز عملیات را اعلام کرد، توپ‌خانه‌های ایران، حاشیه‌ی اروند را به لرزه درآوردند و آتش‌بارهای توپ‌خانه و ادواتی که از دو سه روز گذشته، در میان نخلستان‌ها مخفی شده بودند، گلوله‌باران خط دشمن را آغاز کردند؛ گلوله‌بارانی که در طول جنگ بی‌سابقه بود

کمک به آنان روحیه‌بخش آنان نیز باشد. از صبح نیز که گرای محل استقرار نیروهای گارد را به توپ‌خانه دادند، توپ‌چی‌ها و نیروهای ادوات با ریختن حجم سنگین گلوله در پیروزی نیروهای خودی و شکست لشکر گارد اثرگذار شدند. با پایان یافتن روز چهارم نبرد فاو، کار انهدام و شکست هیمنه‌ی لشکر گارد جمهوری عراق در جاده‌ی استراتژیک فاو - بصره تمام شد، اما رزم بی‌امان لشکر ویژه‌ی ۲۵ کربلای مازندران در دشت تفتیده‌ی فاو تا پایان عملیات والفجر ۸ ادامه داشت تا مازندارانی‌ها به پیش‌قراولی و خط‌شکنی لشکرشان در پیچیده و طولانی‌ترین نبرد دفاع مقدس افتخار آفرینی کنند و دلاور مردی‌های‌شان درعرصه‌های طلایی دوران دفاع مقدس چون نگین درخشانده باقی بماند.

۲. لشکر امام حسین^(ع)، حمله از جناح راست جاده

پس از برگزاری جلسه با یگان‌های هم‌جوار حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین^(ع) با معاونش محمدرضا ابوشهاب، برای هماهنگی بیش‌تر به سنگر مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا رفتند. کار این دو لشکر در انهدام گارد مهم و حساس بود. آخرین هماهنگی‌ها بین فرماندهان دو لشکر انجام شد و نزدیک غروب، حسین خرازی و محمدرضا ابوشهاب به مقر لشکر بازگشتند و سایر فرماندهان عملیاتی را دور هم جمع کردند. حسین خرازی کوتاه و مختصر گفت: «شب به ما مأموریت داده‌اند. باید جاده‌ی استراتژیک تا کارخانه‌ی نمک را پاک‌سازی کنیم. سمت چپ جاده را لشکر ۲۵ کربلا و سمت راست را ما پاک‌سازی می‌کنیم.»^(۶)

مأموریت حمله به نیروهای گارد جمهوری عراق به گردان حضرت ابوالفضل^(ع) سپرده شد. حسین خرازی مأموریت بقیه‌ی واحدها را در شب چهارم این‌گونه تعیین کرد: توپ‌خانه و ادوات با دستور فرمانده لشکر، یک کیلومتر بالاتر از سه راهی

پی برقراری الحاق و تثبیت منطقه بودند. گردان امام حسین لشکر ۲۵ کربلا، در حالی که تلفات فراوانی داده بود همچنان می‌کوشید تا قرارگاه دشمن در جناح راست و چپ جاده‌ی استراتژیک را بگیرد. درگیری با لشکر گارد تا صبح روز چهارم بی‌وقفه ادامه یافت. صبح شده بود، اما هنوز وضعیت قطعی و خبر موثقی از لشکر گارد در دسترس نبود و محاصره شکسته نشده بود. ساعت ۴ صبح، لشکر نجف دومین گردانش را راهی منطقه‌ی نبرد و جاده‌ی استراتژیک کرد تا راه فرار محاصره‌شدگان گارد جمهوری را ببندد و با لشکر ۲۵ کربلا الحاق کند. نیروهای لشکر ۲۵ و ۸ نجف به انهدام باقی‌مانده‌ی نیروهای دشمن سرگرم بودند. عراقی‌ها هم که در مخمصه‌ی بدی گرفتار شده بودند، به آب و آتش می‌زدند به هر ترتیب رخنه‌یی بیابند و از محاصره جان سالم به در ببرند. با روشن‌تر شدن هوا معلوم شد چه تعداد از آنان در محاصره گرفتار شده‌اند.

فقط در قرارگاه سمت چپ جاده‌ی استراتژیک نزدیک ۳ گردان در محاصره بودند. محاصره‌شدگان می‌کوشیدند به هر ترتیب راه فراری بیابند. گاهی به چپ می‌زدند، گاهی به لشکر ۱۷ و ۱۴ و گاه در دشت و فاصله‌ی بین جاده‌های البحر و استراتژیک به خاکریز خودی یورش می‌بردند. غوغایی به پا شده بود. با این‌که نیروهای عملیاتی عراقی‌ها را به دقت تحت نظر داشتند، شماری از آنان توانستند از حلقه‌ی محاصره فرار کنند. عده‌یی هم اسیر، کشته و زخمی شدند. فرمانده لشکر ۲۵ کربلا چند تانک و نفربر را به کمک نیروهای درگیر فرستاده بود تا علاوه بر

نیروهای قرارگاه نجف که همزمان با حمله به فاو به جزیره‌ی ام‌الرصاص حمله کرده بودند، خط را شکستند. عراقی‌ها گمان می‌کردند نیروهای عمل‌کننده در آن محور بعد از گرفتن ام‌الرصاص به سراغ بصره می‌روند، به همین دلیل، همه‌ی توان‌شان را به کار گرفته بودند تا آن منطقه را پس بگیرند



و اطراف کارخانه‌ی نمک را گلوله باران کنند؛ واحد زرهی برای مهمات‌رسانی و بردن نیرو ۲ نفربر به گردان بدهد؛ واحد تخریب با هر گروهان ۲ تخریب‌چی به جلو بفرستد که اگر عراقی‌ها جایی را مین‌گذاری کرده بودند، نیروها زمین‌گیر نشوند.

فرمانده گردان حضرت ابوالفضل^(ع) از افراد با تجربه‌ی لشکر بود، اما آن قدر خسته بود که در خصوص مأموریتش به طور کامل توجیه نشده بود. جلسه

که تمام شد، او در حالی که انگشت اشاره‌اش روی محل عملیات لشکر ۲۵ کربلا و ۳۱ عاشورا بود، پرسید: ما باید این‌جا عمل کنیم؟ محمدرضا ابوشهاب معاون فرمانده لشکر ۱۴: آن‌جا نه؛ بالاتر.

حسن قربانی: مسئول محور ما کیه؟ ابوشهاب: برادر قوچانی.

محسن رخصت‌طلب راوی لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) در عملیات والفجر ۸ بخشی از آخرین گفت و گوهای فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین را در شب چهارم این‌گونه ثبت کرده است.

خرازی: آقا! از حالا هم بی‌سیم‌ها مشخص و این فرکانس‌ها معلوم بشود. غیر از گردان حضرت ابوالفضل و یکی دو واحدی که در خط مقدم هستند، بقیه روی کانال این بی‌سیم نباشند.

ابوشهاب: پس نمازهای‌تان را بخوانید، کمی هم برای امشب دعا کنید. ان‌شاءالله حمد و صلوات یادتون نرود!

حسن آقایی فرمانده محور ۱ لشکر ۱۴: آیا احمد*،

مقر ستاد لشکر ۱۷ در منطقه عملیاتی فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۱۷

امشب به این‌جا می‌آید یا نه؟

ابوشهاب: او در سمت چپ جاده‌ی استراتژیک، قسمتی از تانک‌های دشمن را منهدم می‌کند و می‌رود جلو.

خرازی: چه طوری منهدم می‌کند؟

ابوشهاب: احمد در این طرف و دشمن در آن طرف است. این‌ها به عراقی‌ها چسبیده‌اند. اگر دشمن در این طرف جاده هم باشد، احمد باز برای تقویت می‌آید.

خرازی: دشمن را ورنه از کنید، ببینید رو به روی بچه‌ها تیرباری، چیزی نداشته باشد. ببینید استعداد دشمن چه قدر است. اگر دیدید که حضور دشمن کم است، بقیه‌ی گردان را به عملیات بدهید، یک وقت بی‌گدار به آب نزنید.^(۷)

عملیات گردان ابوالفضل^(ع) از آخرین نقطه‌ی خط مقدم لشکر شروع شد. آن‌ها باید بعد از حدود سه کیلومتر پیشروی به طرف کارخانه‌ی نمک با نیروهای یگان‌های دیگر الحاق و حمله را آغاز می‌کردند. زمان حرکت گردان ساعت ۹ شب بود. مکالمات بسیار فرماندهان خودی از بی‌سیم‌ها، عراقی‌ها را مشکوک

* احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف اشرف که در این شب در انهدام لشکر گارد صدام نقش مؤثری داشت.

خرازی: کار خودتون رو محکم شروع کنید. معطل نکنید. دیگه بسم الله رو بگید. حسن قربانی: بذار به‌شون نزدیک‌تر شویم. خرازی: دیگه این قدر جلو نرید. کجا می‌خواید برید؟ سعی کن زودتر شروع کنی. حسن قربانی: خب. چند لحظه‌ی دیگه صبر می‌کنیم تا نزدیک‌تر شویم. خرازی: بله. ولی فکر الحاق با نیروهای دیگه هم باشید. زودتر شروع کنید. حسن قربانی: باشه. چشم. خرازی: قضیه چیه؟ شروع شد؟ حسن قربانی: ما نزدیک سه راهی هستیم. بچه‌ها دشمن رو محاصره کرده‌اند. هر وقت مناسب بود، درگیر می‌شیم. خرازی: سعی کن با توکل به خدا، با آن‌ها محکم برخورد کنی. توکل همه‌مان به خداست. همان طور که تا حالا مدد کرده، این جا هم حتماً یاری‌مون می‌کنه. فرمانده گردان حضرت ابوالفضل^(ع) که از طریق بی‌سیم با حسین خرازی در ارتباط بود، این لحظات دلهره‌آور را چنین توصیف می‌کند: «وقتی که به نزدیکی دشمن رسیدیم، با روشن شدن منور و نورافکن تانک‌های دشمن تجمعات‌شان را شناسایی کردیم و به این ترتیب، از نقاط خالی منطقه و از میان آن‌ها نفوذ کرده، برای هر تجمع دشمن که بدون سنگر در پناه تانک‌ها به استراحت مشغول بودند، یک دسته از نیروهای گردان را مأمور کردیم»^(۸) نزدیک ساعت ۱۱:۳۰، خبر رسید که عراقی‌ها با بی‌سیم به فرمانده بالاترشان گفته‌اند که ایرانی‌ها به جاده‌ی استراتژیک رسیده‌اند. در همین زمان، لشکرهای هم‌جوار هم درگیر شدند و در این میان بسیاری از تانک‌های دشمن منهدم شد. در حالی که جنگ و گریز نیروهای خودی با لشکر گارد بی‌وقفه ادامه داشت، فرمانده لشکر و

کرده بود. ساعت از ۸ شب گذشته بود که نیروهای شنود لشکر ۱۴ خبر دادند که عراقی‌ها درخواست منور کرده‌اند. چند دقیقه‌ی بعد هم آتش توپ‌خانه‌ی دشمن روی خط خودی شروع شد، طوری که از مقرّ عقبه‌ی لشکر تا اسکله و سنگر فرماندهی همه جا زیر گلوله‌باران توپ‌خانه‌ی دشمن می‌لرزید. سراسر خط مقدم با منور و نورافکن تانک‌های گارد جمهوری روشن شده بود. همه فکر می‌کردند حمله لو رفته است، اما این گلوله‌باران ناگهانی دقایقی بیش‌تر طول نکشید و دوباره وضعیت عادی شد. عقربه‌های ساعت، ۹:۳۰ شب را نشان می‌دادند که گردان ابوالفضل^(ع) به راه افتاد. رزمندگان با روحیه‌ی بالا برای جنگی تمام‌عیار با گارد جمهوری آماده بودند. نیروهای گردان برای آگاهی از آرایش عراقی‌ها بسیار جلو رفته بودند تا راحت‌تر بتوانند آنان را غافل‌گیر کنند. حسین خرازی از طریق بی‌سیم پیوسته با فرماندهان در حال گفت‌وگو بود و اوضاع را تحت کنترل داشت. معرف فرمانده گردان عملیاتی لشکر ۱۴، قربان بود و معرف بی‌سیم فرمانده لشکر، حسین.

خرازی: قربان، قربان، حسین. فرمانده گردان که حالا نزدیک عراقی‌ها بود، آهسته جواب داد. - به گوشم. به گوشم. خرازی: از سمت چپ هم نیروهای خودی دارن می‌آیند. یه جوری عمل کن که مشکلی نداشته باشی. زیاد نمی‌خواد گسترش پیدا کنی. حسن قربانی: فرمانده گردان حضرت ابوالفضل: بله. بله.

سرنوشت عملیات والفجر ۸ در
این شب به جاده‌ی استراتژیک
گره خورده بود. حفظ این جاده
پیروزی ایرانیان را ضمانت
می‌کرد و پس دادن آن آبروی
صدام را می‌خريد

خرازی: نگاه کن! این‌ها باید با مرتضی و بقیه فعلاً تا این سه راه را محکم بگیرند و حرکت به چپ را با هم انجام بدهند. بعد هم با طمأنینه در هر جا که مقاومت می‌شود، دور بزنند و پدر نیروهای گارد صدام را دریاورند.

ابوشهاب: در مورد سمت راست چه کار کند؟
خرازی: باید سه راهی را محکم بگیرند. قضیه‌ی جاده‌ی شنی خودش حل می‌شود. توان زیادی نمی‌تواند داشته باشند. توجه کردی؟

ابوشهاب: بله، ولی این‌ها هنوز به سه راهی یقین ندارند، الآن تعدادی از بچه‌های مرتضی را دیده‌اند، ولی می‌گویند که گویا باز هم باید بالاتر برویم تا به مقصد اصلی که مرتضی هست، برسیم!

خرازی: فکر نکنم بالاتر از این‌ها بروند، این بچه‌ها درست رفته‌اند، همان سه راهی را باید محکم بگیرند. در دست چپ هم احتمالاً دشمن نمی‌تواند کاری انجام بدهد، لذا از سمت چپ می‌توانند بیایند. این‌ها در سمت چپ از این شمری دوپاها دارند که مسئله‌اش باید حل بشود.

ابوشهاب: خب، نیروهای دشمن که در قرارگاه‌های جلو

جاده‌ی استراتژیک هستند و مرتب دارند تیر می‌زنند، بچه‌ها دارند این‌ها را پاک‌سازی می‌کنند. خیلی هم زیاد هستند، (فرمانده گردان حضرت ابوالفضل^(ع)) می‌گوید؛ که اگر ان‌شاءالله این‌ها را پاک‌سازی کنم به طرف احمد می‌روم، ولی عراقی‌ها دارند به سمت این‌ها تیراندازی می‌کنند.

خرازی: به هر جهت یک وقت بچه‌ها را بازی ندهند که بچه‌ها بمانند! این‌ها باید کارشان را محکم انجام بدهند. مسئله‌ی اصلی برای ما همین جاده‌ی

معاونش از طریق بی‌سیم مدام باهم در ارتباط بودند و راوی لشکر ۱۴ با اعلام ساعت ۱۲:۳۵ دقیقه‌ی شب، مکالمات بی‌سیم آنان را بدین ترتیب ثبت کرده است:

ابوشهاب: حسین حسین، شهاب

خرازی: به گوشم شهاب!

ابوشهاب: خداوند ان‌شاءالله کمک می‌کند و همه چیز را حل می‌کنیم.

خرازی: ان‌شاءالله. همین‌طور که تا به حال خداوند کمک کرده، از این به بعد هم کمک خواهد کرد.

ابوشهاب: ان‌شاءالله. همه چیز مال خداست.

خرازی: "الهی و ربی من لی غیرک" ما کسی و چیزی غیر از خدا نداریم، همه چیز مال خداست. موضوع خاکریز و کارهای مهندسی رزمی را انجام بده.

ابوشهاب: پس شما باید به مهندسی رزمی خودمان می‌گفتی حرکت خودش را انجام بده.

خرازی: ابوشهاب! یک وقت این‌ها شل نشوند و قضیه بماند. باید کارشان را محکم انجام بدهند.

ابوشهاب: این‌ها دارند کار خودشان را انجام می‌دهند و درگیر هستند.

خرازی: یک برآورد کن بین وضعیت گردان ابوالفضل^(ع) چه طور است.

ابوشهاب: بچه‌های گردان ما تقریباً در حد یقین تا سه راهی روی جاده‌ی استراتژیک جلو رفته و با پنجاه شصت نفر از بچه‌های مرتضی قربانی هستند. توجه کردی؟

خرازی: خوب است، همین درست است. باید همین طور باشد.

ابوشهاب: فقط باید این پایین، یعنی دست چپ را، کاری کنید که ان‌شاءالله نیروهای احمد با مشکل رو به رو نشوند. الآن باز عده‌ی از عراقی‌ها در این وسط‌ها مانده‌اند.

فتحعلی رحیمیان فرمانده گردان امام حسین^(ع) گفت: «بروید نیروهای گردان را جمع و جور کنید که قبل از ساعت ۹ راه بیفتید. به امید خدا امشب کار لشکر گارد صدام تمام است. باید صدام و گاردش را به جهنم بفرستیم

استراتژیک است. اگر مسئله‌ی این جاده حل بشود، برای ما خیلی ارزش دارد.

ابوشهاب: ببین! می‌گویم که این‌ها این سنگرهایی که کنار جاده هست را باید پاک‌سازی کنند تا صبح مطلبی برای‌شان ایجاد نکند.

خرازی: امید به خدا. حالا وضعیت‌شان به چه شکلی است؟ باید خودشان را جمع و جور کنند تا بقیه سرد نشوند. توجه کردید؟

ابوشهاب: ولی ابتدا باید با این طرف الحاق کنند و بعد به طرف جای دیگر بروند. الآن با مرتضی زیاد هماهنگ نیستند، البته عده‌یی از بچه‌های‌شان را دیده‌اند و کنار هم هستند، ولی صد در صد مطمئن نیستند که آن‌ها آمده باشند.

خرازی: شهاب! سمت چپ‌مان از خودمان هست، اما سمت راست‌مان این طور نیست! از سمت چپ هر چه ادامه بدهند، مسئله‌یی نیست چون به طرف خودمان است.

محسن: رخصت‌طلب راوی لشکر ۱۴ در عملیات والفجر ۸، با اعلام ساعت ۹:۳۰ دقیقه‌ی صبح، در حالی که هنوز نیروهای خودی با نیروهای محاصره‌شده‌ی گارد

ریاست‌جمهوری عراق درگیرند و در برخی نقاط هنوز الحاق انجام نشده است، ادامه‌ی مکالمات بی‌سیم فرماندهان را که برای سامان دادن به خط مقدم خودی در تلاش هستند، چنین ثبت کرده است. خرازی: احمد آقا! تو را به خدا! دستت را می‌بوسم، بیا جلو بینداز تا با هم الحاق کنیم.

کاظمی: ما با آقای جعفری* الحاق کرده‌ایم، یعنی دست چپ‌مان با آقای جعفری در دست هم است. خرازی: چه طوری است؟

کاظمی: ما به آقای جعفری پیوسته‌ایم. خرازی: این‌هایی که در این وسط و دست چپ هستند، مال چه کسی هستند؟

کاظمی: کجای دست چپ را می‌گویی؟ محلش را بگو.

خرازی: همان جا در همان مثلی، یعنی پایین سه راه و دست چپ را می‌گویم.

کاظمی: دست چپ کجا را می‌گویی؟ خرازی: به طرف آبادان که بایستی دست چپ می‌شود.

کاظمی: اگر فاصله‌ی آن‌ها با شما کم است از خودمان هستند، ولی اگر زیاد است عراقی هستند.

خرازی: من هم این‌ها را می‌گویم. ما باید با هم الحاق کنیم تا مطمئن بشویم که بعد ان‌شاءالله حساب عراقی‌های جامونده توی منطقه را برسیم.

کاظمی: نگاه کن! ما از دم سه راهی تقریباً پانصد ششصد متر به طرف خودمان هستیم که دیروز آمدی، مفهوم است؟ این را باید حل کنیم.

خرازی: آیا الآن بین ما و شما فاصله نیست؟ کاظمی: نه، این به هم چسبیده است.

خرازی: چند لحظه گوش‌ی را داشته باش تا این را بپرسم. قوچانی قوچانی، حسین.

قوچانی: به گوشم، به گوشم. خرازی: الحاق احمد و شما انجام شده است؟ قوچانی: انجام نشده است.

کاظمی: عزیز من! الحاق است، اگر می‌گویی که نیستید، بیاید و الحاق کنید، متوجه هستی؟

خرازی: بابا! الحاق نیست، حالا شاید عده‌یی از بچه‌های جعفری با شما باشند اما الحاق نیست.^(۹)

از ساعت ۸ صبح دو گردان عراقی که در محاصره مانده بودند، همه‌ی توان‌شان را گذاشته بودند تا راه گریزی بیابند، اما لشکرهای ۱۴ امام حسین^(ع)، ۲۵ کربلا و ۱۷ علی بن ابی‌طالب^(ع) با تعداد کم نیروهای‌شان از روی جاده‌ی استراتژیک

ساعت ۱۱:۴۵ دقیقه نیروهای هر سه لشکر (۸، ۱۴ و ۲۵) به جاده‌ی استراتژیک رسیده بودند. فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، بی‌درنگ با فرماندهان لشکرهای ۱۴، ۱۷ و ۸ نجف اشرف از طریق بی‌سیم تماس گرفت تا هر چه زودتر الحاق نیروها انجام و محاصره‌ی لشکر گارد تنگ‌تر شود

* فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع)

چند نفر از نیروهای گارد صدام را بچه‌ها کشتند. بچه‌ها می‌گویند که یقیناً بیش‌تر از هزار نفر از این‌ها کشته شدند.^(۱)

حسین خرازی همچنین در جلسه‌ی فرماندهان لشکر از حماسه‌آفرینی نیروهایش در رویارویی با لشکر گارد صدام این چنین تجلیل می‌کند:

برادرها! من باز هم می‌گویم ما از تمام برادرها جداً تشکر می‌کنیم. برادران جداً الحق والانصاف در خدمت جنگ و انقلاب زحمت کشیدند و همه هم به طریقی شهید یا زخمی شدند. همین حضور بچه‌های زخمی، خودش نشان‌گر این است که برادرها در منطقه فعالیت داشتند و الحمدلله کمک کردند. ما تشکر می‌کنیم. برادر ما حسن آقایی، آقای قوچانی

رحمت‌الله‌علیه که شهید شد و برادرهای دیگر واقعاً زحمت کشیدند. برادرها جداً زحمت کشیدند. همه حضور داشتند. الحمدلله، این عملیات یک تحلیل کلی از وحدت و انسجام برای همه‌ی برادرها بوده است. ما از ستاد شهید داشتیم. مسئول ستاد ما هم زخمی شدند. همه‌ی این‌ها بوده است. آقای حسن عابدی از ستاد شهید شد؛ آقای بنی‌لوحی از ناحیه‌ی قلب

و پهلوی زخمی شد. بچه‌ها همه زحمت می‌کشند، از آن‌ها تشکر می‌کنیم. خدا از آن‌ها تشکر می‌کند. ما ان‌شاءالله عملیات را ادامه می‌دهیم. الحمدلله دیشب انتقام خون شهدا گرفته شد. توجه کردید؟ یعنی بچه‌ها معطل نکرده‌اند. من گفتم برادرها به خدا توکل کنید و بروید بجنگید، چشم شما منطقه بوده است، آن‌ها با تردید رفتند و الحمدلله با کم‌ترین شهید، پاک‌سازی هم کردند و خوب هم عمل کردند؛ الحاق هم کردند؛ خاکریز هم زده شد، یعنی با وجود

و سه راهی همچنان در حال انهدام گارد بودند و لشکرهای ۸ نجف و ۳۱ عاشورا نیز از رو به رو آن‌ها را می‌زدند. با این‌که در شب گذشته نیروهای گارد ریاست‌جمهوری عراق ضربه‌ی سنگینی را متحمل شدند، اما برخی ناهماهنگی‌ها و کمبود نیرو در صبح روز بعد سبب تأخیر در الحاق یگان‌های خودی شد. به همین دلیل، گروهی از عراقی‌ها توانستند از خلأ خط خودی استفاده کنند و خود را به خط مقدم برسانند. با وجود این، با تلاش لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) با فرماندهی حسین خرازی، معاونش محمدرضا ابوشهاب، فرماندهی و نیروهای گردان حضرت ابوالفضل^(ع) و فرماندهانی چون حسن آقایی و شهید علی قوچانی، حماسه‌ی جاوید در سه راهی کارخانه‌ی نمک و اطراف جاده‌ی استراتژیک فاو - بصره خلق شد و بدون شک گارد ریاست‌جمهوری عراق در این منطقه متحمل شکست سنگینی شد که آن را نیازمند بازسازی اساسی کرد.

حسین خرازی در جلسه‌ی حضوری با فرمانده قرارگاه کربلا و در جمع‌بندی اقدامات نیروهای عمل‌کننده، نبرد نیروهای گردان ابوالفضل^(ع) با گارد صدام را چنین توضیح می‌دهد:

در این منطقه (این سه راه) بنا بوده است که نیروهای لشکر کربلا و نجف هم بیایند و الحاق کنند، ولی گیری در الحاق پیدا شده که نتوانستند با ما الحاق پیدا کنند.

آقا احمد! برادر قوچانی را می‌شناختید، او هم شهید شد. یادش به خیر! یک سری از فرماندهان‌مان نیز شهید شدند. البته، نکته‌ی که در این‌جا مهم است، این است که گردان ابوالفضل^(ع) ما با دو تیپ از عراق در این‌جا - تیپ ۱۱ زرهی و یک تیپ از گارد ریاست‌جمهوری که پیش‌مرگ صدام می‌باشند و وفادارترین نیروهای صدام هستند - درگیر شدند. الحمدلله، گردان، حسابی این‌ها را منهدم کرد و کشتند. ان‌شاءالله نفراتی از قرارگاه بیایند که ببینند

حسین خرازی کوتاه و مختصر گفت: «شب به ما مأموریت داده‌اند. باید جاده‌ی استراتژیک تا کارخانه‌ی نمک را پاک‌سازی کنیم. سمت چپ جاده را لشکر ۲۵ کربلا و سمت راست را ما پاک‌سازی می‌کنیم»

این که آن‌ها با ناامیدی و یأس وار عمل شدند، ولی خدا کمک کرد. این عملکرد ما نیست، عملیات که از ما نیست. بابا جان! عملیات مال خداست. ما که نمی‌خواهیم برای نفسانیت بجنگیم.^(۱۱)

۳. لشکر ۸ نجف، حمله از جناح راست

حدود ساعت ۹ صبح روز سوم عملیات، احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف به خط مقدم لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب^(ع) در امتداد جاده‌ی شنی - که به کارخانه‌ی نمک وصل می‌شد - رفت تا از نزدیک آن‌جا را ببیند. عراقی‌ها در مثلث سمت چپ جاده‌ی استراتژیک، خطوط لوله‌ی نفت و کارخانه‌ی نمک گسترش یافته بودند. فرماندهی لشکر با تدارکات و مهمات‌رسانی نیروهایش را آماده کرد. در هماهنگی بین فرماندهان، قرار شد نیروهای لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) سمت چپ جاده‌ی اول (جاده‌ی فاو - البحار) را پاک‌سازی و با نیروهای لشکر نجف الحاق کنند. فرماندهان هر سه لشکر

نزدیک ساعت ۱۱:۳۰، خبر رسید که عراقی‌ها با بی‌سیم به فرمانده بالاترشان گفته‌اند که ایرانی‌ها به جاده‌ی استراتژیک رسیده‌اند. در همین زمان، لشکرهای هم‌جوار هم درگیر شدند و در این میان بسیاری از تانک‌های دشمن منهدم شد

ساعت ۹ شب بود. نیروهای گردان بدون درگیری حدود یک کیلومتر از سمت چپ خطوط لوله‌های نفت جلو رفتند. سپس، به طرف جاده‌ی استراتژیک ادامه‌ی مسیر دادند. ساعت ۱۰، فرمانده لشکر رمز عملیات را اعلام کرد و درگیری نیروهای گردان چهارده معصوم^(ع) با اولین نیروهای گارد صدام آغاز شد. با شروع درگیری معلوم شد، که عراقی‌ها در این محور آماده‌تر از سایر نقاط هستند. تانک‌های عراقی با روشن کردن نورافکن و زدن گلوله‌های منور همه‌جا را مثل روز روشن کرده بودند. نیروهای باقی‌مانده در مقر فرماندهی لشکر ۸ نجف جنب و جوش بسیاری داشتند. هر لحظه بر شدت درگیری افزوده می‌شد. از همان ابتدا، تیربارهای عراقی به طور پراکنده نیروهای گردان را زیر آتش گرفتند. سکوتی در کار نبود. نیروهای توپخانه، ادوات و یگان موشکی لشکر ۸ نجف، بی‌وقفه روی مواضع دشمن آتش می‌ریختند و رزمندگان گردان را حمایت می‌کردند. نزدیک ساعت ۱۲ شب خبر رسید که نیروهای لشکر ۲۵ کربلا به جاده‌ی استراتژیک رسیده‌اند. از این لحظه، همه‌ی تلاش فرمانده لشکر ۸ نجف، رسیدن نیروهای عملیاتی سه لشکر ۱۷، ۲۵ و ۸ به جاده‌ی استراتژیک و الحاق آن‌ها بود، اما آتش شدید توپخانه و تانک‌های دشمن، نیروهای گردان ۱۴ معصوم را زمین‌گیر کرده بود. ساعت ۲ نیمه‌شب، اعتصامی، فرمانده گردان ۱۴ معصوم^(ع) به سنگر فرماندهی لشکر آمد و از او درخواست نیروی کمکی کرد. هم‌زمان، نیروهای عمل‌کننده‌ی لشکرهای دیگر در اطراف جاده‌ی استراتژیک با دشمن درگیر بودند. در سمت راست، لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و در سمت چپ، لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب^(ع) و ۲۵ کربلا درگیر بودند. نیروهای لشکر ۲۵ کربلا هنوز با لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) و لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب^(ع) الحاق نکرده بودند. وقتی کار در جناح لشکر نجف سخت شد، فرمانده لشکر ۸ نجف اشرف، دومین



منطقه عملیاتی فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

گردان عملیاتی‌اش، یعنی گردان حضرت علی اکبر^(ع) را وارد منطقه کرد. یک ساعت از حرکت و درگیری گردان علی اکبر^(ع) گذشته بود که فرمانده این گردان خبر داد به جاده‌ی شنی پایین کارخانه‌ی نمک رسیده و به طرف سه راهی در حال پیشروی‌اند. درگیری شدید نیروهای لشکر ۸ نجف با نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق بی‌وقفه ادامه داشت

تا این که در ساعت ۶ صبح،

خبرهای خوشحال کننده‌یی از الحاق ۳ لشکر امام حسین^(ع)، علی بن ابی طالب^(ع) و کربلا رسید. پس از دریافت این خبر، احمد کاظمی با بی‌سیم به فرمانده گردان علی اکبر^(ع) گفت که سریع‌تر خودش را به جاده‌ی استراتژیک برساند و پاک‌سازی نیروهای باقی‌مانده‌ی دشمن را شروع کند. با روشن شدن هوا، گردان‌های ادوات، توپخانه و یگان موشکی لشکر به اجرای آتش روی تانک‌های گارد جمهوری پرداختند که بین جاده‌ی استراتژیک و کارخانه‌ی نمک مستقر شده بودند. نزدیک ۲ گردان از عراقی‌ها محاصره شده بودند. آن‌ها در مقری که دور تا دورش خاکریز بود، جمع شده بودند و با تیربار و آر.پی.جی نیروهای خودی را زیر رگبار گرفته بودند. نیروهای محاصره‌شده‌ی دشمن تلاش می‌کردند به هر ترتیب خودشان را از محاصره بیرون بکشند و بگریزند.

با گذشت زمان، نیروهای گارد صدام که به محاصره‌ی خود پی برده بودند، برای رهایی از حلقه‌ی محاصره بسیار تلاش می‌کردند. ساعت ۹:۳۰، خبر رسید که عده‌یی از عراقی‌ها تسلیم

شده‌اند. اسارت آن‌ها به موقع بود و در تقویت روحیه‌ی رزمندگان نقشی بسزا داشت. درگیری همچنان با شدت ادامه داشت. در این میان، فرمانده گردان علی اکبر^(ع) مجروح و معاونش شهید شد. به همین دلیل، سازمان گردان تقریباً به‌هم‌ریخته و نابسامان بود. از شب قبل نیز تا ساعت ۳ بعد از ظهر، لشکر نتوانسته بود به نیروهای گردان آب و غذا برساند. در همین حین، یکی از بچه‌های اطلاعات لشکر به سنگر فرماندهی لشکر آمد و گفت: «دشمن در منطقه‌ی درگیری شیمیایی ریخته. حتی بسیاری از نیروهای خود عراقی‌ها هم شیمیایی شده بودند. عده‌یی از آن‌ها را می‌خواستیم بیاوریم که نیامدند. بقیه‌ی نیروهای دشمن برای اسارت آماده‌اند، ولی کسی نیست که آن‌ها را بیاورد. سمت راست جاده‌ی استراتژیک از دشمن خالی شده و افراد باقی‌مانده به سمت چپ رفته‌اند و اغلب از شکافی که در خط لشکر علی بن ابی طالب^(ع) به وجود آورده‌اند، از طریق کارخانه‌ی نمک فرار کرده‌اند. از ۸ تانک آن‌ها که در منطقه مانور می‌داد، بچه‌ها ۵ تانک را منهدم کرده‌اند. بیش‌تر مقرهای دشمن به تصرف نیروهای

شلیک می‌کردند. در این ساعت شاهد اصابت گلوله‌های ضد هوایی نیروهای خودی به یک هواپیمای دشمن بودم. هواپیما در آسمان آتش گرفت و همانند شعله‌یی از آتش از بالا به پایین افتاد، خلبان آن هم که با چتری سفید از هواپیما بیرون پریده بود، به آرامی پایین آمد. هلی‌کوپترهای خودی نیز در دسته‌های چند تایی در منطقه‌ی عملیاتی مخصوصاً در اطراف خط مقدم دشمن مانور دادند.

یکی از نیروهایی که الآن از خط برگشته بود، گفت که وسط مثلثی شکل پر از تانک و تیربار دشمن است. چند دقیقه‌ی بعد، برادری از لشکر ۲۵ کربلا گفت: "نیروهای خودی خیلی خوب عمل کرده‌اند، نیروهای عملیاتی الله‌اکبر گویان جلو می‌روند." چند دقیقه‌ی بعد، برادر نصیری از لشکر ۲۵ کربلا می‌گوید که آتش دشمن، دیگر خاموش شده، ما مشغول جنگیدن سنگر به سنگر هستیم. برادر مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا به نصیری گفت: "ضلع پایین مثلث را تا آخر رفته و از آن‌جا به طرف بالا بروید و با لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب در گوشه‌ی بالای مثلث الحاق کنید.

برادر احمد به برادر طاهری می‌گوید: "یک گروهان جدید برای برادر گردانی بفرست." به برادر گردانی هم می‌گوید: "یک گروهان طاهری را بگیرد و به هدف ادامه دهد و دیگر هم تماس نگیرد." در این زمان چند نفر که از خط بازگشته بودند، می‌گفتند دشمن از چند جانب با کالیبر بچه‌ها را می‌زند و آن‌ها را زمین گیر کرده است. از هر طرف که می‌خواهند بروند رگبار تیربارها روی آن‌هاست. خاکریز از جناح لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب از طرف کارخانه‌ی نمک تا جاده‌ی استراتژیک کشیده شده و چند جای آن بریده بریده است. برادر احمد کاظمی به فرمانده توپ‌خانه می‌گوید: "آتش توپ‌خانه را شروع کنید." بعد هم برادر آقایی یکی از بچه‌های اطلاعات را فرستاد که از جاده‌ی ام‌القصر تا کارخانه‌ی نمک رفته

خودی درآمده. از گردان علی‌اکبر^(۴) چند نفر بیش‌تر ندیدم، سی یا چهل نفر هم مجروح بودند.^(۱۲) مهدی انصاری راوی مرکز در لشکر ۸ نجف که به همراه فرمانده لشکر در میدان نبرد حضور داشته است، گزارش لحظه به لحظه وقایع؛ اجرای عملیات در اطراف جاده‌ی استراتژیک و انهدام گارد صدام را در دفترچه‌ی راوی شماره ۱۶۶ ثبت کرده است، وی در بخشی از یادداشت‌هایش آورده است:

ما در پشت خاکریز بلندی هستیم که بین جاده‌ی آسفالت اول (فاو- البجار) و جاده‌ی دوم (استراتژیک فاو) قرار دارد. نیروهای گردان حضرت رسول از

همین خاکریز عبور کرده و به طرف جلو، یعنی کارخانه‌ی نمک پیش می‌روند. احمد کاظمی فرمانده لشکر، در خط مقدم و از پشت این خاکریز در حال فرماندهی و هدایت عملیات از طریق بی‌سیم و... است. الآن ساعت ۱۲:۴۵ است، نصرالله گردانی فرمانده گردان حضرت رسول^(ص)، دوباره گفت که یک ستون از تانک‌های دشمن، روی جاده‌ی استراتژیک به طرف آن‌ها در

حرکت است و احمد کاظمی فرمانده لشکر، به حجتی فرمانده توپ‌خانه اعلام کرد که فوری ستون تانک‌ها را زیر آتش توپ‌خانه بگیرد. بعد مسئول موشک تاو را احضار کرد و به نیروهای توپ ۱۰۶ هم گفت که همه‌ی تانک‌های روی جاده‌ی رو به روی محل استقرار گردانی آتش بریزند. حدود دو ساعتی درگیری شدید در اطراف جاده‌ی استراتژیک و کارخانه‌ی نمک ادامه داشت. بمب‌باران‌های هوایی دشمن با شدت بیش‌تری شروع شد و توپ‌های ضد هوایی خودی مدام به طرف هواپیماهای عراقی

حسین خرازی: "الهی و ربی
من لی غیرک" ما کسی و
چیزی غیر از خدا نداریم، همه
چیز مال خداست. موضوع
خاکریز و کارهای مهندسی
رزمی را انجام بده

بودند، اما تا نیمه‌شب دستوری از قرارگاه برای حرکت گردان به طرف منطقه‌ی عملیات نرسید. این در حالی بود که یگان‌های سمت چپ و راست (لشکر ۸ نجف، ۱۴ امام حسین و ۲۵ کربلا) عملیات را شروع کرده بودند.

دقایقی بعد از شروع عملیات فرمانده قرارگاه کربلا از طریق بی‌سیم با فرمانده لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب صحبت می‌کند و دلیل حرکت نکردن هم‌زمان نیروهای لشکر ۱۷ با دیگر یگان‌های عملیاتی و وضعیت عملیات را جویا می‌شود.

حدود ساعت ۱۲ شب، نیروهای گردان روح الله از لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب^(۷) به فرماندهی سیدعباس

میرهادی، به طرف هدف‌های تعیین‌شده حرکت می‌کنند، اگرچه به دلیل ناهماهنگی بین قرارگاه و یگان‌های هم‌جوار، کار گردان به تأخیر افتاده بود، اما آنان با شور و شوق فراوان، از گردان حضرت معصومه^(س) عبور کردند و با سرعت خود را به محل استقرار نیروهای دشمن رساندند. فرمانده گردان به گروهان یکم گفته بود که با عبور از جاده‌ی استراتژیک فاو

– بصره، به تانک‌های دشمن حمله کند. دقایقی بعد، رزمندگان گروهان با تانک‌ها و نیروهای گارد در سمت راست جاده‌ی استراتژیک درگیر شدند. در همین زمان یکی از سربازان گارد عراق اسیر شد و به نیروهای ایرانی گفت: «در این جا مقری هست که تانک‌[های] زیادی در آن مستقر شده‌اند.»^(۸)

در گزارش عملکرد لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب در عملیات والفجر ۸، در خصوص عملیات گردان روح‌الله در شب چهارم آمده است: نیروهای گروهان یکم پس از انهدام تعدادی از

و ضلع کارخانه‌ی نمک را بررسی کند و ببیند که آیا می‌توان از گوشه‌ی پایین کارخانه‌ی نمک روی جاده‌ی نفت به طرف خودمان بیاییم؟ در حین زمان فرمانده لشکر به برادر عرب‌پور فرمانده زرهی لشکر می‌گوید: "بروید زودتر تانک‌های تان را بیاورید این طرف آب و شروع کنید."

ساعت ۳ نیمه‌شب است، نیروهای گردان علی‌اکبر به ما رسیدند، سیف‌الله رهنما معاون لشکر ۸ نجف، آن‌ها را توجیه کرد. قرار شد که به طرف سنگرهای تانک بروند و از لوله‌ی نفت رد شده و در دو قرارگاه دشمن در سمت چپ و راست جاده‌ی استراتژیک مستقر شوند. احمد کاظمی به فرمانده گردان علی‌اکبر گفت: "بین برادر! الآن دو گردان دشمن به راحتی در محاصره‌اند، ببینید در محاصره چگونه می‌جنگند. بیش‌تر از یک ساعت از حرکت گردان علی‌اکبر گذشته است. ساعت ۴:۲۰ صبح است که برادر سیف‌الله رهنما معاون لشکر ۸ نجف که با گردان علی‌اکبر به جلو رفته و آنها را تا نزدیک دشمن برده بود، به سنگر فرماندهی لشکر برگشته است."^(۹)

با این‌که تعداد نیروهای لشکر گارد جمهوری در اطراف کارخانه‌ی نمک و جاده‌ی استراتژیک بسیار زیاد و سرتاسر دشت پر از تانک شده بود، نیروهای لشکر ۸ نجف با سختی بسیار به همراه نیروهای سایر لشکرها سیلی محکمی به آنان زدند. در عملیات علیه گارد ریاست جمهوری عراق آتش سنگین توپ‌خانه، ادوات و یگان‌های موشکی بسیار کارساز بود و اجرای آتش‌های دقیق آن‌ها روی تانک‌ها و تجهیزات عراقی‌ها، به انهدام گارد جمهوری عراق کمک بسیاری کرد.

۴. لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب^(۷)

گردان روح‌الله، گردان عمل‌کننده‌ی لشکر ۱۷ در شب چهارم بود. نیروهای این گردان بعد از نماز مغرب، سراپا مسلح آماده‌ی حرکت به طرف دشمن

سکوتی در کار نبود. نیروهای توپ‌خانه، ادوات و یگان موشکی لشکر ۸ نجف، بی‌وقفه روی مواضع دشمن آتش می‌ریختند و رزمندگان گردان را حمایت می‌کردند. نزدیک ساعت ۱۲ شب خبر رسید که نیروهای لشکر ۲۵ کربلا به جاده‌ی استراتژیک رسیده‌اند

حضور رزمندگان اسلام در منطقه، بر روی جاده‌ی استراتژیک آمده و قصد عبور از سه راهی را دارند. گردان، آن‌ها را منهدم کرد و سرنشینان خودروها را به هلاکت رساند. حدود ساعت ۸ صبح، تعدادی از تانک‌های گارد جمهوری که در مقری در شمال طرف راست جاده‌ی استراتژیک مستقر بودند، به سمت چپ جاده آمدند تا به هم‌راه دیگر نیروهای‌شان که در این منطقه حضور داشتند، با عبور از جاده‌ی شنی و دریاچه‌ی نمک خود را از محاصره نجات داده و به دیگر یگان‌های خود در شمال منطقه ملحق شوند. ابتدا، نیروهای خودی تصور کردند که این افراد از نیروهای لشکر ۸ نجف هستند، اما وقتی نزدیک‌تر آمدند، معلوم شد که سربازان گارد ریاست‌جمهوری هستند. نیروهای گردان روح‌الله - که از صبح آماده بودند - با گشودن آتش با آن‌ها درگیر شدند. عراقی‌ها که فکر نمی‌کردند رزمندگان لشکر در این منطقه حضور داشته باشند، به آب و آتش می‌زدند تا محاصره را بشکنند. درگیری شدیدی بین دو طرف راه افتاد. نیروهای خودی هم اطلاع دقیقی از حجم نیروهای دشمن نداشتند. آن‌ها یک تیپ از نیروهای ویژه‌ی گارد جمهوری عراق بودند. ساعت حدود ۹:۳۰، از سه طرف به مواضع گردان حمله شد. تانک‌های دشمن از سمت شمال و از روی جاده‌ی استراتژیک به طرف سه راهی پانک کردند. نیروها و تانک‌های مستقر در سمت راست جاده هم از رو به روی جاده‌ی شنی به سمت مواضع گردان در جاده‌ی استراتژیک و سه راهی هجوم آوردند. آن قسمت از نیروهای دشمن که قصد خروج از محاصره را داشتند، مواضع نیروهای گردان بر روی جاده‌ی شنی را از سمت راست و پشت سر مورد هدف قرار دادند. در همین حال، نیروهای گردان از سه طرف با دشمن می‌جنگیدند. در این میان، جان‌فشانی و اخلاص و ایثارگری بعضی از نیروها خیره‌کننده بود. علی کوثری، یکی از بسیجیان گروهان دوم، در حالی که

تانک‌ها و وارد کردن تلفات به نیروهای دشمن و گرفتن اسیر دیگری، به سمت چپ جاده برگشتند، چون یگان‌هایی که در سمت راست جاده وارد عمل شده بودند، به این منطقه نرسیده بودند. گروهان یکم پس از آمدن به سمت چپ جاده‌ی استراتژیک، بر روی جاده‌ی شنی که در فاصله‌ی حدود سیصد متری ضلع جنوبی دریاچه‌ی نمک، به سمت جاده‌ی فاو - ام‌القصر می‌رفت، به طول یک کیلومتر مستقر شد. نیروهای گردان در گروه‌های پنج شش نفری تقسیم و پشت تپه‌های خاکی که بچه‌های مهندسی بر روی جاده‌ی شنی ایجاد کرده بودند، مستقر شدند و در لایه‌های هجومی به طرف سه راهی موضع گرفتند. رزمندگان گروهان دوم هم ضمن پاک‌سازی مقرهای پراکنده و عناصر باقی‌مانده‌ی دشمن، اقدام به احداث سنگر در کنار جاده‌ی استراتژیک نموده و از سه راهی محل الحاق با گروهان یکم به طرف جنوب (شهر فاو) به طول تقریباً یک کیلومتر گسترش یافتند. به این ترتیب، نیروهای گردان خطی را به شکل یک زاویه‌ی قائمه تشکیل دادند تا بتوانند تهاجماتی را دفع نمایند که از سمت شرق و شمال جاده‌ی استراتژیک صورت می‌گرفت. سه راهی از جاهای بااهمیت جاده‌ی استراتژیک بود، به همین دلیل، گروهان سوم هم مقری را که بین جاده‌ی شنی و دریاچه‌ی نمک واقع شده و به سه راهی نزدیک بود را پاک‌سازی کرد و در آن مستقر شد. در سپیده‌دم روز چهارم، رزمندگان گردان روح‌الله - که از شب قبل در محدوده‌ی سه راهی دریاچه‌ی نمک و جاده‌ی استراتژیک مستقر شده بودند - تعدادی از کامیون‌های ایفای دشمن را دیدند که بدون آگاهی از

تلاش فرمانده لشکر ۸ نجف،
رسیدن نیروهای عملیاتی سه
لشکر ۱۷، ۲۵ و ۸ به جاده‌ی
استراتژیک و الحاق آن‌ها بود، اما
آتش شدید توپ‌خانه و تانک‌های
دشمن، نیروهای گردان ۱۴ معصوم
را زمین‌گیر کرده بود



رزمندگان لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب؛ اردوگاه بدر؛ ۱۳۶۵/۱۱/۱۵

چندین گلوله به دست‌ها و دهانش خورده و سر تا پایش غرق در خون بود، در جواب فرمانده گروهانش که جویای حال او شد، گفت: "خداوند شما پاسدارها را زنده بدارد. ما که مهم نیستیم." بعد هم نارنجک خود را که غرق به خون بود، به او داد تا به نبرد با دشمن ادامه دهد. در این زمان بخشی از نیروهای گردان حضرت معصومه^(س)

در سمت راست و در

شمال جاده به طرف سه راهی هجوم آوردند که باز هم با مقاومت سرسختانه‌ی نیروهای گردان رو به رو شدند. نیروهای ادوات لشکر به وسیله‌ی موشک‌های تاو و توپ ۱۰۶ به رزمندگان گردان کمک می‌کردند. در این مرحله از درگیری چند تانک دیگر منهدم شد و عده‌ی از نیروهای عراقی به هلاکت رسیدند. یک ساعت بعد، تانک‌ها و نیروهای دشمن از سمت چپ جاده‌ی استراتژیک در شمال سه راهی و از کنار دریاچه‌ی نمک حملات خود را به سمت مواضع گردان از سر گرفتند که بچه‌های تخریب لشکر، قسمتی از ضلع شرقی دریاچه‌ی نمک در نزدیکی سه راهی را منفجر کردند. با رها شدن آب در حد فاصل دریاچه‌ی نمک و جاده‌ی استراتژیک و مقاومت رزمندگان گردان، بار دیگر دشمن مجبور به عقب‌نشینی شد. در همین حال، عده‌ی از نیروهای عراقی با عبور از دریاچه‌ی نمک خود را به ضلع جنوبی دریاچه رسانده و با استقرار تیربار دوشکا در این محل، مواضع رزمندگان بر روی جاده‌ی شنی را از سمت چپ زیر آتش خود گرفتند.^(۱۵)

پشت مواضع گردان روح‌الله مستقر شدند. دسته‌ی ادوات این گردان هم در حالی که خود در معرض تهدید نیروهای دشمن قرار می‌گرفت، جناح راست گردان روح‌الله را پوشش داد. گروهان سوم گردان ولی عصر^(عج) هم که در محدوده‌ی کارخانه‌ی نمک مستقر بود، مأمور شد تا در منطقه‌ی نبرد حضور یافته و در صورت نیاز به گروهان‌های درگیر کمک نماید. درگیری گردان‌های روح‌الله و حضرت معصومه^(س) از لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب^(ع) با نیروهای عراقی شدت گرفت و بسیاری از نیروهای دشمن که سعی در خروج از محاصره داشتند، به دست رزمندگان این دو گردان کشته شدند. رزمندگان گردان روح‌الله از جان‌پناه‌های موجود در جاده و مقرّ نزدیک به سه راهی برای شکار تانک‌ها استفاده کردند. آرپی‌جی‌زن‌ها به سمت تانک‌ها شلیک می‌کردند. تیربارچی‌ها و تک‌تیراندازان هم سعی می‌کردند تیربارچی‌های مستقر بر روی تانک‌ها را هدف قرار دهند. با انهدام ۳ تانک دشمن بر روی جاده و تلفاتی که به آن‌ها وارد شد، مجدد تانک‌ها از سمت راست

می‌رفت، مستقر بود و یک گروهان را هم آماده کرده بودیم که به گردان روح الله کمک کنیم. آن شب کارخانهی نمک و سمت چپ سه راهی خیلی مسئله داشت. در آن شب شلوغ کارخانهی نمک و جادهی استراتژیک فاو - بصره، تقریباً نمی‌توانستیم خودمان را به زودی پیدا کنیم. حدود ۷ صبح بود که به ما گفتند باید به سمت راست ادامه‌ی تک بدهید. گردان حضرت ولی عصر (عج) با جناحی که نیروهای لشکر حضرت رسول (ص) مستقر بودند، دست داده بودند. قرار شد گردان ما هم به سمت راست بکشد تا اگر لشکر نجف از این طرف جلو آمد، بتوانیم با آن دست بدهیم. دیگر صبح شده بود و هوا روشن. ما باید در روز مقرهای زیادی از دشمن را پاک‌سازی می‌کردیم. اول یک تیم فرستادیم که هم بفهمیم وضعیت دشمن چیست و هم مقرها را شناسایی کنیم. دشمن در آنجا تعدادی نیرو داشت که چون این‌جا عملیات شده بود، کاملاً آماده بود که با ما درگیر بشود. ما خیلی سریع تیم بعدی را هم از جناح‌های مختلف خاکریز عبور دادیم و با توجه به اطلاعاتی که به دست آورده بودیم، آن‌ها را داخل مقرهای پاک‌سازی نشدهی دشمن نفوذ دادیم. استعداد هر تیم عملیاتی ما ۹ الی ۱۰ نفر بیش‌تر نبود. بالای سر هر تیم یکی از مسئولین دسته‌ها را گذاشته بودیم. بچه‌ها خیلی جالب و خیلی با دقت، باطمینان و با اطمینان قلب، پاک‌سازی را شروع کردند و دشمن با توجه به حجم آتش توپ‌خانه و ادوات خودی چاره‌ی جز فرار از این منطقه نداشت. ما این مقرهای نزدیک جاده را با دو تیم پاک‌سازی کردیم. حالا باید به گردان روح الله کمک می‌کردیم. از طرف فرماندهی لشکر گفتند باید به آن‌ها مهمات برسانید. بچه‌ها چند شب نخوابیده بودند و یک‌سره عملیات می‌کردند، اما بدون هیچ گلایه‌ی همه توان‌شان را گذاشتند که مهمات‌ها را به جلو بیاوردند. حتی مهمات‌هایی را هم که خودمان برای

گردان خط‌شکن حضرت معصومه (س) پس از سه روز عملیات پی در پی، در منطقه‌ی پدافندی مستقر شده بود، اما وقتی کار درگیری با لشکر گارد ریاست‌جمهوری عراق به نقطه‌ی حساس رسید، بنابر تدبیر فرمانده لشکر، بخشی از نیروهای این گردان، ضمن حفظ خط پدافندی خود، به کمک نیروهای گردان روح‌الله رفتند تا در انهدام گارد صدام نیز سهمی داشته باشند. علی اکبر نوری فرمانده این گردان در عملیات والفجر ۸، درگیری شب چهارم با نیروهای گارد صدام را چنین تشریح می‌کند:

مهدی انصاری راوی مرکز
در لشکر ۸ نجف که به همراه
فرمانده لشکر در میدان نبرد
حضور داشته است، گزارش
لحظه به لحظه وقایع؛ اجرای
عملیات در اطراف جاده‌ی
استراتژیک و انهدام گارد صدام
را در دفترچه‌ی راوی شماره
۱۱۶۶ ثبت کرده است

ما تا عمق دشمن رفته بودیم، آن‌ها بدون این‌که بدانند که ما این‌جا هستیم، به سمت ما می‌آمدند، بچه‌ها یک انهدام خیلی خوبی از دشمن کردند. روز دوم و سوم هم نیروها را به طرف جلو حرکت دادیم، و حدوداً در سه کیلومتری محل درگیری، (محل درگیری شب چهارم) گردان را مستقر کردیم. در همان اوایل، درگیری خیلی شدیدی در منطقه بود (در این زمان یگان‌های دیگر با نیروهای گارد درگیر شده بودند). یک گروهان را به طرف دشمن عبور دادیم و بقیه را هم در مقری نزدیک جاده مستقر کردیم. وقتی که ما یک گروهان را عبور دادیم، به ما گفتند که شما باید با لشکر نجف که قرار است از آن طرف جاده بیاید، دست بدهید. شبانه، منطقه را شناسایی کردیم. یک خاکریز کوتاه ۳۰ الی ۴۰ سانتی و یک جاده‌ی بود که روی آن لوله‌های نفت که از کارخانه‌ی نمک می‌آمد، عبور می‌کرد. به هر حال تا نزدیکی‌های صبح ساعت ۵، یک گروهان ما در کارخانه‌ی نمک درگیر و یک گروهان ما در پیچی که به طرف کارخانه‌ی نمک

بودیم. چون این تانک‌های دشمن که این وسط گیر کرده بودند زور می‌آوردند که راه فراری پیدا کنند. بچه‌های ما دوباره پاتکی نصیب‌شان شده بود که از سمت راست جاده [عراقی‌ها] می‌آمدند. پاتک اول را که با تانک به طرف ما کردند جواب دادیم و آن‌ها را منهدم کردیم. گردان روح‌الله روی این سه راه مستقر بود و طرف راست سه راه یک گروهان از ما مستقر بود و به طرف چپ هم دشمن بود. دشمن هم از وسط نیروهایش محاصره بودند و با تانک‌ها از طرف راست زور می‌آوردند و از طرف چپ هم

نیروی پیاده‌شان فشار می‌آورد که از محاصره دربیايند، یعنی از طرف چپ و راست به سمت این سه راه خیلی فشار دشمن سنگین بود. بعد از ظهر بود که دشمن خیلی شدید از دو طرف جاده‌ی استراتژیک فشار آورد، به طوری که گردان روح‌الله سه راه را تخلیه کرد، اما انهدام نیروهای گارد ریاست جمهوری عراق آن قدر وسیع بود که آن‌ها تا مدت‌ها نیاز به تجدید سازمان و بازسازی داشتند.^(۱۶)

غروب روز چهارم، نیروهای گردان سیدالشهدا^(ع) با تحویل گرفتن مواضع گردان حضرت معصومه^(س) آماده شدند تا هنگام شب به مواضع دشمن روی جاده‌ی شنی و مقرهای دو طرف آن حمله کنند و ضمن انهدام و پاک‌سازی آن‌ها خود را به سه راهی جاده‌ی شنی و جاده‌ی استراتژیک برسانند.

۵. لشکر ۳۱ عاشورا

پس از معین شدن مراحل مأموریت حمله به گارد، تصمیم گرفته شد لشکر ۳۱ عاشورا در هماهنگی با لشکر نجف، عملیات شب چهارم را پی بگیرد.

پاتک جمع کرده بودیم، سریع به طرف سه راه منتقل کردیم تا اگر دشمن پاتک داشت بچه‌ها بتوانند پاتک دشمن را جواب بدهند. تقریباً ساعت ۱۰ صبح بود که به ما گفتند که این گروهان را که در نزدیک سه راهی گذاشته‌اید، باید سریع ببرید جلو و طرف راست گردان روح‌الله که داشت از طرف راست مورد تهدید قرار می‌گرفت، پدافند کند. ما هم گروهان را بردیم و یک دسته از آن را پشت گردان روح‌الله و یک دسته‌اش را در این مقری که طرف راست سه راه بود، مستقر کردیم. حالا، همان موقعی بود که چندین گردان دشمن که این وسط در محاصره بودند، داشتند می‌آمدند تا این حصار را بشکنند و از این جا فرار کنند. زیر آتش نیروهای محاصره‌شده‌ی گارد جمهوری عراق، این دسته را پشت سر گردان روح‌الله و یک گروهان را هم سمت راست سه راهی چیدیم. نیروهای محاصره‌شده‌ی دشمن، گله‌وار می‌آمد تا از این منطقه عبور کند. آن قدر به ما نزدیک بودند که اول فکر می‌کردیم که بچه‌های خودمان هستند که دارند از این طرف پاک‌سازی می‌کنند و می‌آیند جلو. حتی تا حدود ۲۰۰، ۳۰۰ متری ما که رسیدند، باز هم خیال می‌کردیم که بچه‌های خودمان هستند. خیلی عادی می‌آمدند و به هم ریخته بودند. همین‌طور وسط دشت را پُر کرده بودند و آمدند. وقتی نزدیک شدند، شروع به تیراندازی کردند. وقتی که نزدیک شدند تازه متوجه شدیم که دشمن است. به هر حال دشمن آمد و این بچه‌هایی را هم که این جا مستقر کرده بودیم تعداد زیادی از دشمن را منهدم کردند. وقتی که دیدیم دشمن نیروهایش پخش شده است، آن یک گروهانی هم که در مقر سمت راست سه راهی داشتیم، سریع آوردیم و پشت سر بچه‌های درگیر مستقر کردیم و مقر را پر کردیم و با دسته‌ی ادوات، تمام منطقه را زیر آتش گرفتیم. در حین درگیری کاملاً جناح راست گردان روح‌الله را پوشانده بودیم و شدیداً مورد تهدید

حدود ساعت ۱۲ شب، نیروهای گردان روح‌الله از لشکر ۱۷ علی بن ابیطالب به فرماندهی سیدعباس میرهادی، به طرف هدف‌های تعیین‌شده حرکت می‌کنند

پناه گرفتند، ولی هر لحظه چندین موشک از طرف تانک‌ها و آرپی‌جی‌زن‌های ما به طرف تانک‌های دشمن که روی اتوبان به طرف ما می‌آمدند. شلیک می‌شد، که یکی از آن‌ها را زدند و دشمن بلافاصله برگشت و رفت. البته، در کنار تانک‌ها نیروهای پیاده هم می‌آمدند، بعد دشمن دوباره آرایش گرفت و بازگشت، مجدداً بچه‌ها یکی دیگر از آن‌ها را زدند. بنابراین، دشمن برگشت و رفت و کنار ایستاد و با تیر مستقیم تانک موضع ما را زیر آتش گرفت، ولی با آتش متقابل سلاح‌های پشتیبانی ما و سلاح‌هایی که مستقیم به آن‌ها داده شد، دشمن مأیوس شد و برگشت. آن چیزی که قابل توجه است، ایثار رزمندگان است، که واقعا شهامت و شجاعت دارند، به طوری که دشمن را می‌ترسانند و هر لحظه با بانگ الله‌اکبر چندین موشک به طرف دشمن می‌رفت، به طوری که دشمن گیج شد و این خاطره‌ی بسیار عجیبی است. فکر می‌کنم دشمن هرگاه از طرف ما قدرت دیده، عقب‌نشینی کرده است، یعنی زمانی که ما آتش و اراده و ایمان خودمان را بر دشمن تحمیل می‌کنیم، دشمن شکست را می‌پذیرد و همیشه هم این‌طور بوده است و الحمدلله در این عملیات هم همین‌طور بود، یعنی آتش و ایمان و خلاصه همه چیز ما بر دشمن برتری داشت و این بود که دشمن مأیوس شد و ان‌شاءالله این یأس دشمن را به نابودی می‌کشاند و تمام جهان اسلام از شر دشمنان خلاص می‌شوند.

نتیجه‌گیری:

در نبرد شب چهارم عملیات والفجر ۸، لشکر گارد صدام طعم تلخ شکست را چشید، اما فرماندهان سپاه پاسداران این شکست را چیزی جز لطف خداوند نمی‌دانند. فرماندهانی که آن شب برای شکست گارد صدام تصمیم به عملیات گرفتند، نیرو و امکانات لازم و حتی برآورد دقیقی از وضعیت و سازمان رزمی دشمن نداشتند. آن شب توکل به

بیش‌تر کاری که به عهده‌ی ۳۱ عاشورا گذاشته شد، تقویت خاکریزهای قبلی و زدن خاکریز جدید بود. با وجود این، گردان‌های حبیب بن مظاهر و حضرت رسول^(ص) برای ادامه‌ی عملیات شب چهارم آماده شدند. گردان حبیب هم‌زمان با نیروهای لشکرهای هم‌جوار به پاک‌سازی مقرهای دشمن پرداخت. هم‌زمان با نبرد نیروهای پیاده با گارد جمهوری عراق، نیروهای جهاد و مهندسی لشکر که مأموریت اصلی‌شان تقویت خاکریز بین جاده‌های استراتژیک و ام‌القصر بود، زیر آتش دشمن حدود یک کیلومتر خاکریز جدید زدند. احداث خاکریز جدید بین دو جاده برای نگه‌داری، ثبت منطقه و جواب دادن به پاتک‌های دشمن بسیار مهم و کارساز بود.

اصلی‌ترین کار لشکر عاشورا در شب حمله به گارد جمهوری، زدن همین خاکریز و تقویت خاکریزهای منطقه بود. خاکریز که آماده شد، گردان حضرت رسول^(ص) در پشت آن موضع گرفت و ساعتی بعد، یکی از گروهان‌های آن تا مقر دشمن پیش رفت و پس از یک درگیری شدید، بخشی از نیروهای باقی‌مانده‌ی گارد را منهدم کرد. در شب چهارم، آتش هماهنگ توپ‌خانه و ادوات لشکر کمک بسیاری به پیشروی و پاک‌سازی مقرهای دشمن در اطراف جاده‌ی استراتژیک کرد. فرمانده گردان در این باره می‌گوید:

صبح عملیات که دشمن می‌خواست آرایش بگیرد و به طرف مواضع ما بیاید، نیروها اصلاً سنگر نداشتند، معلوم است که صبح عملیات نمی‌توان به آن صورت پناهگاه گیر آورد و برادرها در کنار خاکریز کوتاهی که البته آن را هم دشمن ساخته بود،

علی کوثری، یکی از بسیجیان
گروهان دوم، در حالی که
چندین گلوله به دست‌ها و
دهانش خورده و سر تا پایش
غرق در خون بود، در جواب
فرمانده گروهانش که جویای
حال او شد، گفت: "خداوند
شما پاسدارها را زنده بدارد. ما
که مهم نیستیم"



نفر بالا سمت چپ: علی زاهدی (فرمانده تیپ ۴۴ قمرینی هاشم^(۵))
نفر پایین سمت چپ: حسین خرازی (فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین^(۵))؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

خدا، تصمیم قاطع فرماندهان و همت رزمندگان، معادلات طبیعی عرصه‌ی نبرد را به هم ریخت و در سحرگاه طنین پیروزی بر گارد صدام در آسمان فاو پیچید.

محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس در این باره می‌گوید:

در روزهای اول ابتکار عمل دست ما بود. روز سوم عملیات فاو، لشکر گارد عراق آمده بود که بچه‌ها را بزند عقب و برود توی شهر فاو. ما از آن طرف حمله کردیم، آمدیم این سمتی که نیروهای عراق باید از جاده‌ی استراتژیک می‌آمدند و به ما پاتک می‌کردند. آن‌ها آمده بودند تا از طریق جاده‌ی استراتژیک، شهر فاو را از دست ما بگیرند. اولین نیروهای عراقی که آمده بودند توی این جاده، یک لشکر کامل گارد بود، پشت سر آن‌ها هم تانک‌های شان بودند، سوار تریلرهای تانک‌بر. نیروهای ما رسیدند و به گارد صدام که درست در کنار جاده و به فاصله‌ی ۲۰۰ متر، ۱۵۰ متر از آن آرایش گرفته بودند،

حمله کردند. این‌ها صبح آماده بودند که به شهر حمله بکنند، نیروهای ما از پهلوی تمام این‌ها را با آر.پی. جی زدند. یک جهنمی در اطراف جاده‌ی استراتژیک درست شده بود که تقریباً بی‌سابقه بود، یعنی به جرئت می‌شود گفت حدود ۱۵۰۰، ۲۰۰۰ نفر از ارتش عراق در اطراف همین جاده‌ی استراتژیک کشته شد.

محسن رضایی درباره‌ی امدادهای الهی به رزمندگان می‌گوید:

یکی از دلایل محاصره شدن لشکر گارد صدام این بود که بچه‌ها کنار جاده‌ی اول (فاو - البحرار) بودند و دشمن آمد که از جلوشان رد بشود و در حقیقت افتاد توی تله‌ی این‌ها. این محاصره را خدا انجام داد. چون محاصره با تدبیر کسی به وجود نیامد! قرار بود لشکرهای ما بروند و با نیروهای دیگر در کارخانه‌ی نمک وصل شوند و پدافند کنند. اصلاً لشکر گارد نمی‌دانست که کارخانه‌ی نمک هم گرفته شده. از آن طرف هم توجیه نبود. یکی دیگر هم توی

توپ‌خانه در پشتیبانی از رزمندگان و نیروهای پیاده نقش تعیین‌کننده و بسیار مهمی داشته‌اند.

منابع:

۱. مجید نداف، نبرد فاو، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳.
۲. سند شماره ۲۳۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات والفجر ۸ قرارگاه خاتم‌الانبیاء، راوی حسین اردستانی، تهران ۱۳۶۴.
۳. مرکز آموزش اطلاعات نیروی زمینی سپاه پاسداران، شناخت ارتش عراق، تهران، ۱۳۶۶، صص ۳۶-۳۷.
۴. گزارش عملیات لشکر ۲۵ کربلا مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، راوی: داود رنجبر، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۳۵.
۵. همان، ص ۱۳۷.
۶. سند شماره ۲۴۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش عملیات والفجر ۸، لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، راوی: محسن رخص طلب، ۱۳۶۴، ص ۸.
۷. همان، صص ۱۱ تا ۱۴.
۸. همان، ص ۱۵.
۹. همان، صص ۳۵ - ۳۶.
۱۰. همان، صص ۱۰۷.
۱۱. همان، صص ۱۰۷ - ۱۰۸.
۱۲. سند شماره ۱۱۶۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفترچه‌ی ثبت جنگ راوی، مهدی انصاری، ۱۳۶۴.
۱۳. "عملیات والفجر ۸" (مجموعه مقالات)، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، ۱۳۸۷ ص ۱۸۰.
۱۴. سند شماره ۱۸۲۷۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، "شرح عملیات گردان روح‌الله لشکر ۱۷ در عملیات والفجر ۸"، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۵.
۱۵. همان، ص ۳۸.
۱۶. سند شماره ۱۳۸۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: علی اکبر نوری فرمانده گردان حضرت معصومه (س) لشکر ۱۷ در گفت‌وگو با راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۶۴.

ذهنش این بود که سریع بیاید جلو جاده‌ی اول توی فاو آرایش بگیرد، ولی نمی‌دانستند که نیروهای ما پشت سر آن‌ها در کارخانه‌ی نمک هم هستند. [آن‌ها] وارد یک دالانی شدند که هر دو طرفش نیروهای ما بود[ند] و به طور کلی برآوردشان از ارزیابی نیروهای ما کم بود و آمدند توی تله.

با این‌که گارد ریاست جمهوری عراق در شب چهارم عملیات والفجر ۸ روی جاده‌ی استراتژیک، شکست سنگینی را متحمل شد، اما وجود برخی ناهماهنگی‌ها؛ الحاق نکردن یگان‌ها در برخی نقاط و ناتمام ماندن احداث بعضی خاکریزها سبب شد، شماری از نیروهای دشمن با فشار بر جناح‌های ضعیف‌تر جبهه‌ی خودی از محاصره بگریزند و با سازمان‌دهی مجدد در روز چهارم به مقابله با نیروهای مستقر در منطقه بپردازند. کمبود نیروی یگان‌ها و خستگی نیروهای باقی‌مانده، فرمانده کل سپاه پاسداران را به فکر استفاده‌ی مؤثرتر از توپ‌خانه و توان نیروی هوایی انداخت. فرمانده کل سپاه پاسداران بعد از شنیدن گزارش معاون عملیات قرارگاه خاتم درباره‌ی شکست گارد جمهوری عراق، حسن شفیع‌زاده فرمانده توپ‌خانه‌ی سپاه پاسداران و سرهنگ عباس بابایی فرمانده قرارگاه رعد نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی را به قرارگاهش فرا خواند. وی می‌خواست برای تثبیت خط پدافندی خودی و انهدام باقی‌مانده‌ی نیروهای صدام در اطراف جاده‌ی استراتژیک و کارخانه‌ی نمک از آتش توپ‌خانه و توان نیروی هوایی، بیش‌ترین بهره را ببرد.

شکست سنگین لشکر گارد جمهوری عراق در اطراف کارخانه‌ی نمک و جاده‌ی استراتژیک مرهون تلاش و هم‌کاری همه‌ی رزمندگان حاضر در عملیات بوده است و در این موفقیت نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، هوانیروز ارتش، واحدهای پدافند ضد هوایی، جهاد سازندگی و واحدهای ادوات و

فرازی از تاریخ جنگ در عملیات والفجر ۸ (به روایت اسناد)

تهیه و تنظیم: دکتر حسین اردستانی

چکیده	عملیات فاو با سایر عملیات‌های قبلی تفاوت اساسی داشت. در فاو توازن میان ایران و عراق به هم خورد و هر آن احتمال حمله جدید توسط ارتش عراق وجود داشت. دیگر آنکه، از نظر فرماندهی، زمان پس از عملیات به درازا خواهد کشید. لذا سعی فرماندهی آن بود که با انتقال زرهی و توپخانه به غرب اروند ضمن تقویت آتش، کمبود نیرو را نیز جبران کند. مسأله مهم دیگر فرهنگ بازسازی در میان یگان‌های سپاه است که پس از ۷ تا ۱۰ روز مطابق قبل، باید به بازسازی یگان خود بپردازند و نیروها به مرخصی بروند. سعی فرمانده سپاه آن است که برای فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها جا ببندازد که در این عملیات باید بازسازی یگان در خط صورت گیرد و امکان به عقب رفتن وجود ندارد. این موضوعات در گفتگوهای آقای محسن رضایی و سایر فرماندهان ایشان مورد بحث واقع شده است.		

مقدمه

مطالبی که به دنبال می‌آید، فرازی از عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) است که در ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ انجام گرفت. زمینه‌ها و شرایط این عملیات از اهمیت خاصی برخوردار است که در این نوشته بخشی از آن براساس گفت و گوی فرماندهی کل سپاه با مسئولین زرهی و توپخانه و دو تن از فرماندهان یگان‌ها، که نوار آن توسط حسین اردستانی راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ضبط شده است. همان‌گونه که از گفت و گوهایی انجام شده پیدا است، درجه اهمیت فاو برای جبهه خودی و تلاش روزافزون دشمن نسبت به بازپس‌گیری آن، وضعیتی را پدید آورد که حفظ آن را به هر شکل ممکن ضروری می‌ساخت. چرا که هر گونه تزلزل در جبهه خودی، موقعیت به دست آمده را با مشکل جدی مواجه می‌نمود.

بعد از تصرف فاو که در اوج غافل‌گیری ارتش عراق انجام شد، فرماندهان عراق درصدد برآمدند قبل از آن‌که رزمندگان اسلام در مواضع به دست آمده استقرار یافته و خطوط دفاعی خود را تثبیت نمایند، آن‌ها را به مواضع قبلی عقب برانند. در همین راستا روز چهارم عملیات، لشکر گارد را بدون داشتن آگاهی لازم از شرایط جدید وارد منطقه درگیری کردند که با تهور و شجاعت خاص رزمندگان لشکرهای ۱۴ امام حسین، ۸ نجف، ۲۵ کربلا، ۱۷ علی بن ابیطالب و ۳۱ عاشورا تلفات سنگین بر آنان وارد شد که منجر به عقب نشینی آنان گردید. در پی این ناکامی، عراق با آگاهی از نقطه ضعف جبهه خودی و توجه به این‌که برد توپخانه و آتش پر حجم ادوات که از شرق اروند، محورهای ساحلی و جاده استراتژیک را

از سوی عراق به شمار می‌رفت و به نظر می‌رسید که کلیت عملیات را به خطر خواهد انداخت. لذا جبهه خودی تمام فکر خود را معطوف رخداد مزبور نمود. در چنین شرایطی بیش از هر چیز کمبود نیروی پیاده سبب تزلزل خطوط دفاعی گردیده بود. پس از پشت سرگذاشتن فشارهای طاقت فرسای بمباران هوایی، خصوصاً بمباران شیمیایی و پاتک‌های دشمن، غالب یگان‌های سپاه نیرویی در حد یک گروهان تا دو گردان در اختیار داشتند و غالب خطوط دفاعی فاقد نیروی کافی بود. بدین خاطر فرماندهی کل در صد برآمد تا از طریق به کارگیری تانک نفربر و خشایار، آتش توپ‌خانه و بازسازی یگان‌ها در داخل منطقه عملیاتی بر این مشکل فائق آید تا در فرصت‌های بعدی انجام اقدامات اساسی‌تر میسر شود. در این نوشته، موضوعات مورد اشاره در گفت و گوی فرماندهان آورده شده است. توضیح آن‌که برای حفظ حال و هوای گفت و گوها، حتی‌المقدور سعی شده است لحن محاوره حفظ شود. نکته دیگر آن‌که نام اشخاص با توجه به موقعیت آن زمان آنان آورده شده است. در نوشته حاضر سه موضوع به ترتیب ذیل آمده است:

- به کارگیری توان زرهی و مکانیزه
- تقویت توپ‌خانه غرب اروند
- بازسازی در خط

به کارگیری توان زرهی و مکانیزه

فتح‌الله جعفری مسئول زرهی سپاه: ما در این چند روز هر امکانی در پادگان آموزشی بود، بسیج کردیم و تقریباً ده دستگاه تانک خراب را تعمیر کردیم و هر چه تعمیر می‌شد مرتب می‌فرستادیم توی خط. محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران: خب، این تانک‌ها خدمه هم داشتند؟
فتح‌الله جعفری: بله خدمه‌های گردان [تیپ] ۳۸ ذوالفقار بودند.

مورد پشتیبانی قرار می‌داد از جمله عوامل اصلی در ممانعت از پیش‌روی یگان‌هایش بوده است، محور حمله خود را از جاده استراتژیک به محور ام‌القصر تغییر داد. در این محور نیز به علت عدم پوشش کافی آتش توپ‌خانه و ادوات و همچنین مشکلات انتقال توپ‌خانه و رسان مهمات مورد نیاز و ... ضعف مشهودی بر جبهه خودی تحمیل شده بود. مشکل دیگر وجود کارخانه نمک بود که به خاطر نمک‌زار بودن سیل بندهای آن به هیچ وجه امکان احداث خطوط دفاعی قابل اطمینان ممکن نبود. علاوه بر این، وجود خور عبدالله به عنوان یک جناح که به دشمن امکان می‌داد توسط «ناوچه‌های اوزا» پشت خطوط خودی را زیر آتش قرار دهد و در صورت نیاز نیروهای خود را پشت خط خودی پیاده نماید، معضل دیگر فراروی فرماندهان جنگ بود. به شرایط مزبور کمبود شدید نیرو را نیز باید اضافه کرد.

فرمانده سپاه در عملیات
والفجر ۸ سعی می‌کرد برای
فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها جا
بیاندازد که در این عملیات باید
بازسازی یگان در خط صورت
گیرد و امکان بازسازی در عقبه
وجود ندارد

بعد از ده روز جنگ و بمباران مداوم عراق که از بمب شیمیایی نیز به مقدار وسیعی استفاده نمود یگان‌های سپاه شدیداً با مشکل نیرو رو به رو شدند. بگونه‌ای که نوعی خوف و نگرانی عمیق جبهه خودی را فراگرفته بود و فرماندهان با تمام سعی و کوشش تلاش کردند که این خطر را پشت سر بگذارند. ارتش عراق در ۲۹ بهمن ۱۳۶۴ حوالی بعد از ظهر به محور ام‌القصر حمله کرد و با توجه به نارسائی‌های مستقر در آن محور، ضمن شکستن خط توانست حدود ۳-۴ کیلومتر پیش‌روی نماید. به نظر برخی فرماندهان چنین وضعی، آغاز اقدامات جدی



منطقه عملیاتی فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

محسن رضایی: برادر حمید آمد؟^۱

فتح الله جعفری: حدود سه روز است که آمده. رضایی: دارد کارش را سازمان می دهد؟

فتح الله جعفری: بله، آمده بالای سر این ها و به آن ها سازمان داده و مرتب آن ها را به خطوط درگیری می فرستد. تانک ها ابتدا آمدند در قرارگاهی که در فاو است و بعد آمدند جلو و خطوط دشمن را می زدند هر کدامشان

رضایی: در حال حاضر چند دستگاه تانک در این خط مستقر است؟

فتح الله جعفری: با آن هایی که غنیمت گرفته شده در مجموع ۱۲ دستگاه می شود.

رضایی: در خط کارخانه نمک چند دستگاه مستقر است؟ احمد کاظمی^۲ چند تانک به آن طرف آب^۳ برده است؟

فتح الله جعفری: احمد کاظمی سه تا برده که فقط همین سه تا توی خط است.

محسن رضایی: ا، پس چرا سه تا؟ خیلی کم! فتح الله جعفری: دیگه نبرده است. گفتم بقیه اش را هم ببرد.

غلامعلی رشید: پس تانک های مرتضی (لشکر ۲۵ کربلا) و لشکر امام حسین (ص) کجاست؟

رضایی: ببینید ما باید حدود ۲۰ دستگاه تانک در محور ساحلی و ۲۰ دستگاه هم در احتیاط باشد.

فتح الله جعفری: مجموع تانک های ما فکر نمی کنم ۶۰ دستگاه باشد.

در این دو سه روزه که این جا بودند مرتب شلیک می کردند. مهمات هم به اندازه کافی داشتند تانک های خوبی است، درش بسته بود و هر چه آر.پی.چی می خورد منفجر نمی شد، فقط شلیک می کرد. این ها هر کدامشان (نامفهوم) مهمات (نامفهوم) زیاد بود. تا حدود صدوپنجاه گلوله را مثلاً (نامفهوم) زدند. چند دستگاه تانک را این جا زدند که مجدداً سه تانک آماده کردیم و آوردیم برای پشت این خط منتهی گفتند این جا دیگر نیازی نیست. سه دستگاه دیگر هم بود که تیر منحنی شلیک می کرد. از این تعداد تانک سه دستگاه دیگر مانده بود که دیروز عصر راه انداختیم و آوردیم در جاده استراتژیک تا در اختیار برادر مرتضی^۲ باشد. سه دستگاه هم از لشکر حضرت رسول (ص) آماده بود که به منطقه انتقال داده شد.

رضایی: حالا این ها خوب آرایش گرفته اند؟ فتح الله جعفری: بله الان در اختیار لشکر ۲۵ کربلا و لشکر حضرت رسول (ص) هستند و در محور جاده استراتژیک آرایش گرفته اند.

۱. حمید عرب نژاد فرمانده تیپ ۳۸ ذوالفقار.

۲. مرتضی قربانی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا که در محور جاده استراتژیک عمل می کرد.

۳. احمد کاظمی فرمانده لشکر ۸ نجف که در محور جاده استراتژیک عمل می کرد.

۴. غرب رودخانه اروند.

فتح الله جعفری: حالا شما می‌خواهید، از اهواز بیاورد؟

رضایی: بله باید ۲۰ تانک بیاورد.

فتح الله جعفری: فکر می‌کنم تا حالا فقط ۲ دستگاه برده است.

رضایی: وقتی لشکر حضرت رسول (ص) ۲۰ دستگاهش در منطقه کامل شد نمی‌توانیم گردان ذوالفقار را به آن‌ها بدهیم؟

فتح الله جعفری: گردان ذوالفقار از اول در منطقه بوده و نیروهایش از بین رفته است همین روزها باید به عقب بیاید و حداقل به مدت ۱۰ روز بازسازی شود.

رضایی: گردان ذوالفقار همین الان چند دستگاه تانک می‌تواند حاضر به کار داشته باشد؟

فتح الله جعفری: گردان ذوالفقار ۱۸ دستگاه نفربر دارد که در منطقه به کار گرفته شده و تعدادی از خدمه‌هایش روی مین رفته‌اند. تانک‌ها هم نیرو کم دارند. از نظر نیرو مشکلات دارند.

رضایی: بطور کلی چند دستگاه تانک با خدمه می‌توانند سازمان بدهند تا در منطقه باشد؟

فتح الله جعفری: الان فقط همین ۳ دستگاه را دارد. رضایی: ۳ دستگاه؟

فتح الله جعفری: این‌ها از اول عملیات در منطقه بوده‌اند یعنی تمام زرهی منطقه ما را از اول این‌ها تشکیل می‌دادند.

؟: (نامفهوم)

فتح الله جعفری: اکثراً در منطقه قشله که مقرشان بود شیمیایی شدند. دیشب این منطقه را شیمیایی زد. تانک‌ها و خدمه‌ها را آورده بودیم به این منطقه تا عبور دهیم که همان شب شیمیایی زد و ما مجبور شدیم آن‌ها را به عقب منتقل کنیم. الان ۳۰ دستگاه تانک آماده داریم. فقط خدمه‌هایشان شیمیایی شده‌اند.

رضایی: خب برایشان خدمه بگذارید، بچه‌های اصفهان که آمدند کجا رفتند؟

فتح الله جعفری: آن‌ها را نمی‌شود به کار گرفت،

رضایی: احمد کاظمی (لشکر ۸ نجف) باید ۲۰ دستگاه بیاورد. لشکر حضرت رسول (ص) هم باید ۲۰ دستگاه بیاورد.

فتح الله جعفری: فکر می‌کنم موجودی برادر مرتضی (لشکر ۲۵ کربلا) باید ۳۰ دستگاه باشد.

رضایی: خوب از این ۳۰ دستگاه باید ۲۰ تایش به آن طرف (غرب اروند) برود. تا حالا چه تعدادی به آن طرف رودخانه رفته است؟

فتح الله جعفری: سه روز است که برای عبور تانک‌ها تلاش می‌کنند. برادر پاکپور در جریان انتقال آن‌ها است.

رضایی: ما از این به بعد فقط با زرهی و توپ‌خانه باید بجنگیم، تا پنج یا شش روز آینده که کار بازسازی یگان‌ها را دنبال می‌کنیم فقط باید زرهی و توپ‌خانه این خطوط را نگه داشته و یا پیشروی کنیم.

فتح الله جعفری: البته من خدمتتان عرض کردم که ما تعداد زیادی تانک در اختیار نداریم.

فتح الله جعفری: لشکر نجف اصلاً تانک در منطقه ندارد.

رضایی: چرا؟

فتح الله جعفری: این طرف و آن طرف پراکنده است. حداکثر می‌شود ۱۰ دستگاه.

رضایی: چرا ۱۰ تا؟

فتح الله جعفری: خب ۱۰ دستگاه بیشتر ندارند.

رضایی: خب باید بیاورد. باید ۲۰ دستگاه بیاورد.

سعی فرمانده سپاه آن است که برای فرماندهان لشکرها و تیپ‌ها جا بیاندازد که در این عملیات باید بازسازی یگان در خط صورت گیرد و امکان به عقب رفتن وجود ندارد

مطمئن است. فرماندهی که با این‌ها بود تعریف می‌کرد که مرتب هدف می‌زدند و برای بچه‌های توی خط خیلی روحیه بود. ۳ دستگاه تانک به مدت سه روز آن‌جا کار می‌کرد بچه‌ها هم مرتب مهمات می‌رساندند.

رضایی: آن طرف [غرب اروند] به اندازه کافی مهمات دارید؟

فتح‌الله جعفری: بله، مهمات ما زیاد است. رضایی: منظورم حجم بالایی از مهمات است، دوباره مثل توپ‌خانه نشود.^۱

فتح‌الله جعفری: می‌بریم نه، می‌بریم مسئله‌ای نیست.

رضایی: آن چیزی که به شما می‌گویم باید مطلب را بگیرید. می‌دانید یعنی چه؟ فردا نیائیم این‌جا افسوس بخوریم. با انتقال ۲۰ دستگاه تانک به آن طرف آب، کلی از مشکلات حل می‌شود.

فتح‌الله جعفری: قبل از عملیات به لشکر حضرت رسول (ص) ۴۵۰۰ گلوله دادیم. بعد از عملیات هم ۲۵۰۰ گلوله دادیم که الان برای عبور بار زده‌اند. رضایی: خب.

فتح‌الله جعفری: لشکر نجف هم ۵۰۰۰ گلوله داشت که ۲۰۰۰ گلوله دیگر پس از عملیات به آن‌ها دادیم. لشکر کربلا هم ۶۰۰۰ گلوله داشت ۲۰۰۰ گلوله دیگر هم به آن‌ها دادیم. یعنی همه لشکرها مهمات دارند. فقط باید خودشان عبور بدهند و استفاده کنند. ؟: ۳۰۰۰ تا به ما دادید.

خدمه باید بیاید روی تانک‌ش کار کند، آمادگی داشته باشد، مانور بکند و ...

رضایی: خب تانک‌ها را بدهید به آن‌ها که آماده کنند.

فتح‌الله جعفری: شاید به این زودی امکان‌پذیر نباشد. به این سرعتی که شما می‌خواهید، آماده نمی‌شود.

رضایی: تانک‌های لشکر حضرت رسول (ص) کجا هستند؟

فتح‌الله جعفری: لشکر حضرت رسول (ص) دو گردان داشت، یک گردان امام سجاد (ع) بود که دو گروهان دارد یک گروهانش مهران است و یک گروهان دیگرش اینجاست که البته می‌توانند گروهانی را که در مهران است به این منطقه آورده و از آب عبور دهند. گردان دیگر هم سیدالشهداء است که حدوداً هر کدام ۳۰ تانک دارند.

رضایی: پس لشکر حضرت رسول (ص) باید حتماً یک گردان تانک‌ش را ببرد آن طرف.

فتح‌الله جعفری: بله با خدمه، سازمان و تشکیلات هستند.

غلامعلی رشید: پس چرا الان توی خط فعال نیست؟

فتح‌الله جعفری: فعال است. تانک‌ها را دیشب عبور داد.

غلامعلی رشید: دیروز هنگامی که دشمن [در محور ام‌القصر] فشار آورد، تانک داشتند؟

فتح‌الله جعفری: نه خیر، فقط تیپ ۳۸ ذوالفقار آن‌جا بود که بیشتر خدمه‌هایش را این‌جا از دست داد. چهار فرمانده گروهان داشت که هر چهار نفر زخمی شدند. حال یکی از آن‌ها الان خوب است و می‌تواند کار بکند. خدمه‌ها نیز یکی پس از دیگری یا زخمی شدند یا شهید شدند. بالاخره مجبور شدند به عقب بیایند.

غلامعلی رشید: چند تا تانک زده بودند؟
فتح‌الله جعفری: پوشش این تانک‌ها خیلی

۱. علی‌رغم تأکیدات فرماندهی مبنی بر انتقال مقدار زیادی مهمات توپ‌خانه به آن سوی اروند، این عمل صورت نگرفت و در یکی از پاتک‌های دشمن مشکلاتی را به وجود آورد.

فتح الله جعفری: ۳۰۰۰ تا.

رضایی: پس ما یک گروهان از لشکر حضرت رسول (ص) را فعلاً در محور جاده استراتژیک به کار بگیریم چون با این حرفهائی که شما می گوئید روی تیپ ۳۸ ذوالفقار نمی شود حساب کرد. یک گروهان دیگر از لشکر حضرت رسول (ص) را به محور ام القصر بفرستیم مثلاً چیزی در حدود ۱۵ دستگاه تانک باشد. تانک های لشکر ۸ نجف را هم باید کاملاً به این طرف آب بیاوریم. اگر چه همه اهل مقاومت هستند ولی باید رفت و همه آنها را به جلو هل داد. چون ممکن است بچه ها باورشان نشده است که ما برای حفظ این عملیات به این تعداد تانک نیاز ضروری داریم. این یکی از مشکلات کار است. باید باور و اعتقاد پیدا بشود که این تعداد تانک را می خواهیم.

فتح الله جعفری: پس ما باید مسئولین واحدهای تانک را بخواهیم بیایند این جا و با آنها صحبت بکنیم. رضایی: بلکه این کار را بکنید. آن طرف آب هم می توانید این کار را بکنید حتماً به آنها بگوئید. الان تنها امکانی که ما می توانیم از آن به جای نیرو استفاده بکنیم زرهی است. با این کار نیروها تا پنج یا شش روز دیگر آماده می شوند و به منطقه باز می گردند. برادر محمد پاکپور معاون زرهی سپاه: در حال حاضر ۳۰ دستگاه تانک در کنار پل خضر آماده انتقال است ولی پل خضر خراب است و کار نمی کند.

رضایی: خب با طارق* عبور دهید. پاکپور: سوار کمرشکن کردند که بیاورند، منتها کمرشکن ها در گل فرو رفت.

محسن رضایی:

الان تنها امکانی که ما می توانیم از آن به جای نیرو استفاده بکنیم زرهی است. با این کار نیروها تا پنج یا شش روز دیگر آماده می شوند و به منطقه باز می گردند

رضایی: خب به هر حال ببرید.

فتح الله جعفری: برادر محسن، از شما تقاضا داریم دستور بفرمائید فرماندهان این نکته ای را که می گویم حتماً رعایت کنند. ما رفته بودیم داخل منطقه و دیدیم نیروهایی که می خواهند به خط بیایند باید مسافت زیادی را پیاده روی کنند و در این فاصله نیز تعدادی از آنها به وسیله ترکش توپ و یا خمپاره شهید می شوند که این از نظر روحی روی آنها تاثیر زیادی می گذارد. ما گفتیم ۱۸ دستگاه نفربر خشایار بیاورند کنار اسکله ها و نیروها را سوار نفربرها کردیم و با سرعت به طرف خط بردیم. این دفعه دیگر هیچ تلفاتی ندادند و بعد زخمی ها را سوار کردیم و به عقب آوردیم، به این شکل روحیه نیروها حفظ می شد. نکته دیگر این که ما با خشایار رفتیم داخل حوضچه کارخانه نمک و اصلاً مشکلی پیش نیامد و به راحتی از داخل حوضچه ها عبور کرد. هنگامی که به خط لشکر ۳۳ المهدی رسیدیم به برادر اسدی گفتیم زخمی ها را سوار نفربر کند تا به عقب ببریم. بعد هم یک نفربر دادیم که برایش نیرو و تدارکات ببرد. برادر اسدی از این کار خیلی خوشحال شده بود. حالا اگر یک تدبیر اتخاذ بشود که یگان ها از نفربرها و خشایارهایشان استفاده بکنند خیلی خوب می شود. الان لشکرهای ۲۷، ۸ و ۲۵ هر کدام ۳۰ دستگاه دارند، یگان های دیگر هم هر کدام ۱۰ تا ۲۰ دستگاه نفربر دارند.

رضایی: خدمه به اندازه کافی دارند؟

پاکپور: بله، همه با خدمه و با سازمان هستند. روی آنها هم دوشکا نصب می شود.

رضایی: پس می توانند در پاتک ها از این نفربرها استفاده کنند. حتماً بگوئید آنها را به آن طرف ببرند و استفاده کنند. ما اگر این ها را ببریم داخل خط اول که ضعیف شده، وضع حتماً تغییر می کند. با بردن تانک و نفربر خط مان

* سطوح های بزرگ و متحرک که با آن وسایل سنگین مانند لودر، بولدوزر، تانک و ... را به روی آب حمل می کنند. این سطوح ها برای عملیات والفجر ۸ تدارک دیده شده و در آستانه عملیات به منطقه انتقال داده شد.

تقویت توپخانه غرب اروند

کمبود توپخانه در محور ام‌القصر یکی از علل اصلی ضعف آن محور می‌باشد و در جریان حمله روز گذشته دشمن نیز این خلاء شدیداً احساس شد، بدین خاطر فرماندهی طی پی‌گیری‌های متوالی از جمله گفت و گوی ذیل، از واحد توپخانه می‌خواهد که با بسیج نمودن توان خود، قبضه‌های توپ بیشتری را به غرب اروند و بطور خاص محور ام‌القصر منتقل کنند.

رضایی: چیزی برای انتقال به آن طرف آماده کرده‌اید؟
حسن شفیع‌زاده: کاتیوشا، توپ ۱۵۵م و توپ ۱۵۰م برای انتقال به آن طرف از دیروز عصر آماده است، ولی بچه‌ها با مشکل مواجه شده‌اند. تا ساعت ۱۰ صبح چون آب در حالت جزر بود، نمی‌توانستند عبور کنند بعد هم دشمن شیمیایی زد و بچه‌ها منطقه را تخلیه کردند.
رضایی: یعنی الان

نمی‌برند؟ هیچ یک از توپ‌ها را نبردند؟

شفیع‌زاده: اصلاً کسی در اسکله‌ها نیست. چند لحظه پیش من آن‌جا بودم چون شیمیایی زده، نیروها پخش شده و رفته بودند. الان آمدم هماهنگی کنیم. مشکل دیگر ما که دیشب با تلفن به اطلاع شمارساندیم یگانی است که برای حمل مهمات می‌خواهیم. با دو سه لنج نمی‌شود مهمات انبوه حمل کرد. سه تالنج در اختیار ما بود که در کل ۲۰۰ گلوله توپ ۱۲۰ را آورده بودند. هر کدام از لنج‌ها ۶۰ گلوله حمل می‌کنند.

رضایی: الان چند قبضه توپ به آن طرف آب برده‌اید؟

احیاء می‌شود، انشا... پر می‌شود. از لشکرهایی که داخل منطقه هستند کدامشان از این نفربرها دارند؟

فتح‌الله جعفری: همه لشکرها دارند.

رضایی: مطمئن هستید؟ خدمه هم دارند یا نه؟ شاید الان خدمه هایشان از رده خارج شده باشند.

فتح‌الله جعفری: بله، با سازمان هستند. خدمه را خودمان به آن‌ها دادیم.

پاکپور: پارسال آموزش دیدند.

فتح‌الله جعفری: پی.ام.پی هم هست ولی خشایار بهتر است.

رضایی: یعنی خشایار توی این زمین‌ها بهتر از پی.ام.پی است؟

فتح‌الله جعفری: نه، خشایار تعداد نفر بیشتری می‌تواند سوار کند ولی پی.ام.پی دارای سلاح تهاجمی است. روی آن یک آر.پی.جی نصب است. فکر می‌کنم لشکر حضرت رسول (ص) حدود ۲۵ یا ۳۰ دستگاه داشته باشد. یگان‌های دیگر هم هر کدام حداقل ۱۰ دستگاه دارند.

رضایی: الان توی خط هستند یا نه؟

فتح‌الله جعفری: نه توی خط که نیاورده‌اند.

پاکپور: این‌ها را استتارشان کرده‌اند.

رضایی: باید به آن‌ها ابلاغ شود که هر چه از این وسایل دارند عبور دهند منتها با سازمان و مهمات.

فتح‌الله جعفری: سازمان دارند. ما از ابتدا به آن‌ها امکانات و قطعات داده‌ایم.

راوی مرکز: در پایان این قسمت از بحث، فرماندهی سپاه با تأکید به برادر مبلغ که این مطالب را جهت پی‌گیری یادداشت کند، و تأکید این نکته که مسئول زرهی اقدامات لازم را جهت حضور هر چه سریع‌تر تانک‌ها و نفربرها در خطوط پدافندی فاو به عمل آورد به مباحث مطروحه در این زمینه خاتمه داد.

محسن رضایی:
این منطقه پد خندق
و عملیات‌های خیر و بدر نیست.
این جا خطر با تمام وجود
احساس می‌شود. در این عملیات
باید هر گروهانی که بازسازی
می‌شود سریع برود در خط

فرازی از تاریخ جنگ در عملیات والفجر ۸
(به روایت اسناد)

شفیع زاده: یک قبضه کاتیوشا، چهار قبضه ۱۲۲م، چهار قبضه ۱۵۵م و دو قبضه ۱۰۵م تاکنون به آن طرف آب رفته است. توپ‌های ۱۵۵م لشکر حضرت رسول^(ص) به محض این که مستقر شده و روانه گردیدند یک گلوله آمد خورد وسط آتش بارشان و همه خرج هایش سوخت. سه نفر هم توی آتش سوختند. کلیه امکانات مخابراتی و هدایت آتش هم سوخت.

رضایی: آماری که دادید غیر از آن چهار تا سوخته است؟

شفیع زاده: نه خیر، چهار قبضه ۱۵۰م جزء آماری بود که گفتم.

رضایی: پس در حال حاضر ما توپ ۱۵۵م آن طرف آب نداریم.

شفیع زاده: یک آتش بار داریم که می شود چهار قبضه. البته خرجی که از لشکر حضرت رسول^(ص) سوخته بود، دیروز گفتیم برای آن‌ها خرج بردند که امروز چهار تا توپوتا خرج بودند که هنوز به اسکله‌ها نرسیده و دو تا از آن‌ها بمباران شد و باز خرج هایشان سوخت، فقط دو تا توپوتا توانست رد بشود. بعد گفتیم هر چقدر خرج دارند به منطقه بیاورند. الان آقای غم خوار هم نزدیک به ۲۰ دستگاه ماشین راه انداخته که در آن مهمات از جمله گلوله‌های توپ ۱۵۰م موجود است، اگر این گلوله‌ها را به آن طرف آب ببریم آتش بار ۱۵۵م لشکر حضرت رسول^(ص) عملیاتی می شود.

رضایی: پس الان آتش بار ۱۵۵م آتش نمی کند.

شفیع زاده: نه خیر، نمی کند.

راوی: با نگرانی اظهار تأسف می کند.

بازسازی در خط

همان گونه که اشاره شد کمبود نیرو شدیداً موجب نگرانی گردیده و خطوط دفاعی از استحکام و اطمینان لازم برخوردار نیست. در چنین شرایطی با توجه به روند گذشته عملیات‌ها که پس از پشت

سرگذازدن مراحل اولیه و تثبیت نسبی خط، تدریجاً یگان‌ها با آزاد شدن از خط به بازسازی می پرداختند، اکنون نیز به روش گذشته در پی بازسازی یگان خود می باشند، لیکن فرماندهی با درک عمیق تر نسبت به اهمیت موضع تصرف شده و آگاهی از حساسیت و اصرار دشمن در بازپس گیری فاو، تلاش می کند تا نوع جدید بازسازی، یعنی سازماندهی یگان در خط را به یگان‌ها تفهیم نماید. اما برای تحقق این امر با ناباوری بسیاری از کادرهای تیپ و لشکرها مواجه است. گفتگوی زیر یکی از این نشانه ها است.

اسماعیل قآنی فرمانده تیپ ۲۱ امام رضا^(ع): ما دیشب پیشنهاد کردیم این یک گردانی که در خط داریم تحت امر لشکر ۵ نصر قرار بگیرد، ما در جزیره مجنون به اندازه کافی درگیر هستیم، بهتر است برای بازسازی به عقب برویم.

رضایی با لبخند: در این عملیات که بازسازی معنی ندارد چون ما الان به شدت درگیریم تا دو ماه دیگر هم درگیر خواهیم بود.

قآنی: نه، جایی که نمی خواهیم برویم.

رضایی: این منطقه، پد خندق و عملیات‌های بدر و خیبر نیست. این جا خطر با تمام وجود احساس می شود. در این عملیات باید هر گروهانی که بازسازی می شود سریع برود در خط.

قآنی: پس با این حساب با این وضعیتی که ما داریم بایستی خودمان دائماً این جا باشیم طبیعتاً یک سری از کارهای لشکر انجام نمی شود.

رضایی: قبلاً لشکر که آزاد می شد می رفت در عقبه و با گرفتن نیرو در عرض دو یا سه هفته بازسازی می شد، الان وضع فرق می کند، باید گردان گردان در خود منطقه بازسازی کنیم. به نظر شما وقتی می خواهیم گردان‌ها را به این صورت بازسازی کنیم چه باید بکنیم؟

قآنی: ما یک سری کار با واحدها در اهواز داشتیم که باید با آن‌ها صحبت می کردیم.

رضائی: سلام علیکم.

شریعتی: بسم الله الرحمن الرحيم خط ما در محور ساحلی بین لشکر ۷ ولی عصر و لشکر ۱۴ امام حسین^(ع) بین این دو فاصله است. امشب باید انشاءالله وصل شود. در حال حاضر یک گروهان در خط داریم. یعنی آن چیزی که در توان ما بوده و هر چیزی که از آن باقی مانده همین یک گروهان است. دو گروهان هم از دزفول با ما تماس گرفتند که در حال آمدن هستند امشب به دستمان می‌رسد منتهی مشکلاتی داشتیم که وقتی با برادر غلامپور در میان گذاشتیم، ایشان گفتند بیائیم با شما صحبت کنیم. ما الان نمی‌دانیم چه کنیم؟ خط کلی عملیات

برای ما روشن نیست. خط ما مقداری تغییر کرده، الان مشخص نیست که چه یگانی مسئول خط است. اگر خط به طور کامل دست ما نباشد واحدهایمان تا حدودی بی‌کار می‌شوند، یعنی ما آنجا سرگردان هستیم. اگر قرار باشد همین‌طوری یک کاری به آن‌ها بدهیم، کار را رها می‌کنند و یک مقدار سست می‌شوند.

من الان باید مشخص بکنم اورژانس جدیدمان را کجا باید بزنم، بنه رزمی را کجا بزنم. باید خط در اختیار خودمان باشد که یک ملاکی دستانمان بیاید. در ارتباط با آموزش و عقبه و پشتیبانی و این‌گونه مسائل به یک جمع‌بندی برسیم تا بتوانیم نسبت به آن کار بکنیم. به عنوان مثال الان اورژانس ما کلاً شیمیایی شده و به عقب رفته‌اند و اورژانس هم که الان داریم به درد نمی‌خورد. باید یک اورژانس دیگر بزنیم و من تردید دارم که اورژانس را آن طرف

رضایی: حرفی نیست، می‌شود موقتاً بگوئیم مثلاً برادر باقر [قالیباف فرمانده لشکر نصر] مسئول خط شما هم باشد و شما چند روزی بروید و کارهایتان را انجام دهید، بعد شما که برگشتید مسئول خط باشید، با هم نوبه‌ای عوض کنید، اما این خط، خط شماست و خطر با تمام وجود خط را تهدید می‌کند. قاننی: بله، بله با توجه به این‌که ما در این منطقه عقبه نداشتیم وضع‌مان چندان خوب نیست.^۱

رضایی: الان اینجا عقبه‌تان را درست کرده‌اید؟

قاننی: نخیر

رضایی: خب چرا؟

قاننی: برای اینکه ما پیش‌بینی نمی‌کردیم به این منطقه بیائیم.

رضایی: خب الان پیش‌بینی کنید. همین الان پیش‌بینی کنید.

قاننی: ما بیائیم اینجا عقبه بزنیم؟

رضایی: بله. شما فکر کنم مطلب را هنوز نگرفته‌اید. ما این‌جا دو ماه جنگ داریم. دو ماه به صورت جدی جنگ داریم.

قاننی: بله

رضایی: عراق تازه لشکر ۱۰ را از عماره راه انداخته یعنی یک جنگ حسابی است. تا پل‌هایمان بر روی اروند نصب نشود و تا عملیات دوم ما شروع نشود، ما این‌جا (فاو) درگیر هستیم.

قاننی: به هر حال پیشنهاد ما این بود که برادر باقر گردان‌ها را تحت امر بگیرد، تا ما اگر قرار است بازسازی شویم و اگر قرار است عقبه بزنیم، بتوانیم اقدامات لازم را انجام دهیم.

رضایی: آقای امین!

امین شریعتی فرمانده لشکر عاشورا: بله

رضایی: شما بیائید یک گزارش از وضعیت‌تان بدهیم ببینم.

شریعتی: سلام علیکم.

فرماندهی با درک عمیق‌تر نسبت به اهمیت موضع تصرف شده و آگاهی از حساسیت و اصرار دشمن در بازپس‌گیری فاو، تلاش می‌کند تا نوع جدید بازسازی، یعنی سازماندهی یگان در خط را به یگان‌ها تفهیم نماید. اما برای تحقق این امر با ناباوری بسیاری از کادرهای تیپ و لشکرها مواجه است

۱. تیپ ۲۱ امام رضا^(ع) از جمله یگانهایی بود که پس از عملیات والفجر ۸ به منطقه عملیاتی فاو اعزام شد. این تیپ همزمان با عملیات والفجر ۸ در منطقه عملیاتی شلمچه تحت امر قرارگاه نجف، عملیاتی را در جزیره ماهی انجام داد.



— رزمندگان در حال عبور از موانع ساحل اروندرود؛ فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

رودخانه بزیم یا این طرف. یعنی یک سری مسائلی است که هنوز برای ما مبهم است و اگر مشخص شود انشا... بهتر می‌توانیم کار بکنیم. در ارتباط با نیرو و کادر، با نواحی صحبت کرده‌ایم چون الان تعداد زیادی از کادرهایمان زخمی هستند، در این صورت اگر نیرو هم بیاید بدون سرپرست می‌ماند، البته چند روز دیگر انشا... کادرهایمان خوب می‌شوند و بر می‌گردند ولی به هر

خدمتتان گفتم. باید خط کلی عملیات دستان باشد که در آینده می‌خواهیم چه کنیم؟ رضائی: اولین مسئله‌ای که وجود دارد این است که این عملیات با تمام عملیات‌هایی که تاکنون انجام دادیم فرق می‌کند، مثل خیبر و بدر و این‌ها نیست. مثل پد خندق در عملیات بدر نیست که دشمن پس از چند روز ما را رها کند. در این منطقه (فاو) تا عملیات دوم ما شروع نشود جنگ داریم و تا زمانی که پل‌های اساسی روی رودخانه اروند زده نشود جنگ به شدت ادامه خواهد داشت. حتی پل‌هایمان را هم که بزیم شدت درگیری پائین نمی‌آید، فقط کم‌تر می‌شود. تنها زمانی فشار قطع می‌شود که عملیات دوم را شروع کنیم. در حقیقت اینجا زمین‌گیر شده‌ایم و حداقل چیزی که ما به آن فکر می‌کنیم دو ماه جنگ است، آن هم دو ماه جنگی که دشمن سرسختانه خواهد کوشید که فاو را از دست‌مان بگیرد. پس ما حداقل دو ماه درگیری خواهیم داشت. اگر پل‌ها را بزیم درگیری‌ها کم می‌شود و اگر عملیات دوم را شروع کنیم درگیری‌ها تقریباً افت پیدا خواهد کرد. البته برای عملیات دوم داریم برنامه‌ریزی می‌کنیم، منتها عملیات دوم خیلی چشمگیر نیست. قرار است در

حال مشکل داریم. در این رابطه باید با نواحی و استانها هم صحبت شود. در حال حاضر ما ستاد و واحدهای لشکر را بسیج کردیم و قرار است سه گردان برای ما نیرو بیاید. دو گردان هم قرار شد استان زنجان آماده کند که بیایند. آن‌ها مرتب با ما در تماس هستند و قرار است با تماس بی‌سیم ما کادرهای آن‌ها را از نظر عملیاتی تأیید کنیم تا بیایند با کمک کادرهایی که این‌جا داریم مشغول شوند. که بتوانیم سریع بازسازی کنیم ولی مسئله مهمی که الان برای ما مطرح هست مسئله زمان است. مسئله خط کلی عملیات است که دقیقاً باید مشخص بشود. اگر این‌ها مشخص بشود انشا... می‌توانیم سریع برای کارها برنامه‌ریزی کنیم.

رحیم صفوی: از اسکله چهار چراغ به پائین اورژانس را حتماً باید در غرب اروند بزیم. چون در پاتک‌های دشمن اگر بخواهیم مجروحین را با قایق به این طرف بیاوریم خیلی مشکل است. باید از سنگرهای بتونی یا از سنگرهای خیلی محکم استفاده کنیم. اورژانس‌ها باید آن طرف رودخانه باشد. منتهی نزدیک خط نباشد. شریعتی: مسئله اورژانس را من برای مثال

منطقه چوارتا^۱ عمل کنیم که انشا... تا چهل و هشت ساعت دیگر عمل می‌کنیم ولی کلاً عملیات ضعیفی است؛ یعنی نیروهایی عمل می‌کنند که ممکن است فقط نصف هدف را بگیرند. پس آینده روشن است. از طرف دیگر این اقدامی که ما کردیم صحنه دنیا را به هم ریخته است. یعنی کسانی که خود را صاحب دنیا می‌دانند، گفته‌اند اشتباه بزرگی صورت گرفته است، ما فکر نمی‌کردیم وضع این‌طور بشود. عبور ما از اروند و این جنگی که بچه‌ها این‌جا کرده‌اند و دشمن نتوانسته با همه تلاش‌هایش ما را عقب بزند، همه می‌گویند اگر ایرانی‌ها این‌جا بمانند، یک نقطه عطف تعیین‌کننده‌ای در تاریخ جنگ پیدا می‌شود. ما باید از این ارزشی که این‌جا به وجود آمده با تمام وجود پاسداری کنیم و سعی کنیم آن را حفظ کنیم. بزرگ‌ترین مشکلی که الان بین ما و برادران فرمانده به وجود آمده است این است که هر چه من می‌خواهم به یک طریقی این را تفهیم بکنم که ما این‌جا تداوم جنگ داریم، می‌بینم مانع وجود دارد. یعنی هر چه من می‌خواهم این احساس را به نحوی منتقل کنم، نمی‌توانم. برادرها باید توجه داشته باشند که این‌جا بازسازی هیچ مانعی ندارد. همان کاری که شما الان می‌گوئید کرده‌اید، یعنی یک گردان یک گردان بازسازی کرده و پای کار آوردید، دو گروهان دو گروهان بازسازی کردید و پای کار آوردید. این حرکت باید به عنوان یک خط کاری ادامه پیدا کند. شما فعلاً در حد همان توانی که در خط دارید به همان اندازه به عنوان احتیاط باید داشته باشید اما مأموریت اصلی شما فعلاً رده دوم است، الان ما فقط یک پرده پوششی در مقابل دشمن داریم. این حرف‌هایی هم که امشب می‌زنیم نمی‌دانیم تا هفتاد و دو ساعت دیگر یا چند شبانه روز دیگر وضع چطور می‌شود؟ حالا ما فقط یک پرده پوششی آن جلو داریم با این وضعیت چه باید بکنیم؟ در کوتاه مدت باید هر چه

۱. عملیات والفجر ۹

۲. با بارش باران درغروب روز گذشته (۶۴/۱۱/۲۹) پاتک دشمن به محور ام‌القصر که منجر به شکسته شدن خط خودی و پیشروی دشمن شده و نگرانی عمیقی جبهه خودی را فرا گرفته بود، با شکست مواجه شد.

چسبیدن به پل روی جاده ام‌القصر و انتهای کارخانه نمک است. در محور جاده استراتژیک هم چسبیدن به تقاطع سه راه کارخانه نمک و جاده استراتژیک مورد نظر است. سمت راست (محور ساحلی) هم رفتن تا آنجایی که خالی است یعنی آنجا که دیگر جنگل (نخلستان) دوباره شروع می‌شود. این سه تا را باید برویم. مرحله اول عملیات در این جا ست. اگر توانستیم نیرو از این منطقه آزاد کنیم و جای دیگر عمل کنیم ممکن است این کار را بکنیم ولی اگر نتوانستیم مجبوریم همین جا ادامه بدهیم. چون ادامه‌ی جنگ در این منطقه هم پیروزی را حفظ می‌کند و هم این که ما به سمت هدف می‌رویم. هدف بعدی ما هم مشخص است. قبلاً به شما گفته‌ایم که کجاست. یعنی در این جا اگر دیدیم نمی‌توانیم آزاد بشویم و دشمن ما را درگیر نگه داشته راه حلی نداریم به جز این که از همین سمت به سوی هدفی که در نظرمان بوده ادامه‌ی عملیات بدهیم و به آن برسیم. این کار ادامه پیدا می‌کند تا زمانی که بتوانیم از این منطقه نیرو برداشت کنیم. تا آن موقع یگان‌ها باید دو به دو با هم کار کنند و کارهایشان را با هم تقسیم کنند. چند روز یگان اول محور اصلی باشد و یگان دوم برود دنبال کارهای دیگرش و چند روز یگان دوم اصلی باشد و یگان اول کارهای دیگرش را پی‌گیری کند. منتها باید دقت کنید که کسی خط را تحویل نمی‌دهد، تانک و ادوات و وسایل رزمی و واحدهای رزمی سرجایشان باقی می‌مانند. فقط ممکن است فرماندهی با ستادش کار داشته باشد و بخواهد جلسه ای بگذارد، در این صورت می‌تواند برای چند روز با یگان هم‌جوار هماهنگ کند و همین‌طور بالعکس. الان مسئولیت خط‌های نجف، کربلا، عاشورا که ما تعیین کردیم به قوت خودش باقی است. دشمن هم دقیقاً کار ما را کرده، منتها ما از نظر زمان خیلی از دشمن جلو هستیم و ابتکار عمل در دست ماست.

حسابی ضربه خورد البته توجه هم نبود آشنا هم نبود نمی‌دانست چه بکند نمی‌فهمید ما کجا هستیم و خودش کجاست، حسابی یک ضربه محکمی خورد که از این ضربه اگر ما استفاده نکنیم پشیمان خواهیم شد. همین مشکلی که من در انتقال این مطلب با شما داشتم شما با نیروهای پائین‌تر دارید. که چه طوری این مسئله را به برادرنتان تفهیم کنید که باید مسئله مرخصی و مسئله بازسازی به شکل دیگری حل شود. این جا بدر نیست که فقط هفت شبانه روز جنگیدیم، این جا باید تا سه ماه دیگر جنگید. این مطلب را باید به نیروها به خوبی منتقل کنید. هشدار بدهید که شما باید برای یک جنگ حسابی خودتان را آماده کنید. اگر در این رابطه موفق بشوید و بچه‌ها توجه شوند، توانشان را در اختیار شما می‌گذارند اما وقتی توجه نباشند مرتب یک چیز روح آن‌ها را آزار می‌دهد و مرتب به فکر فرهنگ قبلی‌شان هستند. لذا بایستی اولین کارتان توجه نیروها باشد تا آن‌ها بتوانند به خوبی به شما سرویس بدهند و خدمت کنند. این‌ها را باید توجه کنید و انشا... یک گردان یک گردان هم که شده اول خط‌تان را مقدار تقویت کنید و بعد هم در رده (خط) دوم نیرو بچینید. در کوتاه مدت هم باید تانک و نفربر ببرید غرب رودخانه. به یاد داشته باشید این جا مثل عملیات بدر و خیبر نیست. باید تا آخرین نفر بجنگیم. همان‌طوری که برای دشمن مهم است برای ما هم مهم هست. یعنی خدا نکرده اگر یک جایی خط شکست همه باید بمانیم بجنگیم. اگر شده نفر به نفر در کوچه‌های شهر فاو بجنگیم باید این کار را بکنیم. پس وضع ما به این صورت است حالا دیگر بنشینید و ببینید چه کار باید کرد.

شریعتی: پس خط کلی این است که روی خط پدافندی برنامه‌ریزی و کار کنیم.

رضائی: خط پدافندی و خیزهای کوتاه و تکمیل کردن مرحله اول عملیات. مرحله اول عملیات

بررسی وضعیت دشمن پیش از عملیات والفجر ۸

مهدی حاج خداوردی خان*

به عقیده‌ی خبرگان امور نظامی، مهم‌ترین اقدام برای برتری بر دشمن، حمله به استراتژی اوست، در واقع با این اقدام ایجاد گسست و اخلال در میانی راهبردی او، می‌توان امیدوار شد که سر رشته‌ی امور و ابتکار عمل از دست دشمن خارج شود. مسلماً برای دستیابی به این هدف مهم، باید شناخت دقیق و دریافت عمیقی از دشمن در زمینه‌ی سخت‌افزاری (مسائل مربوط به تجهیزات، میدان نبرد، آرایش و گسترش نیروها) و نرم‌افزاری (تفکرات تاکتیکی و تبیین سیاست جنگی فرماندهانش)، داشت. در این فرایند، تجزیه و تحلیل رفتاری دشمن به ویژه در حوزه‌ی نرم‌افزاری اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا بر مبنای چنین شناختی می‌توان با پیش‌بینی اندیشه‌ی نظامی و نحوه‌ی عمل تاکتیکی او در میدان نبرد، اقدامی مناسب و مؤثر را برای مقابله با دشمن، برنامه‌ریزی و طراحی و عملاً زمینه‌ی غافل‌گیری، فریب و غلبه بر او را مهیا کرد. نوشتار حاضر در چارچوب این دو محور و با بهره‌گیری از اسناد و مدارک مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به رشته‌ی تحریر در آمده است. واژگان کلیدی: اطلاعات نظامی، شناسایی، مهندسی رزمی، تاکتیک فریب، هورالعظیم، فاو، قدرت فرماندهی.	چکیده			

مقدمه

و کشور را از خطر حمله‌ی دشمن مصون نگه دارند. بدون تردید در این فرایند هر چه اطلاعات دقیق‌تری به دست آید، آنالیز رفتار دشمن واقعی‌تر و ضریب خطا کم‌تر می‌شود.

در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران قوای نظامی دو کشور، برای غلبه بر یک‌دیگر برنامه‌ریزی‌ها و تاکتیک‌های ویژه و متنوعی را با استفاده از روش‌ها و ابزارهای نوین و در مواردی خلاقانه به کار بردند. با گذشت هر سال از جنگ، نیروهای نظامی دو کشور از شگردهای یک‌دیگر مطلع شده و تجربیات جدیدی کسب می‌کردند و همین موضوع سبب می‌شد. تا هر یک با اتخاذ ترفندهای تاکتیکی جدید چه در حوزه‌ی آفند و چه در زمینه‌ی پدافند برای فریب طرف مقابل یا غلبه بر او به فعالیت‌های نوینی

کسب اطلاعات نظامی یکی از وظایف مهم هر واحد نظامی است که همه‌ی رده‌های فرماندهی و کل طیف طرف‌های درگیر جنگ به آن توجه ویژه‌ی دارند. کشف اطلاعات و امور پنهان دشمن که با هدف کسب و افزایش آگاهی از وضعیت او انجام می‌گیرد، در هدایت معقولانه‌ی جنگ عامل اساسی و مهمی به شمار می‌آید. امروزه به میزان پیچیده شدن اقدامات، فرایند دستیابی به اطلاعات هم، اهمیت، ضرورت و تنوع بیش‌تری یافته است.

ارتش یا سازمان‌های نظامی دیگری که وظایف حفاظتی و برقراری امنیت در کشور را به عهده دارند، بخش اعظمی از فعالیت خود را معطوف به جمع‌آوری، پردازش و نیز تولید اطلاعات از دشمن می‌کنند تا از این طریق قدرت و منابع ملی را تحکیم

* پژوهشگر و راوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در دوران دفاع مقدس

۳. فرماندهان عراقی، با هدف پیش‌گیری از عملیات ایران چه اقداماتی انجام داده بودند و عمده‌ی فعالیت آن‌ها حول چه محوری بود؟

۴. چرا و چگونه با وجود حساسیت ارتش عراق به اقدام و تحرک رزمندگان برای اجرای عملیات، عراقی‌ها در تشخیص محور اصلی عملیات، فریب خوردند؟

وضعیت ارتش عراق در عملیات بدر و پس از آن:

عراق با وجود تمهیدات دفاعی‌یی که قبل از عملیات بدر در منطقه‌ی هورالعظیم به کار بسته بود، هرگز تصور نمی‌کرد آسیب‌هایی جدی نظیر آنچه در عملیات‌های سال‌های قبل (عملیات ثامن‌الائمه، عملیات طریق‌القدس، عملیات فتح‌المبین و عملیات بیت‌المقدس) متحمل شده بود، بار دیگر بر سازمان رزمش وارد شود و توان و قدرت نظامی‌اش بیش از پیش مورد تشکیک کشورهای عرب منطقه و کشورهای فرامنطقه قرار گرفته و به انفعال کشیده شود. سردمداران و فرماندهان عراقی که جنگ شهرها را هم‌زمان با شروع عملیات بدر و با هدف به استیصال درآوردن جمهوری اسلامی آغاز کرده بودند، وقتی با اقدام ایران به مقابله به مثل مواجه شدند و در عمق خاک این کشور، ضایعات و خسارات آن را مشاهده و لمس کردند، استمرار جنگ شهرها را - به دلیل واکنش افکار عمومی خارجی و داخلی - به مصلحت ندیده و ناچار به توقف آن شدند.

با این حال، حکومت عراق با وجود تلفات و خسارات سنگینی که در عملیات بدر متحمل شد - از جمله: انهدام ۶۰ درصدی لشکر ۵ مکانیزه؛ تلفات ۷۰ درصدی لشکرهای ۱۰ زرهی و ۴ پیاده و تیپ‌های ۶۴ و ۶۵ نیروی مخصوص؛ تلفات ۶۰ درصدی لشکر ۳ زرهی؛ تلفات ۷۵ درصدی تیپ ۱۰ زرهی و آسیب دیدن تیپ‌های ۱، ۲ و ۳ لشکر گارد ریاست‌جمهوری^(۱) - در اقدامی ضربتی توانست به سرعت سازمان رزم

روی آورند. بدیهی است در این مسیر هر کشوری که از قدرت فرماندهی و تفکر در تجزیه و تحلیل اطلاعات، ساختار و تشکیلات اطلاعاتی مناسب‌تر و نیروهای ماهرتر و خلاق‌تری بهره می‌جست، در کسب اطلاعات، طراحی عملیات و فریب دشمن موفق‌تر بود.

این مقاله به واکاوی اقدامات ایران و عراق در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخی جنگ تحمیلی - یعنی زمانی که ایران در آستانه‌ی طراحی عملیات بزرگ و سرنوشت‌ساز والفجر ۸ و عراق در پی پیش‌گیری از اجرا یا سرکوب آن بود - پرداخته است. نگارنده در این پژوهش کوشیده است تا با استفاده از اسناد و مدارک جمع‌آوری شده در این دوران، افکار، تاکتیک‌ها و تلاش‌های دو طرف را در زمینه‌ی جمع‌آوری اطلاعات و مهم‌تر از همه خلاقیت، توانایی و هنر فرماندهان ایرانی در فریب دشمن - که تأثیر

شگرفی در به اشتباه انداختن دشمن در خصوص تشخیص محور اصلی عملیات داشت - مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس در این نوشتار به طرح چند پرسش و پاسخ آن‌ها پرداخته شده است.

۱. پس از عملیات بدر و تا پیش از عملیات والفجر ۸ ارتش حکومت بعثی در چه وضعیتی بود؟ آیا سازمان ارتش عراق در این دوران دست‌خوش تغییرات شد؟

۲. فرماندهان عراقی تصور می‌کردند ایران عملیات آینده‌اش (والفجر ۸) را، در چه منطقه‌یی از جبهه‌های نبرد اجرا خواهد کرد؟

عراق با وجود تمهیدات دفاعی‌یی که قبل از عملیات بدر در منطقه‌ی هورالعظیم به کار بسته بود، هرگز تصور نمی‌کرد آسیب‌هایی جدی نظیر آنچه در عملیات‌های سال‌های قبل متحمل شده بود، بار دیگر بر سازمان رزمش وارد شود و توان و قدرت نظامی‌اش بیش از پیش مورد تشکیک کشورهای عرب منطقه و فرامنطقه قرار گرفته و به انفعال کشیده شود



اسرای عراقی در حال انتقال توسط رزمندگان؛ فاو؛ ۱۳۶۴/۱۱/۲۵

خود را بازسازی و تقویت کند. طوری که در طول ۶ ماه (از فروردین تا مهر ۱۳۶۴) استعداد قابل ملاحظه‌ای را سازمان‌دهی و با تغییرات و جابه‌جایی‌های سپاه‌ها و لشکرها، آرایش جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد.

الف) استعداد و ترکیب

عراق در تجدید و احیاء سازمان رزم خود- که به یمن کمک‌های مالی، لجستیکی و تسلیحاتی کشورهای عرب و دولت‌های غربی انجام پذیرفت- بسیار قوی و سریع عمل کرد؛ براساس اطلاعات قرارگاه خاتم‌الانبیاء، استعداد نیروهای مسلح عراق و اقلام عمده‌ی تسلیحاتی آن تا مهر ۱۳۶۴ چنین برآورد شده است:

نیروی زمینی	۹۶۰ هزار نفر
نیروی هوایی	۳۵۰ هزار نفر
نیروی دریایی	۱۰ هزار نفر
تانک و نفربر زرهی	۷۰ هزار دستگاه
توپ صحرایی	۲۵۰۰ دستگاه
توپ پدافند هوایی	۲۰۰۰ دستگاه
تانک بر	۲۰۰۰ دستگاه

ارتش بعث عراق این توان را با هفت سازمان سپاه (از شماره ۱ تا ۷) از شمال تا جنوب مناطق جنگی تحت پوشش، هدایت و کنترل قرار دارد.

سراسر جبهه‌ها از شمال تا جنوب چنین گسترش داد: سپاه‌های یک و پنج به ترتیب با ۳ و ۲ لشکر در جبهه‌های شمالی مسئولیت پدافندی را بر عهده داشتند که از نقطه‌ی مشترک مرزی ایران- ترکیه عراق آغاز و تا جنوب سد دربندیخان امتداد می‌یافت؛ سپاه دوم با استعداد ۴ لشکر پیاده و ۲ لشکر زرهی (و مجموعاً ۳۳ تیپ) از سد دربندیخان تا چنگوله؛ سپاه چهارم با ۵ لشکر پیاده، یک لشکر مکانیزه، یک لشکر زرهی (جمعاً با ۳۲ تیپ) از چنگوله تا قلعه صالح؛ سپاه ششم با ۳ لشکر پیاده (جمعاً با استعداد ۱۰ تیپ) از قلعه صالح تا نهر صوئیب گسترش یافتند و سرانجام سپاه سوم با استعداد ۵ لشکر پیاده، یک لشکر مکانیزه و یک لشکر زرهی از نهر صوئیب تا جزیره‌ی بوارین در منطقه‌ی عمومی شلمچه و سپاه هفتم با ۲ لشکر پیاده به علاوه‌ی یگان‌هایی از نیروی دریایی (جمعاً با استعداد ۱۳ تیپ) مأموریت پدافند از منطقه‌ی بوارین تا رأس‌البیشه را بر عهده داشتند.^(۳)

بررسی دیدگاه دشمن درباره‌ی عملیات آینده‌ی

ایران و میزان هوشیاری او

اصولاً فرماندهان سپاه پاسداران برای افزایش دانش و آگاهی خود از موقعیت و تصور دشمن درباره‌ی منطقه‌ی نبرد و تاکتیک‌های پدافندی و آفندی او

ب) گسترش و خط حد واحدهای رزمی

عراق در بازنگری تاکتیک دفاعی خود و تمهیداتی که برای استراتژی پدافندی‌اش با هدف پیش‌گیری از حمله‌ی رزمندگان برنامه‌ریزی و اجرا کرده بود، سپاه‌های هفت‌گانه‌ی خود را با کمی تغییرات در

برای طرح‌ریزی عملیات علیه مواضع خودی به چند عامل توجه داشتند:

۱. تصور کلی فرماندهان عراقی از مناطق عملیاتی.
۲. منابع اطلاعاتی. ۳. ارزیابی و بررسی صحت اطلاعات جمع‌آوری شده. ۴. حجم فعالیت‌های مهندسی انجام شده توسط دشمن. ۵. نقل و انتقال نیرو و تجهیزات. ۷. توسعه‌ی سازمانی و... توجه به هر یک از این عوامل، می‌توانست به برداشت و ارزیابی فرماندهان خودی از اقدامات متقابل دشمن، کمک مؤثری کند و ضریب دقت آن‌ها را برای طرح‌ریزی عملیات و انتخاب مناسب‌ترین زمان برای اجرای آن افزایش دهد.

تصور کلی عراق از

منطقه‌ی عملیات: تجارب

حاصل شده در عملیات‌ها در طول پنج سال جنگ، فرماندهان عراقی را به تحلیل نسبتاً مشخصی از توان جمهوری اسلامی و تشخیص نسبی محورهای مهم یا آسیب‌پذیر جبهه‌ها رسانده بود. علاوه بر این عوامل دیگری نظیر اجرا نشدن عملیاتی بزرگ و حائز اهمیت به وسیله‌ی ایران در طول ده ماه (از اسفند ۱۳۶۳ تا پایان پاییز ۱۳۶۴)،

فراخوان‌های متعدد نیرو از طرف سپاه پاسداران، اعزام‌های پی‌در پی و به ویژه افزایش فعالیت‌ها در جبهه‌های جنوب که به وضوح از قطعی بودن قصد ایران برای اجرای یک عملیات گسترده و مؤثر حکایت داشت، توجه فرماندهان عراقی را معطوف به جبهه‌های جنوب کرد. منطقه‌ی که از نظر جغرافیایی به سه وضعیت، یکی دشت (منطقه‌ی شرق بصره و شلمچه)، دیگری آب راکد (هورالعظیم) و سومی آب سیال (رودخانه‌ی اروند) تقسیم شده بود. اجرای چند عملیات در شرق بصره (از جمله مهم‌ترین آن

یعنی عملیات رمضان) و ناکامی‌های ایران، دشمن را تا حد زیادی مجاب کرده بود که ایران دیگر ریسک عملیات مجدد و پر مخاطره در این بخش جغرافیایی را تکرار نخواهد کرد، و احتمالاً عملیات در شرق بصره را از اولویت خود حذف کرده است. از سویی خطر عبور از رودخانه‌ی خروشان و عریض اروند هم، کم‌تر از اجرای عملیات در شرق بصره نبود، در عوض انجام نقل و انتقالات گسترده‌ی نیرو و تجهیزات به وسیله‌ی ایران در منطقه‌ی هورالعظیم و نیز رصد کردن حضور یگان‌های پرقدرت و عملیاتی سپاه و افزایش فعالیت‌های مهندسی رزمی در این منطقه، سبب شد تا توجه عراقی‌ها بیش از پیش به آن جا معطوف شود.

البته، چنین برداشتی بدین معنی نبود که عراقی‌ها احتمال عملیات ایران را از دو منطقه‌ی اروندرود و شلمچه کاملاً منتفی می‌دانستند زیرا فرماندهان عراقی نه تنها اقدام ایران را برای عبور از اروند در تیر ۱۳۶۳ - تحت عنوان عملیات والفجر ۸، که به دلایلی انجام نشد. - به خاطر داشتند، بلکه از آن پس به هر اقدام و فعالیت ایران در این منطقه بیش از پیش حساس شده و با دقت آن را رصد می‌کردند، از این رو آن‌ها از سیر تحولات این منطقه چندان غافل نبودند، طوری که در یکی از اسناد به دست آمده از عراقی‌ها چنین آمده است: «اگر عملیاتی [از سوی ایران] در منطقه‌ی خسروآباد تا رأس‌البیشه بخواد صورت پذیرد، حتماً مدت زمانی بعد از عملیات در هور خواهد بود.^(۳)»

منابع و اقدامات اطلاعاتی عراق و میزان هوشیاری: سؤال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که بعد از عملیات بدر، نیروهای عراقی چگونه و با چه ابزارهایی فعالیت‌های ایران را رصد می‌کردند و آیا اطلاعات آن‌ها، تغییری در نگرش فرماندهان عراقی ایجاد کرد؟

پس از عملیات بدر و در مدت ۶ ماه، ایران مبادرت به اجرای یک سری عملیات موسوم به

ارتش عراق در طول ۶ ماه (از فروردین تا مهر ۱۳۶۴) استعداد قابل ملاحظه‌ی را سازمان‌دهی و با تغییرات و جابه‌جایی‌های سپاه‌ها و لشکرها، آرایش جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرد



عراقی‌ها در صدد برآمدن با ایجاد سیستم دفاعی چند لایه، عمق بخشیدن به میدان‌های مین و موانع در جلو خطوط تماس با ایران و نیز در احتیاط قرار دادن یگان‌های قوی برای دفع حملات ایران، خط نفوذناپذیری ایجاد کردند و برای همیشه پشت دیواره‌های دفاعی خود نگه دارند

آزادسازی بستان و عملیات فتح‌المبین) سبب شد که آنان تاکتیک‌شان را در جنگ به خصوص در حوزه‌ی پدافندی تغییر دهند. بر این اساس آن‌ها کوشیدند با ایجاد سیستم دفاعی چند لایه، عمق بخشیدن به میدان‌های مین و موانع در جلو خطوط تماس با ایران و نیز در احتیاط قرار دادن یگان‌های قوی برای دفع حملات ایران، خط نفوذناپذیری ایجاد کنند و ایران را برای همیشه پشت دیواره‌های دفاعی خود نگه دارند. در واقع دشمن با این رهیافت ضمن گسترش فعالیت‌های مهندسی خود برای ترمیم مواضع و احداث موانع جدید، با دقت و هوشیاری نقل و انتقالات و تلاش‌های مهندسی رزمندگان جبهه‌های جنوب را رصد و به محض مشاهده‌ی تغییراتی در مواضع ایران، با اجرای آتش توپخانه یا بمباران هوایی اقدام به اخلاف یا انهدام آن‌ها می‌کرد. در این خصوص نامه‌ی فرمانده لشکر ۲۶ پیاده‌ی عراق به تیپ‌های تحت امر و متعاقباً نامه‌ی فرمانده تیپ ۱۱۱ تحت عنوان نتیجه‌گیری و

سفارش به واحدها و گردان‌های رزمی و پشتیبانی شایان توجه است؛ فرمانده لشکر در نامه‌ی خود درباره‌ی فعالیت ایران چنین هشدار داد: ایران با افزایش فعالیت‌های مهندسی از منطقه‌ی خسروآباد تا رو به روی رأس‌البیشه در حال تکمیل و مهیا ساختن مواضع، احداث جاده‌های عرضی، احداث خاکریز جدید با هدف مخفی نمودن جا به جایی خودروی و ایجاد انبارهای مهمات برای تعرضات احتمالی است. (۴) در پی آن فرمانده تیپ ۱۱۱، ضمن یادآوری نکات فوق به نیروهای تحت امر خود، بر تداوم پی‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات از فعالیت مهندسی رزمندگان،

"سلسله عملیات‌های محدود قدس" (عمدتاً در جبهه‌های غرب) و نیز عملیات‌های گشتی رزمی در هور کرد. طرح فرمانده کل سپاه پاسداران در تغییر تاکتیکی زمین منطقه‌ی عملیات، توجه برخی فرماندهان خودی و حتی تعدادی از فرماندهان عراقی را به مناطق جدید میدان نبرد، معطوف کرد. تا حدی که به تدریج بسیاری گمان کردند منطقه‌ی فاو از اولویت اصلی اجرای عملیات خارج شده است. در اردوگاه عراقی‌ها نیز چنین نگرشی پیدا شده بود، زیرا میزان حساسیت‌شان به سایر جبهه‌ها به ویژه جبهه‌های منطقه‌ی غرب افزایش یافت و با بهره‌گیری از روش‌های گوناگون نظیر دیدبانی، عکس‌برداری هوایی، بازجویی از اسرای ایرانی، شنود بی‌سیم رزمندگان، دستگاه‌های ردیاب الکترونیکی مثل رازیت و ساپلین، نفوذ عوامل گشتی - رزمی و نیز توجه به اطلاعات آشکار رسانه‌ها و اظهارات مقامات سیاسی، با جدیت همه‌ی فعالیت‌های ایران را رصد و پی‌گیری می‌کردند.

ولی آنچه در این میان باید مورد توجه قرار گیرد، سیر فعالیت عراقی‌ها و میزان اطلاعات‌شان از اقدامات و تحرکات رزمندگان است، که آن را می‌توان در دو مقطع حدود شش ماهه یعنی از فروردین تا شهریور ۱۳۶۴ و از مهر تا اواسط بهمن همان سال (قبل از عملیات والفجر ۸) بررسی کرد. مروری به تدابیر عراقی‌ها در این دو مقطع می‌تواند ضمن روشن کردن نوع نگرش و تفکر دشمن در مقابله با تمهیدات فرماندهان ایران، به نوعی میزان هوشیاری یا غفلت آن‌ها را نیز آشکار سازد.

تدابیر پدافندی دشمن پس از عملیات بدر

الف) مقطع اول (فرودین تا شهریور ۱۳۶۴)

تجارب فرماندهان عراقی در جبهه‌های جنوب، به ویژه پس از آنالیز عملیات‌های موفق ایران (نظیر عملیات شکست حصر آبادان، آزادسازی خرمشهر،

در خرداد ۱۳۶۴، تدابیر جدید دشمن در منطقه‌ی ساحلی اروندرود را چنین گزارش می‌کند:

عراقی‌ها فعالیت‌های مهندسی‌شان را به شدت افزایش داده‌اند. دو ردیف خاکریز یکی داخل نخل‌ها و دیگری انتهای نخل‌ها احداث کرده‌اند. تمام سنگرهای لب ساحل را به هم متصل کرده است. برای جلوگیری از پهلوی گرفتن قایق‌ها تمام نوار ساحلی را آهن‌های نبشی و به شکل ضربدری کار گذاشته و برای توسعه‌ی میدان دید بهتر بر دهانه‌ی اروند دو سیل‌بند به طول دو کیلومتر احداث کرده که دارای سنگرهای متعددی نیز است.^(۶)

همچنین فرمانده اطلاعات نیروی دریایی سپاه از احداث برج دیدبانی و سه پایه در سمت خور عبدالله، خبرداد. به گفته‌ی وی، عراقی‌ها برای دیدبانی و کنترل ترددهای شناوری ما، سه پایه‌هایی را احداث کرده‌اند و پایه‌های آن را با سیم‌خاردار پوشانده‌اند. احداث کانال در جنوب جاده‌ی آسفالته‌ی ام‌القصر و پایگاه موشکی و نصب سه پایه در رأس البیشه از دیگر فعالیت‌های عراقی‌ها بود.^(۷) آن‌ها با هر اقدام و تحرکی که از ایران در منطقه‌ی عمومی شلمچه و آبادان و خرمشهر می‌دیدند، به همان میزان و بلکه بیش‌تر بر تدابیر امنیتی و تلاش برای کسب اطلاعات بیش‌تر و نیز فعالیت‌های مهندسی خود می‌افزودند. طوری که در اواسط مرداد ماه احمد سوداگر مسئول اطلاعات قرارگاه قدس از تشدید فعالیت عراقی‌ها در منطقه‌ی عمومی فاو خبر می‌دهد و خاطرنشان می‌کند: که دشمن فعال‌تر از پیش شده است. تردهایش در محور فاو-بصره، چهار برابر و در محور رو به روی پیچ خسروآباد سه برابر شده است و از سر شب تا ابتدای صبح صدای فعالیت ماشین‌آلات مهندسی‌شان به گوش می‌رسد. همه‌ی این‌ها به نظرم به خاطر

افزایش حجم آتش توپ‌خانه بر مواضع ایران و در صورت نیاز، بمباران هوایی تأکید دارد.^(۵)

از سویی، معطوف شدن فرماندهان ایران به شمال جبهه‌های جنوبی (یعنی منطقه‌ی هورالعظیم) و اجرای دو عملیات خیبر و بدر که تاکتیک و جسارت‌های جدیدی را در عملیات‌های آبی-خاکی به منصه‌ی ظهور گذاشت، دشمن را مجبور کرد تا متناسب با تغییر زمین منطقه‌ی نبرد، تدابیر پدافندی دیگری را در این منطقه اجرا کند؛ که در نوع خود جدیدتر و کارآمدتر بود؛ علاوه بر این دشمن با درک توانایی‌های ایران و قدرت

ابتکار رزمندگان در طرح عبور از مواضع سخت و دشوار آبی - خاکی، بیش از پیش به منطقه‌ی هور حساس شد. طوری که بنا بر گزارش واحد اطلاعات قرارگاه مرکزی خاتم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در منطقه‌ی هور دشمن اقداماتی را انجام داد از جمله: به تقویت سیستم‌های الکترونیکی رادار و شنود، احداث برج‌های دیدبانی، ایجاد موانع جدید با میدان دید و تیر وسیع‌تر، گماردن کمین‌های بیش‌تر و نزدیک‌تر به خطوط تماس و ساخت سنگرهای جدید و ایمن‌تر با بهره‌گیری از سلاح بیش‌تر به منظور جلوگیری از نفوذ نیروهای پیاده و غواص. گفتنی است عراق در منطقه‌ی اروندرود هم که اهمیت سوق‌الجیشی بیش‌تری داشت، تدابیر امنیتی شدیدتر را اتخاذ کرد.* محمد باقری مسئول اطلاعات قرارگاه خاتم

اجرای چند عملیات در شرق بصره (از جمله مهم‌ترین آن یعنی عملیات رمضان) و ناکامی‌های ایران، دشمن را تا حد زیادی مجاب کرده بود که ایران دیگر ریسک عملیات مجدد و پر مخاطره در این بخش جغرافیایی (شلمچه) را تکرار نخواهد کرد

* از جمله مهم‌ترین اقدامات عراقی‌ها می‌توان به، توسعه و عمق دادن میدان دید و تیر در سواحل اروند با از بین بردن چولان‌ها، ایجاد خط پدافندی پیوسته و بدون شکاف و ایجاد سنگرهای نزدیک به هم در آن، طراحی استفاده از سلاح‌ها و آتش‌بارهای متنوع با هدف انهدام هر نوع شناوری قبل از رسیدن به ساحل، ایجاد موانع ضد هاورکرافت و قایق در نوار ساحلی اروند، انجام مانورهای آموزشی برای مواجهه با حمله‌ی رزمندگان در شرایط جوی نامناسب و سرانجام طراحی سه مرحله دفاع برای مقابله با رزمندگان ایران در ساحل دور (ساحل ایران)، وسط آب و ساحل نزدیک اشاره کرد. (سند شماره ۱۰۸۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش اطلاعاتی اطلاعات، جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، ۱۳۶۴/۷/۱۷)

تقویت معابری که امکان نفوذ نیرو یا غواص یا شناور در آن‌ها بود؛ ایجاد قرارگاه مهندسی در حوالی کارخانه‌ی نمک برای تسریع کارهای مهندسی و انتقال ۴۰ تا ۵۰ لودر و بلدوزر و بیش از ۱۶۰ کمپرسی که روزانه مشغول فعالیت بودند.^(۱۰) علاوه بر این پیشبهار از عناصر فعال اطلاعات - عملیات قرارگاه خاتم، از آماده‌باش‌های پی در پی یگان‌های پدافندی دشمن^(۱۱) و محرابی مسئول اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، از افزایش ۷۵ درصدی احداث سنگرهای بتونی دشمن در جاده‌یی که از شهر فاو به قشله و از آن‌جا به سمت رأس‌البیشه ادامه یافته بود، خبر دادند. غلامرضا محرابی همچنین در گزارش تکمیلی خود، از فعالیت‌های دشمن برای ایجاد لایه‌های دفاعی متعدد با احداث خاکریزهای جدید و استقرار مواضع تانک و نیز اقدامات تأمینی او در اطراف پایگاه موشکی منطقه‌ی فاو و ایجاد موانع ضد شناوری به ویژه هاورکرافت خبر داد.

از نیمه‌ی مهر ۱۳۶۴ که فاو به منزله‌ی محور عملیات اصلی بیش از منطقه هورالعظیم مورد توجه فرمانده کل سپاه قرار گرفت، بدیهی بود که فعالیت‌های مهندسی قرارگاه و یگان‌های خودی در رو به روی منطقه‌ی فاو یعنی منطقه‌ی خسروآباد و منطقه‌ی عمومی آبادان بیش از پیش افزایش یابد و همین کافی بود تا عراقی‌ها با ابزارها و ترفندهای اطلاعاتی، اطلاعات بیش‌تری جمع‌آوری و پیام‌های هشداردهنده‌یی به یگان‌های پدافندی خود ارسال کنند. برای مثال، در سندی که واحد اطلاعات - عملیات قرارگاه خاتم سپاه پاسداران از فرماندهان قرارگاه تیپ ۱۱۱ پیاده‌ی عراق به دست آوردند، چنین نوشته شده بود:

عکس‌های هوایی گرفته شده از مواضع دشمن [ایران]، حاکی از تلاش زیاد مهندسی و [افزایش برج‌های] دیدبانی و تراکم خودروها و گروه‌هایی از نیروهاست که با شواهد فوق به نظر می‌رسد:

مشاهده‌ی [فعالیت‌های] نیروهای ما برای ساخت بیمارستان منطقه‌ی چوئیده [در حومه‌ی آبادان] است.^(۸) سوداگر در گزارشی دیگر از پر کردن نهادهای منتهی به رودخانه‌ی اروند برای جلوگیری از نفوذ قایق‌ها و غواص‌های ایران و افزایش حساسیت در اطراف اسکله‌ی چهارچراغ و نیز دو برابر کردن نیروهای پدافندی در نوار ساحلی اروند خبر داد.^(۹)

ب) مقطع دوم؛ این مقطع را می‌توان به دو بخش جداگانه تقسیم کرد:

۱. از مهر تا آذر ۱۳۶۴

منطقه‌ی فاو: با گذشت ۶ ماه از سال ۱۳۶۴، به تدریج هیجان ایران برای غلبه بر دشمن متجاوز و عراق برای اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه بیش‌تر می‌شد. ایران سعی می‌کرد اولاً، با رعایت کامل اصل حفاظت، فعالیت‌های آماده‌سازی‌اش برای عملیات را از چشم دشمن دور نگاه دارد، ثانیاً، تمهیداتی برای منحرف کردن ذهن دشمن از منطقه‌ی اصلی عملیات و غافل‌گیری او به کار ببندد. دشمن نیز که می‌دانست ایران قادر به اجرای بیش از یک عملیات بزرگ نیست و با گذشت ۶ ماه از سال، احتمال اجرای عملیات ایران زیاد است، بر میزان مراقبت‌های خود از فعالیت‌های ایران افزود و بر تحکیم موانع و مواضع بیش‌تر همت گماشت. عراق همچنین می‌کوشید تا با اجرای عملیات محدود، تمرکز و آرایش ایران را بر هم زند. به همین منظور از ماه مهر به بعد، در منطقه‌ی عمومی فاو دست به اقدامات جدیدتری زد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: انجام یک سری مانور با نیروهای پیاده و زرهی در حوالی شمال فاو؛ اجرای آتش مستقیم روی پایگاه‌های رزمندگان در نوار ساحلی اروندرود؛ قطع کردن نخل‌هایی که مانع فعالیت و دید و تیر بودند؛ احداث و توسعه‌ی جاده‌های مواصلاتی عرضی؛

بود که از رفتن آنها و جای‌گزینی نیروهای سپاه پاسداران در منطقه خبر نداشتند و همین امر می‌توانست میزان حساسیت آنها را به جبهه‌ی فاو به منزله‌ی محور اصلی عملیات- در مقایسه با هورالعظیم- کاهش دهد. همچنین اقدام دشمن به فرستادن ۷۰ تانک از منطقه‌ی فاو به طرف بصره، دو احتمال را در اردوگاه فرماندهان خودی قوت بخشید: اول این که این تعداد تانک به منظور انجام یک مانور تمرینی در منطقه حاضر شده بودند. دوم، دشمن براساس اطلاعاتی که از تحرکات رزمندگان از طرق مختلف، کسب کرده بود، برای پیش‌گیری از هر نوع آفند، واحدهای زرهی خود را به این منطقه گسیل داده بود، اما اکنون که حدس زده بود احتمال تعرض ایران از محور فاو - نسبت به منطقه‌ی هور- کم‌تر است، دیگر ضرورتی برای استقرار آنها در این محور نمی‌دید.^(۱۵)

البته برخی اقدامات دشمن این گونه تحلیل‌ها و برداشت‌ها را دست‌خوش تغییر می‌کرد؛ برای مثال، نیروی هوایی عراق از اول آبان تا نیمه‌ی آذرماه، ۴۳ سورت پرواز بر فراز منطقه‌ی عمومی در مسیرهای گوناگون از غرب به شمال شرق، از جنوب غربی به سمت جنوب شرقی، از جنوب به سمت شمال شرقی و بالعکس داشت که هدف از این پروازها، عکس‌برداری از منطقه و گاهی بمباران مواضع رزمندگان- به ویژه عقبه‌ی یگان‌ها و واحدها در منطقه‌ی چوبیده بود،^(۱۶) گاه شدت پرواز هواپیماهای دشمن در طول ۷ روز بیش از ۱۰۰ سورت پرواز می‌شد؛ بنا بر گزارش واحد اطلاعات قرارگاه کربلا، در روزهای ۱۹ تا ۲۶ آذر ۱۳۶۴، دشمن حدود یکصد پرواز داشته است و در این مدت بالغ بر ۲۴۰ هواپیما به حریم هوایی خودی در منطقه‌ی جنوب غرب تجاوز و از این تعداد حدود ۱۰۰ هواپیما در ۲۵ نوبت مواضع رزمندگان را در جاده و عقبه‌ها بمباران کرده‌اند.^(۱۷)

منطقه‌ی هورالعظیم: هر چه زمان می‌گذشت، دو

۱. سعی دارند با مخفی کردن نیروها و نقل و انتقالات، ما را غافل‌گیر نمایند.
 ۲. قصد تعرض شبانه و سرپل‌گیری دارند.
 ۳. ممکن است با صبر زیاد در مخفی ساختن نیروها و سمت حمله و غافل‌گیر کردن ما، از خسارات و تلفات خود جلوگیری کنند.^(۱۲)

حجم روزافزون فعالیت‌های رزمندگان، موجب افزایش میزان هوشیاری دشمن شده بود. در ۲۵ آذر ۱۳۶۴، فرمانده لشکر ۲۶ پیاده با ارسال صورتجلسه‌ی نشست فرماندهان قرارگاه برای تیپ ۱۱۱، درباره‌ی فعالیت ایران چنین اعلام کرد:

فعالیت مهندسی دشمن همچنان در منطقه‌ی خسروآباد و رو به روی رأس‌البیشه شدید است. ایرانی‌ها برج‌های دیدبانی دیگری احداث کردند. بسیج نیرو و اعزام آنها افزایش یافته است. در امر آموزش اهتمام زیادتری دارند. در مناطق مختلف اقدام به جا به جایی نیرو کرده‌اند.

عکس‌های هوایی، حاکی از مقاصد دشمن در این منطقه [فاو] بوده و احتمالاً در آینده دست به کار خواهد شد.^(۱۳)

اما نکته‌ی مهم، تلقی فرماندهان عراقی از سازمان نیروهای مستقر در منطقه‌ی فاو بود! پیش از جلسه‌ی مذکور، عراقی‌ها ساعت ۳:۳۵ بامداد ۱۵ آذر ۱۳۶۴ در دو نوبت اقدام به پخش اطلاعیه‌ی از پشت بلندگو کردند که در متن آن چنین آمده بود:

«پیام ما به ارتش ایران این است که ای ارتشیان ایران، به ما بپیوندید. اگر خون شما ریخته شود، نزد خدا معذور نخواهیم بود. مسئولین ایران شما را روانه‌ی میدان‌های جنگ می‌کنند و برای شما ارزشی قائل نیستند.»^(۱۴)

این جملات نشان‌دهنده‌ی نواقص اطلاعاتی عراقی‌ها در مورد نیروهای مستقر در منطقه بود که می‌توانست در نحوه‌ی تجزیه و تحلیل آنها تأثیر بگذارد. آنها می‌پنداشتند که هنوز نیروهای ژاندارمری در خط پدافندی مستقر هستند و مشخص

طرف درگیر با جدیت بیش تر اقدامات خود را دنبال می کردند. ایران به شدت در پی منحرف کردن ذهن دشمن از منطقه ی فاو (محور اصلی عملیات) بود. به همین دلیل هم زمان با اقداماتی که در منطقه ی عمومی آبادان- خرمشهر انجام می داد، حجم بسیار گسترده یی از فعالیت ها را- از جمله نقل و انتقال وسیع نیرو و تجهیزات، فعالیت شبانه روزی مهندسی و افزایش مکالمات بی سیمی- با هدف فریب دشمن، در منطقه ی هورالعظیم انجام می داد. خوشبختانه واکنش ها و اقدامات متقابل عراق در منطقه ی هور،

* البته اقدامات عراق در شرق بصره (یعنی منطقه ی عمومی شلمچه - کوشک) در مقایسه با دو محور دیگر کم تر بود، زیرا با این که از طریق شنود و استراق سمع رادیویی از حضور یگان های ارتش جمهوری اسلامی در این منطقه اطلاع داشت، می دانست جمهوری اسلامی با توان فعلی اش قادر به اجرای بیش از یک عملیات گسترده نیست و از طرفی با توجه به سابقه ی عملیات های سال های گذشته، امکان تک اصلی ایران در این منطقه بسیار کم تر از دو منطقه ی دیگر (یعنی فاو و هورالعظیم) است. با این حال عمده ی اقدامات مهندسی اش در این جبهه معطوف به احداث یک کانال از نهر صوئیب تا پیچ کوشک و دو سیل بند عریض در دو سوی آن، احداث یک کانال از شمال نهر کتیبان (شط العرب) تا آبگیر اصلی شمال زید، احداث خاکریز، احداث دو پل جدید روی رودخانه ی شط العرب در منطقه ی شهر بصره و تبدیل همه ی پل ها به پل های لوله یی و خاکی شد. همچنین واحد اطلاعات قرارگاه خاتم در آذر ۱۳۶۴ (یعنی دو ماه قبل از اجرای عملیات والفجر ۸) با مقایسه چند شاخص از فعالیت های رزمندگان در دو منطقه ی هورالعظیم و اروندرود، میزان حساسیت دشمن را مورد تحلیل قرار دادند.

شواهد و دلایل حساسیت عراق در منطقه ی جنوب			
استعداد وسایل مهندسی	قبلی	حدود ۷۰۰ دستگاه	حدود ۵۰۰ دستگاه
	بعدی	حدود ۲۰۰ دستگاه	حدود ۲۵۰ دستگاه
آتش توپخانه به طور متوسط در روز			
هورشیرای عراق			
شناسایی منجر به درگیری			
حضور مردم در منطقه			
اطلاع از وضع نیروها			
سایر دلایل	انجام جاسوسی		
	انجام جاسوسی		
	بازید فرماندهان رده بالا		
	شایعه ی عملیات در هور		
	انتقال تجهیزات		
جمع	آماده سازی یگان ها در منطقه		
	۱۳ مورد در هور		۸۰ مورد اروندر

منبع: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بررسی وضعیت دشمن در عملیات والفجر ۸، ص ۸.

کرد:

- به ایران تفهیم و تلقین کند که با وجود فراخوان نیرو و اعزام‌های مستمر و متعدد، نه تنها توانایی لازم را برای حفظ مواضع خود ندارد، بلکه قادر به اجرای عملیات بزرگ نخواهد بود.
- پاسخ به عملیات‌های محدود ایران (در نیمه‌ی اول سال ۱۳۶۴).

• ایجاد مشغولیت ذهنی و درگیر کردن فکر فرماندهان برای مقابله با تعرضات عراق و چگونگی حفظ مواضع پدافندی.

- گرفتن اسیر و بازجویی و تخلیه‌ی اطلاعاتی با هدف پی بردن به مقاصد عملیاتی آینده‌ی ایران. و سرانجام، مهم‌ترین هدف عراقی‌ها ایجاد شتابزدگی در اردوگاه فرماندهان ایران برای اجرای عملیات نا به هنگام و زودتر از موعد بود، زیرا آن‌ها گمان می‌کردند که عملیات شتابزده طراحی و پختگی لازم را نخواهد داشت و به شکست ایرانی‌ها منتهی خواهد شد. این نکته در سخنان صدام حسین به خوبی آشکار بود؛ او در سخنانی تصریح کرد که «فرماندهان به ما می‌گویند عملیات انجام دهیم تا دشمن (ایران) تحریک شده و زودتر عملیاتش را انجام دهد.»*

۲. از دی تا ۲۰ بهمن ۱۳۶۴ (شب عملیات والفجر ۸)

تاکتیک‌های ایران برای فریب دشمن در منطقه‌ی هور، بسیار مؤثر واقع شد و این امر مرهون تأکید فراوان فرمانده کل سپاه بر رعایت دقیق مسائل حفاظتی بود. طوری که با نزدیک شدن به تقویم زمانی شروع عملیات، محسن رضایی در جلسه‌ی با

ارتش عراق بر فعالیت مهندسی خود در منطقه‌ی هور به خصوص حد فاصل منطقه‌ی البیحه تا الحسان افزود. از جمله اقدامات عراقی‌ها در این منطقه می‌توان به این موارد اشاره کرد: ایجاد میدان دید و تیر بهتر با بریدن و سوزاندن نیزارها و چولان‌های جلو سیل‌بند خط اول و اطراف سنگرهای کمین؛ عمق بخشیدن به رده‌های پدافند با احداث خاکریز و سیل‌بندهای پی در پی؛ احداث چندین پل روی رودخانه‌ی دجله از القرنه تا الحسان؛ افزایش دیدگاه‌ها و سنگرهای کمین با هدف جلوگیری از غافل‌گیر شدن بر اثر حمله‌ی رزمندگان؛ اتخاذ تمهیداتی برای ایجاد انعطاف در کم و زیاد کردن آب هور و مهم‌تر از همه تحرکات تعرضی برای از هم پاشیدن سازمان رزم و تمرکز قوای ایران.^(۱۸)

هم‌زمان با این اقدامات، فرماندهان عراقی با ایجاد تغییراتی در تاکتیک ایستای خود، انجام دادن تعرضات و تک‌های محدود را به عنوان تاکتیک جای‌گزین برگزیدند و کوشیدند با اجرای عملیات‌های محدود علاوه بر تقویت روحیه‌ی نیروهایشان، سازمان رزم ایران را از هم پاشیده و تمرکز فرماندهان ایرانی را از اهداف اصلی خود دور کنند. به گونه‌ی که قبل از عملیات والفجر ۸، عراق علاوه بر تعرضات در جبهه‌ی زمینی، در منطقه‌ی خلیج فارس نیز بر شدت حملات خود به منابع و تأسیسات اقتصادی ایران افزود.

تهاجمات زمینی عراق در زمره‌ی عملیات‌های محدود بود، ولی در یک جمع‌بندی کلان می‌توان اهداف عراق را از اجرای این تاکتیک چنین تحلیل

* پس از این سخنان عملیات‌های محدود و فعالیت‌های عراق از آبان ۱۳۶۴ افزایش یافت. واحد اطلاعات عملیات قرارگاه خاتم در گزارشی به فرمانده قرارگاه چنین اعلام می‌کند که دشمن با اعزام نیروهای گشتی رزمی‌هایش و نیز انجام فعالیت‌های شناسایی سعی دارد تا مانع عملیات رزمندگان شود و انجام تک‌های محدود آن‌ها در منطقه‌ی قصر شیرین و عین‌خوش با هدف احیاء روحیه در بین پرسنل یگان‌ها و نیز استفاده از فرصت برای توسعه‌ی عملیات‌هایش است. یک ماه بعد، منبع مذکور در گزارشی درباره‌ی حساسیت نیروهای متجاوز دشمن می‌گوید: از برخی واحدهای رزمی عراق در مناطقی نظیر فکه، شریانی، زبیدات و مهران تحرکاتی دال بر تقویت نیرو و آمادگی برای انجام عملیات‌های محدود به چشم می‌خورد. (سند شماره ۱۶۸۹۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، ۱۳۶۴/۹/۱۸) و بازدید پی در پی فرماندهان ارتش و از جمله عدنان خیرالله از مناطق تحت مأموریت سپاه چهارم و سپاه ششم فرضیه‌ی احتمال انجام عملیات را تقویت می‌کند. (سند شماره ۶۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بررسی وضعیت دشمن، محمد دروردیان، اسفند ۱۳۶۷، ص ۴۲)

تأکید آن‌ها بر منطقه‌ی هور به منزله‌ی محور اصلی عملیات ایران، در تشدید باور عراقی‌ها و تشخیص اشتباه منطقه‌ی عملیاتی نقش بسیار مهمی داشت. رهبر مزدور این سازمان در بهمن‌ماه با صدور بیانیه‌ی در پاریس با استناد به منابع اطلاعاتی خود و با تأکید بر این که ایران در شرف حمله‌ی گسترده تا چند روز آینده است، خاطرنشان کرد که حکومت اسلامی نیمی از واحدهای ارتش و دو سوم از نیروهای بسیجی را برای آغاز هجوم تازه در طول مرزهای عراق به ویژه نزدیکی‌های باتلاق‌های هویزه متمرکز کرده است.^(۲۰)

باور دشمن به احتمال اجرای عملیات در منطقه‌ی هور در حدی قوت یافته بود که اطلاعات قرارگاه کربلا در گزارش به فرمانده قرارگاه چنین اعلام می‌کرد:

با توجه به تقویت نیروهای عراق در منطقه‌ی شمال هور و حوالی جاده‌ی خندق و افزایش قایق‌های دشمن، امکان انجام تک‌های محدود از سوی عراقی‌ها افزایش یافته و احتمال دارد در شمال غربی منطقه‌ی الحسان، البیضه، جاده‌ی خندق و جزیره‌ی جنوبی خیبر مبادرت به تک با هدف بازپس‌گیری مناطقی از هور نماید. همچنین اقدام به پیشروی خزنده‌ی کمین‌ها در جنوب ابرویه و افزایش آتش توپ‌خانه نموده که دلالت بر آمادگی تک در این منطقه می‌کند.^(۲۱)

نکته‌ی عجیب این که فرماندهان عراقی در این مقطع زمانی، در مکاتبات گوناگون از فعالیت‌های ایران در منطقه‌ی رو به روی اروندرود هم گزارش تهیه کرده و به واحدهای مستقر در این منطقه برای مراقبت و هوشیاری بیش‌تر تأکید کردند. در این باره

فرماندهان یگان‌های عملیاتی و مسئولان واحدهای پشتیبانی، تکلیف می‌کند که همه‌ی نهایت دقت و هوشیاری را به عمل آورده و جوانب احتیاط را رعایت کنند. وی خطاب به حضار می‌گوید:

به همه تأکید می‌کنم که جبهه‌ی فاو باید همچنان آرام نگه داشته شود، تا دشمن در این چند روز باقی‌مانده به عملیات حساس نشود. برادرها باید با یک تعهد بالا و توجه خیلی بالا رفت و آمد کنند. زیرا کوتاهی در [این] امر گناهی است که بعید است بخشیده شود. تردد به غیر از واحد مهندسی باید [در منطقه‌ی عمومی آبادان - خسروآباد] قطع شود. چون دشمن به کار مهندسی، تا حدی عادت کرده و فقط این باید عادی جلوه داده شود.^(۱۹)

از سویی افزایش حجم کارهای مهندسی برای آماده‌سازی منطقه‌ی هور و انتقال تجهیزات سنگین - که اغلب و به ناچار در دید نیروهای عراقی انجام می‌شد - تردید آن‌ها را درباره‌ی این که عملیات در این منطقه، فریب باشد، کاملاً از بین برد و ارتش عراق پس از انجام دادن شناسایی هوایی (در ۴ بهمن ۱۳۶۴) و کسب اطلاعات از استقرار آتش‌بار موشکی هاگ رزمندگان و نیز احداث جاده‌های جدید، اقدام به انتقال یک لشکر مکانیزه و یک لشکر زرهی - برای تقویت این جبهه و احتیاط نزدیک منطقه - حتی بنا به گفته‌ی دو نیروی عراقی - که در عملیات گشتی رزمی به اسارت رزمندگان درآمدند - در بین واحدها و یگان‌های عراقی شایع شده بود که ایرانی‌ها قصد اجرای عملیات از جزیره‌ی مجنون به سمت بصره و از هور به سمت عماره را دارند.

البته فریب خوردن عوامل جاسوسی عراق - یعنی اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) - و

* ارزیابی اطلاعاتی کاملاً هوشیارانه و دقیق انجام شده بود. زیرا دو هفته بعد از این گزارش در بامداد شانزدهم دی ۱۳۶۴، عراقی‌ها با استعداد دو تیپ ۲۸ و ۴۹ به مواضع ارتش در قسمت پدهای ۳ و ۴ سیل‌بند مرکزی جزیره‌ی جنوبی حمله کردند، که در نتیجه، ۲ کیلومتر از پد غربی جزیره‌ی جنوبی، پدهای ۳ و ۴ سیل‌بند مرکزی را به اشغال خود درآوردند و برخی نیروهای کمین در پد ۳ و ۴ شهید و تعدادی به اسارت درآمدند. البته چند روز بعد استعداد اندکی از نیروهای لشکر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب سپاه به کمک ارتش رفته و با اجرای پاتک قوای عراقی را مجبور کردند یک کیلومتر عقب‌نشینی کنند. (سند شماره ۱۱۴۴۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: واحد اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، ۱۶/۱۰/۱۳۶۴)

از حدود یک ماه قبل، فعالیت‌های مهندسی و راه‌سازی خودی در غرب اروند را شاهد بودیم، این رو تا یک ماه قبل، منطقه‌ی احتمالی عملیات را صد در صد در جبهه‌ی فاو می‌دانستیم، ولی وسعت و تمرکز نیروهای ایرانی در شرق دجله موجب تغییر نگرش فرماندهان شد طوری که بر اساس آخرین تحلیلی که برای فرماندهان گردان‌ها در منطقه‌ی غرب اروند ارسال شد تصریح گردید که عملیات اصلی در این محل نیست و در صورت انجام، عملیات در این منطقه محدود خواهد بود.^(۲۳)

حتی علامت‌های هشداردهنده و تحلیل‌های فرمانده تیپ ۱۱۱ که اجرای عملیات رزمندگان را در منطقه‌ی فاو محتمل دانسته، افاقه نکرد و فرمانده لشکر ۲۶ در واکنش به این گونه تحلیل‌ها با بیان این نکته که شماها از اقدامات ایرانیان در سایر مناطق (هور و شلمچه) بی اطلاع هستید، عملاً احتمال عملیات در فاو را کم‌رنگ یا منتفی دانست. فرمانده تیپ ۱۱۱ در سخنان دیگری چنین تصریح کرده است که «اطلاعات کسب کرده از ایرانیان را در چند نوبت به فرماندهان در رده‌ی سپاه فرستادیم و صریحاً از منطقه‌ی فاو به عنوان هدف اصلی ایران یاد کردیم، اما آن‌ها با این توجیه که عبور یک نیروی نظامی سنگین و پر حجم از رودخانه‌ی شط‌العرب (اروندرو) تا رأس‌البیشه محال است، ما را قانع می‌کردند.^(۲۴)»

در واقع طرح‌های تاکتیکی فریب و قدرت برنامه‌ریزی نیروهای خودی در حفاظت به قدری کارآمد بود که منابع اطلاعاتی در گزارش به فرمانده کل سپاه، به توجه مفرط دشمن به مناطق عملیاتی چزابه و شمال هورالهویزه به عنوان منطقه‌ی اصلی اشاره کرده‌اند.^(۲۵) تردد خودرو حامل پل خیبری که از آبادان و خسروآباد به سمت جنوب می‌رفت، حساسیت برخی فرماندهان عراقی را به طور جدی

فرمانده قرارگاه گردان ۲ تیپ ۱۱۱ پیاده به همه‌ی فرمانده گردان‌ها در ۱۵ بهمن ۱۳۶۴ و متعاقب آن فرمانده گردان ۱ تیپ ۱۱۱ پیاده به کلیه‌ی فرماندهان گروهان‌ها در ۱۷ بهمن ۱۳۶۴، وضعیت فعالیت رزمندگان ایران را چنین گزارش می‌کردند:

قایق‌های دشمن [ایران] چندین بار در مقابل منطقه‌ی رأس‌البیشه و دهانه‌ی شط‌العرب احتمالاً با هدف گشت‌زنی و شناسایی مشاهده شده‌اند.

• تردد کمپرسی‌ها و حرکت خودروها بین خزعلی‌آباد - رأس‌البیشه و خسروآباد زیاد شده است.

• مشاهده شده که دشمن با پرواز هواپیماهای هدایت‌شونده تلاش دارد تا محل سلاح‌های ضد هوایی ما را کشف کند و پیش‌بینی می‌شود اقدام به طرح‌ریزی مقابله با آن‌ها و عملیات هلی‌برد در آینده نماید.

دشمن در حال انتقال نفربرهای حامل پل در میان نخلستان‌هاست. علاوه بر آن در حال احداث جاده‌یی موازی شط‌العرب در پشت نخل‌ها تا منطقه‌ی مقابل رأس‌البیشه است.^(۲۶)

شایعه‌ی انتخاب شدن هور به منزله‌ی منطقه‌ی اصلی عملیات، به تدریج از سوی فرماندهان به یک بُلوف نسبی تبدیل شده بود، ولی کم‌کم بین عراقی‌ها قوت گرفت. در اعتراف‌های سرهنگ دوم پیاده هادی کاظم محمود- که در منطقه‌ی فاو اسیر شده بود- نحوه‌ی تغییر نگرش عراقی‌ها به منطقه‌ی عملیات هور کاملاً آشکار است. وی درباره‌ی فعالیت ایرانیان در منطقه‌ی آبادان- خرمشهر گفت:

انجام نقل و انتقالات گسترده‌ی نیرو و تجهیزات، به وسیله‌ی ایران در منطقه‌ی هورالعظیم و نیز رصد کردن حضور یگان‌های پرقدرت و عملیاتی سپاه و افزایش فعالیت‌های مهندسی رزمی در این منطقه، سبب شد تا توجه عراقی‌ها بیش از پیش از منطقه اروند به هورالعظیم معطوف شود

در منطقه‌ی فاو غافل نبودند و تمهیدات و اقداماتی را برای ایجاد مواضع پیش‌گیرانه انجام می‌دادند. گزارش‌های منابع اطلاعاتی قرارگاه‌های کربلا و نوح در نیمه‌ی دوم دی و نیمه‌ی اول بهمن، نشان‌دهنده‌ی فعالیت‌های مهندسی دشمن از منطقه‌ی ام‌الرصاص تا جنوب فاو است. فعالیت‌هایی شامل:

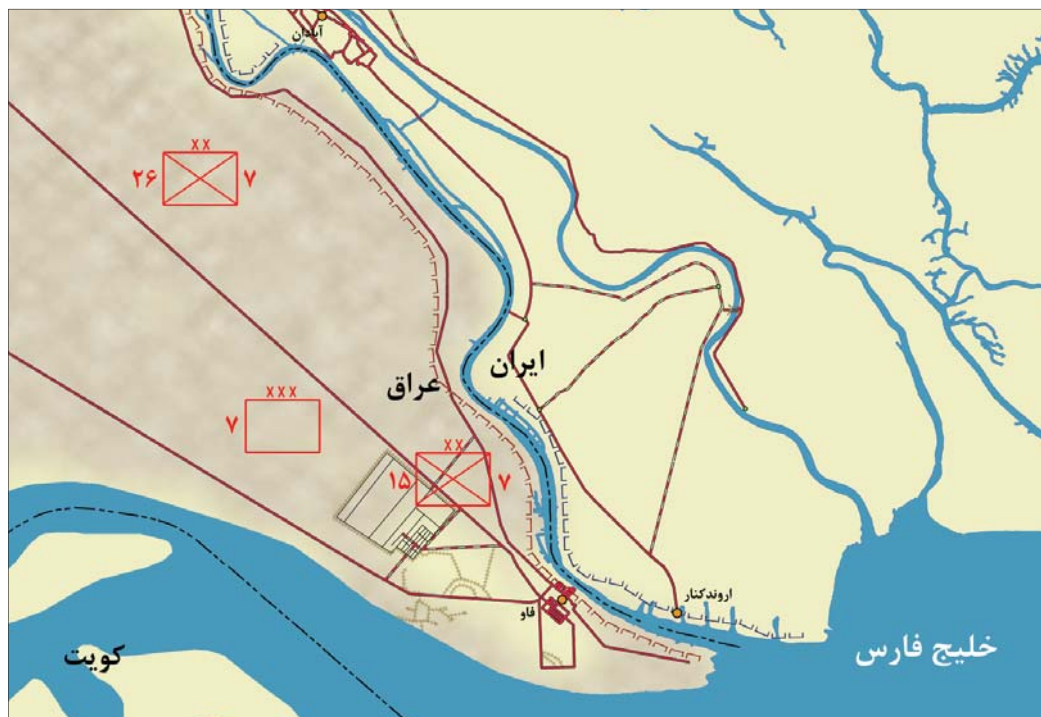
- اتمام احداث سیل‌بند به فاصله ۲۰۰ تا ۵۰۰ متری خط اول که تا رأس‌البیشه ادامه داشت.
- تخریب منازل جنوب فاو با هدف جاده‌کشی.
- احداث جاده‌های آنتنی از فاو تا رأس‌البیشه.
- اتمام بستن همه‌ی نهرهای منتهی به اروندرود.
- استقرار یک پروژکتور قوی با سه خدمه در خط مقدم بر خاکریز جنوب اروندرود، پروژکتوری با نور خیره‌کننده که سطح آب رودخانه و فضای رو به روی خود را تا ۳ کیلومتر روشن می‌کرد.
- استقرار نفربرهای زرهی چرخ‌دار بین جاده‌ی بصره - فاو و اروندرود. (که حدود ۲۰۰ دستگاه تخمین زده شد).

برانگیخته بود، اما فرماندهان رده‌های بالاتر این اقدام ایران را نوعی تاکتیک فریبنده محسوب کردند. تعبیر فرمانده سپاه هفتم در نامه‌ی به کلی سری درباره‌ی گزارش یکی از فرماندهان در خصوص مشاهده‌ی پل خیبری، عمق غفلت و ضعف او را در تحلیل اطلاعات رسیده نشان می‌دهد؛ او این کار ایران را نشان‌دهنده‌ی یکی از این احتمالات دانست:

« فریب دادن ما به تصور این‌که حمله‌ی آینده‌شان، در منطقه‌ی پدافندی سپاه ششم است. در صورتی که حمله به طرف منطقه‌ی دیگر است و به نظر می‌رسد حمل پل‌ها با هدف انبار کردن آن‌ها در نخلستان‌ها در مراحل بعدی هر گونه حمله به فاو در آینده است. ^(۲۶) »

اقدامات مهندسی عراق از دی ماه تا آستانه‌ی عملیات در منطقه‌ی فاو

فرماندهان عراقی با وجود تمرکز روی اقدامات ایران در منطقه‌ی هورالعظیم، هیچ‌گاه از تدابیر پدافندی



گسترش ارتش عراق در منطقه عمومی فاو قبل از عملیات والفجر ۸

در بهمن ماه به عنوان جمع‌بندی فعالیت مهندسی دشمن در منطقه‌ی فاو به فرماندهی اعلام کرده، توانایی‌های یگان‌های پدافندی عراق در غرب اروند را چنین برشمرده است:

- ایجاد موانع پرحجم و عمق‌دار در نوار ساحلی اروند شامل سیم‌های خاردار تک رشته‌یی، فرشی، حلقوی، مین‌های منور، موانع فلزی خورشیدی ضد هاورکرافت در سواحل شرقی و جنوبی رأس‌البیشه تا جنوب کارخانه‌ی نمک.
- احداث خاکریزهای لایه لایه. که لایه اول را در لبه‌ی اروندرود با خاک، تنه‌ی درختان نخل و احداث سنگ‌های بتونی و استقرار مواضع تیربار BKC و سلاح‌های ضد زره و تیربار سنگین جهت مقابله با قایق‌ها، تقویت کرده است. خاکریز دوم سیل‌بندی به ارتفاع ۲ تا ۲/۵ متر و عرض ۱۰ الی ۱۲ متر به صورت پلکانی که مواضع تانک را روی آن احداث کرده است.
- خاکریزهای سوم به شکل هلالی و کاملاً مسلط بر دو خط اول و دوم [هستند].

خاکریز چهارم بین حاشیه‌ی نخلستان‌ها و جاده‌ی اول فاو - بصره [قراردارد]. وجود این موانع به صورت پیوسته عامل‌کندی در قوای مهاجم می‌شود. علاوه بر این که ایجاد لایه‌های دفاعی تا عمق، در پدافند مؤثر است.

- وجود دشت باز غرب اروند که پس از چهار لایه خط دفاعی است، امکان نقل و انتقالات عراق را تسهیل می‌بخشد.

- وجود سکوها‌ی ضد هوایی و تانک در کند کردن پیشروی رزمندگان مؤثر است.

- وجود موانع جناحی (دورادور) در رأس‌البیشه توانایی یگان‌های سپاه هفتم در این منطقه را بالا برده است.

- احداث یک برج دیدبانی بسیار بزرگ به ارتفاع ۳۰ متر در منطقه‌ی فداعیه (بین اروندرود و جاده‌ی فاو - بصره)*. (۲۷)

- ایجاد یک خاکریز به طول تقریبی ۷ کیلومتر و به ارتفاع ۲/۵ متر حفاصل جاده‌ی استراتژیک و جاده‌ی فاو - ام‌القصر و به موازات آن‌ها که تا یک کیلومتری دریایچه‌ی نمک ادامه داشت و در پشت آن به سبب احتمال حمله‌ی ایران، یک گردان تانک مستقر شده بود. البته در بهمن ماه، که توجه فرماندهان ارتش عراق به منطقه‌ی هور جلب و این گردان پس از چند روز، از منطقه خارج شد. (۲۸)

علاوه بر این موارد فرماندهان عراقی مستقر در فاو، دستور دادند برای تأمین نهرها و جلوگیری از نفوذ غواصان ایرانی دهانه‌ی نهرها را با دو قبضه تیربار مسلح و در دو طرف آن‌ها را سیم‌خاردار بکشند. همچنین با ایجاد لایه‌های دفاعی دیگر در نوار ساحلی اروند و عمق دادن، ضریب اقدامات ایمنی را افزایش دهند. اجرا کردند.

بر اساس این طرح گروهان‌های جلویی در پشت خط رده‌ی اول استقرار یافتند و به فاصله ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر از خط اول، گروهان پدافند (پشتیبان خط اول) و به فاصله ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ متر از گروهان پدافند، خط رده‌ی دوم با هدف جلوگیری از پیشروی رزمندگان مستقر شدند. (۲۹)

واحد اطلاعات قرارگاه خاتم در آخرین گزارش‌های خود که در آستانه‌ی عملیات والفجر ۸

طرح فرمانده کل سپاه پاسداران در تغییر تاکتیکی زمین منطقه‌ی عملیات، توجه برخی فرماندهان خودی و حتی تعدادی از فرماندهان عراقی را به مناطق جدید میدان نبرد معطوف کرد. تا حدی که به تدریج بسیاری گمان کردند منطقه‌ی فاو از اولویت اصلی اجرای عملیات خارج شده است

* این برج که به صورت تپه‌یی از خاک درست شده، بسیار با عظمت و بزرگ بود و به نام برج دیدبانی "قاعد" معروف بود. به منظور جلوگیری از آسیب‌پذیری نیروهای مستقر در آن، روی تپه را کانال حفر کرده و نیروها از داخل کانال به بالای برج رفت و آمد می‌کردند.

باشد. حتی میزان فعالیت ادوات مهندسی در شمال غربی فاو و اسکله‌ی چهارچراغ تا ۵۰ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، ذکر این نکته قابل توجه است که اخیراً رادیو عراق به نقل از استاندار بغداد، در پیامی به صدام خاطر نشان کرده که مأموریت خود را در مورد شبکه‌ی راه‌های مواصلاتی و استحکاماتی جبهه‌های جنوب به اتمام رسانده است.^(۳۱)

از سویی با توجه به اظهارات پناهندگان و اسیران عراقی، حساسیت فرماندهان عراق در منطقه‌ی غرب اروند به ترتیب اولویت چنین است:

۱. منطقه‌ی ام‌الرصاص.
۲. منطقه‌ی خسروآباد تا سیبه عراق.
۳. منطقه‌ی فاو.

نقاط قوت و ضعف عراق در منطقه فاو و هور پیش از عملیات والفجر ۸

الف) منطقه‌ی فاو
مسئولیت پدافندی منطقه عمومی فاو (از بوارین تا رأس البیشه) با فرماندهی سپاه هفتم بود، این سپاه با دو لشکر ۱۵ و ۲۶ پیاده و یگان‌های دریایی محافظت می‌شد.*

بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، فرماندهی سپاه هفتم در این منطقه به سبب استقرار طولانی مدت، خطوط دفاعی‌اش را از نظر اهمیت اولویت‌بندی کرده و دربار‌ه‌ی نحوه‌ی به کارگیری ۱۳ گردانی که برای احتیاط نزدیک در اختیار داشت، برنامه‌ریزی کرده بود. در حوزه‌ی اطلاعاتی نیز با استفاده از نتایج عکس‌برداری‌های متعدد، تغییراتی را

• وجود دستگاه‌های الکترونیکی سازمان‌یافته و ایستگاه‌های استراق‌سمع با فعالیت شبانه‌روزی توانایی‌شان را برای به دست آوردن اطلاعات افزایش داده است.

• محدود بودن سرپل و معابر وصولی، به دشمن امکان می‌دهد که با آتش پشتیبانی قوی و متمرکز مانع رسیدن ما به هدف شود.

• وجود کمین‌های متعدد در جلو خط مقدم و رده‌های دوم و سوم پدافندی به دشمن این توانایی را می‌دهد تا عملیات تأخیری در حرکت رزمندگان ایجاد نماید.

و سرانجام پیش‌بینی گردید با توجه به اقدامات سنگین مهندسی دشمن در ایجاد استحکامات، مانع‌گذاری و چند لایه کردن خطوط دفاعی و احداث جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی بسیار در عقبه، در صورت پیروزی رزمندگان در موج اول عملیات و نیز تصرف مواضع دشمن در غرب اروند، عراقی‌ها قادر به انجام پاتک‌های متعدد و مستمر خواهند بود و می‌توانند تا یک ماه نهایت فشار را بر ایران با هدف عقب‌نشینی به شرق اروند اعمال نمایند.^(۳۰)

البته با افزایش میزان فعالیت رزمندگان در منطقه‌ی هور و سایر مناطق فریب به تدریج از فعالیت مهندسی عراقی‌ها در منطقه‌ی فاو کاسته می‌شد تا جایی که واحد اطلاعات قرارگاه کربلا در نیمه‌ی دی ماه در گزارشی اعلام کرد:

فعالیت مهندسی دشمن که از چندی قبل با توسعه‌ی شبکه‌ی راه‌های مواصلاتی و احداث استحکامات جدید در داخل نخلستان شمال، شمال‌غربی و شمال‌شرقی فاو ادامه داشت، در روزهای اخیر [۱۲ دی ماه] در منطقه‌ی جنوب‌شرقی و شرق شهر فاو شدیداً کاهش یافته و به نظر می‌رسد فعالیت‌های مهندسی در ارتباط با ترمیم و احداث جاده‌ها و استحکامات در این منطقه رو به اتمام

* محدوده‌ی لشکر ۱۵ پیاده (از ابوالخصیب تا جنوب سیبه) رو به روی پالایشگاه آبادان با ۱۸ گردان پیاده، ۱ گردان تانک درگیر و تعداد ۵ گردان تانک به صورت احتیاط و ۳ گردان پشتیبانی‌کننده‌ی توپ‌خانه و محدوده‌ی لشکر ۲۶ با ۲۲ گردان پیاده، یک گردان تانک و نفربر درگیر و تعداد ۱۳ گردان پیاده و ۲ گردان تانک احتیاط و ۷ گردان پشتیبانی‌کننده‌ی توپ‌خانه. (سند شماره ۶۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بررسی وضعیت دشمن، محمد درودیان، اسفند ۱۳۶۷، ص ۵۳).

علاوه بر این، به طور دوره‌یی هیئت‌های بلندپایه‌ی نظامی از ستاد مشترک عراق برای اطمینان از تاکتیک‌های پدافندی سپاه‌های سوم و هفتم به بصره می‌آمدند و از جبهه‌هایی که این دو یگان مسئولیت آن‌ها را بر عهده داشتند، بازدید می‌کردند.^(۳۳)

ب) منطقه‌ی هور

از نظر دشمن، احتمال عملیات ایران در منطقه‌ی هور بیش‌تر از محور فاو بود، به همین دلیل عراق برای افزایش آمادگی خود جهت مقابله با حمله‌ی رزمندگان در منطقه‌ی هور، دست به اقداماتی زد، از جمله:

۱. سلطان هاشم را که فرماندهی لایق و مدیری قوی بود به سمت فرماندهی سپاه ششم منصوب کرد.
۲. منطقه‌ی هور را با ۶،۵ لشکر در خط و ۱ لشکر احتیاط (لشکر ۱۲ زرهی) مورد حفاظت قرار داد.
۳. دو لشکر زرهی ۳ و ۶ را در العماره و بصره استقرار داد تا در صورت حمله‌ی رزمندگان، با فوریت از شمال و جنوب هور آن‌ها را وارد عمل کند.

۴. صرف نظر از تیپ‌های متعدد، دو تیپ ۳ نیروی مخصوص و ۴ پیاده‌ی گارد جمهوری را از آبان‌ماه مسئول اجرای مانور و تکمیل امکانات آبی-خاکی کرد.

۵. با توافق با سپاه‌های چهارم و هفتم تعدادی از تیپ‌ها و گردان‌های توپ‌خانه را آزاد و به صورت احتیاط در شمال و جنوب منطقه‌ی هور مستقر کرد.^(۳۴)

۶. بنابر اظهارات یک خلبان اسیر عراقی، آن‌ها با استعداد ۴۰ فروند جنگنده آمادگی مقابله با هر گونه تهاجم در هور را دارند.

با توجه به آنچه گذشت، همه‌ی شواهد و قرائن حکایت از هوشیاری عراق - به دلیل آگاهی آن‌ها از حتمی بودن حمله‌ی ایران - داشت. در این میان تنها دو عامل یعنی طرح‌های فریب ایران و درک ناقص و

روی زمین داده و نیروها را با آرایش مناسبی مستقر کرده بود. همچنین دشمن با بهره‌گیری از دستگاه‌های الکترونیکی سازمان‌یافته، قادر بود به طور شبانه‌روزی هر گونه اقدام و تحرک ایران را رصد کند و با استقرار سنگرهای کمین در خطوط مقدم و حتی رده‌های دوم و سوم پدافندی، پیش‌بینی‌های لازم را برای اجرای عملیات تأخیری در صورت حمله‌ی رزمندگان کرده بود. مهم‌تر از همه این که دشمن با توجه به جهت باد از شمال غرب به جنوب شرق، با خیال راحت می‌توانست از سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان استفاده کند. البته عراقی‌ها با مشکلات هم رو به رو بودند. از جمله این که با توجه

به حضور رزمندگان در حاشیه‌ی شرقی اروندرود و عرض زیاد رودخانه، امکان اجرای تک برای عراق وجود نداشت - چون از نظر آن‌ها عبور از اروندرود کاری پر مخاطره و غیر ممکن بود- علاوه بر این، با وجود فصل زمستان و گل‌آلود بودن زمین منطقه، عراقی‌ها فقط باید از روی جاده‌های مواصلاتی-

که نیروهای اطلاعاتی ایران بیش‌تر آن‌ها را شناسایی کرده بودند- تردد می‌کردند و این می‌توانست در سرعت عمل آن‌ها برای پشتیبانی از نیروها تأثیر منفی بگذارد. وجود نخل‌ها و نه‌های کوچک و بزرگ به خصوص در حاشیه‌های اروندرود مشکل دیگری بود که قدرت مانور زرهی و مکانیزه‌ی عراق را محدود می‌کرد.

از سویی فرماندهان عراقی با توجه به اهمیت اطلاعات کسب شده از رزمندگان و میزان احساس خطرشان از آن، فوراً دستور آماده‌باش از نوع درجه یک را به همه‌ی واحدهای تحت امر ابلاغ می‌کردند.^(۳۵)

فریب خوردن عوامل جاسوسی عراق- یعنی اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین)- و تأکید آن‌ها بر منطقه‌ی هور به منزله‌ی محور اصلی عملیات ایران، در تشدید باور عراقی‌ها و تشخیص اشتباه منطقه‌ی عملیاتی نقش بسیار مهمی داشت

لشکر حمله می‌کند.

محتاج: دشمن فعالیت ما را تا آبادان تعقیب کرده، ولی در آبادان ما را گم کرده است.

محسن رضایی: دشمن در این سه سال اخیر به این نتیجه رسیده که ما فقط در یک جا می‌توانیم حمله کنیم و این یک جا را قبل از این که به فاو حساس بشود، به جاهای دیگر حساس شده است.

محمدزاده: اما این جاده‌ی آبادان- اهواز در این مدت مثل اتوبان شده [تردها زیاد شده است].

محسن رضایی: [قبول] نه این که دشمن این جا چیزی نمی‌بیند و چیزی نمی‌فهمد. این حرف اشتباهی است. [...] اما ببینید سه ماه پیش دشمن این جا [قرارگاه] و یا همین بیمارستان را چند بار بمباران کرد، ولی بعد از یک مدت رها کرد.^(۳۵) اگر دشمن [به این منطقه حساس و] مطمئن باشد دلیلی ندارد که بمباران نکند.

فرمانده کل سپاه همچنین در جلسات دیگر که بحث در مورد میزان هوشیاری یا غفلت دشمن داغ بود، چنین گفته است:

دشمن گفته است اگر ایران از اروند عبور کند یا برای حمله‌ی سراسری است و یا می‌خواهد از سیبه رخنه کند و سپس گسترش یابد؛ در نتیجه دشمن فکر نمی‌کند ما از این قسمت عملیات کنیم. [...] من مطمئنم که دشمن هنوز نتوانسته کار ما را در این منطقه [آبادان] ردیابی کند و الان زمینه برای یک غافل‌گیری خوب آماده است.^(۳۶)

جمع‌بندی

اطلاعات نظامی عموماً بر حسب قلمرو به اطلاعات استراتژی، عملیاتی و تاکتیکی طبقه‌بندی می‌شوند. اطلاعات نوع اول برای برنامه‌ریزی در سطح ملی یا بین‌المللی و اطلاعات نوع دوم (اطلاعات عملیاتی) برای برنامه‌ریزی در چارچوب عرصه‌ی جنگ یا کل جبهه به کار می‌رود، اطلاعات تاکتیکی نیز- که

نادرست دشمن از توانایی ایران برای عبور از اروندرود و اجرای عملیات در این محور، سبب شد تا او در تحلیل اقدامات و تحرکات ایران و تشخیص محور اصلی عملیات دچار نوعی آشفتگی و اشتباه شود.

ج) تأثیر میزان هوشیاری عراق بر فرماندهان خودی

به دنبال گزارش‌های واحدهای اطلاعاتی در قرارگاه و لشکرها از میزان هوشیاری دشمن، شک و تردیدها و اختلاف‌نظرها در اردوگاه فرماندهان خودی افزایش می‌یافت. این وضعیت به خصوص در ماه‌های دی و بهمن، تشدید شده بود که در ادامه، به بخش کوتاه یکی از گفت و گوهای انجام شده در جلسه‌ی قرارگاه خاتم‌الانبیاء^(ص)، در ۱۳ بهمن ۱۳۶۴ یعنی هفت روز قبل از شروع عملیات اشاره می‌شود:

محمدزاده: گمان می‌کنم دشمن برای ما [در منطقه‌ی فاو] تله گذاشته است.

محسن رضایی: اگر دشمن از [محور] عملیات خبر داشت، بمباران می‌کرد. بنابراین با تحلیل این که دشمن ما را در دام بیندازد، نمی‌خواند.

محتاج: خبرهایی به دست ما رسیده که در آن دشمن یادآوری کرده، ایرانی‌ها را در سال دور منهدم کنیم. رحیم صفوی: حداقل سکوت دشمن درباره‌ی عملیات فاو مشکوک است.

محسن رضایی: البته احتمال این که دشمن [منطقه‌ی فاو] را فریب کرده باشد، وجود دارد.

محمدزاده: حداقل احتمال بدهیم که دشمن هوشیار است.

محسن رضایی: احتمال داده‌ایم. با توجه به این ما [در جریان شناسایی‌ها در منطقه] اسیر هم داده‌ایم. [...] به نظرم دشمن فعالیت ما را می‌بیند، ولی می‌گوید [این جا] حمله‌ی اصلی ما نیست.

رحیم صفوی: ولی دشمن به فاو حساس است. محسن رضایی: از نظر سیاسی بله، ولی از نظر نظامی می‌گوید اگر ایران بخواهد حمله کند، با یک

تبدیل به یک طرح بدون اشکال و با ضریب اطمینان بالا جهت اجرای یک عملیات موفق می‌کرد. با مرور تدابیر و فعالیت قوای دو کشور - که به طور مختصر به آن اشاره شد - می‌توان به نکاتی دست یافت که از یک سو بیان‌گر قوه‌ی ادراک برجسته و دانش فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای تحت امر آن برای غلبه بر دشمن است و از سوی دیگر از غفلت و فریب خوردن عراق به دلیل ضعف فرماندهانش در آنالیز تحرکات ایران حکایت می‌کند. در واقع، جوهره‌ی فرماندهی سپاه، در برنامه‌ریزی و کنترل هوشیارانه‌ی شیوه‌ی شناسایی‌ها از دشمن نهفته بود. طوری که:

۱. در هر مرحله اطلاعات حاصل از شناسایی‌های انجام شده از دشمن، با دقت و حوصله‌ی فراوان واکاوی، پردازش و ارزیابی می‌شد. آنچه در فرایند تجزیه و تحلیل حائز اهمیت بود قابلیت اطمینان به داده‌ها و ارتباط دادن آن‌ها به هم بود. در این مرحله، سعی می‌شد بسیار سنجیده عمل شود تا نتیجه‌ی قابل اتکا و اعتنایی به دست آید. ۲. از نکات برجسته‌ی دیگر در اقدامات اطلاعاتی فرماندهان سپاه پاسداران - به ویژه فرمانده کل سپاه - محرمانه نگاه داشتن اطلاعات و به خصوص طرح و منطقه‌ی عملیات بود. بدیهی است هر چه عملیات مهم‌تر باشد، اطلاعات آن و ترفندهای ضد اطلاعاتی آن باید کاملاً محرمانه نگه داشته شود و زیرکانه اجرایی گردند. موفقیت عملیات والفجر ۸ در گرو حفظ اطلاعات مهم و عملیات ضد اطلاعات بود. فرمانده سپاه با افشاء مطالب کم اهمیت و انتشار شکست‌های اطلاعاتی از یک سو حساسیت نیروهای خودی را برای دقت در کارها و حفظ اطلاعات و اسرار بیش‌تر بر می‌انگیخت و از سوی دیگر دشمن را

گاهی آن را اطلاعات رزمی می‌نامند- بر برنامه‌ریزی و هدایت نیرو تمرکز دارد. در هر سه نوع اطلاعات بی‌تردید فرماندهان باید قدرت درک بالایی از وضعیت دشمن و منطقه داشته باشند، چراکه اطلاعات به منزله‌ی دانش است و دانش به منزله‌ی قدرت؛ افزون بر این، دانشی که یک واحد نظامی یا فرمانده نظامی از دشمن به دست می‌آورد به نوعی بنیاد کل عقاید او را در طراحی و برنامه‌ریزی برای غلبه بر دشمن می‌سازد.

آنچه به رشته‌ی تحریر درآمد، بیان‌گر فرایند تلاش قوای دو طرف درگیر (ایران و عراق) برای جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن و اقدامات بعضاً آشکار آن‌ها، با به کارگیری ترفندهای مختلف بود که به طور مستمر، برنامه‌ریزی شده و هدفمند به اجرا در می‌آمد. توجه به تدابیر فرماندهان و دستورات داده شده به تیم‌های اطلاعاتی و اقدامات مهندسی و سایر فعالیت‌های نیروهای خودی و دشمن برای ترسیم و تحکیم موانع، توسعه‌ی مواضع، ایجاد تغییرات تاکتیکی در آرایش نیروها و نقل و انتقالات در خطوط پدافندی به وضوح نشان می‌دهد که همه‌ی تصمیمات فرماندهان برای برتری بر دشمن بستگی فراوانی به فعالیت‌های اطلاعاتی انجام شده و آنالیز هوشمندانه و مستمر آن‌ها داشته است. زیرا در صورت تعلل، تضمینی برای اتخاذ تاکتیکی مناسب برای مقابله با تمهیدات و تهدیدات جدید طرف دیگر، وجود نداشت. بنابراین، چرخه‌ی اطلاعات از این نظر که بازدارندگی، مستلزم فعالیت اطلاعاتی و از اقدامات لازم و پیوسته‌ی پس از آن از جانب طرف‌های ذی‌نفع می‌باشد، به نحوی تکرارشونده ادامه داشت و طرفی برنده‌ی این ماراتون می‌شد که درکی عمیق و منطقی از این چرخه‌ی اطلاعاتی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌ها به دست آورده و آن را

* این ابهام و تردید در خصوص میزان هوشیاری دشمن و موفقیت عملیات تا آخرین روزها و ساعت‌های باقی‌مانده به عملیات همچنان وجود داشت، طوری که ۴۸ ساعت قبل از عملیات، فرمانده کل سپاه - که از همه به غافل‌گیری دشمن و پیروزی رزمندگان امیدوارتر بود- می‌گوید: «اگر تا ساعت ۱۱ امشب آتش دشمن [همچنان] کم باشد، معلوم است که در غفلت است.»

(سند شماره ۶۰۴ - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بررسی وضعیت دشمن - محمد درودیان، ص. ۶۹)

برداشت اشتباه از اطلاعات جمع‌آوری شده و درک نادرست از تاکتیک ایران شاید تا حدی متأثر از متغی شدن عملیات رزمندگان برای عبور از اروندرود در سال ۱۳۶۳ و نیز مشاهده‌ی فعالیت گسترده‌ی رزمندگان در منطقه‌ی هور بود و این مسئله بیش از پیش در فریب و اغفال دشمن تأثیر داشت.

۴. زمان‌بندی عملیات: عراقی‌ها به این نتیجه و باور رسیده بودند که حملات ایرانی‌ها بیش‌تر در فصل زمستان انجام می‌شود و براین اساس از نظر فرماندهان عراقی پیش‌بینی زمان تقریبی آن چندان مشکل نبود، در حالی که اساساً پیش‌بینی زمان عملیات از دشوارترین جنبه‌های هشداردهی است. در واقع اگرچه عراقی‌ها ممکن بود بتوانند تهاجمات ایران را بر طبق آنچه "جدول زمانی" می‌پنداشتند مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، اما تقدیم یا تأخیر روز آن سبب اعلام آماده‌باش‌های مکرر می‌شد، به تدریج با تداوم این رویه این آماده‌باش‌ها زنگ خطری دروغین یا عادی در واحدهای رزمی شد. طوری که چند ساعت قبل از شروع عملیات رزمندگان، در منطقه‌ی فاو اعلام آماده‌باش صددرصد داده شده بود، اما دقایقی قبل از عملیات، وضعیت آماده‌باش یگان‌های عراقی به حالت عادی تبدیل شد.

در مجموع می‌توان گفت که مسئولان عراقی استعداد و توانایی نیروهای ایران را دست کم گرفته بودند. رزمندگان با اعمال اقدامات حفاظتی شدید توانستند دشمن را در برآورد نقل و انتقالات منطقه‌ی آبادان - خرمشهر در مقایسه با هور کاملاً به اشتباه بیندازند.

علاوه بر این، فرماندهان عراقی بارها تحت تأثیر هنر فریب رزمندگان، اغفال شده بودند. در عملیات والفجر ۸ رزمندگان به طور هدفمند و هدایت شده با انتشار اطلاعات غلط و انجام دادن اقدامات آشکار و گاهی نیمه آشکار در منطقه‌ی هور توانستند عملاً عراقی‌ها را درباره‌ی مکان و زمان عملیات فریب دهند.

در تجزیه و تحلیل اهداف ایران دچار شک و تردید می‌کرد.

نکته‌ی مهم در اقدام ضد اطلاعاتی* نیروهای سپاه پاسداران این بود که آن‌ها توانستند با استفاده از این تکنیک در جهت خنثی‌سازی اطلاعات دشمن و فریب او خوب عمل کنند؛ به نحوی که با دادن اطلاعات گمراه کننده از طریق انتشار شایعات یا منابع شناخته شده مانند سخن‌رانی‌ها برخی مقامات مسئول جنگ و اقدامات فریب‌کارانه‌ی دیگر ذهن فرماندهان دشمن را از زمان و مکان اصلی عملیات منحرف کردند.

در مقابل این نقاط قوت ایران، قوای دشمن با چند ضعف عمده مواجه بودند، از جمله:

۱. شکاف در جمع‌آوری اطلاعات: خلأها و نواقص اطلاعات جمع‌آوری شده، دانش فرماندهان عراقی را تحت تأثیر قرار داده و در عمل آن‌ها را برای تصمیم‌گیری صحیح و اتخاذ تاکتیک‌های بدل دچار اشکال کرده بود.

۲. حجم زیاد داده‌ها: نیروهای عراقی در طول چند ماه فعالیت، اطلاعات فراوان اما متناقضی را از جبهه‌ها و مناطق گوناگون به اردوگاه فرماندهی ارسال کردند. به نظر می‌رسد تا حد زیادی فرایند تجزیه و تحلیل این اخبار و داده‌ها برای عراقی‌ها پیچیده شده بود و در نتیجه در برآوردها و ارزیابی‌ها پاره‌یی مسائل مورد غفلت قرار گرفت.

۳. تصورات قبلی: عراقی‌ها بارها و بارها درباره‌ی شیوه‌ی عمل رزمندگان اشتباه قضاوت کرده بودند و این متأثر از نوع نگرش‌شان بود. ظاهراً فرماندهان عراقی تصور می‌کردند که رزمندگان ایرانی در همان محوری عملیات انجام خواهند داد که آن‌ها فکر می‌کنند و از آن جا که هرگز احتمال نمی‌دادند که ایران اقدام به ریسک بزرگی برای عبور از اروندرود کند، توانمندی‌های ایران را دست کم گرفتند. این

* ضد اطلاعات به معنی اطلاعات گردآوری شده و فعالیت انجام شده برای حفاظت در برابر جاسوسی و سایر فعالیت‌های اطلاعاتی دشمن است.

منابع و مآخذ:

۱. برگرفته از کتاب مجموعه‌ی گزیده‌ی اسناد و عملیات بدر.
۲. سند شماره ۶۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه: بررسی وضعیت دشمن، محمد درودیان، اسفند ۱۳۶۷، صص ۸ و ۹.
۳. همان، ص ۱۲.
۴. مآخذ، ص ۱۵؛ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، برگرفته از قسمت اسناد ترجمه شده‌ی عراقی، ۱۳۶۴/۱۲/۲۴.
۵. همان، ص ۱۴.
۶. سند شماره ۱۶۵۹۴ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، داود رنجبر، ۱۳۶۴/۳/۱۸.
۷. مآخذ، ص ۲۷.
۸. همان.
۹. سند شماره ۱۶۷۰۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، داود رنجبر، ۱۳۶۴/۵/۱۶.
۱۰. سند شماره ۱۶۸۳۲ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی اطلاعات و عملیات قرارگاه خاتم، ۱۳۶۴/۸/۱۴.
۱۱. سند شماره ۱۶۸۸۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: جلسه‌ی عملیات قرارگاه خاتم، جواد زمان‌زاده، ۱۳۶۴/۹/۱۱.
۱۲. مآخذ، قسمت اسناد ترجمه شده عراقی.
۱۳. مآخذ، ص ۱۶.
۱۴. سند شماره ۱۱۰۹۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ی اطلاعاتی شماره ۱۲، واحد اطلاعات قرارگاه کربلا، ۱۳۶۵/۹/۲۰.
۱۵. سند شماره ۱۱۰۶۹ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، نگرشی بر کلیه‌ی فعالیت‌های دشمن، ۱۳۶۵/۹/۱۷.
۱۶. مآخذ؛ و سند شماره ۱۱۲۲۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ی شماره ۱۳، واحد اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، ۱۳۶۵/۹/۲۸.
۱۷. سند شماره ۱۱۲۷۰ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ی قرارگاه کربلا، ۱۳۶۵/۱۰/۱.
۱۸. مآخذ، ص ۳.
۱۹. سند شماره ۱۷۱۱۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: دفتر ۱۱۱۶ قرارگاه خاتم.
۲۰. سند شماره ۱۲۰۰۵، قرارگاه خاتم، ۱۳۶۴/۱۱/۱۳.
۲۱. سند شماره ۸۸۹۵۲ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: گزارش نوبه‌ی، اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، شماره ۱۷، ۱۳۶۵/۱۰/۲.
۲۲. مآخذ، ص ۲.
۲۳. مآخذ، ص ۱۹.
۲۴. گزارش ۶۴۲ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، حفاظت، فریب و غافل‌گیری، محمد درودیان، اسفند ۱۳۶۷.
۲۵. سند شماره ۱۱۸۸۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: ۱۳۶۵/۴/۱۰.
۲۶. سند شماره ۲۳۱۱۱ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: نامه به کلی سری ۵۳۵ فرمانده سپاه هفتم، ۱۳۶۵/۱۱/۱۵.
۲۷. سند شماره ۱۱۳۱۱ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: واحد اطلاعات عملیات قرارگاه خاتم، بازجویی از پناهندگان، ۱۳۶۵/۱۰/۵.
۲۸. سند شماره ۱۱۵۳۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: قرارگاه نوح، بازجویی از پناهنده‌ی عراقی (گروه‌بان سوم عبدالکریم عبدالزهره).
۲۹. سند شماره ۱۱۵۴۸ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: اطلاعات و عملیات لشکر ۱۹ فجر، برآورد اطلاعاتی، ۱۳۶۴/۱۰/۲۲.
۳۰. سند شماره ۱۱۷۹۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: اطلاعات و عملیات قرارگاه خاتم، ۱۳۶۵/۱۱/۵.
۳۱. سند شماره ۱۱۶۳ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: خلاصه‌ی وضعیت دشمن، اطلاعات و عملیات قرارگاه کربلا، ۱۳۶۵/۱۰/۱۷.
۳۲. سند شماره ۸۳۳۶۶ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس: مرکز فرماندهی ستاد مرکزی، ۱۳۶۵/۱۰/۲۷.
۳۳. مآخذ، ص ۲۶.
۳۴. مآخذ، ص ۳.
۳۵. مآخذ، نوار جلسه ۴۳۹، ۱۳۶۴/۱۱/۱۳.
۳۶. سند شماره ۶۴۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: بررسی وضعیت دشمن، محمد درودیان، ۱۳۶۷، ص ۶۹.
۳۷. مآخذ، نوار جلسه ۴۰۷، (۱۳۶۴/۱۱/۶) [در متن این مآخذ علامت گذاری نشده]



گزارش همایش نقش لشکر ۲۵ کربلا در عملیات فاو

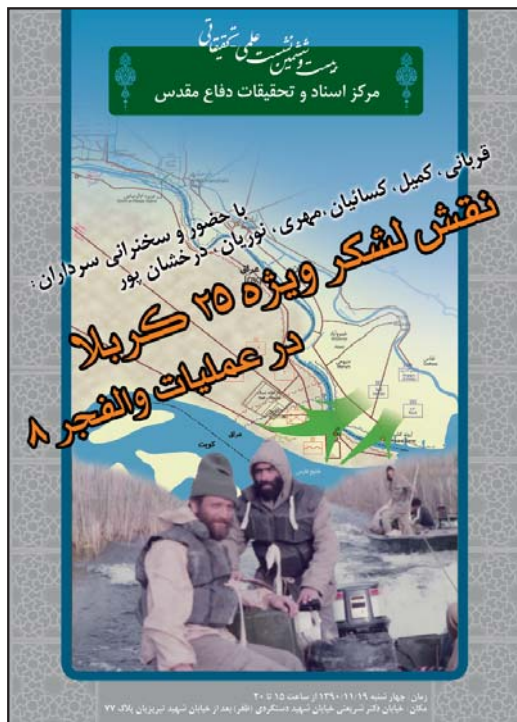
سیداحسان حسینی نسب

مقدمه

بیست و ششمین نشست علمی - پژوهشی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، با موضوع بررسی نقش و عملکرد لشکر ویژه ۲۵ کربلای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیات والفجر ۸، در سالروز برگزاری این عملیات در ساختمان اصلی مرکز برگزار شد و تعدادی از سرداران دوران دفاع مقدس که در این عملیات حضور پررنگ و مؤثری داشتند، در خصوص نقش لشکر ۲۵ کربلا سخنرانی کردند. بی تردید نمی توان نقش لشکر ۲۵ کربلا را در عملیات والفجر ۸ نادیده گرفت. این گزارش، مشروح سخنرانی سردارانی است که در عملیات والفجر ۸ حضور یافتند و حماسه آفریدند.

همایش بررسی نقش لشکر ۲۵ کربلا در عملیات فاو، در شب سالگرد این حماسه برگزار شد. در این همایش که رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، پژوهشگران، نویسندگان، اصحاب رسانه و فرماندهان لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸ حضور داشتند، زوایای گوناگون این عملیات بررسی و خاطراتی از روزهای پیش از این عملیات نقل شد. در آغاز این همایش، رمز عملیات در فضایی معنوی در سالن پخش گردید.

سخنران اول این همایش، دکتر حسین اردستانی ریاست محترم مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس بود. او با اشاره به این که جایگاه عملیات والفجر ۸ در دو بخش بررسی می شود تأکید کرد: یک بخش جایگاه عملیات والفجر ۸ در شرایط و وضعیت جنگ و استراتژی ایران برای دفاع از کشور تحلیل می شود و



بخش دوم نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸ است. به عقیده من، تثبیت و سقوط خرمشهر یک نقطه‌ی عطف در جنگ عراق و ایران است. بازپس‌گیری خرمشهر و فتح این شهر نیز تحول بنیادین دیگری است، با این تفاوت که پس از جنگ‌های ایران و روس و در دوران معاصر کشور، جنگ تحمیلی و مقاومت در مقابل تجاوز عراق، اولین مقطع و بزرگ‌ترین رویدادی است که ملت ایران در دوران بازیابی هویت خود تجربه کرد؛ بنابراین حضور کشورمان در جنگ تحمیلی کاری سترگ بود که در پیشینه‌ی ما در تاریخ معاصر



سردار احمد نوریان؛ تهران، سالن همایش مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ ۱۳۹۰/۱۱/۲۰

نمونه‌یی مشابه آن وجود ندارد و تا سال‌های دور هم پایمردی و مقاومتی شبیه به آن اتفاق نخواهد افتاد.

پس از عملیات خرمشهر، جنگ وارد شرایط و وضعیت جدیدی می‌شود. وضعیت عراق در صحنه‌های نبرد، وضعیت رزمندگان و جبهه‌ی خودی، روش‌ها، تاکتیک‌ها و استراتژی عملیاتی ایران در عملیات ثامن‌الائمه^(ع) تا فتح خرمشهر، نوعی استراتژی را بر اذهان فرماندهان دیکته کرد و با همان استراتژی بعد

از عملیات رمضان، وارد خرمشهر شدیم.

پس از خرمشهر، انقلاب اسلامی تاوان بیش‌تری برای جنگ باید می‌پرداخت، چون در خرمشهر بعد از انقلاب جنگ اراده‌ها درگرفته بود. یک سوی جنگ اراده‌ها امام، رزمندگان و امت حزب‌الله بودند، سوی دیگر این جنگ، نظام سلطه‌ی جهانی قرار داشت. دشمنان می‌خواستند بعد از انقلاب، این موازنه را به هم بزنند، اما در خرمشهر این برنامه به هم خورد.

جمهوری اسلامی به خاطر بر هم زدن این موازنه باید تنبیه می‌شد؛ به خاطر آن که جلو اراده‌ی هژمون بین‌المللی ایستاده بود. اتفاقاً این مسئله را حضرت امام بسیار خوب درک کرده بودند و بعد از فتح خرمشهر، در فاو، جنگ تا رفع فتنه را مطرح کردند. امام افق را می‌دید؛ پیام نوروزی امام در سال ۱۳۶۴ را با دقت بررسی کنید؛ گویی امام آن چهار ماه بعد از سقوط فاو را ترسیم می‌کند. این که امام چه دید که آن را در پیامش آورد را نمی‌دانیم...

در خرمشهر به رغم دست خالی، پیروز شدیم و در خیبر و بدر، جنگ وارد فاز جدیدی شد، اما نتیجه‌ی لازم گرفته نشد. والفجر ۸ نقطه‌ی بر

هم زنده‌ی موازنه مجدد در جنگ است؛ سقوط خرمشهر، فتح خرمشهر و سقوط فاو یک بار دیگر چه به لحاظ نظامی و چه به لحاظ سیاسی موازنه را به هم زد.

مسئله‌ی عبور از ارنود اعجاب جهانی را برانگیخته است. در مجامع جهانی از هیئت‌های ایرانی می‌پرسیدند شما چطور از فاو عبور کردید؟ به عقیده‌ی من اوج تدبیر ایران در زمان جنگ تحمیلی، عملیات فاو است؛ در فاو شما تجلی عقلانیت، برنامه، تسلط اندیشه‌ی نظامی و... را می‌بینید.

اما این که چرا عملیات فاو تا به این حد مهم است، دلیلی دارد. ما بعد از خرمشهر حدود چهار سال پشت دیوار دفاعی عراق متوقف شدیم و آقای رضایی به عنوان فرمانده جنگ پس از ورود به هور توانست از ارنودود این تغییر را بیرون بیاورد. مسئله‌ی دیگر که باید بر آن تأکید کرد، جسارت تصمیم‌گیری و ریسک انقلاب است. اساساً رویش‌های انقلابی هم‌راه با ریسک‌پذیری انقلابی است. یعنی پذیرش هزینه‌ی انقلابی است، هزینه‌هایش هم انقلابی است. اگر یک نظام برآمده

در ثواب مجاهدین شریک است، گذشت آن زمانی که در رختخواب می‌خوابیدند و در ثواب مجاهدین شریک بودند، نمی‌شود در بازار به یاد رزمندگان اسلام صلوات فرستاد اما معنی سیاه شدن انگشتان در سرمای پایگاه‌های قلل کردستان را نفهمید. اگر قیافه‌ی به ظاهر به خود بگیری و راست تا حوزه و دانشگاه و دبیرستان و محل کار راه بروید و فریاد جنگ تا پیروزی سردهی اما تشنگی در راه خدا را تجربه نکنی، در محاصره‌ی دشمن نیفتی جنازه‌ی برادر شهیدت را چند ساعت کول نکنی، مذهبی نیستی. صداقت در سینه‌پی نهفته است که با ترکش

از انقلاب بخواهد با مدل‌های کلاسیک رفتار کند باید در چارچوب‌های کلاسیک هدف‌گذاری کند، یعنی ابزار مورد نیازش را جور کند و هر جا هم نتوانست مقدمات را مهیا کند، دستش را ببرد بالا و شکست را بپذیرد. جمهوری اسلامی در جنگ هیچ‌گاه از این قاعده تبعیت نکرد و تسلیم نشد. چه این‌که در انقلاب هم این کار را نکرد. رهبری انقلاب هم این‌گونه فکر نمی‌کرد، امروز هم همین قاعده در روابط ما حاکم است.

ان‌شاء... پرچم اسلام را بر فراز گنبد امام حسین^(ع) به اهتزاز درآوریم

در بخش دیگری از این مراسم، پیام سردار مرتضی قربانی فرمانده لشکر ویژه ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸ که پس از خط‌شکنی پرچم مقدس حضرت رضا^(ع) را بر فراز مناره‌ی مسجد فاو به اهتزاز در آورد، قرائت شد. این پیام خطاب به مردم مازندران بود و متن کامل آن چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم. وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. در سرتاسر سنت معصوم این سیلاب خون مجاهد هست که همه‌ی ذهنیت‌های عافیت‌طلبانه را لایه‌روبی کرده است. زیر پای انبیای رحمت، خون موج می‌زند. مردان خدا که بیش از هر کس انسان را می‌شناسند آمده‌اند تا دست او را بگیرند و به بهشت برگردانند. آرمان، اعتقادات و بینش‌ها از زمان حضرت امیر تا فرزند امام عسگری یکی بود. فکر علوی و زندگی عبدالرحمن اوفه‌ای یا مذهبی باش و پای اعتقادات خود بایست و یا برو زندگی‌ات را بکن و عمرت را به پای غریزه‌ات بریز، انقلاب هوادار تمام وقت می‌خواهد. جوانی که نمازش را بخواند و در تمام این هفت سال که انقلاب زیر آتش و خون مقاومت می‌کند بین صف‌های پشت جبهه مانده و اخبار جنگ را از رادیو گوش می‌کند، فکر نکند که

دشمن در هم می‌باشد. نکند خدای نکرده دانشگاه سنگر باشد، دبیرستان سنگر باشد، محل کارتان سنگر باشد، فقط جبهه‌ها سنگر نباشد. اگر همه بخواهند خود را برای آینده‌ی اسلام حفظ کنند پس این اسلام امروزش را که یک خطر نقد چهره در چهره‌اش ایستاده است را چه کند و این آینده‌ی اسلام قرار است که برسد پس از اتمام جنگ. وفا داشته باشید. آن خطه‌های

مجاهدانه‌ی هورالهوریزه، آن سرمای کردستان، آن نمازهای عشق‌آلود فکر، آن راز و نیازهای خونین نخلستان‌های اروند را تا دست‌تان به جایی بند می‌شود از یاد نبرید، آن رفقای‌تان را، نام آن بچه‌های پاکی که با دست و پای قطع شده لب‌خند می‌زنند تا در خاکریز مقاومت تضعیف روحیه نشود را از یاد نبرید، برادران و خواهران وفادار باشید، دنبال زندگی نیفتد، انقلاب به شما نیاز دارد، وقت برای زندگی هست، اما این موقعیت از زندگی کمیاب‌تر و قیمتی‌تر هست. ملت مسلمان مازندران، درود

دکتر حسین اردستانی:

پس از خرمشهر، انقلاب اسلامی تاوان بیش‌تری برای جنگ باید می‌پرداخت، چون بعد از انقلاب جنگ اراده‌ها در گرفته بود. یک سوی جنگ اراده‌ها امام، رزمندگان و ملت بودند، سوی دیگر این جنگ، نظام سلطه‌ی جهانی قرار داشت

دارد. امری زیرساختی است، یعنی در همه‌ی بخش‌ها و ابعاد زندگی بشری آموزش نقش بسیار مهمی دارد؛ به ویژه در نیروهای مسلح سطح آموزش نیروها و کیفیت آموزش یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ارزیابی قدرت و توان رزم نیروهای مسلح محسوب می‌شود. متأسفانه بعد از جنگ در سپاه، به این اصل کم‌تر توجه شده است. ویژگی‌های آموزش و میزان نقش و تأثیر آن در عملکرد یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دلیل حضور نیروهای یگان‌های رزم سپاه در دوران دفاع مقدس از اهمیت بسیار ویژه‌ی برخوردار بود، چرا که نیروها بسیجی و مردمی بودند، بنابراین این گونه نبود که این نیروها به صورت دائمی در یگان‌های رزم فعال باشند، بلکه به صورت فصلی می‌آمدند و می‌رفتند، علاوه بر این که این نیروها دائمی نبودند، مردمی هم بودند و طبیعتاً سازمان رزم در میان این نیروها مرتب دست‌خوش حوادث می‌شد؛ یعنی یگان‌ها همواره تغییر می‌کرد و سازمان رزم و نیروها همواره در حال تغییر بودند.

این نیروها از اقشار، اصناف، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی و سنتی جامعه هم بودند، نیروهای مردمی در زمان جنگ تحمیلی شامل کارگر، کشاورز، محصل، معلم، دانشجو، دکتر و... می‌شدند. اساساً همه‌ی طبقات اجتماعی کشور در نیروهای مردمی که سپاه فرماندهی آنان را به عهده داشت، با نگاه ادای تکلیف در صحنه‌ی دفاع مقدس حضور داشتند. شگفتی‌های خلق شده در زمان دفاع مقدس به خاطر وجود نگاه اعتقادی و دینی و سیطره‌ی اندیشه‌های عاشورایی بر نیروهای حاضر در جنگ بود. اساساً بسیاری از اقدامات ما تحت تأثیر مسائل اعتقادی و دینی انجام می‌گرفت.

مسئله‌ی مهم دیگر این است که نیروها در سلسله مراتب تعلیمات نیروهای نظامی قرار نداشتند و آموزش ندیده بودند؛ این نیروها مانند ارتش‌های کلاسیک و سازمان‌های کلاسیک نظامی، سلسله

خدا بر شما انسان‌های پاکی که شایسته‌ترین دلیران جبهه‌ها در دامان شما پرورش یافته‌اند. در هر جای از جبهه [که] ندای ذلت و خواری دشمن به گوش می‌رسد، درخشش لاله‌های خونین پیکر و مرغان عاقد عشق آغشته به خون سرزمین لاله‌خیز مازندران جلوه‌گر است. من به عنوان یک خدمتگزار اسلام آن گونه که توانسته‌ام با عنایت خداوند و با نام مقدس بانوی پهلو شکسته حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها پرچم گنبد حضرت رضا^(ع) را با حمایت و شجاعت و دلیر مردمی فرزندان شما بر بالای گلدسته‌ی مسجد فاو به اهتزاز درآوردم، تا ان شاء الله با دعای خالصانه‌ی شما و روی آوردن به جبهه‌ها ضربه‌ی نهایی را بر پیکر پوسیده‌ی صدام زده و پرچم پرافتخار اسلام را بر گلدسته‌ی حرم حسین بن علی^(ع) به اهتزاز درآوریم، والسلام علی من التبع الهدی. برادر شما مرتضی قربانی فرمانده لشکر ویژه ۲۵ کربلا. جهت شادی روح همه‌ی شهدای این لشکر اجماعاً صلوات.

دکتر حسین اردستانی: مسئله‌ی عبور از اروند اعجاب جهانی را برانگیخته است. در مجامع جهانی از هیئت‌های ایرانی می‌پرسیدند شما چطور از فاو عبور کردید؟ به عقیده‌ی من اوج تدبیر ایران در زمان جنگ تحمیلی، عملیات فاو است؛ در فاو شما تجلی عقلانیت، برنامه، تسلط اندیشه‌ی نظامی و... را می‌بینید

ضرورت مسئله‌ی آموزش و آمادگی نیروها

در بخش دیگری از این مراسم، کمیل کهنسال جانشین لشکر ۲۵ کربلا در عملیات والفجر ۸ با موضوع آموزش و آمادگی نیروها برای حضور در این عملیات سخنرانی کرد. صحبت‌های این فرمانده را نیز در ادامه می‌خوانیم:

علت شکل‌گیری لشکر ویژه ۲۵ کربلا خود یک داستان مفصلی دارد که بحث آن، مسئله‌ی تاریخی است، اما آنچه که باید در این مقال به آن اشاره کرد، این است که آموزش جایگاهی بنیادین



سردار مرتضی قربانی؛ تهران، سالن همایش مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ ۱۳۹۰/۱۱/۲۰

مراتب نظامی مشخصی داشتند و البته در آن سلسله مراتب هم آموزش‌های لازم را دیده بودند؛ در میان نیروهای مردمی بسیج، افراد مختلفی اعم از پیر، جوان، قوی بنیه، ضعیف و افرادی با قدرت چشمی بالا، حضور داشتند، چنان‌که ما در یگان‌های مان نیروی سیزده ساله و هفتاد ساله هم داشتیم و این حضور همه‌جانبه، هنر و معجزه‌ی سپاه بود.

ما در مقابل ارتش بعث بود. در عملیات والفجر ۸ موجودی سپاه، نود گردان بود، در حالی‌که ارتش عراق در آن زمان دویست و پنجاه گردان پیاده به صورت آماده داشت؛ از آن‌جا که ترابری دشمن هم بسیاری قوی بود، می‌توانست با وجود همه‌ی موانع و استحکامات، به سرعت نیروهای خود را هرکجا که می‌خواهد منتقل کند. این نابرابری یکی از عواملی بود که در مسئله‌ی آموزش برای آماده‌سازی لشکر ویژه ۲۵ کربلا برای انجام عملیات والفجر ۸ نقش بسیار تعیین‌کننده‌ی داشت.

مسئله‌ی دیگری که باید بر آن تأکید کرد، وجود رودخانه‌ی خروشان اروند بود. ما در طول عملیات‌های مان تا آن زمان چنین عملیاتی نداشتیم، عملیاتی که هم در جنگل باشد و هم در رودخانه‌ی خروشان. هرچند که پیش از آن به دلیل عملیات در هور با آب آشنا بودیم و بسیاری از آموزش‌ها مانند آموزش غواصی و قایق‌رانی را آن‌جا دیده بودیم. اساساً بسیاری از تجهیزات و امکانات یگان دریایی و گردان‌های آبی و خاکی ما در هور شکل گرفت و

بنده به نقش سپاه خیلی اعتقاد دارم، شاید نود درصد نقش اساسی را در زمان دفاع مقدس سپاه ایفا کرد. معتقدم به دلیل این‌که سپاه توانست نقشی این‌گونه داشته باشد، بقیه‌ی نیروهای رزمی نیز احیا شدند و خودشان را پیدا کردند.

صدام در میدان مبارزه، مأمور شده بود انقلاب را ساقط بکند و هم‌پیمانان او هم همه چیز را در اختیارش قرار داده بودند؛ در چنین شرایطی سپاه با حضور نیروهای مردمی و با حداقل امکانات در برابر ارتشی مجهز و تحت فرماندهی ژانرال‌های کار کشته و آموزش دیده ایستادگی کرد؛ ارتشی باتجربه که سابقه‌ی جنگ‌های بسیاری را داشته و در کارنامه‌اش جنگ شش روزه با اسرائیل هم ثبت شده است. طبیعتاً این ارتش بسیار مجهزی بود.

وجوه تمایز عملیات والفجر ۸

در عملیات والفجر ۸ چند عامل وجود داشت که این عملیات را نسبت به عملیات‌های دیگر، منحصر به فرد کرده بود. اولین عامل، نیروی نابرابر نظامی

نیروهای ما هم در همان‌جا توجیه شدند، اما حقیقتاً عبور از رودخانه خروشانى مانند اروند مسئله‌ی نبود که تا آن زمان با آن مواجه شده باشیم. نکته‌ی دیگر آن است که با وجود همه‌ی مسائلى که در خصوص عبور اروند خروشان عرض کردم، همه‌ی نیروها مى‌دانستند باید بدون هیچ پشتوانه و تدارکاتی از اروند عبور کنند، چرا که عملاً برای عبور از اروند هیچ پل و جاده‌ی وجود نداشت. طبیعى است این مسئله تأثیر بسیاری در روحیه‌ی نیروهای آموزش داشت؛ آن‌ها مى‌بایست از جهت روحی و روانی نیروها را در سطحی از آمادگی قرار مى‌دادند که دغدغه‌ی عبور از اروند در ذهن آن‌ها از بین برود.

نیروها شناسنامه داشتند

مسئله‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم، مسئله‌ی سازمانی نیروها بود. در واقع گروهی وظیفه‌ی ارزیابی مجموعه و بازرسی را به عهده داشتند؛ تک تک نیروها شناسنامه داشتند و توانایی‌های آن‌ها در این شناسنامه‌ها ثبت شده بود. در کنار این مسائل، آموزش

در لشکر در سه سطح طرح‌ریزی شده بود؛ سطح عمومی، سطح تخصصی و سطح آموزشی. تقریباً اول دی ماه بود که به طور کامل سازمان لشکر کامل شد، به این معنی که نیروهای مورد نظر جمع شدند تا سازمان گردان‌ها کامل شود و طرح آموزشی هم که پیش از دی ماه به صورت شبانه‌روزی بر روی آن کار شده بود، با آغاز ماه دی به اجرا درآمد. تمرینات طرح‌ریزی شده، اوایل دی ماه در پادگان هفت تپه به اجرا درآمد. این پادگان مزیت‌های متفاوتی داشت،

سردار احمد نوریان: علت شکل‌گیری لشکر ویژه‌ی ۲۵ کربلا خود یک داستان مفصلی دارد که بحث آن، مسئله‌ی تاریخی است، اما آنچه که باید در این مقال به آن اشاره کرد، این است که آموزش جایگاهی بنیادین دارد. امری زیرساختی است، یعنی در همه‌ی بخش‌ها و ابعاد زندگی بشری آموزش نقش بسیار مهمی دارد

بودند، می‌دانستند این نیروها فردا و در شب عملیات، با چه مسائلی مواجه خواهند بود. بنابراین، بر روی توانایی غواص‌ها بسیار دقت می‌کردند و حتی برخی جا به جایی‌ها هم در نیروهای غواص انجام شد. به هر روی آموزش نیروهای غواص صورت گرفت و هم‌زمان با آموزش آن‌ها، قرار شد در مرحله‌ی که غواص‌ها چک شدند و آمادگی لازم را کسب کردند، منطقه‌ی شبیه به ساحل دشمن دقیقاً با همان موانع شبیه‌سازی شود.

مجموعاً باید گفت آموزش لشکر به حدی با کیفیت بود که در رودخانه‌ی خروشان که در آن طوفان و باد و باران و موج، کار را بسیار سخت کرده بود و حتی با وجود این مسئله که بعضی از غواص‌های ما اصلاً به هدف اصلی خودشان نرسیدند، توانستند در همان لحظه‌ی اول معبر را باز کنند. مثلاً به بعضی از معبرها تنها ۸ نفر رسیدند ولی همان ۸ نفر توانستند خط را بشکنند. تحت تأثیر کیفیت آموزش‌های انجام شده خطوط مقدم دشمن در کوتاه‌ترین زمان ممکن

می‌شد. در رزم روزانه بر روی تاکتیک‌ها، تیراندازی، کنترل و انسجام فرماندهی کار می‌شد، ارزیابی نیروها در طی دو هفته تمرین در پادگان هفت‌تپه انجام شد و فرماندهان توانستند نیروهای خود را بشناسند، نیروها هم فرماندهان خود را شناختند.

ضرورت توجه به آموزش غواص‌ها

وقتی به بهمن‌شیر آمدم دو گردان خط‌شکن حضور داشتند، گردان یا رسول(ص) و گردان محمد باقر(ع) که آموزش این دو گردان صد در صد بر طرح مأموریت این دو منطبق و متمرکز شد. این دو گردان به عنوان گردان‌های خط‌شکن می‌بایست حداقل شامل صد و پنجاه نفر غواص حرفه‌ی می‌شد. علاوه بر این، خود بچه‌های اطلاعات غواص‌های خبره‌ی بسیار خوبی داشتند، اما تعدادشان محدود بود. تمامی آموزش‌های غواصان، تحت نظارت نیروهای غواص اطلاعات عملیات صورت می‌گرفت. زمان آموزش غواصان در ساحل بهمن‌شیر، سردار شهید طوسی به اتفاق فرماندهان دو گردان خط‌شکن و تعدادی از نیروهای پرسنلی، تدارکات و بهداری مأمور شدند تا این دو گردان را با تمام توان پشتیبانی کنند. این پشتیبانی‌ها تا به حدی بود که دستور داده شد از شهرستان‌های هم‌جوار امکاناتی مانند عسل، شیرینی و چای برای این غواصان فراهم شود و حتی گروهی ملزم شده بودند به غواصان -که شبانه‌روز باید غواصی کنند- خدماتی ارائه کنند و حتی تعدادی از نیروهای غیرغواص این دو گردان، غواص‌ها را تر و خشک می‌کردند و بعضی‌ها با قاشق در دهان غواص‌ها عسل می‌گذاشتند تا نیروی آن‌ها تحلیل نرود و توانایی آن‌ها ارتقا پیدا کند.

از آن‌جا که شهید طوسی و دیگر برادرهای اطلاعات عملیات معبرها را دقیقاً شناسایی کرده بودند و خودشان هم رفته بودند و بازرسی کرده

سردار کمیل کهنسال:

مسئله‌ی دیگری که باید به آن اشاره کنم، مسئله‌ی سازمانی نیروها بود. در واقع گروهی وظیفه‌ی ارزیابی مجموعه و بازرسی را به عهده داشتند؛ تک نیروها شناسنامه داشتند و توانایی‌های آن‌ها در این شناسنامه‌ها ثبت شده بود

سقوط کرد و به تصرف درآمد؛ طبیعی است که این دستاوردها، اثرات و پیامدهای آموزش صحیح بود. تدبیر آقای رضایی این بود که لشکر ویژه‌ی ۲۵ کربلا ذوالفقار دست ایشان شود و گره‌ها و بحران‌های عملیات‌های آینده با حضور این لشکر حل شود؛ معتقدم اگر لشکر ۲۵ کربلا نبود، ما به این اهداف دست پیدا نمی‌کردیم؛ اگر لشکر ۲۵ کربلا و تدابیر آقای رضایی -که تدابیر تعیین‌کننده‌ی بود- وجود نداشت، شاید سرنوشت عملیات والفجر ۸ آن چیزی نبود که حاصل شد.

بچه‌ها می‌گفتند ما خط را می‌شکنیم، شما از جنازه‌های ما عبور کنید

در ادامه‌ی این مراسم، سردار علی‌اکبر پاشا نیز در خصوص نقش لشکر ویژه‌ی ۲۵ در عملیات والفجر ۸ سخنرانی کرد. مشروح صحبت‌های این فرمانده دوران دفاع مقدس چنین است:

سردار مرتضی قربانی شناسایی و آموزش را به عهده‌ی بچه‌های اطلاعات عملیات گذاشت. بچه‌های اطلاعات عملیات شب‌ها به شناسایی می‌رفتند و روزها هم آموزش گردان‌ها را به عهده داشتند. یعنی بچه‌های اطلاعات عملیات هم‌زمان آموزش گردان‌ها در بهمن‌شیر و شناسایی را در اروند انجام می‌دادند. مجموعاً در کل شناسایی‌های انجام شده، ۱۵۱ روز شناسایی شد، یعنی لشکر ویژه‌ی ۲۵ کربلا ۱۵۱ روز- به عبارتی پنج ماه و یک روز- در منطقه حضور داشت.

عملیات‌ها انجام شد.

یک ماه تمام بحث چگونه شکستن خط بود. افراد مختلف نظریات مختلفی داشتند. یکی می‌گفت باید تیپ بزند، یکی می‌گفت باید گردان بزند، یکی می‌گفت گروهان باید بزند. فرمانده اطلاعات عملیات وقت [سردار مرتضی قربانی] معتقد بود باید مثلاً ۲۵ نفر خط را بشکنند، اما شهید پوراسماعیل، شهید مجید سعادت، شهید روستا از جای‌شان بلند می‌شدند و می‌گفتند: «ما قبول نمی‌کنیم، اصلاً ما می‌رویم»، گفتند ما می‌رویم، خط را می‌شکنیم، شما بیایید از روی جنازه‌های ما بروید و نهایتاً هم همین‌گونه شد.

نکته‌ی دیگری هم که باید بر آن تأکید کنم

این است که اولین چای گرم را بچه‌های اطلاعات عملیات در قرارگاه سنگر بتونی نیروهای عراق خوردند. مهم‌ترین مسئله‌ی که باید بر آن تأکید کنم این است که ما از قبل، آموزش‌های مان را در هور دیدیم. پیش از عملیات هور، به دستور فرماندهی، سه نفر را به انزلی فرستادیم و این افراد در انزلی آموزش غواصی دیدند و بعدها در همین لشکر ۲۵ کربلا هم به سایر نیروها آموزش غواصی دادند.

والفجر ۸، پازل کاملی از یک عملیات موفق بود

سردار مهری نیز از دیگر سخنرانان این همایش بود. وی گفت:

از آن‌جا که در این همایش، بحث عملیات والفجر ۸ مطرح است و در این میان هم قرار است بیش‌تر نقش اطلاعات عملیات و شناسایی مطرح بشود، به همین خاطر باید تأکید کنم ما در لشکر ویژه‌ی ۲۵ کربلا که به فرماندهی سردار قربانی اداره می‌شد، سه برنامه داشتیم: برنامه‌ی قبل از عملیات، برنامه‌ی حین عملیات و برنامه‌ی بعد از عملیات.

قبل از عملیات، تدبیری در اطلاعات عملیات اتخاذ شده بود؛ به این ترتیب که در سه محور فعالیت‌های خود را انجام می‌دادیم. محور یک برادر عزیز، معیلی بود، محور دوم را که سردار پاشا در خصوص آن توضیحاتی ارائه کرد و محور سوم هم شهید غفاری بودند، که ایشان در منطقه‌ی هورالعظیم و بدر مستقر بودند و هم‌کار شناسی آن منطقه را انجام می‌دادند، هم فرماندهی آن محور را به عهده داشتند. یکی از تدابیری که سردار قربانی اندیشیده بود، فریب دشمن بود.

به نظرم اگر بخواهیم عملیات والفجر ۸ را تعریف بکنیم می‌توانیم آن را پازل کاملی بدانیم. یعنی در این پازل هر چیزی سر جای خودش قرار دارد: حفاظت اطلاعات، تخریب، پشتیبانی، خدمات پشتیبانی، توپ‌خانه، ادوات، مهمات و تسلیحات و...

مرتضی قربانی:
خداوند عنایاتی کرد و مرحله به مرحله خدا کمک‌مان کرده است و نام مقدس حضرت زهرا(س) هم توشه‌ی راه‌مان بود



سردار تقی مهری؛ تهران، سالن همایش مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ ۱۳۹۰/۱/۲۰

ما برای استقرار نیروهای اطلاعات عملیات دو منطقه داشتیم که یکی از آنها در اهواز بود و دیگری در هفت‌تپه. در این دو نقطه طرح فربشی وجود داشت؛ یعنی هرکسی از هرکدام از این پادگان‌ها خارج می‌شد برخی از نیروهای دشمن او را تعقیب می‌کردند تا بدانند بچه‌های اطلاعات به کدام سمت می‌روند. یکی از تدابیر برای شناسایی نشدن بچه‌های اطلاعات عملیات این بود که همه سمت، اندیمشک بروند و

در شرایط جزر واقع شد، به دلیل اینکه دشمن سر نیروهای ما را نبیند، تدبیری اتخاذ شد که در آن طی چهل تا پنجاه دقیقه می‌بایست همه‌ی نیروها از اروند عبور کنند. عرض اروند برخی نقاط دو کیلومتر و حتی در برخی نقاط دیگر تا سه کیلومتر ادامه داشت. عمده‌تأ زمانی که مد اتفاق می‌افتاد ما برای شناسایی می‌رفتیم و در این زمان، فاصله‌ی میان ساحل خودی با ساحل دشمن بسیار زیاد می‌شد؛ به نظر من پیچیده‌ترین کاری که نیروهای اطلاعات عملیات در والفجر ۸ انجام دادند، همین مسئله‌ی جزر و مد بود.

نکته‌ی بعدی، شناسایی دشمن در آن سوی رودخانه بود. ترتیب نیرویی که در اختیار ما قرار گرفته بود را به خاطر ندارم، اما سپاه هفتم یا گارد ساحلی مسئول این نهرها قرار گرفت. رودخانه‌ی اروند در شب عملیات ثابت بود، اما زیر آن در حال حرکت بود، اصلاً با توصیف برادر کمیل که رودخانه‌ی اروند را خروشان توصیف کردند، موافق نیستم، به اعتقاد من آن‌جا دریا بود.

پس از طی چند کیلومتر به آن سمت، یا دور بزنند و از جاده‌ی شوشتر بیايند پایین یا این‌که از یکی دیگر از جاده‌های فرعی استفاده شود.

استفاده از آب‌راه‌ها

بخش دیگری از کار اندازه‌گیری آب در آب‌راه‌ها یا نهرهایی بود که در آن منطقه قرار داشت، چرا که تعدادی نهر به ما واگذار شده بود و گفته بودند می‌توانیم از این نهرها استفاده کنیم. برخی از این نهرها وقتی مد می‌شد آب داشتند و زمان جزر دیگر عملاً در آن‌ها آبی وجود نداشت. تنها نهری که در منطقه‌ی لشکر ۲۵ کربلا خیلی مورد استفاده قرار گرفت و ما حتی در شرایط جزر هم که از آن استفاده می‌کردیم، نهر بوفلفل بود. ما تمام محاسبات مان را انجام داده بودیم و بچه‌های دیده‌بان و اطلاعات عملیات مرتب اشل‌ها را اندازه می‌گرفتند. حتی به یاد دارم در آن زمان بیش از سه متر اختلاف ارتفاع را هم شاهد بودیم، چنان‌که می‌شد گفت طولانی‌ترین مد در اواخر ماه اتفاق می‌افتاد. عملیات والفجر ۸

به خبرنگاران خارجی گفتیم لشکر ۲۵، لشکر ویژه‌یی است

سردار نوریان نیز از جمله سرداران دوران دفاع مقدس بود که در این مراسم خاطراتی در خصوص اهمیت نقش لشکر ۲۵ در عملیات والفجر ۸ نقل کرد: ما خبرنگارهای خارجی را به هور بردیم و من در زمان بازدید در قایق، برای آن‌ها در خصوص لشکر ۲۵ توضیحاتی دادم. به آن‌ها گفتیم این لشکر برای عملیات‌های مختلف، لشکر ویژه‌یی است؛ طبیعتاً آموزش‌ها در این لشکر سنگین است؛ افراد باید برخلاف ارتش که دسته‌بندی‌ها در آن معمولاً رسته‌یی است و هر کسی در یک رسته - مثلاً مخابرات - آموزش می‌بیند و در دیگر

رسته‌ها آموزشی نخواهد دید، در همه‌ی رسته‌ها فعال باشند، به این معنی که مثلاً در همین لشکر جوانی پانزده ساله حتماً هم آر.پی.جی. زن است، هم تیربارچی است، هم تک‌تیرانداز است و نهایتاً آموزش‌های مختلفی دیده است، واقعاً هم حجم آموزش‌ها در لشکر بسیار بالا بود.

مسئله‌ی دیگری که باید بر آن تأکید کنم این است که ویژگی‌های هفت‌تپه ظرفیت آموزش‌های گسترده را به ما داده بود. از اواخر سال ۱۳۶۴ قبل از عملیات والفجر ۸، از استانداری و شهرداری‌های مازندران آمدند، برنامه‌ریزی شد و توافق کردیم ۱۸۰ نفر از افراد شهرداری علی‌الدوام در لشکر بمانند. هفت‌تپه خیلی بزرگ بود و [مقرر شد] نقل و انتقالات داخل هفت‌تپه، با هم‌کاری واحد موتوری باشد و آن‌ها رزمنده‌ها را جا به جا کنند؛ مدخل ورودی لشکر هم ماکتی از کربلا ساختند و عزاداری‌های لشکر پیرامون آن شکل می‌گرفت و از این نظر، فضای معنوی بسیار خوبی ایجاد شده بود.

از سوی دیگر، در کمیته‌ی انضباطی هم با تخلفات خیلی جدی و با حساسیت برخورد می‌کردیم. سال ۱۳۶۴ حدود ۵۵۹۱ نفر حین مأموریت در کلاس‌ها درس می‌خواندند. در هورالعظیم که مأموریت داشتیم درس خواندن هم برقرار بود و آزمون‌های این درس‌ها را هم می‌آمدند و به شکلی می‌گرفتند. حتی کنکور تربیت معلم را در هفت‌تپه برگزار کردیم؛ حتی نیروهایی که در منطقه‌ی فاو در قرنطینه قرار داشتند را، تحت‌الحفظ می‌آوردند تا در آزمون شرکت کنند. نهایتاً شش ماه تلاش ما و فعالیت برای آماده‌سازی عملیات والفجر ۸، تلاشی همه‌جانبه بود.

لوازم یدکی‌مان را از تانک‌های سوخته‌ی عراقی برمی‌داشتیم

برادر قضاوی هم از جمله سخن‌رانان این مراسم بود. مشروح سخنان وی چنین است:

نیروی زرهی عراق برای ما تبدیل به غولی شده بود. البته ما از زرهی ارتش چیزی ندیدیم. ارتش یکی دو تانک زرهی انجام داد که هنوز شاید تانک‌های سوخته‌ی عراقی‌ها در منطقه باشد، اما به جز این‌ها ما چیزی از زرهی ارتش ندیدیم. نهایتاً ما به این نتیجه رسیدیم که حالا که تانک‌های دشمن را غنیمت گرفته‌ایم، آن‌ها را سازمان‌دهی کنیم و آموزش عراقی‌ها را یاد بگیریم. الحمدلله از عملیات بستان اولین تانک‌های دشمن را سازمان‌دهی کردیم؛ در یگان‌های مختلف، در عملیات فتح‌المبین و دیگر عملیات‌ها توانستیم تانک‌های بسیاری را غنیمت بگیریم و بعدها با تدبیر آقا محسن [محسن رضایی] تیپ ۳۰ زرهی و بعد از آن لشکر ۳۰ زرهی سازمان داده شد.

نهایتاً باید تأکید کرد زرهی هم دست‌خوش تحولات زیادی شد؛ در واقع ادغام تیپ ۲۸ صفر در لشکر ویژه‌ی ۲۵ کربلا یکی از مسئله‌های مهم در این خصوص بود. برادران یاسوجی و ما به عنوان تیپ ۲۸ زرهی، در قالب یک تیپ مستقل به لشکر ۲۵

مرتضی قربانی: خط اصلی را خنک‌دار شکست، اولین خط‌شکن خنک‌دار بود که آن‌جا شهید شد و خط بهشت را شکست و همه‌ی ما مدیون آن‌ها هستیم؛ همگی ما مدیون امام^(ره) هستیم. عملیات والفجر ۸ در حساس‌ترین لحظاتی که جمهوری اسلامی با مشکل مواجه بود انجام گرفت



سردار کمیل کهنسال؛ تهران، سالن همایش مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس؛ ۱۳۹۰/۱۱/۲۰

کربلا آمدیم و با این لشکر ادغام شدیم. آن زمان به دلیل پشتیبانی قوی اصفهان، سه گردان کامل هم تانک داشتیم به اضافه‌ی تعدادی تانک که در تعمیرگاه بودند. مجموعاً سه گردان تانک و یک گردان نفربر را به صورت آماده داشتیم. وقتی در لشکر ادغام شدیم، خود لشکر هم زرهی، نفربر و هم تانک داشت. این‌ها را از آن جهت مطرح می‌کنم تا دوستان در جریان عملکرد زرهی در عملیات والفجر ۸ قرار بگیرند.

یک دستگاه تانک را راه بیندازیم مجبور می‌شدیم که دستگاه تانک دیگری را اوراق کنیم، چون واقعاً قطعه‌ی مورد نیاز را نداشتیم مجبور می‌شدیم یک دستگاه را اوراق کنیم و وسایلش را در انبار بگذاریم تا برای تانک‌های دیگر استفاده کنیم.

سختی‌های آموزش نیروهای سرباز سپاه

آموزش این موضوع از ما زمان زیادی را می‌گرفت. با نیروهایی که تحت عنوان بسیجی به ما تحویل داده می‌شد، مشکلی نداشتیم؛ نیروهای کادری هم به همین شکل، اما نیروهایی که به عنوان سرباز سپاه می‌آمدند دو سال وقت ما را برای آموزش می‌گرفتند. نهایتاً باید وقت زیادی می‌گذاشتیم تا این سربازان را آموزش دهیم. البته به ما کم‌تر نیروهای کادری می‌دادند. عمدتاً فرماندهان تانک ما کادری بودند و بقیه، گلوله‌گذار یا راننده را از سرباز استفاده می‌کردیم. موضوع بعدی ما انتقال دستگاه‌ها بود. اساساً انتقال دستگاه‌های سنگین کار بسیار سختی است و با توجه به مسائل حفاظتی سختی این حمل و نقل

قبل از عملیات والفجر ۸ می‌بایست از تانک‌های مان نگه‌داری می‌کردیم؛ ما مثل گردان‌های پیاده نبودیم؛ وسایل سنگینی داشتیم که نگه‌داری از آن‌ها واقعاً مشکل بود و هزینه‌های سنگینی را به ما تحمیل می‌کرد. با توجه به این که ما نه پشتیبانی‌های ویژه‌ی داشتیم و نه قطعات یدکی، کار روزانه‌مان این بود که در بیابان‌ها بگردیم و تانک‌های سوخته‌ی عراقی‌ها را پیدا کنیم، قطعات‌شان را باز کنیم و بدهیم به پشتیبانی، چرا که برای مثال صفحه کلاچ تانک با توجه به وزن سنگینی که داشت مرتب می‌سوخت. نهایتاً از ذوب آهن اصفهان ساخت صفحه کلاچ تانک را پی‌گیر شدیم، چون تانک‌های ما روسی بودند و ذوب آهن هم روسی بود. ما نمونه‌ی صفحه کلاچ‌ها را به ذوب آهن دادیم و ذوب آهن تعدادی از آن‌ها را مشابه‌سازی کرد. صفحه کلاچ‌ها را توانستیم از ذوب آهن دریافت کنیم اما دیگر قطعات زرهی را از تانک‌های سوخته عراقی پیدا و از این قطعات در تعمیرگاه به عنوان قطعات پشتیبانی استفاده می‌کردیم. حتی بعضی از مواقع برای این که

تدبیر دیگری هم اندیشیده شده بود که تانک‌هایی [که] بین نخل‌ها پیاده کرده‌ایم چگونه بر پوششی که بین خطوط دشمن وجود دارد مسلط باشند. در این خصوص خیلی فکر کردیم؛ تدبیر دیگری که اندیشیده شد این بود که قرار بود ما یک‌سری از نیروهای زرهی را با توجه به این‌که در خان اولیه که تانک زرهی نیست بروند، بفرستیم به آن سوی زرهی... نکات دیگری هم البته مطرح بود که البته مؤثر واقع شد.

از دست دادن حسن تهرانی مقدم ضایعه بود

برادر مرتضی قربانی آخرین سخن‌ران این همایش بود. وی در جمع مهمانان در این همایش تأکید کرد: خداوند به ما توفیق داد با شهدای عزیزمان در بزرگ‌ترین عملیاتی که در جنگ تحمیلی صورت گرفت حضور داشته باشیم و یکی از محورهای آن ما باشیم، خدا را شاکریم از این‌که به ما توفیق داد و خط اصلی را خنک‌دار شکست، اولین خط‌شکن خنک‌دار بود که آن‌جا شهید شد و خط بهشت را شکست و همه‌ی ما مدیون آن‌ها هستیم؛ همگی ما مدیون امام(ره) هستیم. عملیات والفجر ۸ در حساس‌ترین لحظاتی که جمهوری اسلامی با مشکل مواجه بود انجام گرفت.

آن شب توانسته بودیم اسلحه‌هایمان را استتار کنیم؛ با شروع عملیات یکباره تیراندازی به سمت دشمن آغاز شد و دشمن هم در طی چند سالی که از جنگ گذشته بود چنین حمله‌ی ندیده بود. این حمله‌ی ما از لورچه بدتر بود و آن‌جا هم خداوند عنایاتی کرد و مرحله به مرحله خدا کمک‌مان کرده است و نام مقدس حضرت زهرا(س) هم توشه‌ی راه‌مان بود.

آقای حسن مقدم، ما در محاصره‌ی آبادان با ایشان آشنا و رفیق شدیم. ایشان از عملیات فتح‌المبین به سطح قرارگاه رفت. معتمد شهید حسن مقدم واقعاً اعجوبه بود و از دست دادن ایشان واقعاً ضایعه‌ی بسیار بزرگی بود.

بسیار بیش‌تر می‌شد؛ در کنار این‌ها، به خاطر این‌که باطری تانک نخواست باید هر روز آن روشن شود و روشن کردن تانک هم مسائل و مشکلات خاص خودش را داشت، مثلاً دود بسیار زیادی از آگزوز آن خارج می‌شد یا صدای آن ما را دچار مشکل می‌کرد. طبیعتاً می‌بایست همه‌ی این مسائل را تمرین می‌کردیم؛ این‌که چگونه تانک‌مان را سر پا نگه داریم یا این‌که شب عملیات بتوانیم از تانک‌هایمان استفاده کنیم. نهایتاً شب‌های عملیات دستگاه‌های تانک را از کمرشکن‌ها تخلیه می‌کردیم و به صورت چراغ خاموش می‌آوردیم.

پیاده کردن تانک از روی کمرشکن با چراغ خاموش در منطقه، سختی‌های خودش را داشت. اگر در سکوت شب استارت می‌زدیم و تانک را روشن می‌کردیم قطعاً دشمن متوجه حضور ما می‌شد. بنابراین باید تانک را می‌بردیم در منطقه‌ی تجماع در پشت اروند. مجموعاً به سختی توانستیم تعداد ۳۰ دستگاه تانک را به منطقه انتقال بدهیم.

در منطقه باطری تمام تانک‌ها را درآوردیم تا نیازی به روشن شدنشان نباشد. باطری‌ها را جداگانه زیر دستگاه‌ها قرار داده بودیم و به دلیل رعایت مسائل حفاظتی، خدمه را هم به هم راه نبرده بودیم. هر شب یک تانک را در منطقه قرار می‌دادیم و استتار می‌کردیم. حدود یک ماه مانده به آغاز عملیات، خدمه‌ی تانک‌ها را به منطقه آوردیم به خاطر این‌که منطقه شلوغ نشود، صرفاً توپچی‌های تانک‌ها را به پشت ساحل خودی آوردیم و با توجه به مأموریت آن‌ها، تک تک سنگرهای دشمن را شناسایی کردیم و مشخص شد هر تانک باید کجا قرار بگیرد و هر توپچی چه باید بکند و همه توجیه شدند. این آموزش‌ها به آن جهت انجام می‌گرفت تا نیروها جای تیربارها را یاد بگیرند و در واقع عملیات برای آن‌ها به اصطلاح ملکه شود و حتی چشم بسته هم بدانند که کجا باید شلیک کنند؛ البته این آموزش، کار بسیار سختی بود.

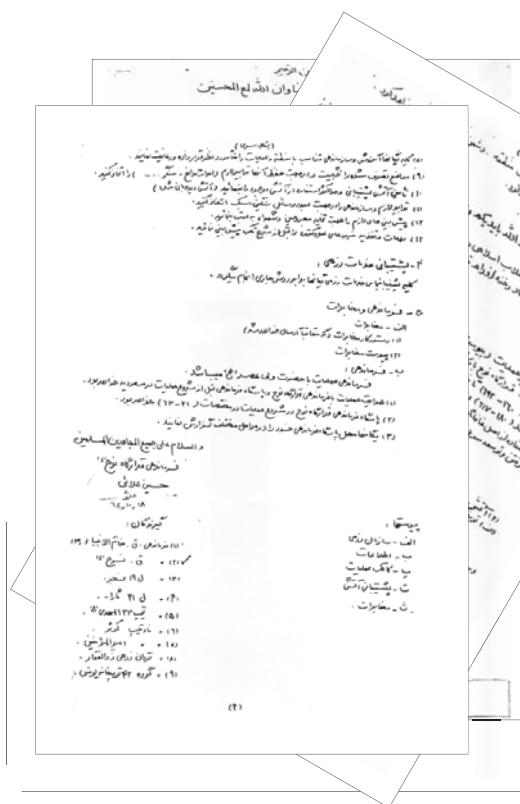


عملیات والفجر ۸ به روایت اسناد

حسن دری*

مقدمه

عملیات والفجر ۸ دارای ابعاد گوناگون و متعددی است که هر کدام نقش مهمی در شکل گیری این رویداد بزرگ دفاع مقدس داشته‌اند. اسناد فراوان نیز به تناسب آن بسیار فصلنامه‌ی نگین سندی درباره‌ی طرح عملیات قرارگاه نوح و نیز سندی درباره‌ی طرح اجرای آتش توپخانه‌ی این قرارگاه در عملیات والفجر ۸ درج می‌شود. گفتنی است که در عملیات والفجر ۸، قرارگاه نوح به فرماندهی حسین علایی در بخش جنوبی منطقه‌ی عملیات، با یگان‌های تحت امر خود یعنی لشکر ۴۱ ثارالله، لشکر ۳۳ المهدی، لشکر ۱۹ فجر، ناو تیپ کوثر و ناو تیپ امیرالمؤمنین وارد عمل شد و از جنوب فاو تا پایگاه موشکی به مواضع دشمن حمله و این منطقه را تصرف کرد.



* کارشناس و پژوهش‌گر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال دهم □ شماره سی و نهم □ زمستان ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم
والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا وان الله مع المحسنين
«بگلی سری»

نسخه ۲ از ۹ نسخه
قرارگاه نوح 'ه'
(مسعودیه)
۶۴/۱۰/۱۸

طرح عملیاتی شماره (۱) نوح

نقشه ۱، ۵۰۰۰۰ منطقه جزیره آباران، دهانه اروندر رود، خور عبدالله.
سازمان رزمی، پلیست الف (سازمان رزمی)

۱- وضعیت

الف - نیروهای دشمن، پلیست ب (اطلاعات)

ب - نیروهای خودی

(۱) قرارگاه خاتم الانبیاء ۳۳، در ساعت ۱۳، روز ۱۸، در منطقه عمومی جزیره آباران
تک نموده در مواضع دشمن رخنه و سرپی را در آنسوی اروندر رود تصرف و پس از توسعه

سرپی تک را بنظر تأمین ساحل خور عبدالله ارامد میدهد.

(۲) قرارگاه کربلا ۴۴ پس از اجرای عملیات نفوذی در آنسوی اروندر رود تک نموده و پس
از توسعه سرپی اهداف محوله را تأمین مینماید.

(۳) قرارگاه نوح، همزمان با قرارگاه کربلا ۴۴ در منطقه حد فاصل جداره طرف آرهانه اروندر رود
تک نموده و پس از نفوذ در مواضع دشمن ساحل خور عبدالله را تأمین مینماید.

(۴) پادفرهوائی قرارگاه خاتم الانبیاء ۳۳، در حد امکانات موجود عملیات رایشیایی مینماید.

(۵) قرارگاه مهندسی رزمی خاتم الانبیاء ۳۳، نیازمندیهای عملیات رایشیایی و تأمین
مینماید.

پ - زیر امر و جداره شده

در آن ادوات و اولیپ کوثر زرامتیب ۳۳ المهدی 'ع'

ت - فرضیات: **إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ**

(۱) دشمن قبل از تک ماتک عملدهای نخواهد داشت.

(۲) شروع تک با مافکیری خواهد بود.

(بگلی سری)

(۱)

۱۸
۱۷
۱۶
۱۵
۱۴
۱۳
۱۲
۱۱
۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱

بگلی سری
۱۱۴۸۷

(یکی سری)

۳) با توجه به موقعیت نظامی - سیاسی - اقتصادی منطقه ، دشمن مقاومت عمده ای خواهد کرد .

۴) دشمن از سلاحهای شیمیائی استفاده خواهد کرد .

۵) دشمن از برتری هوائی برخوردار است .

۲- مأموریت : قاتلوهم یعد بمرالدله باید یکم و یخزهم و ی نصر کم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین

قرارگاه نوح : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در ساعت ۱۳، روز ۱۰، در منطقه و آذاری با نت به ساحل دور اروندرود و ایجاد رخنه و قوا را تصرف سرپل نموده و سپس ساحل خور عبدالدا تا مین می نماید .

۳- اجراء :

الف - تدبیر عملیات رپیوست پ کالک عملیات

۱) مانور : قرارگاه نوح با یکا لیری یگانهای تحت امر در خط شامل تیپ ۲۳ محری ۸۰ حذافیل سر قاسمیه (۱۶۰ - ۶۹۲) تا خدر ششمین (۱۷۰ - ۶۴۲۵) و لشکر ۱۴۱ تا راندله حذافیل خدر ششمین (۱۷۰ - ۶۴۲۵) تا خدر حذر (۱۸۰ - ۶۱۷) و لشکر ۱۹ حذر حذافیل خدر تا خدر اطراف (۱۸۰ - ۶۱۷) تا (۱۹ - ۵۹) با استفاده از اصل غافلگیری به ساحل دور اروندرود تکت نموده و با ایجاد رخنه در مواضع دشمن اقدام به گرفتن و توسعه سرپل نموده و سپس همزمان با پاکسازی منطقه اهداف محوله را تأمین می نماید .

۲) آتش : پیوست پشتیبانی آتش

الف) توپخانه مستحق حذر : آتش تهمید مدت ۱۰ دقیقه طرهریزی و بنا بدستور اجراء میگردد .

ب) تقدم آتش بالشکر و فجر می باشد .

ب) پیا فند هوائی : تقدم آتش بترتیب با مناطق تجمع ، توپخانه ، پاسگاه فرماندهی ، بندهای پشتیبانی می باشد .

ب - لشکر ۱۹ فجر :

۱) در منطقه محوله به ساحل دشمن تکت کنید و پس از ایجاد رخنه سرپل را تصرف نماید .

۲) پس از توسعه سرپل اقدام به پاکسازی نخلستانها و مواضع دشمن نماید .

۳) در تقدم اول جاده دوم اسفالت را تأمین کنید .

۴) ساحل خور عبدالدا را تأمین نماید .

۵) در صورت عدم الحاق با قرارگاه کربلا جناح راست عملیات قرارگاه را تأمین نماید .

۶) رسیدن گودالها را به بلخین حسین اعلام نماید و اما دو باشد جهت ادامه تکت با دستور و هاستی .

۷) در دوران ادوات نارتیب اسیر المؤمنین را زیر بار ببرید .

پ - لشکر ۴۱ تارا شدر :

۱) در منطقه محوله به ساحل دشمن تکت کنید و پس از رخنه سرپل را تصرف نماید .

۲) پس از توسعه سرپل اقدام به پاکسازی نخلستانها و مواضع دشمن نماید .

۳) در تقدم اول جاده دوم اسفالت را تأمین کنید .

(یکی سری)

(۲)

- (یکای سرری)
- ۵۱) ساجل خرم عبدالله را آتش نماند.
۵۲) رسیدن گردانها به خط خرم حسین را اعلام و جهت تک بارستر و هماهنگی آمادہ باشند.
- ت - تب ۳۳ المهدی (ع) :
- ۱) آذوقه ادوات ناویتی کوثر را زیر امر بگیرد.
۲) در منطقه محاصره ساحل دشمن تک کتیر و پس از ایجاد رخنه سرری را تصرف نماید.
۳) پس از توسعه سرری اقدام به پاکسازی نفیستانها و بوضع دشمن بنماید.
۴) در قدم اول جاده اسفالت و بنی را آتش نماند.
۵) ساحل خرم عبدالله را آتش نماند.
۶) آمادہ باشند پس از آتش منطقه را احتیاط قرار داده قرار گیرند (در اولویت اول جهت یکا سرری در منطقه ساحل خرم عبدالله)
۷) رسیدن خدمت را به جاده اسفالت اطلاع دهد.
- ث - ناویتی کوثر :
- ۱) آمادہ باشند تا مورتی لوفس تک را انجام دهد.
۲) آمادہ باشند تا بدسترس و سابق ترابری ششین را به داخل منطقه خرمی انتقال دهد.
۳) ترابری ششین عین عملیات را بعهده بگیرد.
۴) از سرهای عصب - تعجب و حاج علی و تاسیم . استاده کنید
۵) گردان ادوات را زیر امر تب المهدی (ع) قرار دهد.
- ج - ناویتی امیرالمؤمنین :
- ۱) آمادہ باشند تا مورتی ترابری سبک و ششین عین عملیات را بعهده بگیرد.
۲) آمادہ باشند تا استقرار در محدوده لشکر قمر در سرحد بنا بر دستور در منطقه فوق بجا آورند.
۳) کدوهای ادوات را زیر امر شکر قمر قرار دهد.
- چ - گردان ۳۸ زرهی زوالعمار :
- ۱) آمادہ باشند تا تکلیف گردان جهت ششین خدمت استاده کنید.
۲) یکا کوتهای زیر امر عینای خط ششین قرار دهد.
۳) آمادہ باشند تا تکلیف را پس از پاک سازی منطقه عبور دهد و در ساحل خرم عبدالله برآورد نماید.
- ح - گروه ۴۲ ترهانه لوفس :
- ۱) آمادہ باشند تا تمام استعداد موجود و واندازی از درگاه خام یکاهای تک دور را پشتیبانی نمایند.
۲) با جدی آتش دقیق دیده بانی شده تردد دشمن در خرم عبدالله را آتش نماند.
۳) بر احداث هر چه سدی و اقدام بدفع ترهانه آتشهای خرمی یکاها تا به درگاه نظارت و بنی و سرری کنید.
د) محل تخلیه آتش را در محل تعیین شده در نزدیک ق تاکتیکی جلو برقرار نماید.
- خ - دستورات هماهنگی :
- ۱) کلیه یکاها پس از انجام تا مورتی آمادہ باشند در احتیاط قرار داده و قرار گیرند.
۲) پاک سازی خط اول دشمن را بطور کامل انجام دهد و پس از آن در خط اول مستقر شود جهت آتش نماند و بنی و سرری.
۳) مواضع موجود را بطور کامل پاک سازی نموده و جهت عبور و تردد و پشتیبانی آمادہ باشند.
۴) هماهنگی کامل بین یکاها برای عمل شکر یکاها را بطور احبت الحاق کامل برآورد.
۵) هر یکا یکبار پاک سازی مواضع و نفیستان در دو جناح در بدو سبب راست خط پراکندگی کلان دارد و مواضع را ایجاد کند.
۶) کلیه پرسن را به سبب و تجهیزات قرار در بدو سبب و سبب یکاها.
۷) در ساعاتی موجود ادوات . حفیر و شاک ۲۲۱۲۰ صالتر استاده و شکر در پشتیبانی از عملیات را بنماید.
- (۳)

- (بکی سری)
- ۲۸) کلیه تیپها آموزش سازماندهی مناسب با صنعت و عملیات را تا مورد نظر قرار داده و رعایت نمایند.
- ۲۹) مواضع تصرف شده را تقویت و در جهت حفظ آنها نیاز لازم را امداد دفاع - ستر ... را آماده کنید.
- ۳۰) تأمین آتش پشتیبانی و هدایت استفاده در آتش مورد نیاز انجام دهید (آتش دیده بانی شود)
- ۳۱) تدابیر لازم سازماندهی را در جهت مدیریت و کنترل دشمن در سبک اتخاذ کنید.
- ۳۲) پیش بینی های لازم را جهت تخلیه محرومین و سربازان عقب بنشینان.
- ۳۳) مهلت و تغذیه سربازان عقب نشسته را قبل از شروع تک پیش بینی نماید.

۴- پشتیبانی خدمات رزمی:

کلیه پشتیبانی های خدمات رزمی تیپها برابر روست جاری انجام شود.

۵- فرماندهی و مشاورات

- الف - مشاورات
- ۱) دستور کار مشاورات (که متعاقباً ارسال خواهد شد)
- ۲) پروتکل مشاورات

ب- فرماندهی:

- فرماندهی عملیات با حضرت ولی عصر (عج) میبایست:
- ۱) هدایت عملیات با فرماندهی قرارگاه نوح و پادشاه فرماندهی قبل از شروع عملیات در معرعه خواهد بود.
- ۲) پادشاه فرماندهی قرارگاه نوح در شروع عملیات در مختصات (۲۱-۶۳) خواهد بود.
- ۳) پادشاه محل پادشاه فرماندهی خود را در مراحل مختلف گزارش نمایند.

والسلام علی جمیع المجاهدين المسلمين

فرماندهی قرارگاه نوح

حیدر گلای

عبد

۱۸، ۱۰، ۶۴

گیرندگان:

۱) فرماندهی ق. خاتم الانبیا و ۱۳

۲) ق. نوح

۳) ل ۱۹ فجر

۴) ل ۴۱ مارا

۵) تیپ ۱۳۳ احمدی

۶) ناو تیپ کور

۷) امیرالمؤمنین

۸) تکران رزمی زوالفقار

۹) گروه ۴۲ تیپخانه یونین

پیوستها:

الف - زبان رزمی

ب - اطلاعات

ب - کالک عملیات

ت - پشتیبانی آتش

ث - مشاورات

(یکم سری)

طرح عملیاتی شماره ۱۱، سوخ

پیوست الف - سازمان برای درم

شماره ۱۹ خبر

۸ گردان پیاده مانوری

گردان دریائی

گردان ادوات

گردان مهندس

گردان پداری

گردان مخابرات

گردان شن ۰۴۰ ر

آ.ت. ۲۲۱۵۲

لشکر ۴ نارانشه

۸ گردان پیاده مانوری

گردان دریائی

گردان ادوات

گردان مهندس

گردان پداری

گردان مخابرات

گردان شن ۰۴۰ ر

آ.ت. ۲۲۱۲۲

تیب ۳۳ المهدی (ع)

۲ گردان پیاده مانوری

گردان دریائی

گردان ادوات

گردان مهندس

گردان مخابرات

گردان پداری

گردان شن ۰۴۰ ر

گردان پداری

ناویپ کوش

۲ گردان پیاده

۱ گردان ادوات

۳ گردان ترابری سنگین

ناویپ امیرالمؤمنین

۲ گردان پیاده

۲ گردان ترابری سنگین و سبک

۱ گردان ادوات

گروه ۴۲ ترابری پرنس

یکت.ت. ۲۴۱۰۰

یکت.ت. ۲۴۱۲۲

یکت.ت. ۲۴۱۲۰

گردان ۳۸ زهی ذوالفقار

(یکم سری)

(۵)

(یکم سمری)

پوست ب اطلاعات با طرح عملیاتی شماره ۱، دفع

مدرک ۱، نقشه ۱،۵۰۰۰۰ منطقه عملیات

۱ - خلاصه وضعیت دشمن

۲ - عناصر اصلی اخبار و سایر نیازمندیهای اطلاعاتی و وظائف واحد اطلاعات یگانها

الف - عبور از آب

- (۱) قانون دقیق جزو عمل آب در انتها، وسط و ابتدای نهرهای خوری متن به ارونز در درکل منطقه.
- در میزان استفاده از نهرهای خوری در جزو عمل در ابتدا، وسط و آخر ماه و در روزهای آنها.
- (۳) میزان پوشش و اختفاء در نهرها جهت نفوذات، قالیچه، پلها و تجهیزات.
- (۴) قانون دقیق جزو عمل در حاشیه شمالی وسط و حاشیه جنوبی ارونز در.
- (۵) تأثیر وجود کشتیها و دیگر اسباب داخل ارونز بر حرکت غواصها.
- (۶) میزان تأثیر نور ماه، وجود جزر یا مد در سبب انجام شدن حرکتها و پنهان ماندن آنها از دید دشمن.
- (۷) بهترین روش در شنیده حرکت غواصها جهت شناسائی (۳ نفره).
- (۸) انجام شناسائی توسط کشتیها یا خطوط دشمن در کل منطقه.
- (۹) یافتن سه نقطه در منطقه کشتیها و شناختن جهت عبور غواصها شناسائی و رفتن به عمق.
- (۱۰) هماهنگی جزو عمل و نور سبب جهت شروع حرکت نیروهای خط شکن.
- (۱۱) بهترین و مطمئن ترین روش جهت حرکت نیروهای خط شکن که در یک نقطه پیاده شوند (طریق طاب کش).
- (۱۲) روشهای استتار حرکت نیروهای خط شکن و حفظ هماهنگی.
- (۱۳) پیاده شدن غواصها در ساحل دور و محل گرفتن آرایش.
- (۱۴) نحوه عبور از موانع دشمن و رساندن خود به کشتیهای دشمن.
- (۱۵) محل مناسب جهت نیروهای شناسائی در صورت اسارت.
- (۱۶) زمانبندی ساعت شروع حرکت تا شروع درگیری با توجه به تهرنها در منطقه.

ب - شکستن خط دشمن

- (۱) یافتن ضعیف ترین نقاط خط دشمن در محدوده مشخص شده جهت عبور.
- (۲) اطمینان از وجود یا عدم وجود کمن یا روزه های دیگر تا خط اصلی دشمن.
- در اطمینان از وجود یا عدم گشتی در خط دشمن.
- در فاصله دقیق و نوع سلاحها در سببهای دشمن.
- (۵) یافتن سببهای اصلی و دریاچه های دستم و شن رخط و برنامه ریزی در آن.
- (۶) نحوه مطمئن اعلام محل شکستن خط و نقطه عبور نیروهای موج بعد.
- (۷) اطمینان از باز شدن موانع توسط تخریب در همان نقطه.

پ - دریا کشاری نخلستانها

- (۱) سازماندهی نیروهای جهت حرکت سریع به عمق برای یافتن محل نواذیهای دشمن، مسیرهای احتمالی پاتک اول و دشمن و موانع و خطوط دفاعی قدری.
- (۲) هدایت آنها به مختلف بر روی مناطق ذوق و ارسال سریع خبر به عقب و هدایت نیروها به آن سمت.
- در یافتن خط مناسب جهت تأمین جابجایی و خط خیز آنها نقطه.
- (۴) یافتن هرگونه تجمع احتمالی دشمن و خطوط دفاعی دوم و سوم.

(یکم سمری)

(۶)

- (بکمی سرری)
۱۵. بازخوبی تاکتیکی از عناصر دشمن که اسیر میشوند در رابطه با محل قرارگیری احتیاط، خطوط، منابع، ...
۱۶. جمع آوری و تعلیم نیروی سندی که در منطقه یافت میشود.
۱۷. بررسی وضعیت جاده ها و زمین منطقه و زمین منطقه خارج از منطقه جهت یافتن محروم های یک دشمن
۱۸. گزارش استفاده احتمالی دشمن از مواد شیمیایی در صورتیکه از مراحل عملیات.

- ث - در ادامه عملیات تا خط دفاعی.
۱۱. راهبانی گماشته جهت رسیدن به خط سبانی.
۱۲. بررسی وضعیت زمین و جاده ها جهت یافتن محروم های اصلی و فرعی یک دشمن و منابع احتمالی دشمن منطقه.
۱۳. گزارش هوادار به فعالیت دشمن به عقب جهت طرح ریزی های لازم.
۱۴. گزارش تا به حرکت دشمن در مسیرهای نیروهای خودی.

- ث - در خط دفاعی و رویه های بعد عملیات.
۱۱. گزارش رتبی و نظم و نظم حرکت دشمن با ذکر سمت، استعداد، نوع، سرعت و تعداد احتمالی با برآورد سریع مواقع دیداری در خط مقدم.
۱۲. گزارش تا به حرکت دشمن در خطوط خودی.
۱۳. یافتن نقاط ضعف و قوت حرکت دشمن و گزارش آنها به عقب.
۱۴. در صورت ورود نیروهای جدید خودی به منطقه قریب و دقیق نقطه توقف آنها.

- ج - وظایف کلی واحد اطلاعات در حین عملیات.
۱۱. تخلیه مقرهای اطلاعات اسراء در منطقه و تخلیه سریع به عقب جهت بازجوئی های تکمیلی.
۱۲. جمع آوری هرگونه مدارک دشمن و تخلیه سریع آنها به عقب.
۱۳. سازماندهی نیروهای پیرو جهت حرکت سریع و بدست آوردن اطلاعات لازم جهت ادامه عملیات.
۱۴. سازماندهی نیروهای بیک بین خط تا مقر و گردآوری و تبیین جهت انتقال اطلاعات مطمئن و سریع.
۱۵. در حین گزارش به شرف عملیات از ابتدای تا آخر وقت در نقاط ضعف کار جهت رفع آنها در آینده.
۱۶. وقت در حرکت دشمن و جمع بندی آنها از جهت حفاظت و از جهت نقاط قوت و ضعف نیروهای دشمن.

- د - اسناد و مدارک مورد نیاز
- الف. نقشه ها: برابری های توزیع می شود.
- ب. ممکن هادی: از طریق اطلاعات در صورت موجد بودن در اختیار ریکاها قرار میگیرد.

- ه - گزارشات
- الف. نقطه سژون، انشاء شدن و هرگونه بخطر افتادن اسناد و عملیات نظامی را سریعاً گزارش دهید.
- ب. به بعضی بر حسب با هرگونه عوامل اطلاعاتی (جاسوس، هواپیمای آذونات لازم را در مورد دیگری و همین بنابر).
- ج. هرگونه یافته ای در مورد اسناد و یا عملیات گردد سریعاً با شخصات کامل گزارش گردد.

خلاصه وضعیت دشمن

الف - ترکیب

سپاه هفتم عراق با در اختیار داشتن ۱۵ و ۲۰ نیروی دریایی در حدیب شتر سواره به افتد از غرب اردن را به بعد دارد که در منطقه سترگ این قرارگاه جنوبی خادتا رأس البیضاء نیروهای دریایی عراق با سه تیپ ۲۰ تیپ در خط دیک تیپ در احتیاط در این منطقه به افتد میگیرند.

دشمن خادتا سه نیروهای دریایی خادتا با توجه به کمی مسافت و وجود جاده های مناسب توسط نیروهای مستقر در منطقه می آید و در هرچین به سرعت تقویت کند.

(بکمی سرری)

(۱۷)

ب - گسترش

(یکی سیر)

سیروهای پیاده دریائی دشمن ازنا و رأس البیوم گسترش را ریزم شرح ریز

ناتیب ۷ سیر دریائی	در منطقه ما و
قارآه	در منطقه ام القصر
ناتیب ۷۷ سیر دریائی	منطقه رأس البیوم
تیب ۱۴ پیاده ساحلی	منطقه رأس البیوم
گروانهای ارم تیب ۴۰ پیاده ساحلی	منطقه ام القصر
قارآه و ناتیب ۷۷ سیر دریائی	منطقه راحم القصر
گروان ۳۲ تریخانم ساحلی	منطقه صحرای سیری دریائی
گروان ۲۲ دفاع العاجب	~ ~ ~ ~
گروهان سردان قورباغه ای	~ ~ ~ ~

۱ - فعالیت های مهم اخیر و سرنوشت دشمن

تقریباً و با بیانی ترجمه سیروهای خودی در رابطه با عملیات در منطقه اروند حساسیت دشمن در این منطقه سیری صغیری و تیزوی داشته است که سابقه آن به زمان عملیات تا سن الا نهم به بعد می رسد انجام عملیات چون خنجر و بلر احتمال عملیات را در این منطقه توسط سیروهای خودی برای دشمن محرز می شود که در پی آن عکس العمل های را در بر داشته است

ایجاد خط متحد و بهم پیوسته ای که تمام منطقه اروند را ۳۳ وصل نماید و ایجا و مواضع جلوه خط مواضع در خط و عقبه های مناسب همچنان ارام دارد که اخیراً هدرای را با ۴۲ رسیده است که شرح زیر می آید

تقریباً در تمام ساحل دور اروند بعد از منطقه مل و لای ، چیلان دنی در امتداد سیلند های قبلی که جهت عدم درودنا به داخل نخلستان ایجا و شده بود یک خط بهم پیوسته ای ایجاد گردید که دارای سنگ های مختلف جهت استقرار سیرو ها و سلاح ها و ادوات میباشد . دشمن جهت ارتباط کبک این مواضع جاده سراسری در پشت خط اول ایجا و کرد که اخیراً در قسمت رأس البیوم پایان رسیده

در منطقه خارج از نخلستان بقا طر استفا که کامل از زمین در تمام فصل سال دشمن اقدام ایجا و جاده های بلند و دره های قابل استفا ره جهت سیر و خد و رو و ... نموده است . همچنین در کناره های خور عبدا له مواضع و خاکدیز های عریضی جهت استقرار ادوات زرهی و - ایجا و نموده است

فصلنامه ای اخیر

- ۱ - تئین و انجام مواضع جلوه خط تقریباً در تمام منطقه
- ۲ - ایجا و جاده در پشت خط اول
- ۳ - ایجا و جاده های ارتباطی عقب و جلو
- ۴ - فعالیت سیر و مهندسی در منطقه خارج از نخلستان
- ۵ - ادامه نصب مواضع ضد هوا و گرد آفت و شنا و دره ها در ساحل خور عبدا - و اروند
- ۶ - انجام شناسائی و تکبیداری هدرائی بصورت دائم
- ۷ - اقتباس تیر و شنا و دره های دشمن از صحرایم تا سکرهای انگبر و العمید

(یکی سیر)

(۸)

ویژگیها و نقاط ضعف.

(یکم سری)

الف) ویژگیها

۱) پرسش در شرایط دشمن نظم، انجام کارهای مدرن و سخت خصوصاً در رابطه با ایما و حرائع، انجام کارهای مهندسی و - بصیرت حتمی می باشد شده است.

۲) اطلاعات دشمن ماسوره گیری از تجهیزات و امکانات عکاسی هوائی و پستهای مخابراتی و رادارهای مراقبت زمینی و رستهای رادار، عوامل عدم رعایت حفاظت در محاذات خودی و انجام آگاهانه فعالیتها و آواره سازی منطقه عملیات در سطح بالا و حفرین قرار دارد و کلیه فعالیتها را کنترل میکند.

ب) نقاط ضعف دشمن

۱) پرسش با توجه به آماده باش های مدرن دشمن و همچنین وحشت از هجوم هرجانه است و حزب اول هجوم های نبرد از وضعیت نامطلوبی برخوردار بوده و همواره تدبیر انتظار کننده قرار دارد که از لحاظ روانی لحظه های زیادی بر او پرسش دشمن دارد.

۲) اطلاعات، با توجه به عدم کلاسیک بودن کلیه فعالیت های خودی و عدم شناخت دشمن از لحاظ جغرافیایی کار (عملیات حفرین پنج سال جنگ) و دشمنی بودن فعالیتها در کل نتیجه ها دشمن از لحاظ وکتوری که بر فعالیت های خودی دارد است و نه کاسی نمیتواند داشته باشد.

۳) محاسبات، با عنایت خداوندی و تکرار روزگاران اسلام به باری تعالی و امدادهای غیبی که همواره پشتیبان و لایهای پاتک روزگاران بوده دشمن توان تحمل در برابر حملات خودی را نداشته و نتواند اعدا است. با توجه به شکل بودن فعالیت در این منطقه مخصوصاً در رأس البیضاء دشمن قادر به شناسایی نبردها بر کلیه اهداف خود در مواضع پتانسیل دست پیدا کند که این خود در عدم موقعیت در بداند و بسیار مؤثر است.

۴) ذهنیت قبیله دشمن منبئ بر عدم توانائی در جدگیری کردن از تسخیر خطر خنثی زیادی در نیروهای موافق مقدم دشمن وجود آورده که خود تک بزرگی میتواند باشد.

۵) محدود بودن عقیده های دشمن، وجود نفلسان و - باعث سردرگمی و عدم اطمینان از بداند مناسب نیست دشمن خدا هرگز که منخریم پاسیده شدن سازمان پایداری دشمن میگردد که سازماندهی محدود را نیز وجود نفلسان تقریباً غیر ممکن می سازد.

۶) تواناییهای دشمن

- دشمن میتواند از نیروی هوائی خود در منطقه بصیرت و سعی استناد نماید.
- دشمن قادر است با توجه به پایدار بودن این مواد در نفلسان (از مواد شیمیائی در حجم زیاد استناد نماید).
- دشمن قادر است که پس از ۲۴ ساعت (در اکثر) از نیروهای احتیاط مستقر در غرب اروندرود و در منطقه بصیرت جهت پاتک در منطقه استناد نماید.
- دشمن قادر است از کلیه امکانات همی کوئتری خود از طریق خور عبدالله، جهت منبر زدن به عقبه خودی استناد نماید.

تجزیه و تحلیل

با توجه به جایگاه دشمن در منطقه به تنها برای عداوت بلکه برای تمامی استکبار جهانی از لحاظ سیاسی و نظامی و - نیروهای بعضی دفاع سختی را در این منطقه از خود نشان خواهند داد و حتی در غیر خودی و در این سال استاده از سلاهای شیمیائی و مخرب دیگر حتی خواهد بود. انتظام ضروری حضرت خدائی نصیب مؤمنان اسلام بنمایند.

(یکم سری)

(۹)



پروستت مخابرات طرح و میانی شماره (۱) نوح

مدکت نشه ۱۰۵۰۰۰ منطقه عملیات

۱- وضعیت

الف - نیروی دشمن

(۱) پروستت (ب) اطلاعات

(۲) امکانات دشمن

«الف» دشمن دارای امکانات استراق سمع و بهره برداری از پیامها نیکه بدون توجه به قواعد صحیح بهره برداری تهیم و مخابره میگردند میباشد.

«ب» دشمن قادر است با استفاده از آنتنهای جهت یاب و دیده بانی محل استقرار سیستمات مخابرات خودی خصوصاً بیسیمهای پر زراد را پیدا و در جهت انهدام آن اقدام نماید.

«پ» دشمن دارای امکانات جنگهای الکترونیک بوده و قادر است در شبکه های رادیویی خودی ایجاد اختلال و پارازیت نماید.

«ت» دشمن در ارتباطات خود از دستگاههای رمزگشده و محرمانه استفاده مینماید.

ب - نیروی خودی

(۱) طرح عملیاتی شماره ۱ نوح

(۲) نیروهای خودی قادر خواهند بود از امکانات ارتباطی شرکت مخابرات موجود در منطقه با هماهنگی قبلی استفاده نمایند.

(۳) زیرمردوداشته ندارد.

۲- تأموریت

استقرار بهره برداری و نگهداری سیستمهای ارتباطی مورد نیاز فرماندهی جهت هدایت عملیات مخفی که قادر باشد با استفاده از سیستمهای ارتباطی قابلیت انعطاف در هر وضعیت نیکای تا به راه را کسرت و هدایت نماید.

۳- اجراء

الف - تدبیر عملیات

چون نیکای تا به در یک عملیات آتندی شرکت مینماید و وسیله اصلی ارتباطی پیک و امر بر خواهد بود و نیکای تا به منظور بر خور در این سیستم مداوم و مطمئن میگرداند با رعایت اصول و قواعد بهره برداری مخابرات از سایر سیستمهای ارتباطی غیر استفاده نکند.

(دیکتی سری)

(بکلی منسری)

ب - شکر ۱۹ فجر

ارتباطات خود را برابر روش جاری برقرار نداشتند.

پ - شکر ۲۱ مارشد

ارتباطات برابر روش جاری.

ت - یلب ۳۲ محرمی ۱۳۶۲

ارتباطات برابر روش جاری.

ث - ناو یلب کوثر

ارتباطات برابر روش جاری

ج - مغایرات قرارگاه

(۱) ارتباطات فرماندهی را با قرارگاه عملیاتی خاتم ۱۳۶ برابر دستور کار مغایراتی برقرار نداشتند

(۲) سایر ارتباطات برابر روش جاری.

د - دستورات هماهنگی

(۱) دستورات کلی

«الف» کلیه یگانها تا قبل از شروع عملیات ارتباط خود را با وسیله امر بر و یا وسیله برقرار نداشتند.

«ب» تا قبل از شروع تک سکوت را درونی کامل رعایت نکردند.

«پ» از مبادله هرگونه پیام و مکالمه شخصی در سیستم سیگنالهای ارتباطی بکلی خودداری

و از تلفتهای اف ایکن فقط جهت اسرار لازم غیر طبق بندی استنادده مشور.

«ت» یگانها قبل از شروع تک نباید در منطقه اقدام به نصب کل مغایراتی بنمایند.

«ث» نسبت انکله اکثر خطوط تلفنی از طریق ماکس و وراجی قابل مشور است کلیه فرماندهان و

مسئولین رعایت حفاظت کلام طبقه بندی لغات را بنمایند.

«ج» ارتباطات مربوط به خطوط بیادری طبق روش جاری سابق ادامه راسته و یگانهای مربوطه

این روش را حفظ نمایند.

«ج» کلیه مسئولین مغایرت یگانها خود را ارتباطی خود را با واحدهای تابعه یگان آماده و به

لجستارگاه ارسال دارند

«ح» پیش بینی های لازم در مورد تهیه هندنونه کد و رمز با هماهنگی با یگان همجوار جهت

استناد در احاطی، هدایت عملیات، کنترل آتشها و مبادله فرکانس و کد را بنمایند.

«خ» تراسر لازم در جهت تعامل با تاکتیکهای جنگ الکترونیک دشمن (سپن شبکه، فریب،

پخش یارزیت...) را اتخاذ نمایند.

(بکلی منسری)

«د» «کلمه مسئولین مخابرات یگانها در اسبوح وقت با هماهنگی آموزش نظامی، در ترمه‌های رده‌های دسته گردان، گردان، آموزش مخابرات را تا پایان ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ برگزار نمایند (در جهت تجمیع بیسیم‌چی فرمانده و دیگر عناصر مربوطه)»

«ذ» «علت مشکلات تبیم و سائل مخابراتی حضرت بیسیم و هرنه زیاد آن کلمه برادران بیسیم‌چی در جهت حفظ و نگهداری بیسیم مربوطه درجه و وسایل مذکور را با ثبت شماره سریال تحویل دهید تا پس از اتمام تأمین و وضعیت دستگاه از نظر راههای - سقوط - افتادن به دست رتبه‌های ...» معین شود .
«ر» «کلمه مسئولین مخابرات یگانها بصریات خود را در زمینه استفاده از بیسیم مناسب جهت ارتباط و روابط که معین و سائل رتبه‌های قرار گرفته است را بصراحت و اراعه تا در رابطه با مهندسی از آن استفاده گردد .
۱۲۱ مرکز مخابرات
تعمیمات محل مرکز مخابرات را بصرفه جایائی گزارش نماید .

۱۳. وسایل

- شبیه HF
- شبیه VHF
- شبیه باسیم

۴- اداری و لجستیکی

مراجعه و روشن‌سازی

۵- فرماندهی و مخابرات

الف - مخابرات

«ا» «کلمه معاد دستورات دستور کار مخابراتی که متعاقباً ارسال میگردد تابع اجراء است .
۱۲۱ محل مسئول مخابرات قرارگاه در قرارگاه و هنگام آن در قرارگاه تأسیس جبهه‌ها و رده‌ها .

ب - فرماندهی

«۱» «محل پاشا و فرماندهی در شروع نکت در مختصات ۲۱-۶۳ خواهد بود .
«۲» سایر یگانها محل پاشا فرماندهی خود را گزارش نمایند .

وما النصر الا من عند الله

فرماندهی مدارک و طرح «ا»

علائی

(یکای سری)

(دستی)

توضیح: (۱) از آتش توپخانه به ارس عملیاتی شماره (۱) توسط
مدیر: بنقده از ۱/۵۰۰۰۰ خسروآباد و ویدیه و فشار و نبرغان میر

۱- وضعیت

الف- نیروهای دشمن

(۱) - دشمن در مذاقه مورد نظر کمتر میتواند از توپخانه استفاده نماید لذا کار تا آتشبار

دشمن به یگانهای خودی در این قرارگاه کمتر میباشد.

(۲) - دشمن در این مذاقه کمتر میتواند از توپخانه خود استفاده نماید بنابراین بیشترین

فشار را بر روی تکهای هوایی میگذارد.

(۳) - دشمن به احتمال ضعیف قادر به استفاده از یگانهای توپخانه دریای میباشد که بیشترین

فشار را بر مذاقه این قرارگاه خواهد داشت.

(۴) - دشمن قادر است در فواصل زمانی کوتاه از مذاقه عملیاتی حکم برداری نماید که بیشترین

مواضعی که در عکس هوایی مشخص میشوند را نیز توپخانه میباشد.

ب- نیروی خودی

قرارگاه نسج در ساعت (۳) روز (۲) در مذاقه واگذاری با تدارک ساحل دور آروند رود و ایجا

رخنه اقدام ب تصرف سرپل نموده و سپس ساحل دور عبدالله را تامین مینماید.

پ- زیر امر و جدا عده

گد ۲۴۲ (۱۰۵) تی ۵۵ هواپرد از ۱۴/۱۱/۸۱ زیر امر قرارگاه قرار دارد.

گد ۳۳۶ (-) مدتها ل ۳۰ گرگان // // // //

۲- ماموریت

گروه توپخانه ۴۲ یونسك قرارگاه را بظلمتور با ۱۰ دقیقه آتش تهیه پشتیبانی نموده و

ضد آتش و سایر آتشیهای پشتیبانی را در طی عملیات اجرا مینماید.

۳- اجرا

الف- تقدم آتشیهای توپخانه صحرائی با لشکر فجر میباشد.

ب- سازمان برای رزم

گد (-) توپخانه ل فجر (مختلا)

کمل مستقیم ل فجر

گد (-) توپخانه لثارا (مختلا)

ل لثارا ۰۰۰ //

آتشوم گد ۳۳۶ (۱۰۵) //

تسویت ل فجر

(دستی)

(سری)

تقویت توبخانه ل فجر	گد ۳۳۶ (۲۲ ۱۰۵)	آت-پارم
// // //	گد ۳۵۲ (۲۲ ۱۰۵)	آت-سوم
تقویت توبخانه ل ثارا ۰۰۰	گد (-) ۳۵۲ تن ۵۵ (۲۲ ۱۰۵)	
تقویت توبخانه ل فجر	آت-عبد فاطمی گد ۴۲ ی (۲۲ ۱۳۲)	
عمل کلی	گد (-) ۳۳۶ ل ۳۰ (۲۲ ۱۳۰)	
عمل کلی	آت-مقداد گد ۴۲ ی (۲۲ ۱۳۰)	
عمل کلی	آت-سلیمان // (۲۲ ۱۰۰)	
عمل کلی	سته یکم // (کاتیوشا)	

پ- آتش مذاقه تی المهدی را تطبیق ل ثارا ۰۰۰، ارجحری و اجرا مینماید.

ت- دستورات مخصوص

(۱) - تابعیهای توبخانه لشگری موظف میباشند که گزارشات توبه ای روزانه (تلفات و

ضایعات خودی و مهمات مصرفی و دریافتی و موجودی و مهمات نقایذی و

گزارشات دیدبانی) را را ساعت ۷ صبح به تابعیه توبخانه قرارگاه ارسال نمایند.

(۲) - پیش بینی های لازم جهت ایجاد رونمایی در شب را انجام دهید .

(۳) - تیپ المهدی جهت هماهنگی آتش را با تابعیه توبخانه قرارگاه ۰۰۰ انجام نماید .

(۴) - چون در مذاقه عملیاتی مواد مهمایی بسیار بایدار میباشد لذا مشوا این یگانها

پرسنل تحت امر را در رابدها با بدافند ۰۰۰ م . ر کاملاً توجیه نموده و اقدامات

لازم را انجام دهند .

(۵) - چون تانک هوایی دشمن در مذاقه بسیار زیاد خواهد بود لذا یگانها بایستی بدافند

غیر عامل (استتار و اختفا و تفرقه) را کاملاً رعایت نمایند .

(۶) - یگانهای توبخانه تابعه میبایستی در مواقع تیر خورد از ۱۰۰۰ متر ارتفاع و امکانات

استفاده نمایند .

(۷) - کاپه نقل و انتقالات یگانها میبایستی در شب و بهر وسیله مستقیم انجام گیرد .

ث- آتشی

به یونیت المهدی (ایست آمان) مراجعه نمود.

ج- جدول

به یونیت ۱۰۰۰ م . ت . و ت . و جدول آتش مراجعه نمود.

(سری)

(سری)

۱- پشتیبانی خدمات رزمی

الف- در روز آماد مهیات ۲۰ روز اول عملیات بشرح زیر میبایند

کالبر	تعداد مهیات
۲۲ ۱۰۰	عدد
۲۲ ۱۰۵	// ۱۰۰
۲۲ ۱۲۲	/// ۲۰
۲۲ ۱۵۵	// ۱۰۰
۲۲ ۱۵۲	// ۴۰
۲۲ ۱۳۰	// ۴۰ (یگانهای ارتش ۳۲ عدد میبایند)
کاتیونا	// ۱۳۰

ب- نقده آماد مهیات

(۱) سپاه - متعاقبا اعلام میگردد

(۲) ارتش - سلمانیه

۵- فرماندهی و مخابرات

الف- مخابرات: دستور کار مخابرات شماره توپخانه گروه ۴۲ یونس

ب- فرماندهی: مرکز عملیات تاکتیکی توپخانه گروه ۴۲ یونس (۲۱-۱۳)

مختصات مرکز عملیات تاکتیکی خود را به این مرکز ارسال نمایند

فرمانده قرارگاه

(مهر)

ضمائم:

الف- لیست آماج

ب- کالک آماج

پهید جدول آتش تهیه

ت- جدول آتش گروه آماجها

ث- جدول آتش سری آماجها

(سری)

معرفی کتاب

زهرا حاج محمدی

شهید مهدی باکری

کتاب "شهید مهدی باکری" سومین اثر از مجموعه کتاب‌های "فرماندهان دفاع مقدس" به همت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و به اهتمام سعید سرمدی منتشر شد.

مجموعه مقالات، سخنرانی‌ها و گفت‌وگوهای دوستان و هم‌زمان شهید مهدی باکری در این کتاب ۱۰ فصلی گنجانده شده‌اند به دلیل هم‌راهی همیشگی شهید حمید باکری با برادرش شهید مهدی باکری، فصل آخر کتاب به این شهید بزرگوار نیز اختصاص یافته است.

تنوع نگارش و ویرایش کتاب به دلیل ماهیت متفاوت مطالب است که سخن‌رانی، دست‌نوشته، مقاله پژوهشی، روایت و تحلیل را در بر می‌گیرد.

کتاب "شهید مهدی باکری" که نتیجه بررسی و بازبینی و ویرایش مجدد مقالات منتشر شده در فصل‌نامه نگین، است، مشتمل بر یازده فصل است که پس از مقدمه و وصیت‌نامه شهید در فصل اول مقاله‌ای با عنوان "مروری بر سختی‌های جنگ و نقش شهید مهدی باکری در تحمل آن‌ها به قلم سردار دکتر غلامعلی رشید، به بررسی بخشی از زوایای شخصیتی شهید می‌پردازد.

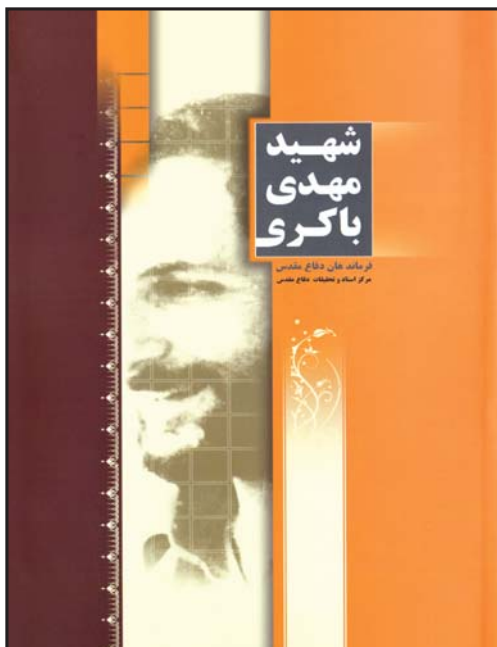
در فصل دوم با عنوان "باکری آن‌گونه که من شناختم" سخن‌رانی دکتر محسن رضایی در مراسم شب خاطره سال ۱۳۸۴ که به مناسبت بیست و یکمین سالگرد شهادت مهدی باکری در جمع هم‌زمان شهید ایراد شده بود که متن این سخن‌رانی پس از تلخیص و تنظیم مجدداً توسط محسن رضایی تکمیل و اصلاح شده است.

"اصول مدیریت و اصول جنگ" عنوان فصل سوم کتاب است که این بخش برگرفته از یادداشت‌های شهید باکری است که بدون تغییر در سبک نوشتاری ارائه شده است. اصولی مانند اصل شناسایی، اصل

به کارگیری تمام امکانات موجود، اصل غافل‌گیری، اصل تعرض، یا ابتدای به حضور و یا ابتکار عمل، اصل محاصره دشمن، اصل سلب فرصت و امکان تجدید قوا از دشمن، اصل استتار یا پنهان‌کاری، اصل انضباط دقیق، اصل مشخص بودن هدف از اصولی هستند که شهید باکری در بخش مدیریت جنگ در نظر داشته است.

دکتر سید یحیی صفوی در فصل چهارم کتاب با عنوان "گفتاری درباره شهید مهدی باکری" به بررسی زوایا و ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی، و فعالیت‌های شهید باکری پس از پیروزی انقلاب، نقش شهید در دفاع مقدس، نقش فرماندهی شهید باکری در دفاع مقدس، می‌پردازد.

در فصل پنجم کتاب، دکتر حسین علایی با نام بردن از شهید باکری به عنوان شهید اسلام که از سخن امام در این باره اتخاذ شده است بر پایه مطالعه سخن‌رانی‌های شهید باکری نگاشته شده است و نویسنده شهید اسلام را در اندیشه و عمل



باکری؛ شهید خیر" به قلم دکتر حسین علایی ضمن بیان خاطراتی از شهید کارنامه عملیاتی لشکر ۳۱ عاشورا در جنگ را مورد کندوکاو قرار می‌دهد.

ضمیمه کتاب با عنوان "شهید مهدی باکری به روایت تصویر" مجموعه تصاویری و عکس‌های منتشر نشده از شهید باکری ارائه می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب مصور و رنگی ۲۵۵ صفحه‌ای را با قیمت ۳۵۰۰ تومان در ۲۰۰۰ نسخه از مراکز و فروشگاه‌های معتبر فرهنگی تهیه کنند.

شهید حسن باکری

کتاب "شهید حسن باکری" از مجموعه کتاب‌های فرماندهان دفاع مقدس شامل مجموعه مقالات، سخن‌رانی‌ها و دست‌نوشته‌های شهید و مشتمل بر هفت فصل است که به همت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و اهتمام سعید سرمدی در ۲۲۰۰ نسخه و با قیمت ۳۲۰۰ تومان منتشر و عرضه شده است. این کتاب ۲۴۰ صفحه‌ای رنگی مصور و با جدول و نمودار، به زوایای گوناگون شخصیتی و فعالیت‌های فرمانده غلامحسین افشردی (حسن باکری) می‌پردازد. تهیه نقشه‌ای جامع و کاربردی از موقعیت جغرافیایی



در ۵ دوره زندگی در عملیات‌های گوناگون بررسی می‌کند همچنین ویژگی‌ها و دیدگاه‌های شهید باکری را مطرح می‌کند.

دکتر محمد حسین فرهنگی هم‌رزم شهید باکری و نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی در فصل ششم کتاب درباره ناگفته‌هایی از ابعاد شخصیتی او از جنبه‌های توصیفی و تحلیلی سخن به میان می‌آورد. مباحثی چون جامعیت، رهبری کاریزماتیک و مدیریت.

در فصل هفتم کتاب شهید مهدی باکری از

نگاه فرماندهان جنگ

از جمله سردار شهید احمد کاظمی، سردار مرتضی قربانی، سردار علی اکبرپور جمشیدیان، و سخنان شهید محلاتی درباره وصیت‌نامه شهید مهدی باکری روایت می‌شود.

در فصل هشتم مباحثی در خصوص تشریح عملکرد لشکر ۳۱ عاشورا

در گفت‌وگو با مهدی

باکری که در سال ۱۳۶۲ پس از عملیات والفجر ۱ در ستاد لشکر ۳۱ عاشورا در سایت ۴ و ۵ انجام شده است مطرح می‌شود.

در فصل نهم کتاب سخن‌رانی شهید مهدی باکری با موضوع "تبیین عملیات والفجر ۴" مطرح شده است.

در فصل دهم کتاب با عنوان "عملکرد لشکر عاشورا در عملیات بدر" دو گزارش آمده است که در گزارش اول به قلم مجید نداف به بررسی پشتوانه عملیات بدر پرداخته و در بخش دوم گزارشی در خصوص لشکر ۳۱ عاشورا در عملیات بدر می‌پردازد. فصل پایانی کتاب با عنوان "یادی از حمید

دکتر سید رحیم صفوی در فصل چهارم کتاب با عنوان "گفتاری درباره شهید مهدی باکری" به بررسی زوایا و ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی، و فعالیت‌های شهید باکری پس از پیروزی انقلاب، نقش شهید در دفاع مقدس، نقش فرماندهی شهید باکری می‌پردازد

شده است ارائه شده است.

در پایان نیز کتاب‌های تألیف شده در مورد شهید حسن باقری در زمان انتشار این کتاب معرفی شده است. کتاب‌هایی با عنوان‌های: "چشم جبهه‌ها"، "طول قدم‌ها"، "مسافر"، "چشم بیدار حماسه"، "هفت بند التهاب"، "یادگاران، کتاب باقری" و "سقای بسیج" از عناوین این کتاب‌هاست.

درس‌هایی از جنگ مدرن - جلد دوم

جلد دوم کتاب "درس‌هایی از جنگ مدرن" نوشته آنتونی کردزمن و ابراهام واگنر ترجمه حسین یکتا و با مقدمه و توضیحاتی از دکتر حسین علایی به همت نشر مرز و بوم با قیمت ۷۰۰۰ تومان و در تیراژ ۱۰۰۰ نسخه به موضوع جنگ ایران و عراق با نگاهی آمریکایی می‌پردازد.

کتاب "درس‌هایی از جنگ مدرن" با موضوع "جنگ ایران و عراق" ترجمه جلد دوم کتابی است که از فصل نهم تا پانزدهم را در بر می‌گیرد بخش عمده این جلد به ذکر وقایع دو سال پایانی جنگ از جمله "جنگ نفت‌کش‌ها" و "مداخله نظامی آمریکا و بعضی از کشورهای اروپایی از جمله انگلیس و فرانسه به نفع عراق در خلیج فارس" اختصاص یافته است. حوادث اتفاق افتاده در فاصله‌ی دی ۱۳۶۵ تا اواخر تیر ۱۳۶۷ فصل مهمی از تحولات جنگ است. زیرا در این دوره است که مداخله نظامی آمریکا و متحدین غربی‌اش به نفع عراق در خلیج فارس صورت می‌گیرد و جنگ در ابعاد شهری و دریایی و شیمیایی عراق به شدت توسعه می‌یابد؛ پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ از سوی ایران و برقراری آتش‌بس بین دو کشور نقطه پایانی این دوره است. در جلد دوم به عملیات انجام شده توسط ایران در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۶ از جمله عملیات‌های کربلای ۵ و والفجر ۱۰ و نیز تهاجمات عراق در سه ماهه آخر جنگ اشاره شده است. در این کتاب به تشریح نقاط ضعف و قوت نیروهای مسلح ایران، ارتش عراق نیز مشکلات داخلی نظامی آمریکا در خلیج فارس طی جنگ تحمیلی پرداخته می‌شود و رهنمودهای کلی برای ارتش آمریکا ارائه می‌شود.

مناطق جنگی، راه اندازی واحد اطلاعات عملیات سپاه، شناسایی عمق توانایی‌های خودی و دشمن، تلاش برای هم‌کاری و ارتقای روحیه وحدت در بالاترین سطوح فرماندهی ارتش و سپاه، پافشاری به جا و تأثیرگذار در حساس‌ترین لحظات تصمیم‌گیری و تبیین شرایط خاص جنگ برای رزمندگان از جمله بنیادی‌ترین عملکردهای شهید حسن باقری در دوران دفاع مقدس است که در این کتاب بدان پرداخته شده است. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس اقدام به انتشار کتابی از مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها و... کرده که پیش از این به صورت پراکنده در نشریه نگین چاپ شده بود. ویرایش چند گانه کتاب نیز به دلیل تنوع منابع آن است.

در بخش اول کتاب سردار دکتر غلامعلی رشید "در رثای نظریه پرداز جنگ" به قلم فرسای می‌پردازد. در فصل دوم کتاب با عنوان "نقش و جایگاه شهید باقری در طرح‌ریزی استراتژی نظامی و فرماندهی جنگ" سخنرانی سردار دکتر سید یحیی (رحیم) صفوی به مناسبت نوزدهمین سالگرد شهادت شهید باقری مطرح شده است.

در فصل سوم کتاب سردار حسین ظریف‌منش به بررسی الگوی فرماندهی و مدیریت شهید باقری به عنوان اسوه‌ای ناشناخته می‌پردازد. در فصل چهارم دست‌نوشته‌های شهید حسن باقری در موقعیت‌های مختلف عملیاتی مرور می‌شود.

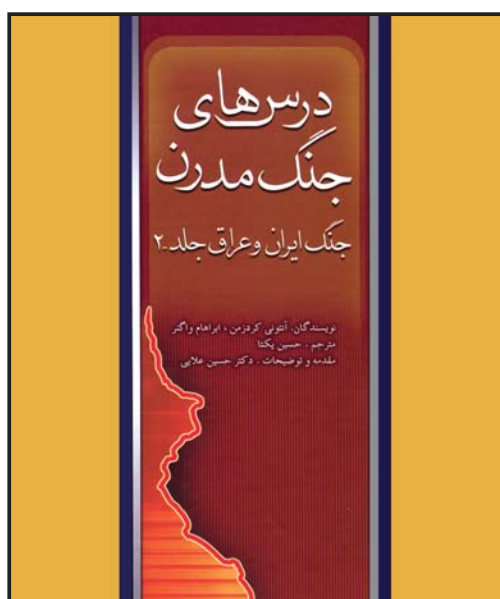
در فصل پنجم متن سخنرانی شهید حسن باقری فرمانده قرارگاه نصر در عملیات رمضان در جمع رزمندگان تیپ ۲۱ امام رضا پیرامون تحلیل روند جنگ قرار گرفته است.

در فصل ششم کتاب، علی مینو راوی شهید باقری در عملیات بیت‌المقدس و رمضان به بررسی زوایای مختلف شخصیت نظامی این شهید بزرگوار می‌پردازد. در فصل انتهایی کتاب، دست‌نوشته‌های شهید باقری که به اهتمام گروه پژوهش فصل‌نامه نگین در شماره ۱۰ در پائیز ۱۳۸۳ جمع‌آوری و منتشر

جنگ‌های هوایی، موشکی، دفاع هوایی، سلاح‌های کشتار جمعی می‌پردازد بر این اساس بیان شده است که گرچه نیروی هوایی تأثیر مهمی در جنگ داشته ولی اثر راهبردی و تاکتیکی عمده‌ای متناسب با کمیت و کیفیت سلاح‌های دو طرف نداشته است.

فصل چهاردهم به درس‌های جنگ‌دریایی به ویژه جنگ نفت‌کش‌ها اختصاص یافته است. گرچه در این فصل بعضی از مطالب فصول قبل با زبان دیگری تکرار شده است ولی جنگ نفت‌کش‌ها را مهم‌ترین جنبه جنگ در دریا بر می‌شمرد و فهرستی از حمله به کشتی‌ها از اول تا آخر جنگ ارائه می‌دهد. در فصل پایانی کتاب درس‌هایی برگرفته از جنگ مین از جمله برخورد نفت‌کش بریجتون با مین‌های شناور درس‌هایی برگرفته از عملیات اسکورت کاروان‌ها و برخوردهای نظامی پدید آمده در جریان محافظت از نفت‌کش‌ها توضیح داده می‌شود و از جمله ناو وینس به پرواز شماره ۶۵۵ هواپیمایی هما اشاره دارد.

با توجه به مغایرت برخی مطالب کتاب با واقعیت، دکتر علایی در پانوشته‌ها این موارد را تذکر می‌دهد. به هر حال مطالعه این کتاب که با دیدگاهی آمریکایی نوشته شده است می‌تواند از جهاتی برای خوانندگان ایرانی مفید باشد.



در فصل نهم از توجه جدی عراق به جنگ در خلیج فارس سخن به میان آمده است و حمله به پایانه‌ها و تاسیسات نفتی ایران در جزیره خارک و توسعه جنگ نفت‌کش‌ها با استفاده مداوم از موشک‌های اگزوسه فرانسوی و خسارت وارد شده به ایران شرح داده شده است. نویسندگان در این فصل توضیح می‌دهند که هرگاه عراق در جبهه‌های جنگ زمینی تحت فشار نظامی ایران قرار می‌گرفت و احساس می‌کرد شانس برای برقراری آتش بس ندارد می‌کوشید با جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج فارس دامنه جنگ را گسترش دهد شیوه‌های مقابله به مثل ایران که با استفاده از جنگنده‌های نیروی هوایی، ناوهای نیروی دریایی، قایق‌های تندرو، موشک‌های کرم ابریشم، جنگ مین صورت می‌گرفت نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نقاط قوت و ضعف آن‌ها بیان شده است.

فصل دهم کتاب به حوادث چند ماه اخیر جنگ به ویژه حملات ارتش عراق و نیروهای منافق به مواضع قوی ایران و باز پس‌گیری مناطق تحت تصرف رزمندگان می‌پردازد و آن را مرحله‌ی جدیدی از جنگ می‌خواند. تغییر شیوه‌ی جنگی ارتش عراق از دفاع ایستا به تهاجم، حضور نیروهای غربی در خلیج فارس، دیپلماسی ضعیف ایران، شکست‌های نظامی از دلایل بروز این مرحله از جنگ برشمرده شده است. در نهایت در این فصل نتیجه‌گیری می‌شود که مسائلی مثل جنگ شهرها، نگرانی فزاینده از به کارگیری سلاح شیمیایی از سوی عراق و... از عوامل پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و تمایل ایران به آتش‌بس بوده است.

فصل یازدهم به مدیریت جنگ و مشکلات ایران و عراق در این زمینه اختصاص یافته است.

فصل دوازدهم به موضوع رسته‌های مرکب و جنگ زمینی می‌پردازد. گرچه حملات پیاده نظام عمده‌ترین عامل پیش‌رویی طرفین جنگ به ویژه ایران بوده است. ولی این کتاب معتقد است هیچ یک از طرفین نتوانسته‌اند از ظرفیت کامل تسلیحات زمینی خود استفاده کنند.

فصل سیزدهم به درس‌ها و تجربیات ناشی از

حسن دری^{*}

ارتش و فضا

(عملیات و انفجر ۸)

سرهنك هيبت الله اسدي

با گذشت بیش از بیست و پنج سال از عملیات افتخار آفرین "والفجر ۸"، همانند دیگر ابعاد دفاع

* کارشناس و پژوهش گر مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

فصل دوم کتاب دارای سه بخش است که در هر بخش به نقش یکی از نیروهای زمینی، هوایی و دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر ۸ پرداخته شده است. نویسندگان در این فصل با ارائه چند سند و مصاحبه و برداشت‌های شخصی، نقش ارتش را از طراحی تا پایان عملیات، به تفکیک سه نیرو به اختصار بیان کرده است. بیش‌ترین مطالب در این فصل در مورد عملکرد توپخانه‌ی ارتش در بخش نیروی زمینی است.

فصل سوم کتاب به دستاوردهای آموزشی توپخانه در عملیات می‌پردازد. نویسندگان در این فصل نقاط قوت و ضعف عملکرد واحدهای توپخانه در عملیات والفجر ۸ را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. ملاک ارزیابی نویسندگان، در این فصل اغلب مصاحبه‌هایی است که با برخی خدمه‌های توپ و فرماندهان واحدهای توپخانه - که جمعاً بیست نفر می‌باشند - انجام شده است، در پایان فصل نویسندگان دلیل این امر را دسترسی نداشتن به اسناد و مدارک مربوط به عملیات والفجر ۸ اعلام می‌کند.

هدف و اهمیت کتاب

به طور معمول، نویسندگان هدف از نگارش کتاب را در مقدمه‌ی آن بیان می‌کند، اما در این کتاب نگارنده در بخش سخنی با خوانندگان، هدف خود را چنین بیان کرده است: «ارتقاء فرهنگ سازمانی، نگاه آموزشی داشتن و نمایاندن هم‌کاران خود و احترام به پیشکسوتان»

نویسندگان به دلیل آشنایی نداشتن با مفهوم واژگان، نتوانسته به طور صحیح، هدف پژوهش خود را بیان کند، اما آن‌گونه که از متن کتاب بر می‌آید وی کوشیده تا نقش‌آفرینی نیروی زمینی، دریایی و هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در عملیات والفجر ۸ را بیش از آنچه بوده است، مورد توجه قرار دهد.

درباره‌ی ابعاد گوناگون این عملیات و نگارش آثاری در این زمینه پیردازند، اما متأسفانه تاکنون تنها تعداد اندکی (کم‌تر از ده عنوان) کتاب در خصوص این حماسه‌ی عظیم منتشر شده است.

نوشتار حاضر به معرفی، نقد و بررسی کتاب ارتش در فاو که در خصوص عملیات والفجر ۸ به نگارش در آمده است، می‌پردازد.

معرفی کتاب

کتاب ارتش در فاو (عملیات والفجر ۸) نوشته‌ی سرهنگ هیبت‌الله اسدی، در قطع وزیری و ۲۶۱ صفحه با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و بهای ۳۰۰۰۰ ریال توسط انتشارات ایران سبز (وابسته به هیئت معارف شهید صیادشیرازی) در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است. در ابتدای کتاب نخست توضیحاتی در مورد هیئت معارف شهید صیادشیرازی و نیز نویسندگان و آثار وی آمده، و بعد از پیشگفتار و سخنی با خوانندگان، نویسندگان به موضوع اصلی کتاب می‌پردازد.

با گذشت بیش از بیست و پنج سال از عملیات افتخارآفرین "والفجر ۸"، همانند دیگر ابعاد دفاع مقدس، تنها اندکی از زوایای گوناگون آن مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و آثار معدودی در خصوص این حماسه‌ی ارزشمند به رشته‌ی تحریر درآمده است

کتاب شامل ۳ فصل است:

فصل اول با عنوان "طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸" ضمن بازنگری نتایج عملیات‌های رمضان تا والفجر ۸، نگاهی اجمالی به عوامل تأثیرگذار در عملیات والفجر ۸ دارد. این فصل با بیان آخرین وضعیت نیروهای ارتش و سپاه و نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد. در این فصل آنچه مشاهده نمی‌شود طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸ است و فقط موضوعات پراکنده مورد بازبینی و نقادی قرار گرفته است.



اسناد موجود (که در کتاب آمده است) کمک قابل توجهی در تدوین یک کتاب جامع نخواهد کرد، اما همین اسناد محدود، نشانه‌ی خوبی برای شروع و تعیین روش تحقیق در عملیات به حساب می‌آیند. بنابراین کار را ابتدا با مراجعه به یگان‌های توپخانه و سپس به قرارگاه‌های درگیر پی‌گیری نمودم و از طریق گفت و گو با هم‌کاران به این واقعیت کاربردی رسیدم که دامنه‌ی شرکت یگان‌ها فراتر از آن است که فقط توپخانه را شامل شود. به همین انگیزه دامنه‌ی فعالیت خود را توسعه دادم و تحقیق را با عنوان "ارتش در فاو" پی گرفتم.

وی در پایان یادآور می‌شود: "به منظور جذاب کردن کتاب، از ادبیاتی متفاوت در نگارش آن بهره برده است." همچنین برای بهره‌گیری از دستاوردهای آموزشی این عملیات و طرح آن در کلاس‌های آموزش، فصلی را به این مبحث اختصاص داده است.

متأسفانه نویسنده بی آن که آگاهی کافی از موضوع و روش تحقیق داشته باشد، علاوه بر تضعیف ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدیریت جنگ را مورد چالش و نقدی بی‌اساس قرار داده و بدین ترتیب، خدشه‌یی به تاریخ جنگ وارد کرده است.

کتاب ارتش در فاو که با رویکرد عملیاتی-تحلیلی نگاشته شده است به دو دلیل عمده فاقد اهمیت لازم می‌باشد:

۱. نداشتن چارچوب و ویژگی علمی (به دلایلی که در ادامه بیان خواهد شد).

۲. اطلاعات گردآوری شده و ادعاهای نویسنده نسبت به موضوع کتاب ناقص و مبهم است و بیش‌تر آن‌ها فاقد ارزش اسنادی می‌باشند. البته نویسنده چندین بار در کتاب، به نبود اسناد و مدارک عملیات والفجر ۸ در سازمان ارتش اشاره کرده است، با این حال به تحقیق، بدون در اختیار داشتن اسناد و مدارک، اصرار ورزیده است.

نویسنده‌ی کتاب هیچ‌گونه سابقه و تجربه‌ی تحقیق و پژوهش در زمینه‌ی دفاع مقدس ندارد. براساس مطالبی که در آغاز کتاب تحت عنوان "آشنایی با مؤلف" و "سایر تألیفات و آثار سرهنگ هیبت‌الله اسدی" آمده است، بیش‌ترین آثار وی درباره‌ی توپخانه با کارکرد مراکز آموزشی بوده است. همچنین حضور نداشتن وی در عملیات به منزله‌ی عنصری اثرگذار در رده‌ی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از اهمیت تاریخ‌نگاری کتاب کاسته است.

روش تحقیق

نویسنده در خصوص روش تحقیق خود در پیشگفتار کتاب آورده است:

"[...] برابر یک برنامه‌ی مدون‌شده کار خود را با جمع‌آوری مدارک آغاز کردم، خیلی زود دریافتم

کتاب ارتش در فاو به دو دلیل عمده فاقد اهمیت لازم می‌باشد:

۱. نداشتن چارچوب و ویژگی علمی (به دلایلی که در ادامه بیان خواهد شد).

۲. اطلاعات گردآوری شده و ادعاهای نویسنده نسبت به موضوع کتاب ناقص و مبهم است

کردن کتاب، از ادبیاتی متفاوت در نگارش آن بهره برده است." همچنین برای بهره‌گیری از دستاوردهای آموزشی این عملیات و طرح آن در کلاس‌های آموزش، فصلی را به این مبحث اختصاص داده است.

نویسنده روش تحقیق خود را توصیفی-تحلیلی عنوان کرده و ابزار این روش را، مصاحبه، اسناد و مدارک

اختصاصی اولیه و مشاهدات تجربی محقق دانسته است.

محقق کتاب، مشاهدات میدانی از عملیات والفجر ۸ ندارد. گردآوری اطلاعات و داده‌های کتاب به طور عمده براساس مصاحبه با افراد حاضر یا دخیل در عملیات والفجر ۸ (البته با جامعه‌ی آماری نامشخص) و تعداد اندکی از اسناد، مدارک و منابع کتابخانه‌یی انجام گرفته است. بنابراین، شیوه‌ی ارجاع اطلاعات در این روش تحقیق تا حدودی،

مکتوب رسمی برای اثبات ادعاهای خود استفاده نکرده است.

فصل دوم کتاب در بردارنده‌ی موضوع اصلی تحقیق و شامل ۳ بخش است: در بخش اول به اقدامات نیروی زمینی در طول عملیات پرداخته شده است؛ بیش‌تر منابع این بخش، اسناد می‌باشد، در مجموع از ۲۰ سند، در این بخش استفاده شده که تاریخ صدور ۱۳ سند در روزهای ۲۰ تا ۲۵ بهمن ۱۳۶۴ و ۶ سند دیگر هم در روزهای ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۲۰، ۲۷ و ۲۸ اسفند ۱۳۶۴ و ۵ فروردین ۱۳۶۵ صادر شده‌اند.

موضوع اسناد، تغییر نام قرارگاه، اعلام ساعت تک ل ۲۱ در نهر خین و اعلام آخرین وضعیت و توصیه‌های عملیاتی، اعلام تک دشمن به ل ۹۲، پشتیبانی لجستیکی، واگذاری مهمات و... است. مزید بر این، اسناد گویاسازی و پردازش نشده است و از نظر کمی و کیفی، مدعای نویسنده را مبنی بر نقش و حضور بی‌بدیل ارتش در طراحی، اجرا و پشتیبانی عملیات اثبات نمی‌کند؛ در صفحه‌ی نخست فصل دوم (صفحات ۳۴، ۳۵) آمده است:

"نکته‌ی قابل ذکر، نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران در این عملیات می‌باشد که در مدارک منتشرشده، کم‌رنگ و در بعضی اسناد بی‌رنگ گردیده است و این در حالی است که اگر با دید تحلیلی و منطقی از نقطه‌ی آغاز تا پایان و از جنبه‌های مختلف به این عملیات بنگریم، بدون تردید روشن می‌گردد به راستی اگر از توان ارتش در طرح‌ریزی، اجرا و پشتیبانی بهره برده نمی‌شد، این مهم، نه ممکن و نه موفقیت‌مورد نظر کسب می‌گردید."

در خصوص طرح‌ریزی عملیات هیچ سندی ارائه نشده و اسناد درج شده درباره‌ی اجرای عملیات هم به منطقه‌ی عملیاتی نهر خین در منطقه‌ی عمومی شلمچه مربوط است. در پشتیبانی عملیات هم در قیاس با یگان‌های درگیر در عملیات، وسعت منطقه‌ی عملیاتی، مدت زمان درگیری و ... تنها به

اصالت علمی دارد، زیرا به دو دلیل داده‌های تحقیق ماهیتی ثانویه و فرعی ندارند:

نخست این‌که اطلاعات خام و نگارش نشده است؛ علاوه بر این، افرادی که با آن‌ها مصاحبه شده در محل وقوع حادثه به طور مستقیم حاضر بوده‌اند. با این همه به نظر می‌رسد، تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری‌شده در این تحقیق متأثر از منافع، مصالح و جایگاه افراد مصاحبه‌شونده بوده؛ محقق جانبدارانه پژوهش کرده است.

عامل اصلی ضعف تحقیق را - که خود نویسنده هم در پیشگفتار کتاب به آن اذعان کرده است - می‌توان مربوط به ماهیت تحقیق دانست زیرا این پژوهش در ابتدا از نوع مطالعه‌ی موردی با عنوان "نقش توپخانه‌ی ارتش در فاو" بوده است، اما متأسفانه از آن‌جا که نویسنده با طراحی و اجرای عملیات والفجر ۸ به طور کامل آشنایی نداشته است، در تحقیق خود از یک سطح مقیاس بسیار خرد به یک سطح از موضوع بسیار کلان تغییر جهت داده و همین امر تأثیری منفی بر سطح کیفی و علمی

کتاب گذارده است.

استفاده از منابع

فصل اول کتاب با عنوان "طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸" با استفاده از منابع کتابخانه‌یی تدوین شده است. هیچ یک از کتاب‌های استفاده شده در این فصل، به طور اختصاصی به عملیات والفجر ۸ نپرداخته‌اند بلکه تنها در بخش یا صفحات محدودی از آن‌ها به شکل گذرا به این عملیات اشاره شده است. نویسنده در این فصل حتی از یک برگ سند

نگارنده در بخش سخنی با خوانندگان، هدف خود را چنین بیان کرده است: «ارتقاء فرهنگ سازمانی، نگاه آموزشی داشتن و نمایاندن هم‌کاران خود و احترام به پیشکسوتان»

فصل سوم کتاب در خصوص دستاوردهای آموزشی است. نویسنده در پایان کلیات این فصل (صفحه ۱۸۳) می‌نویسد:

"با گذشت زمان که اطلاعات کهنه و سوخته می‌شوند، لازم است در هر مورد از امور جنگ به طور تخصصی توانایی و ناکارآمدی‌ها شناسایی و در بی‌اثر کردن ضعف‌ها و ارتقاء سطح کیفی و توانایی‌ها، اقدام شایسته و جدی به عمل آید. [...]

در پس این نتیجه‌گیری با بر شمردن نکات مثبت و منفی به تحلیل آموزش شرکت یگان‌های توپخانه در عملیات والفجر ۸ می‌پردازیم."

نویسنده در این فصل تنها به مصاحبه با چندتن از خدمه‌های توپ و فرماندهان آتشبار

و گردان‌های توپخانه‌ی یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی و استفاده از پایان‌نامه‌ی سرهنگ پاسدار نوشادی و برداشت‌ها و تحلیل‌های شخصی و غیر مستند بسنده کرده و برای اساس به بیان نکات مثبت و منفی عملیات والفجر ۸ پرداخته است. در این قسمت هم روش مصاحبه نامشخص و جامعه‌ی آماری نامعلوم می‌باشد.

محقق کتاب، مشاهدات میدانی از عملیات والفجر ۸ ندارد

در ادامه نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها و برداشت‌های نویسنده آمده است:

"از ستوان دوم عبدالله فرزانه جمعی گردان ۳۷۶ توپخانه که در عملیات والفجر ۸ به عنوان رئیس توپ ۱۲۲ م.م. کاتیوشا خدمت می‌کرده است، پرسیدم چند سال است رئیس توپ هستید؟

گفت: ۱۷ سال است رئیس توپ کاتیوشا می‌باشم.

سوال: می‌توانید حدس بزنید چند موشک

چند برگ سند که ارتباط مستقیم با متن عملیات ندارد، ارجاع داده شده است. نویسنده در تحلیل و نتیجه‌گیری از موضوعات مطرح شده از اسناد متقن و معتبر بهره نبرده است.

در پایان بخش اول، در فصل اول، به عملکرد هوانیروز با اتکاء به مصاحبه با خلبانان پرداخته شده است. در این قسمت هم چندین اشکال وجود دارد از جمله: مصاحبه‌ها روشمند و علمی نیست؛ پرسش‌ها هر یک مجزا از دیگری می‌باشد؛ اطلاعات این بخش به سندی ارجاع داده نشده و جدول‌ها و نکاتی که بیان می‌شود فقط متکی به حافظه‌ی خلبانان (آن هم به شکل پراکنده) است و افزون بر این موارد روش آزمون هم بیان نشده است.

نویسنده، بخش دوم فصل دوم را به نیروی هوایی ارتش در عملیات والفجر ۸ اختصاص داده و در آغاز این بخش می‌نویسد:

"با وجود این که در مدت ۱۸ ماه که مسئولیت تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات در این خصوص داشتم، بارها به مراجع ذیصلاح در ستاد نیروی هوایی و اداره‌ی سوم ستاد مشترک مراجعه نمودم، اما نتوانستم حتی یک برگ سند رسمی در مورد فعالیت نه‌اجا در عملیات والفجر ۸ را به دست آورم."

نویسنده در این بخش از تحقیق به مصاحبه و چند مورد ارجاع به کتاب‌های غیر تخصصی درباره‌ی عملیات والفجر ۸ بسنده کرده است. او خود در صفحه‌ی ۱۴۷ کتاب آورده است:

"پیشاپیش اعتراف می‌کنم این نوشتار نه این که بیان‌کننده‌ی آنچه این نیرو انجام داده است، نیست، بلکه به یقین اشاره‌ی بسیار جزئی، سطحی و غیر تخصصی به آنچه انجام گرفته است، به شمار می‌آید."

در بخش سوم این فصل نقش نیروی دریایی ارتش در عملیات والفجر ۸ تنها در سه صفحه مورد بررسی قرار گرفته است، بی‌آن که اطلاعات ارائه شده به اسناد یا مدارکی ارجاع داده شده باشد.

تیراندازی کرده‌اید؟

پاسخ: خدا می‌داند، شاید ۱۵ هزار موشک که ۱۰ هزار آن را در همین عملیات فاو بود.

سوال: چرا در این عملیات زیاد تیراندازی کرده‌اید؟
خودم هم نمی‌دانم، ولی هر چه دیدبان درخواست می‌کرد، مجبور بودیم بزنیم. [...] (صفحه‌ی ۲۱۴ و ۲۱۵)

چنین گفت با دیده‌بان پهلوان

که بیداردل باش و روشن‌روان

بدو دیده‌بان گفت از هیچ روی

نبینم همین جنبش و جست و جوی. (فرودسی)

دیده‌بانی در یگان‌های توپ‌خانه چنان مهم

است که به عنوان چشم و

گوش معروف شده است. [...]

(صفحه‌ی ۲۱۱)

اگر چه در ایام جنگ، به

علت کمبود افسر وظیفه از

پرسنل وظیفه با حداقل مدرک

دیپلم استفاده گردید و این

پرسنل یک دوره‌ی آموزشی

۸ هفته‌یی در مرکز آموزش

توپ‌خانه را طی می‌کردند،

[...] با این وصف بعضی از

فرماندهان که از نزدیک با

مسائل توپ‌خانه درگیر بودند،

این میزان آموزش را کافی نمی‌دانند و گاه بی‌گاه از

وضعیت آموزش دیده‌بان‌ها اظهار نگرانی می‌کردند.

(صفحه‌ی ۲۱۲)

محتوای کتاب

بیش از دو دهه از پایان جنگ عراق علیه ایران

می‌گذرد، در این دوره اگرچه در برخی آثار

مکتوب، سخن‌رانی‌ها، نوشته‌ها، مقالات و... افراد

غیرکارشناس و غیر نظامی تحریفات یا تبلیغاتی را

درباره‌ی دوران دفاع مقدس عرضه کردند. اما سؤال

این است که چرا مهم‌ترین مرکز تحقیقاتی و پژوهشی ارتش جمهوری اسلامی (هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی)، در خصوص تاریخ‌نگاری دفاع مقدس اقدام به انتشار چنین کتابی می‌کند که در آن تحریفات تاریخی، برداشت‌های غلط و درکی ناقص و گمراه‌کننده از جنگ مطرح می‌شود.

مبنای هر تحقیقی در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری بر

منابع و روش استوار است. نویسنده‌ی کتاب ارتش

در فاو در تحقیقات خود، آن‌طور که باید به این

دو اصل مهم (منابع و روش) توجه نداشته است،

به همین دلیل این کتاب به لحاظ علمی انسجام

و اتقان متن فاقد ارزش نقد محتوایی می‌باشد. اما

چنانچه کتاب جدا از عنوان و موضوع تحقیق کتاب،

در نظر گرفته شود و تنها اطلاعات گردآوری شده و

درک نویسنده از موضوع مورد نقد و بررسی قرار

گیرد، موارد متعددی از اشکالات محتوایی را می‌توان

برشمرد که در این مقاله مجالی برای پرداختن به

همه‌ی آن‌ها نیست و تنها به چند مورد بسنده می‌شود:

۱. نویسنده‌ی کتاب در هیچ یک از فصول یا

بخش‌ها خواننده را با کلیاتی از عملیات والفجر ۸ که

ترکیبی است از جایگاه عملیات در استراتژی نظامی؛

موقعیت جغرافیایی منطقه؛ استعداد و ترکیب قوای

خودی و دشمن؛ طرح‌ریزی عملیات؛ طرح مانور؛

تشریح کلی اجرای عملیات؛ ارزیابی و نتایج عملیات

و... آشنا نمی‌کند و بنابراین ممکن است در ذهن

مخاطب متبادر شود که نویسنده اطلاعاتی از عملیات

ندارد. آیا لازم نبود نویسنده در فصل اول کتاب به

کلیاتی از آغاز تا پایان عملیات می‌پرداخت و سپس

نقش ارتش جمهوری اسلامی ایران را در دامنه‌ی

کلی عملیات ارزیابی و بررسی می‌کرد.

۲. بر کسی پوشیده نیست که در عملیات

گسترده‌ی والفجر ۸ - که شاهکار عملیات‌های نظامی

دوران هشت سال دفاع مقدس بوده است - همه‌ی

مراحل از آغاز طراحی تا آماده‌سازی، سازمان رزم،

عامل اصلی ضعف تحقیق را - که

خود نویسنده هم در پیشگفتار

کتاب به آن اذعان کرده است -

می‌توان مربوط به ماهیت تحقیق

دانست زیرا این پژوهش در ابتدا

از نوع مطالعه‌ی موردی با عنوان

"نقش توپ‌خانه‌ی ارتش در فاو"

بوده است

در متون ادبی یا اجتماعی به کار گرفته می‌روند- در آغاز یا پایان مباحث مطرح شده، سبب کاسته شدن از ارزش تحقیقاتی و پژوهشی متن کتاب شده است. ۵. نویسنده در نگاه اجمالی درباره بعضی عوامل مهم و تأثیرگذار در عملیات چنین نوشته است:

در ارزیابی توقف عملیات والفجر ۸ و یا به طور اساسی‌تر، توقف گاه و بی‌گاه در ادامه‌ی جنگ با توجه به عدم تغییر در سیاست کلی نظام و اراده‌ی سیاسی برای رسیدن به پیروزی قطعی، به یک نکته‌ی بسیار مهم و تعیین‌کننده برمی‌خوریم و آن تغییر در روش و شیوه‌ی جنگیدن است، لذا ملاحظه می‌شود در

هیجده ماه بعد، همین طرح با دو فرماندهی (سپاه و ارتش) به اجرا درآمد. این رخداد در شرایطی است که اگر نگوئیم امکانات کاستی یافته بود، به طور یقین چیزی اضافه نشده بود. بررسی دقیق روش‌های به کار گرفته شده برای ادامه‌ی جنگ، علل افت و خیزها و فرود و فرازهای دوران جنگ را نمایان می‌کند. اما قبل از هر چیزی با یاری جستن از گنجینه‌ی گلستان استاد

سخن سعدی، زمینه‌ی مناسبی برای پی‌گیری تحلیل‌های شاید ملال‌آور را فراهم می‌نماییم.

کس خوش‌تر از خویشان داری نیست
که با خوب و زشتش کس کار نیست

تو را دیده در سر نهادند و گوش
دهان جای گفتار و دل جای هوش

مگر باز دانی نشیب از فراز

نگویی که این کوتاه است؛ آن دراز (صفحه ۸)

۶. «گرچه یک کار تحقیقی از اثربخشی گلوله‌های

توپ‌خانه به عمل نیامده است، اما نقل قول‌های

فرماندهی و ... به طور کامل با همت و تلاش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شده است و تنها در بخشی از فعالیت‌های پشتیبانی از نیروهای هوایی (پدافند و یگان هوایی) و دریایی و یگان‌های توپ‌خانه و هوانیروز نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی به سپاه پاسداران کمک کرده‌اند؛ که این مهم در کتاب لحاظ نشده است.

گواه این امر ده‌ها هزار برگ سند نظامی و غیر نظامی است، اعم از اسناد مکتوب که شامل طرح مانور عملیات، دستورات عملیاتی، گزارش‌های نوبه‌یی، نوار جلسات قرارگاه‌ها و لشکرها، دفاتر و گزارش‌های راویان حاضر در قرارگاه‌ها و یگان‌های عملیاتی در عملیات، کالک‌های عملیاتی، بولتن‌های محرمانه، نشریات و ... که در مراکز نظامی و غیر نظامی موجود است و تنها لیست بخشی از این اسناد که در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس موجودند در پیوست مقاله آمده است.

۳. نویسنده از دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های گوناگون در سطوح نظامی درباره‌ی نقش ارتش در عملیات والفجر ۸ استفاده نکرده است. عملیات والفجر ۸ تحت فرماندهی و سازمان رزم سپاه انجام شده است و همان‌گونه که گذشت یگان‌های ارتش اعم از نیروی زمینی، هوایی و دریایی تحت امر فرماندهی قرارگاه‌های سپاه پاسداران مأموریت پشتیبانی را انجام داده‌اند، بنابراین می‌بایست نقش ارتش در عملیات والفجر ۸ در اسناد و مدارک سپاه پاسداران و همچنین دیدگاه‌های فرماندهان اصلی سپاه در عملیات یعنی سرداران رضایی، شمخانی، صفوی، رشید، غلامپور، علایی، محتاج و... مورد بررسی قرار می‌گرفت. هر چند نویسنده از مصاحبه با فرماندهان اصلی ارتش در این عملیات همچون امیران حسینی، سعدی، سلیمان‌جاده، جمالی، عبادت، جلالی، موسوی، انصاری و... هم دریغ کرده است.

۴. به کارگیری شعر، تمثیل و نظایر آن- که معمولاً

نویسنده از دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های
گوناگون در سطوح نظامی
درباره‌ی نقش ارتش در عملیات
الفجر ۸ استفاده نکرده است

اینک بعد از گذشت سال‌ها این تجربه فراروی ماست که:

الف) تجربه‌ی به کارگیری دو نیرو به طور مشترک با فرماندهی مستقل و با نادیده گرفتن اصل وحدت فرماندهی، گرچه در مقاطعی، جواب مثبت داده است، ولی تجربه‌ی موفق نبوده است و در درازمدت، شکننده غیر قابل اعتماد و اختلاف‌برانگیز است و نیازمند یک هیئت حل اختلاف در شرایط ویژه و در هر رده‌ی فرماندهی می‌باشد. این نوع مدیریت در فضای بحرانی جنگ - که لحظه‌ها در تصمیم‌گیری سرنوشت‌ساز هستند - کاربرد مناسبی ندارد.

ب) با توجه به این که اقدام فوق در یک جنگ طولانی و در شرایطی انقلابی به وسیله‌ی نیروهای مؤمن، فداکار، مسئولین دلسوز و خیرخواه و با رهبری امام خمینی (ره) به کار گرفته شد و موفقیت‌ها به دلیل این ویژگی‌ها بود، اما در عمل و در درازمدت، با مشکلات و در نهایت ناهماهنگی و تنش‌های فراوانی رو به رو گردید و آسیب‌هایی به بار آورد.

ج) گرچه ممکن است افکار سیاسی مانع انتخاب راه‌کارهای مناسب در شیوه‌ی مدیریت دفاعی کشور شود، اما نباید فراموش کرد که تضمین امنیت پایدار برای کشور از هر باور و گمانی مقدم‌تر است. والتر لیپمن **Wollterlipman** نویسنده و محقق آمریکایی می‌گوید: "یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ، بتواند ارزش‌های ملی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ بتواند آن را پیش ببرد. امنیت ملی عاملی برای حفظ ارزش‌های ملی یک کشور است." (صفحه ۲۰-۱۹)

۱۱. نویسنده در موارد متعددی به موضوعات بی ارتباط و همچنین به تعاریف مفاهیم نظامی در تشریح مسائل پرداخته است، به طور مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد: اصل وحدت فرماندهی (صفحه ۸)،

عوامل دست‌اندرکار به ویژه اسرای جنگی دشمن، نویدبخش است.» (صفحه ۹۷)

۷. «برابر آمارهای منتشر شده از سوی سپاه پاسداران، در عملیات والفجر ۸ بیش از ۶۰۰ دستگاه تانک و نفربر زرهی منهدم گردیده است که حاصل تلاش رصدهای موشک‌انداز ضدزره بوده است.» مشخص نیست که نویسنده با چه مدرک و چه تحقیقاتی به این نتیجه رسیده است؟! (صفحه ۷۹)

۸. «گرچه برای کسب اطلاعات در خصوص چگونگی شرکت یگان‌های پل در عملیات والفجر ۸ تلاش زیادی گردید، اما به جز نامه‌ی شماره ۳۰۰۱/۱۸/۸۱/۷۸۱۱-۱۳۶۴/۱۱/۲۴ قرارگاه عملیات جنوب مدارک دیگری به دست نیامد.» (صفحه ۷۹)

۹. «ارتش جمهوری اسلامی ایران به ویژه نیروی زمینی همیشه به دو طریق فرهنگی و نظامی در جنگ ظاهر می‌گردید.» (صفحه ۳۶)

۱۰. "در مواردی حتی برای انتخاب فرمانده مناسب، برای یگان‌های تشکیل‌شده

و مهیا کردن سلاح‌های سنگین پیاده با مشکل رو به رو می‌شدند و نیاز به پشتیبانی جدی بود، در مجموع عدم برخورداری از سلاح‌های سنگین پیاده، سلاح‌های زرهی، توپ‌خانه، پشتیبانی هوایی، مراکز آموزشی جهت ارائه‌ی آموزش‌های مناسب، محدود بودن مدت خدمت نیروهای بسیج، جوان بودن، عدم استحکام بنیان‌های انضباطی، عدم آگاهی و باور به رعایت اصول جنگ و روش‌های کلاسیک مورد قبول ارتش‌ها در سطح جهان را می‌توان به عنوان مشکلات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اجرای عملیات به طور مستقل مورد نظر قرار داد." (صفحه ۲۵)

به کارگیری شعر، تمثیل و نظایر آن - که معمولاً در متون ادبی یا اجتماعی به کار می‌روند - در آغاز یا پایان مباحث مطرح شده، سبب کاسته شدن از ارزش تحقیقاتی و پژوهشی متن کتاب شده است

۵. وضعیت سپاه پاسداران

۶. نتیجه

۶. نحوه‌ی ارجاع نویسنده در پانوشته‌ها علاوه بر یکسان نبودن، عمدتاً اشتباه است: «ناگفته‌های جنگ صیادشیرازی؛ ص ۳۳۲، ص ۲۹؛ درودیان محمود؛ جنگ بازیابی ثبات، ص ۱۰۴۷، (ص ۹۸)؛ از خرمشهر تا فاو ص ۲۰۷، (ص ۹۸)؛ اسدی؛ هیبت‌الله، نشریه‌ی ضد آتش، ص ۹۷؛ (ص ۲۰۹) و نوار مصاحبه شماره ۱۱، (ص ۱۶۱).

۷. متن کتاب ویراستاری نشده است و از نظر ویرایشی و تایپی اشتباهات فراوانی دارد.

۸. عنوان کتاب با موضوع تحقیق هم‌خوانی ندارد.

زبان و سبک

مؤلف در پیشگفتار کتاب ذکر کرده است که با استفاده از ادبیات‌سی متفاوت و آوردن نشانه‌های جذاب، فضای مناسبی برای خوانندگان ایجاد کرده است تا خواننده با اشتیاق مطالب را پی‌گیری کند.

متن کتاب از نظر زبانی

یکنواخت نیست. در نقل قول‌های مستقیم از فرماندهان، زبان گفتار از نوع عامیانه و در تحلیل اطلاعات از زبان نوشتار و رسمی استفاده شده و در مجموع زبان کتاب، ترکیبی از عامیانه و رسمی است، حال آن‌که کتاب‌های علمی از نوع تاریخی و پژوهشی، باید به زبان علمی و رسمی در قالب گزارش نوشته شوند.

نمونه‌هایی از متن کتاب چنین است:

"نقش با ارزش توپ‌خانه به عنوان مشیت فرمانده همیشه مورد اقبال آشنایان به امور نظامی بوده و

جدول نیروهای سه‌گانه‌ی ارتش (صفحه ۱۸)، یگان‌های توپ‌خانه‌ی صحرایی (صفحه ۹۷)، اهمیت پدافند (صفحه ۴۱)، دیدبانی (صفحه ۲۱۱)، آتش‌بار (صفحه ۲۰۴)، پوشش تاکتیکی (صفحه ۴۴) و نقش ارتش در جنگ (صفحه ۳۶).

ساختاری

در بررسی ساختار ظاهری کتاب می‌توان به این نکات اشاره کرد:

۱. فصول کتاب نامنسجم، ناپیوسته و پراکنده است؛ فصل اول درباره‌ی طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸ است و سپس فصل دوم به نقش ارتش و فصل سوم به دستاوردهای آموزشی توپ‌خانه می‌پردازد. ۲. انتخاب عناوین در برخی موارد غلط و در برخی دیگر نامربوط به مطالب می‌باشد. برای مثال می‌توان به ابعاد نظامی شرکت نیروی زمینی ارتش (صفحه ۳۸)، ادغام نیروها (صفحه ۲)، شرکت در طراحی (صفحه ۱۳۹) و حذف رسد دیدبانی (صفحه ۲۱۱) اشاره کرد.

۳. کتاب تنها در فصل دوم بخش‌بندی شده است و در فصل اول و سوم موضوعات با تیتیر تفکیک شده‌اند. ۴. فصول کتاب فاقد مقدمه هستند و تنها متنی هم که در آغاز فصل اول نوشته شده است ربطی به مطالب این فصل ندارد.

۵. عناوین داخل فصل هم همانند فصول کتاب نامنسجم، پراکنده و ناپیوسته می‌باشد. برای مثال:

فصل یکم: طرح اولیه‌ی عملیات والفجر ۸
مقدمه، نگاهی اجمالی به بعضی از عوامل مهم تأثیرگذار در عملیات‌ها
۱. اصل وحدت فرماندهی

۲. ادغام نیروها

۳. جدایی نیروها

۴. وضعیت ارتش

نویسنده در صفحه ۳۶ کتاب

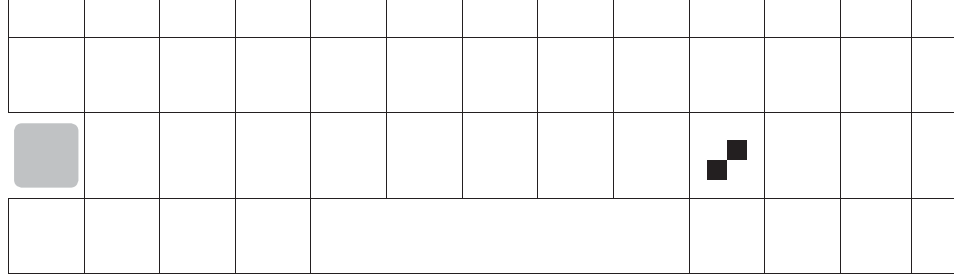
ارتش را اینگونه تعریف می‌کند:

«ارتش جمهوری اسلامی ایران به

ویژه نیروی زمینی همیشه به دو

طریق فرهنگی و نظامی در جنگ

ظاهر می‌گردید.»



کم‌تری می‌دیدند." (صفحه ۹۵)

"نزاجا بی‌درنگ با توجه به رسالت خود، برای فراهم کردن مداومت پشتیبانی آتش از عملیات غرورآفرین والفجر ۸ و بازیابی روحیه پرسنل در حد امکان و حفظ آمادگی رزمی یگان‌های توپ‌خانه و پایین آوردن سطح تعمیرات از طریق قرارگاه عملیاتی جنوب اقدام به صدور دستورالعمل شماره ۱۹/۴۵۵-

۱۳۶۴/۱۲/۲۸ برای تعویض هشت گردان توپ‌خانه در کنترل عملیاتی سپاه پاسداران قرار داد." (صفحه ۱۰۷) "ارتش جمهوری اسلامی ایران به ویژه نیروی زمینی همیشه به دو طریق فرهنگی و نظامی در جنگ ظاهر می‌گردید. بخش فرهنگی که با اثرگذاری عمیق حماسی و آرمانی در روح و فکر فرزندان پاکباز و فداکار این مرز و بوم همراه است، برای همیشه تاریخ در روشنگری نسل‌های آینده ماندگار می‌ماند، تغییر معانی آرمانی واژگان مرگ و زندگی، گذشت و ایشار، حمیت و هم‌کاری، مردی و مردانگی و در نهایت دین و دین‌داری از جمله دستاوردهای فرهنگی به جا مانده از جبهه و جنگ است که به وسیله رزمندگان به وقوع پیوسته است نقل گاه و بی‌گاه آنان در کنار فعالیت‌های نظامی و اقدامات فیزیکی لازم و ضروری می‌نماید." (صفحه ۳۶)

"در شرایطی که احتمال حملات گسترده‌ی شیمیایی وجود داشت، نزاجا در یک اقدام غیر منتظره و با قبول خطر فراوان دست به جمع‌آوری ۳۵۰۰۰ دستگاه ماسک ضد گاز از سطح یگان‌های مستقر در خطوط پدافندی زد و به طور غیر معمول ۳۵۰۰۰ نفر از عزیزترین فرزندان میهن اسلامی در مقابل دشمن بریده از تمام قراردادهای انسانی، را به یک ایثار بزرگ دست زدند تا بدین وسیله هیچ حرف و حدیثی در عزم راسخ پشتیبانی بی‌دریغ ارتش از سپاه در عملیات فاو ایجاد نشده و وحدت و هم‌دلی و دفاع از برادر هم‌رزم باز هم به منصفی ظهور عینی برسد." (صفحه ۸۳)

هست، در فراز و فرود جنگ ناخواسته چه بسیار فرماندهان یگان‌های پیاده و زرهی خط مقدم به بیان این که با شنیدن صدای شلیک توپ‌خانه آرامش یافته‌اند پروا نداشته و ندارند، این فرماندهان از وجود توپ‌خانه‌های همیشه بیدار ارتش جمهوری اسلامی ایران در سخت‌ترین شرایط احساس امنیت می‌کرده‌اند." (صفحه ۹۷)

پیش دیوار آن‌چه گویی هوش‌دار

تا نباشد در پس دیوار گوش

در سخن با دوستان آهسته باش

تا ندارد دشمن خون‌خوار گوش

عدم رعایت اصول حفاظتی و بازگو کردن اطلاعات مربوط به جبهه و جنگ در سطح جامعه را می‌توان به عنوان یک نکته‌ی تاریک و عادت ناپسند برای رزمندگان یاد کرد که به دلیل عدم آموزش کافی و یا در پاره‌یی موارد با تفکر نادرست مردمی بودن جنگ، انجام می‌گرفت که از این بابت آسیب‌های مادی و معنوی بسیار را متحمل شدیم."

"گزاره‌ی ناخوشایند: آگاه شدن بقال سرک‌وچه از عملیات‌ها قبل از پرسنل درگیر در عملیات" که بر سر زبان‌ها بود." (صفحه ۱۹۳)

"گرچه نزاجا آن‌چنان استعدادی از جنگ‌افزارهای هوایی در اختیار ندارد که بتواند در طرح پدافندی منطقه‌یی شرکت کند، اما آمارهای موجود نشان می‌دهد که درصد بالایی از جنگ‌افزارهای خود را در ایام جنگ در پدافند از مناطق حساس و حیاتی کشور در شهرها و اطراف شهرها به کار گرفته است و همین مسئله در بیش‌تر موارد پدافند از یگان‌های در خط را به طور جدی با مشکل روبه‌رو می‌کرد. شاید اگر ترتیبی اندیشیده می‌شد که برابر مأموریت نیروی زمینی از سلاح‌های پدافند هوایی استفاده می‌گردید، یگان‌های رزمی با آرامش خاطر بیش‌تری به اجرای مأموریت می‌پرداختند و تلفات و ضایعات

فهرست بخشی از اسناد عملیات والفجر ۸

ردیف	بکان یا قرارگاه	نوار صوتی	دفترچه راوی	گزارش عملیات	عکس	کالک	فیض	اسامی راویان
۱	قرارگاه خاتم	۸۶۶	۴۶	۲۸	-	۲۹	۲۴۸۹	حسین اردستانی، محمد درودیان، داود رنجبر، محسن رخصت طلب، محسن رشید، جواد زمانزاده
۲	قرارگاه مهندسی خاتم	۱۲	۱	۱	-	-	-	ابوالفضل موسوی
۳	قرارگاه سلیمان خاطر	۴	۱	-	-	-	-	ناصر احسانی
۴	قرارگاه کربلا	۲۴۷	۳	۱	-	۶۶	۸۳۶	مجید مختاری
۵	قرارگاه نجف	۱۴۹	۳	۱	-	۱۷	۴۳۴	شهید علی فتحی
۶	قرارگاه نوح	۱۸۲	۷	۱	-	۷	۳۰۳	الیاس حضرتی
۷	لشکر ۱۴ امام حسین (ع)	۱۹	۲	۱	-	۱۱	۳۲۲	محسن رخصت طلب
۸	لشکر ۴۱ ثارالله	۷۳	۲	۱	-	۹	۱۶۵	حمیدرضا فراهانی
۹	لشکر ۳۱ عاشورا	۶۶	۱	۱	-	۳	۲۵	محمد الیهاری
۱۰	لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب	۴۳	۲	۱	-	۱۹	۱۹۵	اسدالله احمدی
۱۱	لشکر ۱۹ فجر	۷۴	۴	۱	-	۲۰	۱۳۱	محمد ساجدی
۱۲	لشکر ۲۵ کربلا	۶۴	۴	۱	-	۳	۲۲۰	داود رنجبر
۱۳	لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)	۵۷	۲	۱	-	۵	۵	علی مزدهی
۱۴	لشکر ۵ نصر	۹۴	۲	۱	-	۱۶	۲۸۰	مجید نداف و احمد نیکروش
۱۵	لشکر ۸ نجف	۲۶	۲	۱	-	۳	۸۵	مهدی انصاری
۱۶	لشکر ۷ ولی عصر (عج)	۵۵	۳	۱	-	۱۷	۳۱	محسن درویشی
۱۷	تیپ ۳۳ المهدی	۴۳	۱	۱	-	۱۵	۱۵۹	محمد سمیعزاده
۱۸	تیپ ۲۱ امام رضا (ع)	۵۸	۱	۱	-	۶	۱۳۹	شهید محمدرضا ملکی
۱۹	تیپ ۱۸ الغدير	۴۰	۱	۱	-	۱۷	۱۱۵	شهید حسین الله داد
۲۰	تیپ ۱۰ سیدالشهدا	۷۰	۱	۱	-	۳۴	۵۵	داود ریاحی
۲۱	تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم	۳۱	۱	۱	-	۷	۷۶	سید محمد فاطمی
۲۲	ناو تیپ کوثر	۴۰	۱	۱	-	-	۶۰	محسن مهدوی نژاد
جمع		۲۳۱۳	۹۱	۴۸	۱۹۶۰	۳۰۴	۶۱۲۵	-

آماري که در این فهرست آمده تنها شامل منابع اختصاصی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ از عملیات والفجر ۸ است که به همت راویان این مرکز تهیه شده است. علاوه بر این منابع، اسناد فراوان دیگری از این عملیات در بانک اطلاعات این مرکز نگهداری می شود که صادرکننده آن سایر سازمان های نظامی و غیرنظامی هستند.

												
				Abstracts								

4. Operation of Faw

Dr. Hossien Ardestani

Abstract:

Operation of Faw was largely different from the past [Iranian] operations. In Faw, the balance between Iran and Iraq disturbed and it was momentarily expected that the Iraqi Army to launch a new attack against the Iranian forces. On the other hand, the Iranian command who believed that the period after the operation will prolong, attempted to send the artillery and armor forces to the west of Arvandrud to intensify the friendly fire and offset the force shortage. Another important issue was the culture of reconstruction among the IRGC units that the commanders should revive their units as before only within 7 to 10 days and the forces can be left to rest. The IRGC commander-in-chief attempted to convince the commanders of divisions and brigades to reconstruct the units in the front and not to go to the rear areas. [Major General] Mohsen Rezaei had discussed these issues with the other IRGC commanders.



5. The Situation Analysis of the Enemy before Operation Valfajr 8

Mahdi Khodaverdi khan

Abstract:

The military elites believe that the most important action for the superiority over the enemy is to attack his strategy. In reality, this action disrupts the strategic basics of the enemy and it could be hoped that the enemy to lose the initiatives. Obviously, to realize this important objective, it must be obtained an accurate understanding and a deep perception of the enemy capabilities in terms of hardwares (such as the issues relating to the equipment and the battlefield, as well as the order and deployment of the forces) and also in regard to the softwares (such as the tactical thought and the development of the war policy of the enemy commanders). In this process, the behavioral analysis of the enemy, and particularly in the software field, is very important; because in accordance with such understanding of the enemy, a suitable and effective action can be planned against the enemy through anticipating his military thoughts and his tactical performance in the battlefield to pave the ground for actual surprising, deception and overcoming the enemy. This paper has been written within these two axes using the documents of the Holly Defense Research and Documentation Center.

3. The Strategic Road of Faw

Yahya Niyazi

Abstract:

After the victory of the Islamic combatants in the Operation Valfajr 8, the Iraqi Army sent the elite and prepared division of Republican Guard into the battle in the third day of the operation to recapture Faw peninsula from the Islamic combatants. In the third evening of the operation, the IRGC commanders found out the Saddam expedition and imposed one of the major defeat on the Republican Guard of Saddam through planning and implementing a preemptive and surprising attack. The extensive destruction of the Republican Guard division around the strategic road of Faw is one of the immanent battles of Holly Defense. There are three roads between Faw peninsula and Basra, one of which is the famous "Strategic Road". If there were not the Islamic combatants braveries in this road in the fourth evening of the Operation Valfajr 8 which defeated the Iraqi Republican Guard, perhaps the fate of the operation took place in a different way.

After the victory of the Islamic combatants in the Operation Valfajr 8, the Iraqi Army sent the elite and prepared division of Republican Guard into the battle in the third day of the operation to recapture Faw peninsula from the Islamic combatants. In the third evening of the operation, the IRGC commanders found out the Saddam expedition and imposed one of the major defeat on the Republican Guard of Saddam through planning and implementing a preemptive and surprising attack. The extensive destruction of the Republican Guard division around the strategic road of Faw is one of the immanent battles of Holly Defense. There are three roads between Faw peninsula and Basra, one of which is the famous "Strategic Road". If there were not the Islamic combatants braveries in this road in the fourth evening of the Operation Valfajr 8 which defeated the Iraqi Republican Guard, perhaps the fate of the operation took place in a different way.

This article is derived from book "The Strategic Road of Faw" and intends to trace the battle of the Islamic combatants against the Republican Guard division around the strategic road of Faw-Basra with a documented and succinct look. The focus point of the article is based on archive resources of the Holly Defense Research and Documentation Center, but the other sources such as books and magazines as well as the interviews with the commanders, the Ravian (narrators) and the combatants of this unique battle have also helped us to complete the discussion. The general framework and grounds of the discussion as well as the decision-making process, nature and performance of the IRGC units in destruction the Saddam Republican Guard division make the major sections of the article. Some of limitations and deficiencies of the writer for developing this article are as follow: novelty of the subject discussed in the article, lack of the similar works in the past, shortage of the field information, receding the informed people from the subject and ignoring some of the details, insufficiency of the related resource and etc. Dr. Hussein Ardestani has framed the main idea for the writer of the book "The Strategic Road of Faw".

Abstracts

Essays



1. Innovation

Dr. Hossien Ardestani

Abstract:

There is a triangle of the determinant strategic operations in Imposed War which consists of three operations: Beit-ol-Moqadas, Karbala 5, and Valfajr 8, the latter is the peak of managerial innovation, designing and planning of the commanders in the military and defense thought field derived from the Islamic Revolution. In this article, the above three functions have been discussed briefly. Furthermore, it has been discussed that the defeats and victories are relative issues. The defeats pave grounds to create an effective factor to affect the victories.



2. The very interesting untold stories from the decision-making sessions on the operations (Analysis of the manoeuvre plan for the Operation Valfajr 8)

Saeed Sarmadi

Abstract:

The commander-in-chief, authorities, and the commanders of headquarters of the IRGC Ground Forces believed that the implementation of Faw Operation with the limited possibilities and forces of that time would be impossible. So, they requested to have a session with Major General Mohsen Rezaei, then commander-in-chief of IRGC, to pose their point of views about the Operation Valfajr 8 and decide to launch or not to launch the operation.

First, Major General Rahim Safavi, then commander of IRGC Ground Forces, described his point of view about the Faw Operation and purposed the operation to be launched in the northwest region of the country.

Second, the then commander-in-chief of IRGC, Major General Mohsen Rezaei who reminisces this session as the bitterest one in his life replied the questions and attempted to convinced the attendances to launch the operation.

Third, Major General Gholamali Rashid, then deputy of commander of IRGC Ground Forces, described his point of views about the operation and proposed that a limited operation to be launched.

Fourth, General Abbas Mohtaj, then commander of Salman Headquarters, compared the weak points and strong points of limited operation and Faw Operation.

Finally, the IRGC commander-in-chief proposed three choices to be studied by IRGC Ground Forces and state its point of views on each of them.

Description of such explicit and challenging and also frankly and friendly atmosphere of the session as well as publishing the complete text of the conversations therein cause the people to be familiar to the decision-making and commanding process of this operation increasingly.

Contents

Articles

Designing and Planning in Operation Valfajr8 + Innovation

5

✍ Dr. Hossien Ardestani

Uncertainty and ambiguity about the Operation Valfajr8
(The IRGC Higher Commanders Meeting in November 1985)

19

✍ Corrected by:
Saeed Sarmadi

The Destruction of the Republican Guard on The Strategic Road of Faw

45

✍ Yahya Niyazi

A Period of War History in Operation Valfajr 8

71

✍ Dr. Hossien Ardestani

The Situation Analysis of the Enemy in Operation Valfajr8

83

✍ Mahdi Khodaverdi khan

Conferences

The Role of the 25th Special Division of Karbala in Operation Valfajr8

103

✍ Ehsan Hosseini Nasab

Documents

The Story of Operation Valfajr 8 in accordance with Documents

115

✍ Hassan Dorry

Book Review

Book of Martyr Mehdi Bakeri

131

Book of Martyr Hassan Baqeri

133

The lessons of modern war (Volume – 2)

134

Book Analysis and Study

The Army in Faw

137

✍ Zahra Haj Mohammadi



The Quarterly on Sacred Defence

NEGIN IRAN

Vol.10 □ No.39 □ Winter 2012

Publisher	IIRG's Sacred Defence Document Center
Executive Manager	Major General Mohammad Ali Jafari
Managing Editor	Dr. Hossein Ardestani
Editorial Board	Dr. Gholam Ali Rashid, Dr. Hossein Alaei, Dr. Mahmood Yazdanfam, Hamid Aslani
Internal Manager	Hassan Dorri
Page Setting	Seid Hadi Khavoshi
Publishing Supervisor	Mohammad Behrozi
Address	77/ Shahid Vahid Dastgerdi (Zafar) Alley, Shariati Alley, Tehran, Iran.
Email	neginiran@gmail.com
Tel	+98 21 - 22909522
Fax	+98 21 - 22909538
Price	15000 R